صحيفة المكتبة

مكتبة
الإمام أمير المؤمنين عليه السلام
العامة

النجف الأشرف، العراق



المؤسسة ١٣٧٣ هـ

العدد الاول

﴿ تبریك عید ﴾

با یکدنیامسرت ، عید بزرگ عالم انسانیّت ، عیدانقلاب علمی جهان ، عید نجات بشر از زندان مخوف جهل و خود پرستی یعنی عید سعیدمبعث خاتم أنبیاء محمّد مصطفی صلی الله علیه وآله را بعموم مسلمین جهان صمیمانه عرض تهنیت گفته ، سعادت وعظمت آنانرا درپرتو پیروی از تعالیم عالیه آنسرور از خداوند قادر متعال جداً مسئلت مینمائیم .

هیئت مدیرهٔ کتابخانه





بسم الله تعالی وله الحمد

﴿ هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و ﴾
﴿ یزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمة و ان کانوا من ﴾
﴿ قبل لفی ضلال مبین ﴾

لیاقت ذاتی واستعداد فطری بشر برای عروج بمعارج سامیه علم و کمال ، وصعود بمدارج عالیه فضائل خصال ، تنها ما به الامتیاز بین بشر و سایر انواع حیوانات است ، مسلم‌است که جعل این‌ودیعه ربانیّه واین روح ملکوتی در انسان عبث نبوده ، ومیبایستی حدّ اکثر از این موهبت عظمی استفاده ، و در برابر آن احساس مسؤلیت نمود ، و از اینجاست که اصل لزوم سعی‌و کوشش در راه علم ودانش ، وتحلیه بفضائل ملکات ، وتخلیه از رذائل صفات ، و اهتمام در تزکیه نفس ووصول بمقامات‌شامخه انسانیّت اصلی ثابت و مسلّم و غیر قابل تشکیك شناخته شده ، وعموم عقلای جهان قدیماً وحدیثاً بدان معتقدند و معترفند ، غرائز انسانی بنفسها دلیلند بر اینکه او یعنی انسان بایستی بکوشد تازلال حقیقت را از سرچشمه حیات ابدیّت بنوشد ، بکوشد تا از معادن و دفائن گرانبهائی که دست فیاض بیچون در زمینه قابلیّت اوبودیعت نهاده بهره برداری کند ، بکوشد تااسرار مرموزی را که قدرت لا یزال حقّ درکارگاه هستی او نهفته است کشف و این وظیفه خطیر و مأموریت تاریخی را باشرافت و کرامت بانجام رساند ، روی همین اصل است که یك جنبش مرموزی بسوی ترقّی وتکامل در مقابل این ندای وجدانی در تمام ادوارتاریخ در زندگی بشرمشهودبوده ، وخواه ناخواه اورا به پرش وجهش‌بسوی مقام بهتر وبالاتری وادار میساخته است .

ولی از آنجائیکه بشر احاطه بعوامل صلاح وفساد را جدّاً فاقد ، وباسرار قوانین

طبیعی جهان واقف نیست ، وطرق صلاح وفساد در شرائط مختلفه زمانی ومکانی و مزاجی و غیرها ممکن است مختلف شود ، و باعدم احاطه اش غالباً قدرت تشخیص آنرا ندارد ، وچه بسا بایك خطا و اشتباه سعادت ابدیه خودرا نابود و منهدم کند ، لذا خداوند علیم و حکیم ، خداوند قادر متعال ، خدای جهان آفرین که رموز واسرار عوالم طبیعت وغوامض قوانین عالم خلقت جزئی از أثر علم وقدرت اوست ، وعلم وقدرتش برهمه‌جا و همه چیز و همه کس احاطه داشته ، وبر هر پیدا ونهانی نیك واقف است ـ والله یعلم ما یخلق ـ از راه لطف ومرحمت مجموعه قوانینی که متکفل حفظ جمیع سعادات ، ومبین کلیه مهلکات و منجیات اوست بنام دین بتوسط فرد بسیار برجسته و وارسته ای که نبیّش گویند بجامعه بشریّت میفرستد ، تا در راه مقدسی که در پیش دارد دست او را بگیرد ، و بدون هر گونه خطرش بسر منزل مقصود برساند ، دین غرائز عالیه انسانی را کمك و هدایت نموده تا بهدف نهائی خود نائل گرداند ، دین بمنزلهٔ ترمزی است که غرائز حیوانی و بهیمی را کنترول نموده ، و از وقوع درخطر وضررمحافظت ، وطریق بهره برداری‌منطقی و صحیح از آنها را بانسان می آموزد ، دین با هر دیو و دَد مهاجمی مبارزه نموده و ضمناً و ظائف عالیهٔ انسانی شخصی را درهر موقعیّت باریك و حیرت زائی بخوبی روشن میسازد .

بهر حال آورنده این قوانین را نبی گویند که اوّل آنها آدم‌ابوالبشر وآخرآنها پیغمبر ما خاتم الانبیاء والمرسلین حضرت محمّد بن عبد الله صلی الله علیه وآله است .وچون‌هر پیغمبری فقط با دسته ای‌از مردم در تماس بوده و سایرین را دسترسی‌باو نبوده است ، وتنهاوسیله‌ای که میتواند این مشکله را حل کند فقط کتاب است ، از این جهت عموماً با کتاب سر و کار داشته و احکام و دستورات شفاهی را نیزامر به ثبت وضبط و حفظ وجمع آوری وابلاغ مینموده اند ، تابدینوسیله ثمرات بعثت وهدایت آنان برای نزدیك و دور وغیبت‌وحضور عموماً یکسان باشد ، حتی آن دسته از انبیائی هم که مبعوث با کتاب نبوده اند بازبا کتب انبیاء قبل از خود سروکار داشته ، وروش پرورش آنان جز آنچه گفتیم نبوده است ، پس دعوت انبیاء و ارشاد بشر همیشه باثبت وضبط و تعلیم کتاب توأم بوده ، چنانکه درآیه

مبارک که سابق الذکر و نظائر آن می بینیم خداوند عزوجل بعثت سیّد انبیاء و ارائه و ابلاغ آیات بینات و تزکیه نفوس بشری و تصفیه آنها از رذائل و تعلیم کتاب وحکمت و بیان حلال وحرام همه را درهم آمیخته ، وتعلیم کتاب خود را یکی از وظائف مقدسه مقام رسالت بحساب آورده است .

بلی کتاب بمنزله‌شریان‌اجتماع است که از مجرای آن مهمترین مواد حیاتی‌یعنی علم و دانش و کمال در اقصی نقاط عالم بعموم افراد بشر میرسد ، چنانکه از مجرای شریانها غذا وهوای لازم تمام سلولهای زنده بدن تأمین میگردد .

کتاب یکی از عالیترین غذای روح ، و شفا بخش ترین دوای امراض معنوی انسانیّت .

کتاب بهترین و مفیدترین مونس حضر و بی آزار ترین و شفیق ترین رفیق سفر در تمامی حالات وساعات میباشد .

کتاب نتایج عالیه یکعمر تجربیات سلف و نتیجه صرف‌سرمایه‌های هنگفت آنان را در کاوشهای علمی بلا عوض در اختیار ما میگذارد .

کتاب محصول گرانبهای یکدهر زحمات و تحقیقات ارباب فضل‌و کمال و علماء ورجال و فلاسفه وحکماء و نوابغ جهانرا برایگان به نسلهای بعدی منتقل نموده‌واراضی قلوب قابله را از ماء الحیوة حقیقی مشروب ساخته و عمر أبدی میبخشد .

کتاب نفیسترین میراث نیاکان بزرگ بشر است که برای بهره برداری و استفاده فرزندان بیادگار گذارده اند .

کتاب بهترین وساده ترین وسیله تبادل نظر در حل مشکلات و عالیترین و اساسیترین وسیلهٔ ارتباط بین نژاد ها ونسلهاست .

کتاب مکتب فضیلتی است که در هر زمان و مکان درهای مقدس آن بروی همه کس باز است .

کتاب مربّی کاملی است که باآغوش باز بدون توقع و طمع همیشه آماده خدمت است وانسان را به سر منزل سعادت می رساند .

کتاب جوامع بشری را بمقام واقعی انسانی خود سوق داده و سعادات آنانرا تضمین میکند.

کتاب به پست ترین افراد بشر فرصت میدهد که بامغز کاملترین و شریفترین افراد تماس گرفته وبدون هر گونه تشریفات از آنان استفاده کند.

کتاب نردبان مطمئن وبلندی است که انسانرا بقلل شامخه جلال و کمال وجبروت فضائل و کرامات میرساند.

کتاب روابط بین خلق و خالق مهربان را استوار نموده ، و انسانرا بوظائف لازم الاجراء خود آشنا ساخته و علاقه و محبّت نسبت بخدا را محکم وبارور میسازد.

کتاب اسرار شکستها و پیروزیهای گذشتگانرا در برابر چشم خواننده مجسم و رموز کامیابی وموفقیّت را موبمو تشریح میکند.

و لذلك کلیه رهبران بیدار اجتماع با استفاده از جمیع طرق ووسائل کوشیده‌اند نظر توده‌های وسیع مردم را باین حقیقت بزرگ جلب و کاروان بشر را به پیش برانند ، و بگفته استاد کورکیس عوّاد : فهم یعدّون الکتب غذاءاً أساسیّا لا یستغنی عنه البتّة مهما یکن الحال.

یعنی آنها کتابرا غذای اساسی حیات بشریت شمرده ودرهر حالی که باشدهیچگاه احدی بی نیاز ازآن نیست.

ابو حیان اندلسی میگوید : وینبغی للعاقل أن یکثر من مطالعة التواریخ فإنّها تلقح عقلاً جدیداً.

یعنی شایسته است برای عاقل اینکه تاریخ را زیاد مطالعه نماید زیرا تاریخ همانا سبب تولید عقل جدیدی است.

و در علوّ منزلت و رفعت مقام کتاب همین بس که حضرت ابوالائمة البررة و سید العترة الطاهرة أمیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام ، درضمن ثنا گوئی و تعریف وتوصیف آل وعترت رسول خدا صلوات الله علیهم اجمعین آنانرا به جمله « کهوف کتبه » یعنی بیوت رفیعه و مخازن بزرگ کتب إلهی ستوده است ، آنجا که فرماید : هم موضع سرّه ،

ولجأ أمره ، وعيبة علمه ، وموئل حكمته ، و كهوف كتبه . وهكذا پیشوای بزرگ مذهب حق امام بحق ناطق حضرت جعفربن محمّد الصادق سلام الله علیه دریکی ازدستورات عالیه‌اش که عالیترین و اساسیترین دستورات و نظامات صادره از خاندان عصمت و رسالت بشمار میرود میفرماید : احتفظوا بكتبكم فإنّكم سوف تحتاجون إليها . یعنی پشت‌خود را بوسیله حفظ ونگهداری کتبتان محکم نمائید ، زیرا علی التحقیق بزودی بآن کتب محتاج خواهید شد .

در این جمله دستور روشنی است بتأسیس کتابخانه ها برای مسلمین ، وضبط کتب وحفظ وحراست آنها از دستبرد مخالفین دین .

بلی رؤساء و زمامداران دلسوز برای معطوف ساختن افکار ملت خود باین منظور با استفاده از جمیع امکانات راههائی برای وصول باین هدف گشوده اند ، یکی از آن راهها تأسیس کتابخانه‌های بزرگ عمومی آنگاه ترغیب وتحریض‌مردم بخواندن کتاب است ، کتابخانه محل تمرکز جمیع مزایای فوق الذکر است .

کتابخانه پیمودن راه ترقی و کمال را برای همگی سهل وآسان میکند .

کتابخانه جمیع طبقات عالی ودانی و فقیر و غنی‌را یکسان درآغوش خود پرورش داده ، و این امتیاز را از انحصار یکدسته‌معین بیرون میسازد .

کتابخانه شکاف عمیق بین طبقات فقیر وثروتمندرا تاحدّی پر نموده وهمه‌رابرای خدمات شایسته‌ای آماده میکند ، فرا گرفتن علوم کتاب میخواهد کتاب پول میخواهد ولی کتابخانه عمومی این مشکله را حل میکند ، اهمیت کتابخانه از نظر علم و دانش کاملاثابت وهیچگونه احتیاجی بتوضیح‌ندارد ، علمو کتاب و کتاب وعلم بقدری‌بایکدیگر متلازمند که شایسته است بنیاد هر دانشگاهی با تأسیس کتابخانه اش هردو با هم شروع وهردو دریکزمان آماده گردد .

کتابخانه رمز شعورفرهنگی هردولت وملتی است ، وجود کتابخانه معرّف بلندی سطح افکار و مقیاس رشد معنوی هر اجتماع و میزان عشق وعلاقه ملتهاست بکسب علمو هنر ، وجود کتابخانه‌های بزرگ کاشف منویّات خیرخواهانه وخدمات صادقانه زعمای

مسؤل جامعه و شخصیّات برجسته فرهنگی است ، کتابخانه تدریجاً آمار بیسوادان را کم نموده وباین پرده غم انگیز پایان میدهد ، وازخطرهای ریشه کن در امن وامان نگهداری مینماید .

از این رو ملل راقیه غرب « بر عکس ما شرقیها » بیش از حدّ تصوّر در این راه کوشیده و بجلو رفته اند ، غرب قرنهاست باین حقیقت متوجّه شده و گامهای بلند و سریعی برداشته است ، اینك برای بیداری مردم این سرزمین مخصوصاً زعما و متمکّنین مختصری از اوضاع کتابخانه های یکی از ممالك غرب « ایالات متحده آمریکا » را در این جزوه نگاشته و نظر عموم را بیکی از اسرار تفوّق علمی وفرهنگی و صنعتی آنان جلب میکنیم ، تا بلکه بخواست خدای توانا از این غوغای رستاخیز جنبشی هم در ملت مسلمان ما پیدا شده ، و گذشته‌ها را تدارك وجبران نمایند .

« واشنگتن »

واشنگتن دارای ۱۲٤ کتابخانه عمومی است ، از آنجمله کتابخانه « کونگرس » است که عدّه کتب آن برحسب شمارش سال ۱۹٤۹ میلادی ۶۳۹ر۶۸۹ر۸ مجلّد غیراز مجلات وجرائد وقطعات مخطوطه که مجموع کلی همه آنها بامجلات وغیرها ۸۷۳ر۵۶۰ر۲۷ بوده است ، این رقم بزرگ فقط ذخائر یك کتابخانه از ۱۲٤ کتابخانه واشنگتن است در تاریخ مزبور .

این کتابخانه در ۲٤ آوریل ۱۸۰۰ م تأسیس شده و در ۲٤ اوت ۱۸۱٤ م دچار حریق گردیده باز مجدداً کونگرس باخرید کتابخانه « توماس جفرسون » که دارای ۷۰۰۰ مجلد کتاب بوده کتابخانه را در سال ۱۸۱۵ م تأسیس نموده و در ۲٤ دسامبر ۱۸۱۵ ثانیاً طعمه حریق گردیده و دوثلث کتابخانه سوخته است و از آن تاریخ تابحال کتابخانه همچنان پیش میرود .

امروز مساحت این کتابخانه ۶۶۲ر۱۶۲ متر مربع و مشتمل است بردو ساختمان مهم که یکی در سال ۱۸۹۷ م و دیگری در ۱۹۳۹ بنا شده ، طول طاقچه هائیکه کتب در آنها چیده شده مجموعاً ۲۵۰ میل یعنی بیش از ٤۰۲ کیلومتر برآورد میشود .

دراین کتابخانه از مطبوعات سال ۱٤٥٤ م که متخرع صنعت چاپ حروفی « یوحنا گوتنبر گک آلمانی » چاپ نموده تا مطبوعات عصر حاضر همه بچشم میخورد ، ضمناً این کتابخانه سه مجلّه مخصوص بخود دارد که کارش فقط انتشار اوضاع واحوال کتابخانه است .

« أن آربر »

أن آربر شهر کوچکی است در نزدیکی « دترویت » که دانشگاه میشیگان در آن واقع است دانشگاه میشیگان کتابخانه‌ای داردمشتمل بر ۱٫۳۰٥٫۷٥۷ مجلد کتاب دانشگاه میشیگان علاوه بر کتابخانه عمومی دانشگاه برای هریك از علوم و فنون کتابخانه مجهز جداگانه‌ای دارد مثل کتابخانه درعلوم طب . علوم دام پزشکی . دندان پزشکی . فیزیکی . شیمیائی . هندسه . اقتصاد . ریاضیات . علوم طبیعی . فلکیات . علوم تربیتی . اجتماعی . سیاسی . قوانین وغیرها .

« پرنیستون »

پرنیستون شهر کوچکی است واقع درایالت « نیوجرزی » درجهت غربی نیویورك، دانشگاه و کتابخانه مهمی دارد شامل ۱٫۷٥۰٫۰۰۰ مجلد کتاب ، کتابخانه این‌دانشگاه شش‌طبقه‌است سه طبقه روی‌زمین‌وسه طبقه در زیرزمین سرتاسر سال در تابستان و زمستان ازساعت هشت صبح‌تادوازده شب درب کتابخانه بروی عموم مطالعه کنندگان باز و آماده است .

استاد کورگیس عوّاد از « دکتر حتّی » نویسنده فهرستهای این کتابخانه نقل میکند : این دانشگاه در سال ۱۹٤۲ م شش هزار مجلد کتاب خطی از استاد « یهودا » بیك معامله خریده وضمیمه کتابخانه نموده است ، استاد یهودا ممالك شرق را گردش نموده وازآنهااینهمه کتب نفیسه‌را جمع آوری وبدانشگاه پرنیستون فروخته است .

یاللاسف چه غفلت شرم آوری ! وچه خواب گرانی که خارجیان باین سهولت ذخائرعلمی مارا ربوده ، وهمانطور که جواهر گرانبهائیرا باچند عدد عروسك یا یکمشت نخودچی کشمش میشود ازدست اطفال نا بالغ خارج نمود ثروتهای مهم فرهنگی و آثار

نفیس نوابغ علمی مارا ازدسترس ما خارج میکنند ، آیا ماهم تابحال توانسته‌ایم چنین ضربه هولنا کی بحیثیت فرهنگی آنان واردسازیم ؟ آیا توانسته‌ایم چنین شبیخون مدهشی بگنجینه‌های علمی آنان بزنیم ؟ آیا توانسته‌ایم سرمایه‌های معنوی و افتخارات تاریخی آنانرا باپول از دست آنان خارج سازیم ؟ نه . والله نه . میدانید چرا اینطور براحتی‌مارا میچاپند ؟ میدانید این قافیه بازیهای مااز کجاست ؟ اینها همه دراثر نبودن کتابخانه‌های مجهّز ومهم ونداشتن مسئولین خبیر وبصیراست ،آه ازاین مصیبت عظمی آه ۰

وباید دانست که اینگونه تجاوزات محدود بیکمرتبه ودومرتبه نبوده و نیست ، و کتابخانه‌های غرب شاهد زنده‌ایست که سیل نفائس کتب ماقرنهاست بسوی خارجیان روانست ، واز قراری که آشکار شده این کتب بوسیله عمال زبردستی که دارند تهیه وجمع آوری‌نموده ،آنگاه از راه قاچاق وغیر قاچاق بمرا کز نامعلومی حمل ، ونازشصت این‌خوش خدمتی‌ها را دریافت میکنند .

شمارا بخدا ببینید دامنه سقوط و انحطاط ما تابکجا رسیده ، یا خارجیان تا چه اندازه درداخلهٔ مانفوذ کرده‌اند که وقتی رقمهای بزرگی از نفائس علمی و آثار افتخارات فرهنگی ما بخارج میرود ومحصول زحمات مادربست طعمه اجانب و اغیار میگردد ، جای هیچگونه ایرادواعتراضی نیست ، وآب ازآب‌تکان نمیخورد ، امّا اگرپنج کتاب‌معمولی ازمابنجف اشرف رود وبکتابخانه مولای متقیان امیرمؤمنان که آبروی دولت شیعه وملت شیعه ومذهب شیعه است اهداء گردد ، و درمرکز علمی مسلمین جهان زیرنظر مراقبت و مواظبت رجال‌مسلمان‌نگهداری شود ، وبالاخره دردسترس‌استفاده علماء ومحققین ومراجع تقلید وبزرگان خود ما که عموماً مایه افتخار ، و خدمت گذاران همین مرز و بوم هستند قرار گیرد ، هو وجنجال بآسمان میرسد ، و عروسکهای خیمه شب بازی بجیر و ویر می افتند ، ومغزهای خام یافاسدی بازبانهای زهرآلود مصلحت اندیش میشوند .

چرا ؟ چونکه منافع اجنبیان واجنبی‌پرستان بخطر افتاده و یك نیمه سدّی در برابر دستبردهای‌مداوم وبی سروصدای آنان بوجود آمده است .

چرا ؟ چون ممکن است این نسیم سحری طلیعه بیداری ملت و مقدّمه جنبشهای

الهام بخش دیگری باشد که یکباره این امتیازرا ازدست عمال اجانب خارج کند .

چرا ؟ چون اربابان لیره و دلار صلاح نمیدانند فرهنگ مسلمین دارای استخوان بندی مستقل و محکمی باشد ، ویابرپایه واساس متینی استوار گردد .

چرا ؟ چون آنها این کتابها را لازم دارند وهم مشتریان خوبی هستند ، و مایل نیستند مسلمین بنام خودشان ازاین کتب بهره برداری کنند .

چرا ؟ چون افتخار داشتن کتابخانه های بزرك درتیول وانحصار آنهاست ، ومسلمین خاصه امیرالمؤمنین علیه‌السلام اجازه ندارند دارای کتابخانهٔ آبرومند و مجهزی باشند ، که مسلمانان بتوانند درپرتو آن مقام شامخ علمی خود و مخصوصاً شیعیان را تدریجاً بدنیای امروز نشان دهند .

اف براین‌مایه‌های بدبختی وادبار ، اف براین افکار آلوده سیاه وتباه ، ننك‌ونفرین براین عناصرپست وپلید واین جرثومه های کثیف فساد که عقل ملت را بیغما می‌برند .

« بالتیمور »

کتابخانه [اخنوخ برات]عمومی در«بالتیمور» درسال ۱۸۸٤م تأسیس شده و دارای بیش ازیکمیلیون مجلد کتاب میباشد ، این کتابخانه ۲۷ شعبه در اطراف همین‌شهرستان دارد .

ایضاً کتابخانه دانشگاه « جونزها پکنیز » در بالتیمور دارای ۸۵۰٫۰۰۰ مجلد کتاب ، وازمقررات سالانه‌آن خرید ۲۵٫۰۰۰ مجلد کتاب درهرسال میباشد .

« دترویت »

کتابخانه عمومی «دیترویت» مشتمل بر ۱٫۷۵۰٫۰۰۰ مجلد کتاب است ، بودجه این کتابخانه درسال ۱۹۵۰ م ۳٫۲۳۹٫۶۲۲ دلار بوده‌است .

« شیکاگو »

کتابخانه دانشگاه «شیکاگو» درسال ۱۹۵۰ م مشتمل بر ۱٫۷۶۵٫۰۰۰مجلد کتاب بوده و دارای ۲٤ شعبه است که هریك در ساختمان مستقل با شکوهی اداره میشود این کتابخانه در سال ۱۹٤۶ م برای خرید کتب ۱۶۰٫۷۳۳ دلارصرف نموده است .

ایضاً کتابخانه عمومی شیکاگو دارای دو میلیون مجلد کتاب میباشد و ۳۶ شعبه بزرك و ۲٤ شعبه کوچك دراطراف شهردارد .

کتابخانه « نیو بری » درشیکاگو دارای ۷۵۰،۰۰۰ مجلد کتاب ودرسال ۱۸۸۷ م تأسیس شده است .

کتابخانه «جون کریور» درشیکاگو دارای ۷۲۰،۰۰۰ مجلد کتاب است که در ساختمانی بزرك پانزده طبقه اداره میشود .

کتابخانه « معهدالفن » درشیکاگو مخصوص است بچند رشته ازفنون و ۵۳،۰۰۰ مجلد کتاب دارد . کتابخانه « متحف تاریخ‌طبیعی » که مخصوص است فقط بچند موضوع و ۱۲۵،۰۰۰ مجلد کتاب دارد .

« فیلادلفیا »

کتابخانه عمومی «فیلادلفی» متجاوز ازشصت سال از تأسیس آن میگذرد و دارای ۱،۵۰۰،۰۰۰ مجلد کتاب است ، وچهل‌شعبه دراطراف شهردارد ، عدّه مطالعه کنند گان این کتابخانه در سال به ۱،۵۰۰،۰۰۰ میرسد ، این کتابخانه عهده دار تهیه و رسانیدن کتب برای‌مطالعه زندانیان در زندانها ، وبیماران‌دربیمارستانها ، وکار گران‌درکارخانه ها ، ودهقانان در مزارعِ خود ، واطفال درخانه‌هاست .

« کلیولند »

کلیولند شهریست واقع در ایالت « اهایو » کتابخانه عمومی این شهر دارای ۲،۶۰۰،۰۰۰ مجلد کتاب میباشد ، این کتابخانه دریك ساختمان شش اشکوبه با ۸۰۰ نفر کارمند اداره میشود ، بودجه این کتابخانه برای خرید کتاب و سایر مصارف سالی ۳،۸۰۰،۰۰۰ دلار است .

« کمبریج »

کمبریج شهریست واقع درایالت « ماساچوست » که دانشگاه معروف «هاروارد» در آنجاست و کتابخانه‌ای دارد که مشتمل بر پنج میلیون مجلد کتاب است ، دوسال پس از تأسیس دانشگاه «هاروارد» یعنی در سال ۱۶۳۸ م کتابخانه تأسیس شده است ، این



کتابخانه ساختمان بسیار بزرك ومهمی دارد که خانم « غنیه » بعنوان یادگار از پسرش که در ١٤ آوریل ١٩١٢ م غرق شده بنانموده است .

« نیوهاون »

نیوهاون شهریست واقع درایالت «کانکتیکت » در٧٤ میلی شمال شرقی«نیویورك» ودانشگاه « ییل» دراین شهرواقع است ، دانشگاه «ییل» کتابخانه مهمی دارد که برحسب احصاء سال ١٩٤٨ م مشتمل است بر ٣٫٦٤٢٫٧٣٠ مجلد کتاب و مقدار زیادی از آنها کتب اسلامی عربی است .

«نیویورك»

کتابخانه عمومی نیویورك بحسب شمارش سال ١٩٤٨ م مشتمل است بر ٤٫٧٧٣٫٨٢٢ مجلد کتاب مجله ماهانه این کتابخانه درماه « مه » ١٩٥١ م مینویسد که ٣٢٫١٢٦ مجلد کتاب بکتابخانه اضافه شد ، این کتابخانه ٦٥ شعبه در اطراف نیویورك دارد قسمتی از کتب اسلامی عربیو نسخه های کمیاب در این کتابخانه است

ایضاً کتابخانه دانشگاه« کلمبیا» درنیویورك دارای همه نوع کتاب بوده وبهترینو نفیسترین کتب عربی را واجداست ، ومجموعاً دومیلیون مجلد کتاب دارد .

کتابخانه«مورکان» درنیویورك دورهها ونسخههاینفیس طلا کوبی بخط مؤلفیندارد وضمناً نسخی ازقرآن کریم بخط کوفی وعربی قدیم درآنجاست .

واز کتابخانه های مهم نیویورك کتابخانه « متحف » و کتابخانه [معهد اللاهوت] میباشد که دارای نفائس وعجائب وغرائب کتب است .

« هارتفرد »

هارتفرد شهریست درایالت « کانکتیکت » ودارای چهارده کتابخانه مهم میباشد که مشتمل بر١٫٤٤٠٫٣٤٧ مجلد کتاب .

این شرح مختصری بود ازبعضی کتابخانه های برخی از شهرهای اُیالات متحده آمریکا ، واما کتابخانه های دهات نمونههائیرا طبق نوشته دلیل مکتبات آمریکا ذیلاً مینگاریم :

«نام ده»	« عدد نفوس »	« عدد کتب کتابخانه»
سنترویل	١١٤١	٩٤٦٢
ایستن	٤٥٨٢	١٨٠٠٠
اشفیلد	٨٧٢	١٣١٠٩
هلند	٢٤٧	٢٧٠٠
کیتی	٤٦٢	٦٥٩٩
نتدا	١٠٧٧	١٣٥٥٤
رندلف	١٣٢١	١٠٦٠٣
مانیتو	٥٧١	٨٣٧٩
دنبی	١١١٢	١١٦٩٣
پرسلویل	٧٨٧	١١٧٦٠

گذشته ازاینها کتابخانه های سیار ومتحرکی هست که دربین چادر نشین‌ها ودهات دوردست درهرماه دومرتبه عبور کرده و کتب مطالعه آنانرا تأمین وتوزیع مینماید.

مدارسی که برای تدریس فن کتابداری وشئون کتابخانه در احصاء سال ١٩٤٨ م بشمار رفته ٤١ مدرسه میباشد،وعدد مجامع ومؤسساتیکه بکتابخانه‌مخصوص‌است متجاوز از دویست ، ومجلاتیکه عهده دار انتشار اوضاع کتابخانه‌ها و منحصرا اختصاص بموضوع کتابخانه دارد ازیکصد وپنجاه مجله میگذرد ، البته غیراز مجلاتیکه مخصوص به هر کتابخانه است.

اینها نمونه‌های مختصری از کتابخانه های أیالات متحده آمریکا یعنی قسمتی از دنیای جدید بود ایالات متحده با اینکه تمدنش جدید وجوان و مستحدث است بالغ بر دوهزار آموزشگاه عالی ودانشگاه دارد ، وغیر از کتابخانه های عمومی زیاد هریك‌ازاین دانشگاهها دارای کتابخانه مجهز ومستقل‌هستند ، که شرح‌همه آنها ازعهده این‌مختصر جداً خارج است ، وما ازباب نمونه وتذکر فقد بذکر چند کتابخانه را در اینجا قناعت کردیم .

واما کتابخانه های اروپا با سوابق ممتد و تاریخی آنها در جمع کتاب و روابط نزدیکتری که باشرق داشته‌اند وقرنها استعمار واستثمار مشرق زمین ومخصوصاً خاورمیانه داستان هر کبارتر و غم انگیزتری دارد .

کتابخانه‌های اروپا مالامال و لبریز از آثار نفیسه و کتب قدیمه و عتیقه واصول تألیف و تصانیف نویسندگان اسلامی است،درانواع علوم وفنون ازعربی وفارسی وترکی به خطوط مؤلفین و مصنفین از بزرگان علماء و دانشمندان و مشاهیرحکماء ونوابغ نامی شرق .

« در شرق چه خبر است » ؟

اما شرقیها نوعاً از این وضع تعلیم و تربیت بکلی دور وبکتاب و کتابخانه بدیدهٔ یك شيء تجملی آنهم زائد نگریسته ، وبود ونبود آن اصلاً اهمیت نمیدهند ، حالا ما بعموم ممالك شرق کاری نداریم وبهتر است از ممالك غارت زده اسلامی خودمان صحبت کنیم ، با اینکه سنت کتابداری وتأسیس کتابخانه از عادات برجسته شرقیها بوده‌ویکی از ضروریات زندگی آنان بشمار میرفته ، وسلاطین وملوك وامراء اهتمام زیادی درترویج آن بکار میبرده اند ، مخصوصاً در دوران تمدن اسلامی که باشور و علاقه بیشتری این سنت سنیه تعقیب میشده ، وصدها کتابخانه عمومی‌در کوشه‌و کنارممالك اسلامی دائر بوده است ، تا آنجا که با نبودن صنعت چاپ ونبودن کاغذ و استفاده از پوست وغیره و آنهمه مشکلات تعداد کتب کتابخاها ارقام محیر العقولی را نشان میدهد ، مثل کتابخانه بیت الحکمه بغداد عصر عباسیین با چهار میلیون مجلد کتاب ، کتابخانه طرابلس شام عصر خلفای فاطمی باسه میلیون مجلد کتاب ، کتابخانه خزانةالکتب قاهره درقرن‌چهارم هجری با ۱٫۵۰۰٫۰۰۰ مجلد کتاب وهکذا ....

و اما کتابخانه های خصوصی هم خالی از اهمیت نبود مثلاً کتابخانه علم الهدی مرحوم سید مرتضی قدس سره ۳۴۶-۴۳۶ مشتمل بر هشتاد هزار و بقولی یکصد و چهارده هزارجلد کتاب بوده ، یا کتابخانه ای هلاکوخان مغول درمراغه که‌برای‌مرحوم

خواجه نصیر الدین طوسی قده تأسیس نمود چهارصد هزار جلد کتاب داشته است، واز اینجا میتوان باهمیت وعظمت کتابخانه‌های خصوصی آن زمان هم پی برد.

بهر حال با این سابقه واین اوصاف، امروز ممالك اسلامی بحال رقت باری افتاده است دیگر اثری از آنهمه سوابق درخشان برجا نیست، ودرمیان کشمکشهای سیاستهای مختلفه غرب تمامی این کتب غارت شد، همه در شعله‌های آتش عداوت وطمع سوخت، همه آنها باسیادت و برتری ما یکجا دفن شد، وبجای آنها بقدری سستی و یأس و ذلت وزبونی و لاقیدی و جهل بما تلقین وتزریق شده که دم عیسوی میخواهد تا این مرده‌های متحرك را دوباره جان وروان بخشد.

« معمای عجیب »

بلی معمای عجیبی که حلش همه را متحیر ساخته این است که: باوجودیکه سلاطین و وزراء و رجال و زعماء و اساتید و دکترها و مهندسین و بالاخره تجار و اعیان و اشراف ما عرض و طول ممالك غرب را همه ساله وهمه ماهه زیر پا در میکنند، وهمه از نزدیك بر آن وضع مترقی واقف گردیده اند. و بااینکه همه دم از ترقی وفرهنك و مبارزه با جهل و بیسوادی میزنند هنوز ذره‌ای تکان نخورده و سطح فکرشان تغییر نیافته وعملاً بفکر نجات این ملت بیچاره عوام و بیسواد نیفتاده اند، که با اقدامات اساسی و مفیدی دست ملت فلکزده را گرفته، واز طوفان جهل و نادانی و بد بختی رهائی بخشند چه سری درکار است کسی نمیداند، حتی آنهائیکه مدعی رهبری این ملت هستند و در تمام شؤن زندگی فردی واجتماعی ازجمیع جهات تقلید از غرب را وجهه همت خود ساخته‌اند، ودنباله روی را واجب میدانند،وبدون در نظر گرفتن ملیت و قومیت ومقررات عالیه مذهبي کور کورانه رفتار و کردار آنانرا تحمیل افراد ملت مینمایند، استثناءً از قسمت فرهنگی چشم پوشیده و ابداً بروی مبارك خود نمیآورند.

بلی آنچه را که بعنوان خدمات فرهنگی دائماً برخ این ملتها میکشند « غیر از تأسیس سینماها و تآترهای مروج ومشوق فساد و فحشاء و جنایات و خیانات » انتشار چندین روزنامه ومجله‌است که آنهم اکثراًازمسیر صحیح‌شرافت‌وعفت‌منحرف‌وجز توسعه

بیدینی و ترویج فساد و تعمیم جهل و انحطاط و خراج نوامیس گویا وظیفه و مأموریتی ندارند، وکار رسوائی را بجائی رسانیده اند که میتوان با یك تجدید نظر آنها را از جمله کتب ضلال نامیده وخرید وفروش و مطالعه اش را تحریم نمود، بلی تحریم، زیرا هر قدر که نشریات خوب لازم و ضروری وموجب ارشاد و هدایت جامعه وسبب رشد عقلی و فکری افرادوراهنمای اجتماع است بسوی شرافت وعفت ودرستی وامانت وتقوی ویا کدامنی، همانقدر کتاب بد، روزنامه بد، مجله بد، وخلاصه نشریات بد گمراه کننده ومفسد اخلاق ومضر بحال اجتماع وچون زهر خطر نا کی کشنده روح فضیلت وتقوی و انسانیت وشرف ودرستی وصداقت است، و وای بحال نسل جوان از آثار وحشتناك این چنین فرهنگ.

حتی آن چند عدد نشریه باصطلاح متین هم گاهی مرتکب چنان فجایعی میشوند که انسان آرزو میکند ای کاش ما نشریه ای بنام روزنامه و مجله اصلاً نداشتیم، برای توضیح الساعه یك نمونه ارائه میدهیم.

روز نامه کیهان الآن مقابل چشم ما است از بین صد ها هزار خبر های مهم دنیا وهزاران مقالهٔعلمی واخلاقی وتربیتی وصنعتی خبر لازمی را که از خبرنگار اسوشیتدپرس (لابد بمنظور بالا بردن سطح فکر وفرهنگ این مردم دزد زده بدون تعلیق و توضیح و ایراد وانتقاد مثل یك اصل مسلّمی) با کمال رندی نقل نموده عیناً نقل میکنیم ولی خواهشمندیم درست دقت کنید.

«کیهان – ۳ شنبه ۸ شهریورماه ۱۳۳۹»

«شماره ۵۱۴۷ – ستون ۱–۲ صفحه ۱۲»

«ازویلتون واین–خبرنگاراسوشیتدپرس»

« امام دوازدهم شیعیان در سامره ظهور خواهد کرد »

« سامره – عراق – اسوشیتدپرس – در این شهر مقدس چاهی وجود دارد که »
« میلیونها مسلمان امید دارند از آن شخصی بیرون خواهد آمد که جهانرا پر از عدل و »
« داد خواهد کرد این چاه مقدس مغاره ایست که بین دیوارهای مسجد دو امام قرار دارد »
« در این مغاره بود که امام دوازدهم پیشوای روحانی شیعیان در سال ۸۷۸ بعد از میلاد »

« ناپدید گردید ، پس از ناپدید شدن محمد المنتظر شیعیان شخص دیگری را بامامت »
« قبول نکردند ، آنها معتقدند که محمد المنتظر نمرده است بلکه غائب شده است وروزی »
« بعنوان مهدی ظهور خواهد کرد وجهان را پر از عدل و داد خواهد نمود ، این اعتقاد »
« شیعیان همچون آفتاب امیدی است که برای میلیونها نفر مردم فقر زده این سر زمین »
« که صحرائی گرم وسوزان است وجود دارد ، مناره های مسجد دو امام که در میان »
« این شهرپراز فقرومسکنت بآسمان رفته است برای زائرین خسته وتشنه که از راههای »
« دور آمده اند زیبائی خاصی دارد . . . »

سپس مخبر مزبور شرح مسافرتش را از بغدادبسامره نگاشته وازدر ودیوار مسجد ومناره سامره صحبت میکند آنگاه مینویسد :

« سامره امروزی شهر ساده ایست که بیشتر خانه های آجری و گلی آن بطور »
« منظمی بهم چسبیده اند ، یك خیابان عریض از وسط شهر میگذرد و بمیدان وسیعی »
« منتهی میشود که در مقابل مسجدی قرار گرفته است که آخرین امام درآن ناپدید شده »
« است ، مقابل در مسجد ملا های عمامه سبز درحالیکه تسبیح میگردانند و ذکر »
« میگویند نشسته اند آنها تمام عمر خود را در این مکان گذرانده اند ، آنها از عوائد »
« موقوفه های مذهبی و کمکی که زوار میکنند اعاشه میکنند از دوازده امام شیعیان دو »
« امام در این شهر مدفون شده اند و این خود سامره را بصورت یك مرکز مذهبی و »
« زیارتی درآورده است ولی مهمترین مکان سامره مغاره ایست که امام دوازدهم یا امام »
« غایب درآن ناپدید شده است ما از یکی از ملاها پرسیدیم او چه وقت ظهور خواهد »
« کرد ؟ جواب داد معلوم نیست ولی میدانم که بالاخره بزودی ظهور خواهد کرد ، این »
« نیز معلوم نیست کجا ظهور خواهد کرد ولی عدّه ای معتقدند که مهدی از همین مغاره »
« خارج خواهد شد واز سامره ظهور خواهد کرد . »

این بود آنچه را که کیهان بحکم وظیفه نامه نگاری ! یا تنویر افکار ! و برای بالابردن سطح اطلاعات وفرهنگ مردم یعنی بمنظور خدمت فرهنگی نگاشته بود ، این است وضع نشریه مفید و وزینی که در قلب کشورهای قریب دویست میلیون مردم شیعی

مذهب وبیخ گوش آنان انتشار می یابد .

ای اهل عالم ای مسلمانان ای علماء ای فضلاء وای جهال ! تابحال در کدامیك از تألیفات فرقه ناجیه شیعه امامیه خوانده اید ؟ ویا از کدامیك از ملاها و فضلاء آنان شنیده اید که امام دوازدهم از سامره ظهور خواهد کرد ؟ یا آن وجود مقدّس از چاه سرداب سامره سر برون خواهد نمود ؟ که این آقا با تیتر درشت چنین تهمتی را نقل نموده و میگوید میلیونها مسلمان دارای چنین عقیده اند، آنگاه مینویسد ازملاهای عمامه سبز تسبیح گردان که از کمك زوّار یعنی از راه تکدّی از زوار اعاشه میکنند پرسیدم و اینها چنین جوابی دادند ... !

ای اهل عالم این ملا های عمامه سبز کجا هستند که تا بحال چشم هیچ حلال زاده ای آنانرا ندیده است ؟ یا للعجب حتّی هر جاهلی هم میداند که کلمه « ملا » یکی از القاب وعناوین مخصوصهٔ علماء است وبر هیچ جاهلی اطلاق نمیشود ، ونیز همه کس میداند که شعار ولباس علماء شیعه امروز عمامه سبز نیست ، بنا براین پس ملاهای عمامه سبز کیانند ؟!

بلی اگر مقصود از ملاهای عمامه سبز کشیده بسرهای صحن وحرم سامره اند که بعضی کشیده سبز وبعضی شیر وشکری پوشیده اند ؛ راست است آنها تمام عمر خود را در آنمکان گذرانیده و ازراه تکدّی اززوار شیعه ارتزاق میکنند ولی کیست که ازهویت آنان بی اطلاع باشد ؛ همه میدانند که آنها مأمورین تنظیف و جاروبکشان صحن وحرم مطهر « بنام خدّام » وعموماً جاهل و بیسواد واهل سنت و هم کیشان آقای مدیر کیهان میباشند و باصطلاح معروف بین عوام آنها را گدا های سامره میگویند ، و در حقیقت مگسانی هستند گرد شیرینی ، و کمترین ربطی باشیعه یا باعنوان « ملا » ندارند .

باری اگر همه منابع خبری مخبرین بسیار محترم (اسوشیتدپرس) از این قبیل باشد ، وشرافت وامانت خبرنگاری آنان تا این درجه دستخوش هوا و هوس و توطئه و تحریك وپول ورشوه قرار گیرد ، واحیاناً بعنوان انجام وظیفه عامل فروخته شده سیاستهای پست و پلیدی باشند ، که باید یك داغ باطله بر پیشانی منحوس این خبر گزاری زده و




بایك اردنگ او را درردیف وقیحترین دلقکهای معر که گیر وسفسطه باز قرار داد ، حیف از نام خبر گزاری .

وهکذا اگر خوراك تبلیغاتی کیهان راامثال این دلقکها تهیه میکنند بایدیك قلم سرخ هم بروی کیهان کشید ، تابقلب یك ملت فهمیده دویست میلیونی اینطور خنجر نزنند . این روزنامه نگاریست یا لجن مال کردن عقائد حقه یك ملت اصیل و نجیب که هزاران دانشمندان بنام وفلاسفه بزرگ وعرفاوحکماء ومؤلفین ومحققین ومربیان واساتید عالیقدری امثال خواجه نصیر الدین طوسی وشیخ الطائفه طوسی وابوعلی سینا و شیخ مفید و علامه حلی و علم الهدی سید مرتضی و شریف سید رضی و آخوند ملا صدرا و فیض کاشانی و میرداماد و علامه مجلسی وشیخ بهائی . . بجامعه انسانیت تحویل داده و به پیروی ازباب مدینه علم امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در انواع علوم گوی سبقت از همگان ربوده ، و در جمیع فضائل بر هر دستهٔ دیگری مقدم بوده است . نخیر این روزنامه نگاری نیست ، این سم پاشی است این گمراه کردن افکار مردم است ، این دستبرد بسعادت یك ملت وشبیخون زدن بنوامیس مذهبی است ، این لگدمال کردن مقدسات و استهزاء بعقاید حقه ملتی است که هزاران کتاب مستدل در اثبات مذهب خود تألیف نموده ، وصدهادلیل محکم بنقل مخالف ومؤالف پشتیبان عقائد وافکار اوست ، ملتی که درطول تاریخ همیشه بمنطق دلیل فریاد : هل من مبارز میزده ، و مخالفین خود را برای احتجاج شرافتمندانه دعوت مینموده وحال نیز دعوت میکند .

بلی اولین شرط روزنامه نگاری بصیرت وامانت و درستی وصداقت است ولی افسوس ما وقتیکه شنیدیم مدیر کیهان مرد دانشمند وفاضلی است تعجب ما بیشتر شد ، زیرا یك مرد دانشمند مطالبی را که مربوط بعقائد یك ملتی است مخصوصاً میبایستی از کتاب بگیرد نه از مغرضین عوام وبی بندو بارها ! آقای مدیر کیهان شما که در مرکز کتاب زندگی میکنید و همیشه کتب شیعه در دسترس شماست پس چرا مراجعه نفرمودید ؟ گیرم نخواستید بکتب شیعه مراجعه کنید بسیار خوب میخواستید سری بکتب علماء بزرك اهل سنت بزنید تاببینید چند صد حدیث محکم در اسم ورسم مهدی موعود واینکه آخرین

امام‌دوازدهمین امام‌وفرزند عسکری است، وغیبتش وطول‌عمرش وآثارش‌ودلائلش وحتمی بودن ظهور موفور السرورش و علائمش در کتب آنان خلفاً عن سلف نقل شده است .

آیا عقیدهٔ که مورد قبول قاطبه فرق و مذاهب مسلمین دنیا است ، و از مطالب مسلمه اسلام بشمار میرود ، و اعتقاد به او مخصوص بشیعه نیست ، و متکی به دلائل و مدارك صحیحه فریقین میباشد ، وجمعی از بزرگان حفاظ اهل سنّت مثل ابن حجر و سیوطی و گنجی در این موضوع تالیف بخصوصی گرد آورده اند استهزاءِ ومسخره دارد ؟

کیست که نداند قائم آل محمّد صلی‌الله علیه‌وآله یعنی امام منتظر حجة بن الحسن العسکری عجل الله فرجه از مکه معظمه ظهور خواهد فرمود ؟ کدام وجدان بشما اجازه داد باجعل ودسیسه یك امتی را هو کنید ؟ مگر معنی روزنامه نگاری هوچیگری‌است ؟ اگر اینطور است پس چرا نامش را خدمات فرهنگی‌می‌نهید ؟!.

آقای مدیر کیهان فرضاً نخواستید بکتب عامه خودتان هم مراجعه کنیدوخدمات فرهنگی برای شما فرصت مراجعه بکتاب را نگذارده، بازهم بسیار خوب ولی آیا میشود یکعمر زندگانی شمارا درمرکز تشیّع ندیده گرفت ؟ شما با آن ادعای دانش وفضلی که دارید ، با تماس دائم ونزدیکی که باتمام طبقات شیعه داشته اید آیا میتوان تصور کرد که هنوز از پیش پا افتاده ترین مطالب بیخبر و از ساده ترین وروشنترین عقائد ما اطلاعی ندارید ؟ .

فرض‌محال محال نیست فرض میکنیم اطلاع نداشتید ولی دسترسی بما هم‌نداشتید ؟ که میبایید عقائد مارا از زبان غرض آلود عوام اهل سنّت نقل نموده یا از آن طرف دنیا از قلم اجیرمخبر اسوشیتدپرس گرفته انتشاردهید ، شاید مارا صالح ازبرای بیان عقائدمان ندانسته ومعتقدید که دشمنان ما یعنی نمّام ها وسخن‌چینهاي بین المللی باید عقائد ما را از برای شما و دیگران بنویسند ، اگر اینطور است به به پس بعد از جناب جلالتمآب معاویه چشممان بشما روشن ! .

این‌همان‌مکتب معاویه‌است ، چنانکه مورخین نوشته‌اند : در یکی‌ازبرخوردهائیکه ابن‌عبّاس با معاویه میکند معاویه باو میگوید : یابن‌عبّاس من غدغن کرده‌ام کسی از

فضائل علی چیزی نگوید ، چنانچه یك کلمه از فضائل او بگوئی خونت هدراست ، ابن عباس میگوید مارا ازتفسیرقرآن منع میکنی یا از خواندن قرآن ؟ معاویه جواب میدهد شما را از تفسیر قرآن منع میکنم ، ابن‌عباس میگوید عمل بقرآن واجب‌است یا خواندن قرآن ؟ معاویه میگوید عمل بقرآن واجب است ، ابن‌عباس میفرماید پس تو مارا از عمل بقرآن منع میکنی چون بدون تفسیر ودرك معنی عمل متصوّر نیست ، معاویه ناچار شده و میگوید بسیار خوب تفسیر قرآن بگوئید ولکن نه آنطور که خودتان میدانید بلکه آنطور که دیگران تفسیر میکنند ، ابن‌عباس با تندي میفرماید : عجب ! قرآن درخانهٔ ما نازل شده و ما اهل بیت پیغمبریم وأهل‌البیت ادری بما في البیت معذلك آیا ما صلاحیت تفسیرآنرا نداریم ولی آل ابی‌معیط ویهود ونصاری ومجوس وآل امیّـه که دشمنان دائمی اسلام بوده‌اندآنها صلاحیت تفسیرقرآن دارند ؟ معاویه با کمال بیشرمی بالآخره میگوید اینحرفها بیفائده‌است ، همانکه گفتم اگر یك کلمه در فضائل‌علی بگوئی خونت هدراست آنگاه ابن‌عباس از او اعراض فرموده وباین آیه شریفه متمثل میشود : یریدون لیطفئوا نورالله بأفواههم والله متمّ نوره ولو کره الکافرون .

آقای مدیر کیهان آیا انصاف است برای یك ملت دویست میلیونی بیدفاع دانسته یا ندانسته بادروغ و سفسطه وافتراء اینطور پرونده سازی کنید ؟ و با یك روزنامه کثیر الانتشار که در مرکزتشیّع انتشار میبابد افکار جهانیانرا نسبت بعقائد حقّـه‌آنان گمراه نمائید ؟ .

میدانید مقصود از کلمه بیدفاع چیست ؟ مقصود اینست در حالتیکه ما دارای کتابخانه‌های سیّـار که مردم دهات دوردست وغیره را در جریان حقائق بگذارد نیستیم ، وآن بیچاره‌ها در اثر نبودن وسائل ترقّـي و تکامل در جهل وبیخبری بسر میبرند ، آیا درك میکنید وقتیکه چند شماره روزنامه شما بدست آنها میرسد چه بلائی بر سرشان می‌آورد ؟ وچطورعقائد فاسدی بتوسّـط شما بآنان‌تلقین‌میشود ؟ البته درك‌میکنید ، شما که آماده انتشاراینگونه مطالبی که مامینویسیم نیستیدوتنهامنبع صلاحیتداردرنزد شما امثال مخبرین اسوشیتدپرس یا سنی‌های کشیده سبز سامره هستند ، فکر میکنید بچه وسیله

مغزهائیرا که روزنامه کثیرالانتشار شما در اقصی نقاط عالم گمراه نموده است ما میتوانیم لجن کشی کنیم ؟ هیچ . مگر ممکن است .

مردم ومخصوصاً دهاتیهای ساده لوح وبا صفا تصوّر میکنند چون روزنامه شما در مرکز تشیّع انتشار مییابد تمام نوشتههایش صحیح وطبق عقیده علماء شیعه است ، آنوقت است که فلان عامی بیچاره گمراه میشود ، پس افکار غلط عوام شیعه هیچوقت از علماء شیعه و کتب شیعه نبوده بلکه بتوسط امثال جناب شما تلقین و تزریق شدهاند ، من نمیخواهم بگویم شما بهمین منظور نوشتهاید تا بتوانید یا بتوانند بلی یا بتوانند برای شیعه پرونده سازي کنند ، امیدواریم اینطورنباشد ولی نتیجه جز این نیست .

راستی آقای مدیر کیهان ؟ خوب بود محرمانه ازمخبراسوشیتدپرس استفسارمیفرمودید چه مقامی این مطالب را برای او دیکته کرده است ؟ ودرمقابل گزارش این تحقیق رشیق ودقیق چه مقدار پول بجیب مبارك زده ؟ وآیا تهیه این گزارش قبل از مسافرت شما ببغداد بوده است یا بعد از مسافرت شما ؟ .

لازم بود برای روشن شدن این نکات اسرار آمیز جناب آقای « ویلتون واین » را استیضاح میفرمودید . . .

« یا للعجب »

جای بسی شگفتی است کسانیکه اینهمه دم از صلح وصفا و رفع اختلاف میزنند ، اینهمه سنك اصلاح بسینه میکوبند ، کسانیکه همکاري صمیمانه را برای عموم ادیان و مذاهب درمقابل جبهه کمونیست لازم میشمارند ، ومدعی هستند برای رفع هر گونه نزاع مقدسات ومعتقدات هر امت وملّتی باید محترم شمرده شود ، ومخصوصاً نزاع بین شیعی و سنی را یك نزاع غیر مترقی ومنفور معرفی نموده ، و برای جلو گیری از هر گونه تصادم بنا بمقتضیات اوضاع سیاسی ولزوم اعاده مجد وعظمت و قدرت گذشته اسلام برادری و برابری آنانرا اکیداً توصیه مینمایند ، وحق کشیها و کینه توزیها را تقبیح و محکوم میکنند ، چرا پادوهای آنان هر روز قلم زهر آلود و مزدور خود را بدست گرفته و با جعل وتزویر و دروغ وافتراء ، مقدسات ومعتقدات روشن ومستدل یك ملّت دویست میلیونی

نجیب و آرام شیعه را بی شرمانه مسخره نموده ، وتازیانه تحریك بگردهٔ آنان میکوبند ؟ یاچرا جلوی تبلیغات زهر آگین دلقکهای بین المللی را که برای گرفتن چند دلار اینهمه رسوائی ببار می آورند ، یا بقول مشهور برای یك دستمال قیصریه ای را بآتش میکشند نمیگیرند ؟ چرا صفحات مجلات وروزنامه‌ها یعنی این اوراق مثلاً فرهنگی وقف انتشار یك‌مشت خزعبلات گمراه کننده و دور ازحقیقت شده رمیدان تاخت وتاز بر پیکر قوانین مقدّسه آسمانی اسلام و مخصوصاً قتلگاه عقاید شیعه گردیده است ؟ یکی ودوتا وده تا و صدتا نیست هر روز از هر گوشه‌ای عربده ای بلند است ، هرروز تحت عنوانی یك ستون ساختگی باز نموده واحکام ومقررات الهیه‌را مورد بحث و اظهار نظر یکمشت معلوم الحال ویکمشت دوره گرد هوا پرست وهوچی یکمشت ناپاك و شهوتران قرار داده ، و با قلمی کودکانه وسفیهانه یا باسفسطه و مغالطه دور از حیا وعفت و شرف با کمال وقاحت گویا از خدا وقرآن وپیمبر اسلام انتقام میگیرند ، چطور شده‌برای اظهارنظر درهرکاری مرجع صلاحیّتدار لازم است جز برای قوانین محکمه اسلام ؟ خدایا زین معمّا پرده بردار

کسی نمیداند ایجاد این جنگ اعصاب برای چیست ؟ خوب اگر اسلام را نمی خواهند بگویند نمیخواهیم دیگر بازی وهتّاکی و خصومت با اسلام چرا ؟ دیگر دهن کجی وتوطئه و تحریك چرا ؟ چرا بدون هرگونه صلاحیت احکام ثابته اسلام را تفسیر وتأویل نموده و باهزار خروارسریشم باهواهای پست‌وپلید خود تطبیق داده وقلوب‌مسلمین ومراجع مسؤل احکام را جریحه دار میکنند ؟ وحال آنکه اسلام عزیز با بی بندو باری‌و امیال شهوانی آنان هرگز تطبیق ننموده و برای همیشه آنها را محکوم ومطرود ساخته است .

چرا بجای ارشاد مردم بطریق صلاح وفلاح وبعوض بسط عدالت و انتشارحقائق و علوم در اضلال و اغواء ملت اینهمه کوشیده و از طریق تجاوز باحکام دین و نوامیس شرع حضرت ختم المرسلین مسلمانانرا خشمگین ساخته وآتش اختلاف وهرج و مرج را دامن میزنند ؟ چرا ؟ .

میدانید چرا ؟ برای اینکه اینها فهمیده اند مجتمع ما قبرستان خاموشانست ، در

مردم عوام درس نخوانده عقائد پا برجا و ثابتی وجود ندارد و هرچه هست سطحی است و با کمال سهولت میشود آنرا باتلقینات مخالف وسمّ پاشی زیر ورو کرد ، فهمیده‌اند که مردم‌وسائل دفاعی‌کافی درست ندارند ومجهز بسلاح روز نیستند ، برای‌اینکه ماتشکیلات جدیدی در زمینه تربیت و تعلیم نداریم ، کتابخانه‌های غنی و آبرومندی نداریم ، نشریه خوبی بجز اقل من القلیل نداریم آنهم دردی دوا نمیکنند ، برای اینکه ملّت ما بیسواد و از معارف و علوم دور است ، برای اینکه خواب عمیقی مارا وتاریکی مخوف جهل‌سراسر مملکت را فرا گرفته ، وزمینه مناسبی برای پرورش میکروبها فراهم شده است و آنها از این زمینه حد اکثر سوء استفاده میکنند ، وچرا نکنند ؟

چرا نگویند وچرا ننویسند ؟؟ .

شمس فروزنده چو پنهان شود * شب پره بازیگر میدان شود

حالا تکلیف چیست و مسؤلیت این شیوهٔ ناپسند وصد در صد فاسد و شرم آور و گناه آن بعهده کیست ؟ دولت است ؟ ملت است ؟ وزارت فرهنگ است ؟ همه هستند ؟ معلوم نیست .

خانم آمریکائی «غنیه » دلسوخته پسر مرده چندین میلیون دلار رابیادبود پسرش صرف تأسیس کتابخانه مینماید و شعور این‌را دارد که این بزرگترین خدمتی است بعالم انسانیت ، باحیای نفوس بشری ، بنجات ابناء نوع از فقر علمی ، بمعالجه بیماران جهل ونادانی ، به بسط وتوسعه علم ودانش ، ولی‌ثروتمندان ملت مسلمان هنوز عشری‌ازمعشار اهمیت این موضوع را درك نکرده وآنرا یك چیز تجملی وزائد میدانند ، هنوز صحبت کتابخانه حتی بنظر نوع مردم دانا و بینا حرف تازه و غیر قابل قبول جلوه میکند ، هنوز نمیتوانند تصور کنند که تأسیس کتابخانه و کمك بآن جزء خیرات و مبرات و وباقیات صالحات است چه رسد باینکه یك امر ضروری باشد ، چرا برای اینکه ملت ما هنوز علوم و معارف را غذای روحی نمیداند و اگر هم بداند هنوز ارزشی برای حیات روحی قائل نیست .

آری اگر حال ما غیر از این بود وما هم ارزشی برای کتاب و کتابخانه و تعلیم و

تربیت قائل بودیم و بارشاد صحیح مردم وقعی میگذاشتیم ، عوام ماهم سروسامان داشتند وهر روز ازهر گوشه ای دستبرد و شبیخون بحیات حقیقی آنان نمیزدند ، و فقر علمی و بیسوادی سرتاسر مملکت را فرونمیگرفت ، اینهمه در برابر اجانب خوازودلیل‌وسرشکسته نبودیم ، وخود بخود مفاسد امور و نقاط ضعف اجتماعی وملی ما دراثر دانائی و رشد کافی ملت اصلاح میشد ، بلی اگر ماهم ارزش کتاب و کتابخانه‌رادرك کرده بودیم ، و کفایت‌و لیاقت حفظ مواریث سلف خود را داشتیم امروز دست نیاز بمکتبات ملل مختلفه دنیا دراز نمیکردیم ، و دائرة المعارف اسلامی از آمریکا بما ارمغان نمیآمد ، و اغیار واجانب برما فخر ومباهات نمینمود و اینهمه منت برسر ما نمیگذارد .

راستی آیا عارنیست که دائرة المعارف اسلامی ششصد میلیون مسلمان از آمریکا بیاید ؟ وما فقط دلمان‌را بهمین خوش کنیم که‌هذه بضاعتنارد ت الینا ،آیا این‌خوداعتراف بورشکستگی نیست ؟ ..

❁(اگر مسلمانان . . . . ولی‌هزار افسوس)❁

بلی اگر مسلمانان بعمق و عظمت موضوع پی برده بودند ، و بکتاب و کتابخانه اعتبار و اهمیت میدادند ، و در فکر نگهداری آثار فرهنگی وذخائر علمی ومفاخرمذهبی خود بودند ، دانشگاه شماره یك نهصد وسی ساله شیعه «نجف اشرف» امروز دارای‌اولین کتابخانه عمومی دنیا بود وشرق وغرب عالم از وجود ما بهره مند ، و ابواب علوم باب مدینه علم بروی عموم خلائق باز ، وما از هر جهت از همه کس بی نیاز بودیم .

آیا ننگ نیست ؟ که بزرگترین و کهنسالترین وپر افتخار ترین دانشگاه عالی و نهائی تشیع دانشگاه امیر المؤمنین علیه السلام « نجف اشرف » جائیکه همیشه مهد پرورش مراجع بزرگ تقلید مسلمین و علماء مبرزین وحکماء إلهیین ، و مرکز الهام بخش فعالترین مؤلفین و محققین و نوابغ علمی روی زمین بوده ، و چون خورشید تابانی جهان پهناور تشیع را زیرنفوذ انوار حیاتی خود بمدارج عالیه فنون علوم ، ومعارج سامیه تقوی و کمال رهبری مینموده ، جائیکه امروزه هم از افاضل وعلماء وفقهاء و اساتید و مدرسین ومجتهدین ومراجع گرانمایه وبلند پایه موج میزند ، با داشتن اینهمه مدارس ومؤسسات

علمی ازقسمت کتاب و کتابخانه باندازه ای فقیر وبحدّی بی اعتبار شود که نتوان آنرا با کوره دهی از دهات غرب مقایسه نمود . و حال آنکه طبق مدارك موجوده اگر محصول علمی خود نجف در نجف تمرکزداده شده‌بود امروز این دانشگاه عالی دارای بزرگترین و نفیسترین و عجیب ترین کتابخانه دنیا بود ، ولی با کمال تأسف فعلاً بروز رقت باری افتاده که هر دیندار غیوری بحال آن زار زار اشك حسرت میبارد .

اینك برای اطلاع عموم مشخصات یکی از بزرگترین کتابخانه های عمومی نجف اشرف یعنی کتابخانه شوشتریها را جهت نمونه بعرض خواننده گرامی میرسانیم .

« کتابخانه شوشتریها »

این کتابخانه تأسیس مرحوم حاج محمّد رضای شوشتری و امروزه فقط دارای چهار هزار مجلد کتاب است این کتابخانه در یك اطاق ٤×٥ متر و بوسیله فقط یکنفر اداره میشود ، این کتابخانه واقع است در حسینیه ای بنام حسینیه شوشتریها که محل اجتماع اهالی نجف اشرف برای روضه خوانی و وعظ وخطابه‌وتشییع جنائز واقامه فواتح وتشکیل دستجات عزائی سینه زنی وزنجیر زنی و غیره است و بهمین مناسبات نوعاً درب کتابخانه بسته و در حال تعطیل است ، استفاده از این کتابخانه محدود است به بعضی‌ایام آنهم فقط پیش از ظهرها .





اینست شرح حال غم انگیز یکی از مهمترین کتابخانه های عمومی نجف اشرف .
تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل .

« الامور مرهونة باوقاتها »

قرنهاوضع بزرگترین دانشگاه عالی ونهائی عالم تشیع چنین‌بود تا اینکه کوکب درخشان نابغه عصر علامه مجاهد حضرت حجة الإسلام والمسلمین آیة الله امینی نجفی درآسمان نجف اشرف طالع وبا عزمی راسخ وهمّتی بلند شروع بتألیف سلسلهٔ مجلدات کتاب عجیب « الغدیر » نموده و انقلابی درجهت فن تألیف بوجودآورد ، آیة الله امینی ، این بزرك مرد إلهی ، کسیکه همواره از منبع علم وقدرت امیر المؤمنین علیه السلام درفتوحات علمی وعملی خود الهام گرفته ومیگیرد ، درچنان شرائط نامساعدی‌شروع بتألیف کتابی

مثل «الغدیر» نموده ، معظم‌له علی رغم فراهم نبودن وسائل کار درنهایت چالاکی آستین رشادت بالا زده بتحقیق و تفتیش در کتب عامه پرداخته وازبیش از ده هزار کتاب از کتب معتبره اهل سنت دلائل کوبنده وبنیان کنی دائر برفساد همه جانبه طریقه آنان درسلسله مجلدات الغدیر متمرکز ساخته ، ومجموعه بی نظیر و نفیسی بجهان علم و فضیلت وادب تقدیم نمود . شکرالله مساعیه الجمیله .

گفتیم وسائل کار مهیا نبود ، آری مهیا نبود ولی علامه مجاهد ما با قلبی سرشار از ولاء اهل البیت ومالامال از خلوص ، و اراده ای سخت تر از فولاد ، و حوصله ای چون دریای بی‌ساحل ، دامن همت بکمروبسیاری از کتابخانه های عمومی وخصوصی‌خاورمیانه را طی سی سال زیرو رو نموده ، و مطالب‌لازمه را از کتب مخالفین جمع آوری ، ومندیل خیال فاسد آنانرا درشعله‌های سوزان الغدیر بدست فنا ورسوائی سپرد .

باری بالاخره مجلدات‌الغدیر آماده شد ولی‌علامه امینی بواسطه نبودن وسائل‌کافی جان کند . فداکاری کرد . و تاسرحد افناء خویش زجر کشید . تاتوانست مشعل‌فروزانی چون « الغدیر » فرا راه گمشدگان وادی ضلالت وجهالت برپا نموده ، و ازغدیر موّاج خود عطش‌سوزان تشنگان‌حقیقت‌را فرونشاند . فجزاه الله عنّ و لیه خیر جزاءالمجاهدین في سبیله .



﴿ قیام آیة الله امینی ﴾

۞(برای تأسیس یك کتابخانه عظیم جهانی)۞

احوال دلسوخته دلسوخته داند ۞ از شمع بپرسید ز سوز جگر ما

آری علامه امینی هم مثل هزاران شخصیت دیگر بلزوم ضروری وفوری یك کتابخانه بزرگ و آبرومند آنطوریکه باید و شاید متوجه نبود ، ولی در کشاکش این دودند گیها و در میان امواج مصائب مرگباری که برای تهیه مجلدات کتاب «الغدیر» متحمل میشد کم کم باین نقیصه خفت بار متفطن شده و لزوم فوری چنین مکتبه ای را احساس نموده ، آیة الله امینی درضمن تألیف « الغدیر » معتقد شد که ایجاد یك کتابخانه مجهز جهانی که احتیاجات جمیع دانشمندان و دانشجویان و مؤلفین ومتتبعین را در رشته‌های مختلفه جمیع علوم وفنون مرتفع سازد برای عاصمه تشیع ، حوزه علمیه نجف اشرف از نان شب واجب تر است ، فلذا با تصمیمی قاطع در روز اول جمادی الاولی ۱۳۷۳ تا کهان تأسیس یك کتابخانه بزرگ عمومی را در نجف اشرف بنام :

مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام العامة

یعنی کتابخانه عمومی مولی امیرالمؤمنین علیه السلام اعلام ، و عملا ورسماً اقدام نمود .

« ماده تاریخ تأسیس »

ازدانشمند هنرمند باتقوی حجة الاسلام و المسلمین آقای شیخ محمدآقا تهرانی

دوش درآسمان علم ورشاد ۞ من افتاده را گذر افتاد

محفلی دیدم ازمحافل وصل ۞ چند جامی زدم که نوشم باد

قدسیان مست حقّ و غرق سرور * هوش ازسر شده‌است وخویش‌ازیاد
پای کوبان سرود می‌خوانند * زیرها بم شده است و بم فریاد
که بسوزند جمله خرد و کلان * عمد جهل و تودهٔ الحاد
گفته حق حق است که « من * یضلل الله فماله من هاد »
لکن آنجا که دل صفا دارد * هست قرآن لکلّ قوم هاد
من بیچاره مات از این شادی * وین غریو و خروش وجوش زیاد
لا جرم باهزار ترس زدم * دل بدریا که هر چه باداباد
بیکی از بتان بگفتم کای * جان شیرین من ترا فرهاد
چیست این های و هوی مستانه * وین نشاطی که کس ندارد یاد
لب‌چون غنچه راشکفت وبگفت * بشنو از رمز حادث نوزاد

***

باب علم نبی دری از نو * بگشود از کرم که بسته مباد
بهر تجهیز کاروان علوم * بنجف مکتبی بزرك گشاد
قرنها سال و ماه و هفته و روز * آذر وتیر و بهمن و خرداد
بگذشت و نبود مکتبه ای * در خور شأن مرکز امجاد
حاصل‌عمر صد هزاران فحل * زین سبب غالباً برفت بباد
شاهد زنده مکتبات فرنگ * داد ازاین غارت و دوصدبیداد
تا امین علی ولیّ الله * صاحب « الغدیر » امینی راد
پی تکمیل این نقیصه بجد * پای تدبیر و کار پیش نهاد
باهمان عزم راسخ معروف * با همان شور و شوق واستعداد
کمك از باطن علی طلبید * همّت از بازوان چون پولاد
از برای کتابخانه دوست * هر چه بودش‌دراین جهاد نهاد
ریخت طرح بنای مکتبه را * کند بیخ حسود کژ بنیاد
کتب از هر کجا و از هر کس * از ری و از دمشق واز بغداد

گشته آماده و کنون هم نیز * میفرستند مردم آزاد
تا که آمد صدای تهرانی * سال تأسیس را نمود انشاد
پس بگفتا : (بجان پاك علی * خانه علم و دین شده آباد)
۱۳۷۳

وشاعر معروف مرحوم محزون اصفهانی این کتابخانه مبارکه را به قصیده ستوده و چنین گوید :

باهتمام امینی نصیر ملت و دین * خدیو ملك دیانت ظهیر شرع مبین
گل ریاض حقیقت حدیقهٔ معنی * خجسته آیت حق پیشوای اهل یقین
بلند مرتبه عبدالحسین تبریزی * مؤلّف کتب « الغدیر » در آئین
کتابخانه شاه نجف بصد رفعت * بدستیاری او گشت با بهشت قرین
ندیده دیدهٔ گردون چنین بنائی را * ز لطف خالق یکتا بآسمان و زمین
مزین است چنان این بنا که از بنیاد * مهندسان جهان خیره اند زین تزیین
چو خشت اوست یکی از وفایکی زصفا * تراب اوست عجین گوئیا بماء معین
بلی زعشق امینی چو کار فرما بود * سرشته شد بوجود فرشتگان ز وطین
بسیر او چو سماواتیان ز هشت بهشت * گشوده دیده بصد ابتهاج حورالعین
بعالم ملکوتست جلوه گر این کاخ * که صبح و شام بسایند ازخضوع جبین
کواکبند همه از فروغ مصباحش * بآسمان و فلك شرمسار چون پروین
قلوب را جلواتش نموده روح افزا * ضمایر است فرح بخش از کهین ومهین
نظیر صرح ممرّد بود همی به یسار * عدیل قصر مشیّد بود همی به یمین
روان زنده دلانست تازه زین اقدام * که هست بانی و معمار مورد تحسین
بسی روا است بتأسیس این بنا تمجید * که نسبتش به شه اولیاست در تعیین
بافتخار کتب خانه ایست از آن شاه * به سر فرازی ایرانیان و سعی امین
صحایفی است در اومحتوی‌زخیل علوم * دفاتری است در او ممتلی چو درّ ثمین
نفایسی که دراو هست از کتب‌مشحون * ملمّع است بفضل و کمال در تضمین

موشّح است بانوار علم از هر باب * بنام شاه ولایت خدیو ملت و دین
علوم عالمیان از ألست تا به ابد * چو قطره‌ایست ز دریای علم او تلقین
بشهر علم نبی بود چون ز رفعت باب * خطاب اوست سلونی بمنبر تحسین
کسیکه مظهر علم و صفات حق باشد * چگونه اش بستایم که‌دل شودتسکین
نزول آیهٔ تطهیر و هل أتی به نبي * مبرهن است چو طاها قرینهٔ یاسین
پس از کلام خدا مدح او بسحر حلال * مرا گمان که ز بیدانشی شود توهین
بآستان ملك پـاسبان او خـواهم * بعفو از کرمش بر خطا همی تأمین
ذرایعی است بعذر گناه بر درگاه * مراین چکامه که برمهراودل‌است‌رهین
قبول گر ز تلطّف شود از او بی ریب * سپر شود بمکافات و آتش سجّین
خجسته باد ز اخیار این چنین خدمات * باستفاده اسلام از بنات و بنین
اگر چه مُقبل درگاه‌حق بود بخلوص * هر آنکه دین مبین را شود بدهر معین
معاونی چو امینی که در ولای علی * ز جان گذشته بود کو چنین‌پدیدومتین
ستودنش به جهان بر عباد فرض بود * بموجب خدماتی که کرده او گل‌چین
اگر چه صیت کمالات اوست در عالم * رقم به مشك تتار و بخامهٔ زرّین
بیادگار در این روزگار این مزجاة * ز نام اوست بتقریظ از من مسکین
چو خواست‌خامهٔ محزون‌بدهر تاریخی * از این بنای همایون برشك‌خلدبرین
روان او به تهجّی رقم به هجری کرد * برهنموئی عقل سلیم بعدّ سنین
برون ز جامعه محمود آمد و گفتا * کتابخانهٔ یعسوب دین امام مبین (۱)

«ما کان لله ینمو»

بلطف پروردگار وعنایات خاصه او سبحانه وتعالی در اثر مجاهدات علی الدوام وسعی‌و کوشش بلیغ وخلوص نیّت وحسن تدبیرعلاّمه امینی ، دراندك زمانی نتایج‌مطلوبه این فکرمقدس مشهود وبهره برداری ازآن آغاز ، ودرعید سعید غدیر ۱۳۷۹ درمیان غریو سرور جشن بسیار باشکوهی کتابخانه مبارکه رسماً افتتاح وشروع بکار گردید .

(۱) اعداد حروف اسم شاعر « محمود» که ۹۸ میباشد از ماده تاریخ کسر میشود .

« ماده تاریخ افتتاح »

ایضاً ازعالم باحقیقت حجة الاسلام تهرانی

شکرحق کزلطف‌اوباسم‌امیرالمؤمنین * بازشد این مکتبه باسعی مرد آگهی

مژده کزسعی امینی‌صاحب‌سفر «الغدیر» * گشت‌ظاهر سوی‌هرعلمی برای‌مارهی

حبّذاکاین‌مکتبه‌دربین‌دیگرمکتبات * همچونامش‌شد فروزانترزهرمهرومهی

میدرخشد برجبین آسمان امتیاز * چون درتابنده‌ای برافسر شاهنشهی

گفت‌تهرانی پی تاریخ سال افتتاح: * آیت‌الله امینی بر گشود این در زهی

۱۳۷۹

اینك برای مزید اطلاع خوانندگان گرامی وجلب کمکهای مادی ومعنوی‌عموم اهل خیر وصلاح‌وتشریك مساعی ایشان بمنظور توسعه وتکمیل این مشروع مقدس ضمن عرض تبریك وتهنیت شرحی از اوضاع این کتابخانه جدید الولاده نگاشته ودوام‌توفیقات حضرت آیة‌الله أمینی مؤسس محترم را ازدرگاه قادر لایزال جداً ومصراً مسئلت مینمائیم .

«شرح حال این کتابخانه»

ابتدا قطعه زمینی بمساحت ۲۶۰ متر مربع واقع درجنب مدرسه مرحوم سید « آیة‌الله یزدی » از استاد حمزه بحرخریده شد ؛ موقعیت این زمین بهترین موقعیت‌برای ایجاد کتابخانه بود زیرا نوع مدارس نجف اشرف از قبیل مدرسه مرحوم سید . مدرسه بزرك مرحوم آخوند . مدرسه قزوینیها . مدرسه‌بخاری . مدرسه شربیانی . مدرسه ایروانی وغیرها دراطراف آن واقع واین زمین درحقیقت وسط این مدارس است ، وعلاوه براین از غوغا وهیاهو وسروصدا دور ومکان بسیار ساکت وآرامی است برای مطالعه . این ۲۶۰ متردرچند طبقه تماماً زیر بنارفته ، طبقه یکم‌مشتمل برسردابی است بوسعت تمام مساحت مزبور . طبقه دوم بدوقسمت‌تقسیم شده قسمت اول مشتمل‌است بریك سالن مطالعه.وسعت ۱۰×۸ متر وایضاً یك اطاق پهلوی درب کوچه . و روی آنها که طبقه سوم عمارت باشد باز مشتمل است بریك سالن مطالعه بوسعت ۱۱×۸ متر و اطاق تشریفات ٥×٤ متر . واما قسمت دوم ازطبقه دوم بوسعت ۱٤×۸ متر مخزنی بنا شده برای کتاب در

چهار طبقه که‌دارای‌یك سقف‌است ، طبقهٔ‌یکم مخزن : بارتفاع‌سه مترازسه‌طرف قفسه‌بندی گردیده وایوانی‌بدورسه‌طرف کشیده‌شده‌است ، طبقه دوم‌مخزن : بارتفاع ٥٠ر٢ متر نیزاز سه طرف قفسه بندی شده وایوانی‌بدور سه طرف داده شده است ، طبقه سوم مخزن : نیز بارتفاع ٥٠ر٢ متر ازسه طرف قفسه بندی وباز ایوانی بدور سه طرف کشیده شده است ، طبقه چهارم مخزن : نیز مثل طبقه سوم قفسه بندی و ایوان ، که مجموع ارتفاع مخزن باروشنائیش در حدود ٥٠ر١١ مترمیباشد ، وفاصله میان چهارطبقه‌مخزن کتب و دو سالن فوق الذکر دیواریست ازشیشه که ازبالا و پائین دارای مخازنی است برای نفائس و نوادر کتب وخطوطزیبا وتماشائی که درحقیقت‌موزه ومتحف کتابخانه محسوب میشود ، وتمامی این ساختمان باسیمان وآهن تأسیس وخاتمه یافته است .



ایضاً در سال ۱۳۷۷ قطعه زمینی بمساحت ٤٣٠ متر مربع که متصل است بهمین ساختمان ازسادات رفیعی خریداری گردیده وضمیمه شد .

ازاین زمین صحن وحیاطی بوسعت ١٤×١٤ متربرای کتابخانه احداث میگردد وبقیه آن درسه طبقه انشاءالله وبحول وقوه الهی زیربنا خواهدرفت . طبقه یکم مخازنی است برای کتب بوسعت ١٢×١٨ متر وبدوازده شعبه مجزّا تقسیم خواهد شد که هریك مخزن علیحده‌ای برای موضوعی‌ازعلوم باشد . طبقه دوم دار التألیف است که دوازده اطاق ٥٠ر٢×٥٠ر٣ برای مؤلفین بنا میشود بطوریکه‌هرمؤلفی‌بتواند شب و روز د.آنجا اقامت نموده ومشغول انجام تألیفش باشد ، این‌یکی دیگر از ابتکارات این کتابخانه واولین فکر مهم بسیار پر قیمتی است که در هیچ جای دیگر وجود نداشته و برای اولین بار در این کتابخانه عملی‌خواهد شد . طبقه‌سوم سالنی است بزرك بوسعت١٢×١٨ متربرای‌مطالعه وضمناً محلی‌است برای بر گزاری‌جشنها و کنفرانسهای‌مهم‌علمی ومذهبی‌وسایرمناسبات ،

وباید دانست که کلیه متعلقات کتابخانه از اثاثیه و کتب وارده وغیرها تماماً بنام خود کتابخانه در دفاتر رسمی قید گردیده ، و اوراق و اسناد ودعاوی ومحاکمات راجعه بکتابخانه در عموم دوائر دولتی نیزباسم خود کتابخانه بوده وخواهدبود وهرنام دیگری که درکار باشد فقط بعنوان‌نمایندگی است وبس ، ودولت عراق این کتابخانه‌را برسمیت

شناخته و کتابخانه ملی عمومی عالمی تسجیل کرده‌است .

و نیز دروقفنامه این کتابخانه دوشرط‌مهم قیدشده است :

۱ - عموم متولیان امور کتابخانه درجمیع طبقات تا متولیان طبقه بعد از خود را تعیین‌نکرده اند حق هیچگونه مداخله‌ای درکارهای کتابخانه را ندارند .

۲ - اگر بودجه کتابخانه از خارج تأمین نشود ومتولیان از اداره امور کتابخانه و تهیه بودجه آن عاجز گردند ، و راهی ولو به تبدیل وتغییر متولیان بدست نیاید ، ویأس کلی ازقدرت اداره اموروادامهٔ شئون‌آن پیدا کنند ، دراینصورت تولیت آن منتقل بتولیت کتابخانه‌آستان قدس رضوی ارواحنا له‌الفدا میگردد ، یعنی متولی آن آستانه مقام تولیت این کتابخانه را نیز دارا ، ومتصدی جمیع‌امور آن میباشد ، بشرط آنکه کتابخانه ازنجف أشرف بهیچوجه من‌الوجوه بجای دیگری انتقال نیابد .

❁(شکر و امید)❁

در خاتمه قبل از تقدیر و تقدیس ازمساعی جمیله حضرت آیة الله امینی نجفی دام ظله باید بدین موهبت عظمی‌خدای متعال را تا ابد ستود ، و اورا از دل وجان شاکر بود که بالاخره بدست عالمی عامل و انسانی کامل موجبات عزت وعظمت و سربلندی وفخر ومباهات جامعه تشیع و بزرگان مذهب شیعه ومخصوصاً مسلمانان ایران را فراهم نموده و اینهمه افتخارات بما ارزانی فرمود . وباید اعتراف نمود که هنوز اول کار است و این مکتبه بایستی‌آنقدر پیش رود تا تمام کتابخانه‌های جهان را تحت الشعاع عظمت‌واهمیت خود قرار دهد ، این دیگر بسته بهمت مردانه مسلمانان غیور ، ومساعدت مادی و معنوی عموم طبقات شیعه که آیة الله امینی را کمك و پشتیبانی نمایند تا این راه درازی‌را که در پیش گرفته بسرعت بپیماید .

آری بسته است بتوجه تجّار واعیان و اشراف ورجال باشهامت مسلمان ، و اعتقاد آنان بلزوم وجود کتابخانه‌ای در خورشأن امام المتقین امیر المؤمنین علی علیه‌السلام و چنانچه بادست همت آنان تأسیس شده کمر حمیّت بندند که این خدمت بزرك شماره يك به مذهب وملت و علم وهنر بوجه احسن انجام یابد

مناظر جلال

این چندقطعه‌عکس را از مناظر مختلفه کتابخانه بنظر خواننده گرامی رسانیده و تماشای فرح افزای نزدیك آنرا ازبرای‌دوستان امیر المؤمنین عليه‌السلام از پیشگاه ایزدمنان مسئلت داریم .

ش ۱ ـ سردر کتابخانه است که بخط زیبای جناب آقا میرزا احمد زنجانی نگارش یافته ، وبا کاشی معرّق نمره یك در ایران با نظر جناب آقای هاشمی کرمانی رئیس چاپخانه مجلس ، وجناب آقای مصطفوی رئیس سابق موزه باستان ساخته شده ، و استاد متخصص فنّی کاشی ساز معروف آقای محمد صادق اصفهانی خود حمل بنجف اشرف نموده ، ومباشر نصبش گردیده است .

واشعاریکه درآن دیده‌میشود ازجملهٔ ابیاتی است که جناب دانشمندطبیب نویسنده معروف آقا میرزا محمّد خلیلی نجفی صاحب کتاب « معجم ادباء الاطباء » در مادّه تاریخ آغاز ساختمان کتابخانه سروده اند . وما تمام ابیاترا درج‌مینمائیم .

ههنا معهد علم شاده * رجل‌الحزم الذي عزّ قرينا

معهدٌ قد قام في انشائه * عزم فرد قدسما علماً ودنيا

من غدا رائده الحق و قد * فتح الله له فتحاً مبينا

من تفانا في ولا حيدرة * و بنيه الطيبين الطاهرينا

شيخنا الحَبر الامينيّ الذي * راح‌في‌حفظ‌الولا يطوى السنينا

بحره أجرى‌غدير الفضل كي * ترتوي‌منه الملا عذباًمعينا

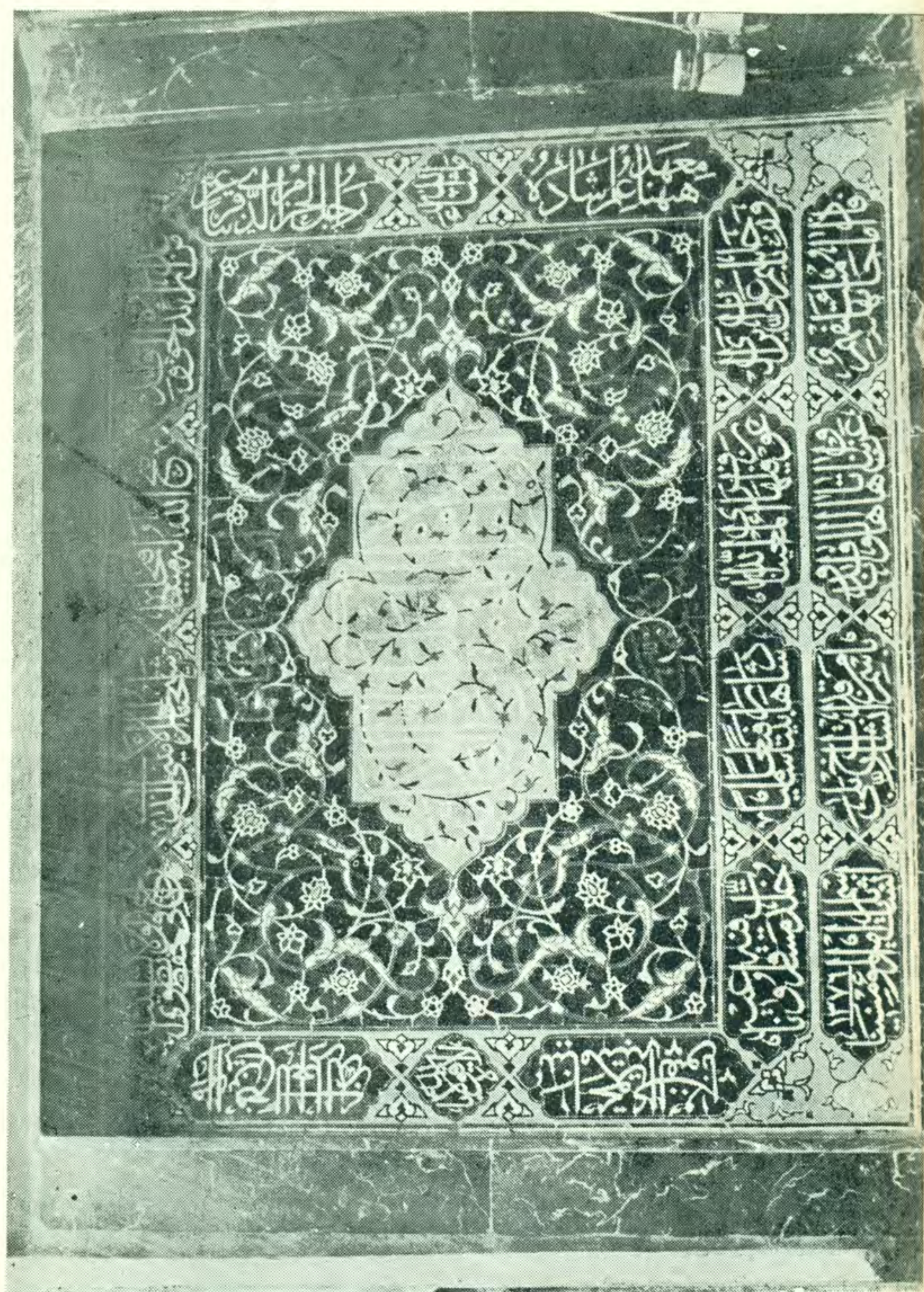
رام أن‌يرفع للعلم الذّرى * ببنا مكتبة تحوي الفنونا

ورجاباسم عليّ أن‌يرى الـــــــعون فيها فرأى الله المعينا

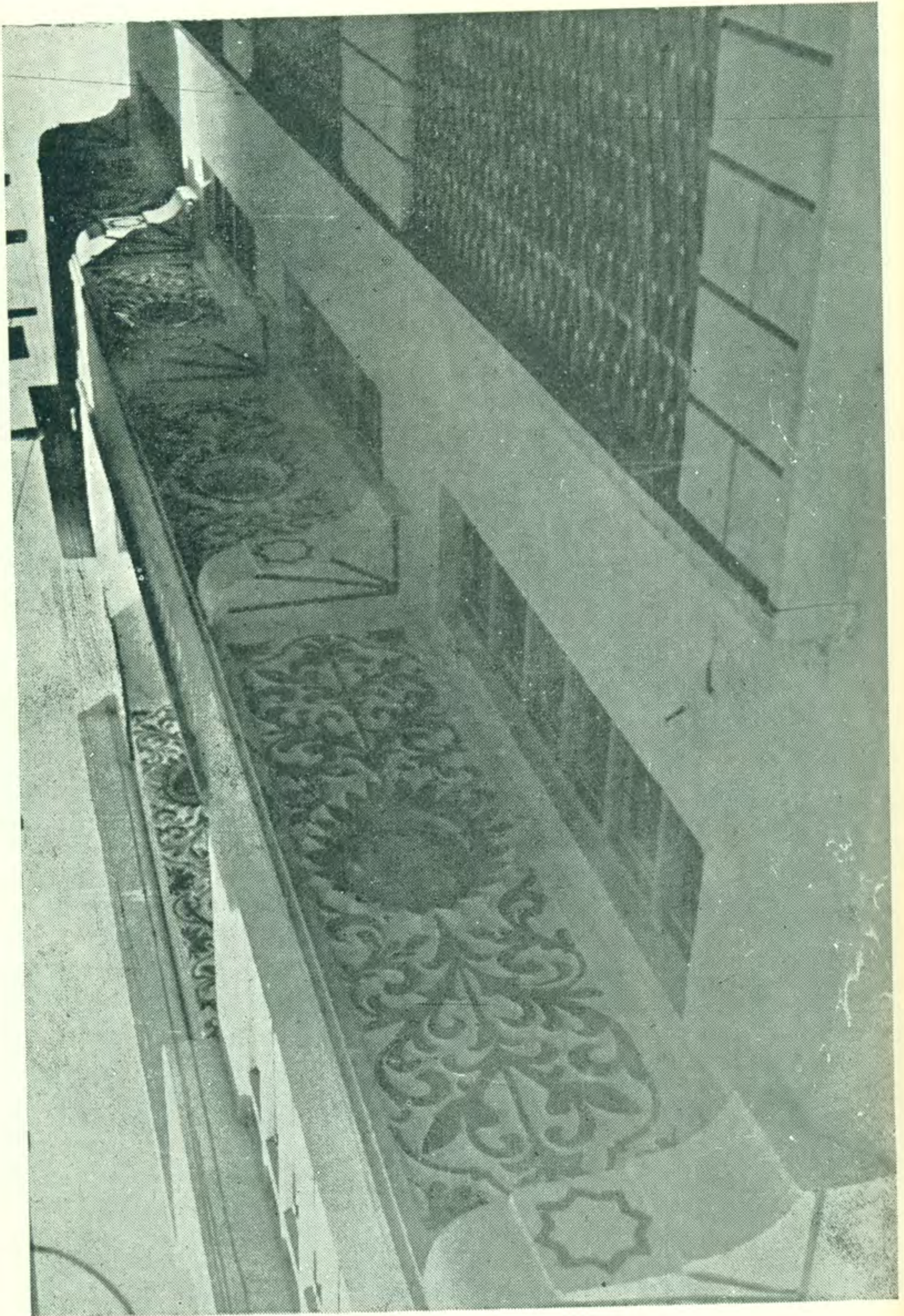
شاد ها بيتاً رفيعاً سامياً * خلدت فيه مساعيه قرونا

فإذا ما جائها مستفهمٌ * عن بناها وأتا ها الوافدونا

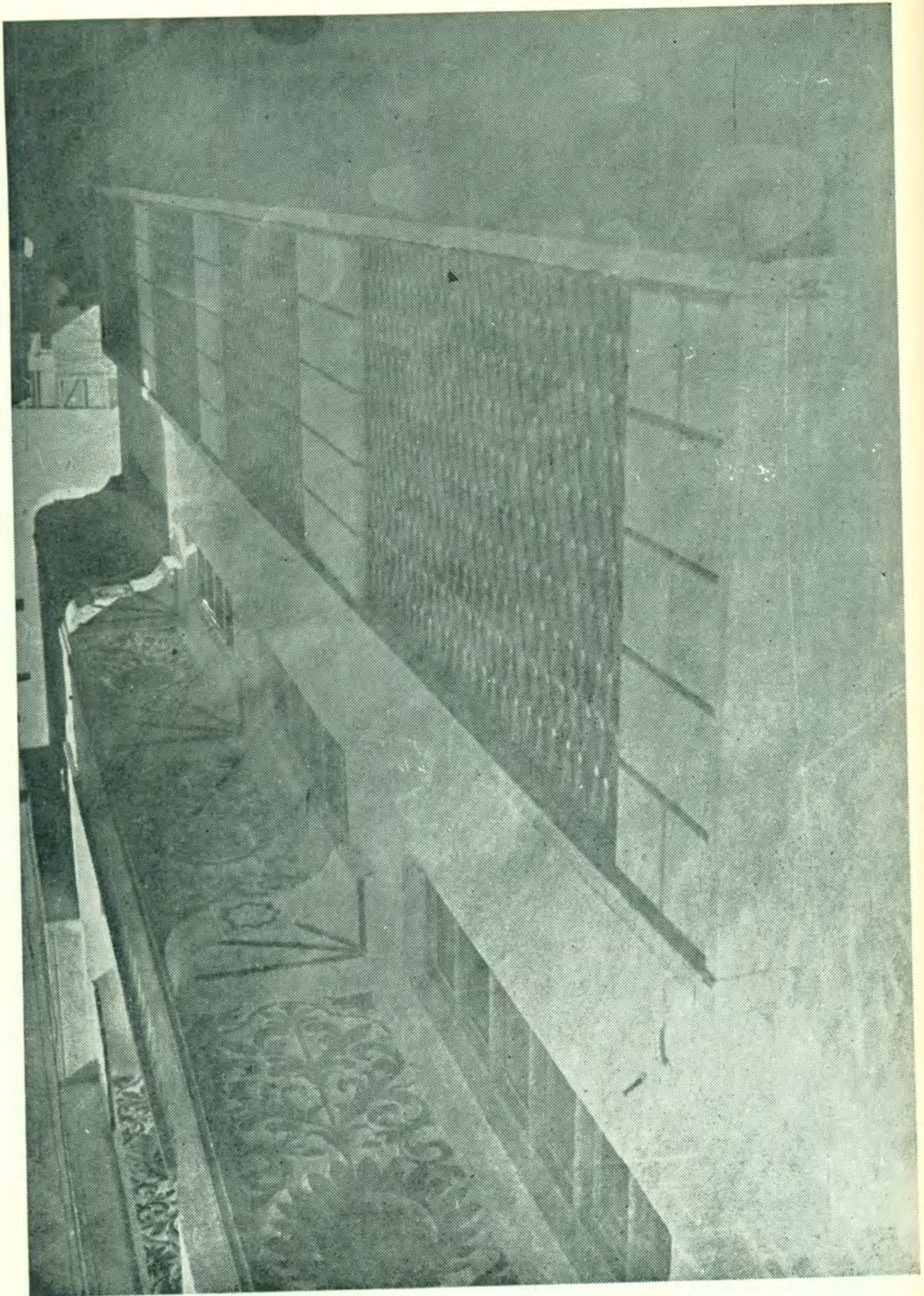
باسم‌من قداُنشات ار ّخ«بلى * اُنشأت‌باسم اميرالمومنينا» ١٣٧٦



درب ورود کتابخانه با قسمتی از اطرافش که مزین بسنگ مرمر اُردنی است



ش۳ - نمای طرف قبله کتابخانه از خارج

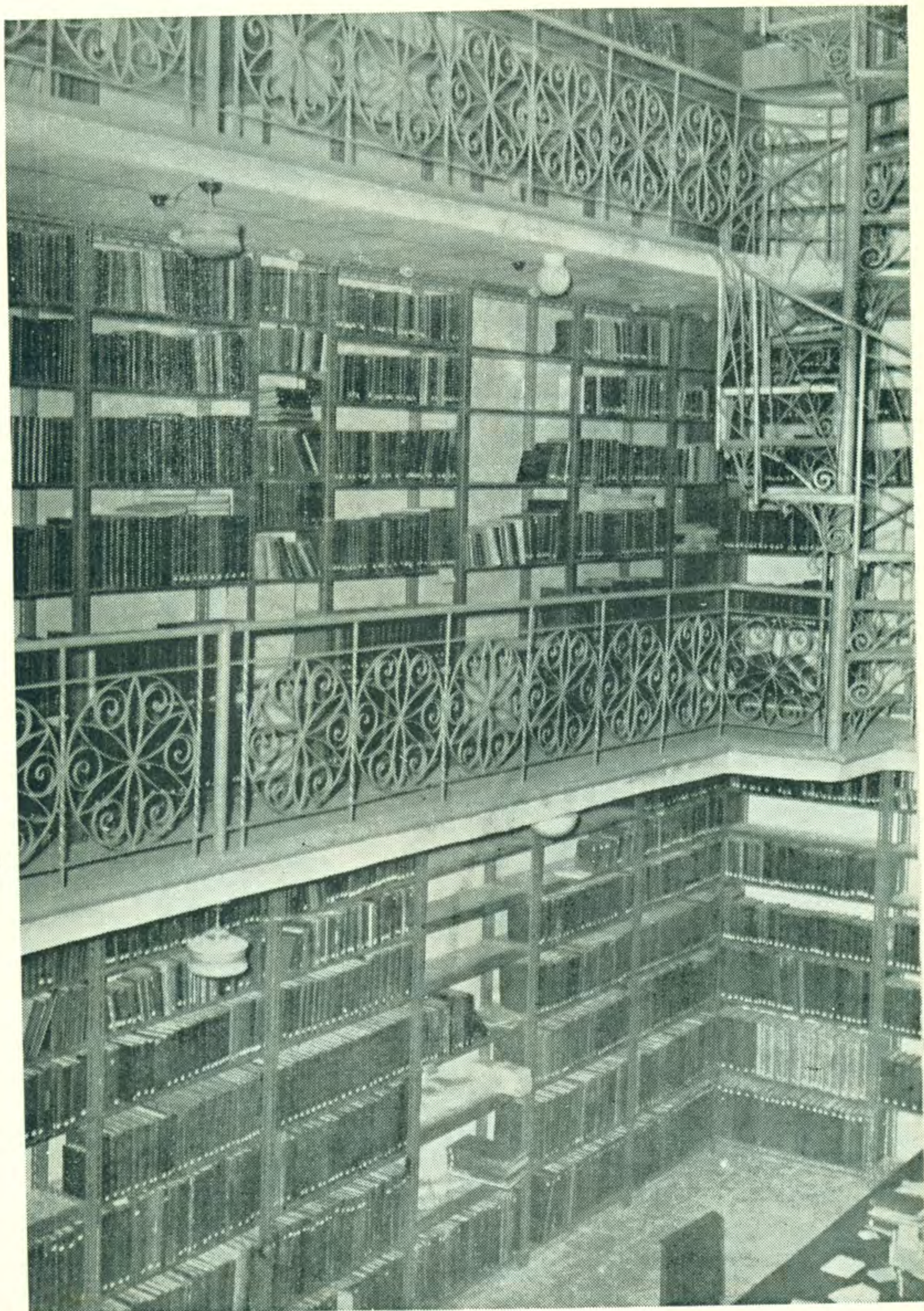


نمای جبههٔ قبلی کتابخانه از بیرون



منظره سه طبقه از طرف شرقی مخزن کتب

نمای طرف غربی مخزن کتب



نمای قسمت دیگری از مخزن کتب



نمای طبقه اول ودوم مخزن کتب



نیکوکار پاینده و زنده است

ما دراینجا نام اشخاصیرا که از آقایان محترمین کتابخانه شخصی خود را تقدیم کتابخانه مبارک که مولی امیرالمؤمنین علیه‌السلام نموده اند ، یا آنهائیکه بیش از پنجاه جلد کتاب هدیه کرده‌اند ، برای یادبود وتشکر وذکر خیر بنظر خوانندگان میرسانیم ، و درفهرست کتب که درآیندهٔ نزدیك چاپ و نشر خواهد شد از تمامی آقایانیکه کتاب هدیه فرموده ولو یك جلد نام برده می شود ، و نام نیکوکار در صفحهٔ تاریخ پاینده وباقی است .

حضرت آیة الله آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی قمی .

» » آقای حاج شیخ میرزا علی زنجانی کاظمینی .

حضرت حجة‌الاسلام والمسلمین مرحوم آقای حاج سیدنصرالله جزائری .

» » » » آقا شیخ عبدالحسین حلی نجفی .

» » » » آقا میرزا موسی راشد امام مسجد بزازها .

» » » آقای حاج سیداحمد طالقانی طهرانی .

» » » آقای حاج شیخ علی شمس حایری طهرانی .

دانشمند واعظ بزرك شهیر مرحوم آقای حاج‌شیخ جواد عراقی تهرانی .

دانشمند شریف آقای حاج سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی نجفی .

دانشمند محترم آقای حاج میرزاحسن خسروشاهی .

دانشمند فاضل آقا شیخ محمدباقر هجری بحرینی .

دانشمند واعظ هنرمند شریف آقای حاج آقا جمال صهری اصفهانی .

جناب اجل تیمسار سرلشکر عزیزالله خان ضرغامی .

جناب عمدة السادات آقای حاج سید رضاخان اخوی .

جناب آقای مبشر السلطنه طهرانی مرحوم .

» » نواب احتشام رضوی .

جناب آقای حاج سید محمدعلی شرفپور سنقری

« « میرزا ابوالقاسم خان فیوضات تبریزی .

« « « باقرخان حکمت تبریزی .

« « « محمدحسین مجتهدی تبریزی .

« « میرزا محمد علی لبیب طهرانی .

« آقا میرزا رضا خان فلسفی اصفهانی .

« آقای حاج رمضانی کتابفروشی سینا طهرانی .

« « حاج سید احمد مرحوم کتابفروشی اسلامیه تهرانی .

« « حاج خیام کتابفروش تهرانی .

« « اقبال کتابفروش تهرانی .

استاد فاضل آقا شیخ اسد حیدر نجفی .

« « « محمد حسن حیدر غلامی نجفی .

« آقای شاکر حبیب بغدادی .

« « عبدالحسین محمد علی بهبهانی عراقی .

فاضل محترم آقای حاج اسماعیل سیگاری تبریزی .

جناب آقای حاج میرزا علی اکبر کازرانی اصفهانی .

« « « قائمقام الملك رشتی طهرانی .

« « « سید مطفی علوی کرمانشاهی .

جناب آقای دکتر رضا زاده شفق .

« « دکتر رضا بانکی تهرانی مرحوم .

« « دکتر مدرسی تهرانی .

« « دکتر علی اکبر شریف تهرانی .

« « دکتر عبد الحمید شیخ تهرانی .

« « مرحوم مهندس قاسم رفیع تهرانی .

جناب آقای حاج سید مهدی آل طعمه موسوی تهرانی .

« « سید حسین سید سلمان نجفی .

« « حاج علی اصغر ابریشمی زاده تبریزی .

« « حاج شیخ محمّد آخوندی یزدی تهرانی .

« « حاج شیخ علی آخوندی یزدی نجفی .

آیة الله آقای امینی مؤسس کتابخانه .

آقا شیخ محمّد هادی امینی آقازاده امینی .

آقای حاج شیخ محمّد رضا امینی آقازاده امینی .

بانو علویه عالمه جلیله کامله خانم هاشمیه اصفهانی .

بانو شریفه عزت السادات اخوی تهرانی .

﴿تشکر و سپاس﴾

باکمال احترام و قدر دانی از مقام منیع ریاست محترم دانشگاه طهران ، نظر به اینکه اهمیّت این کتابخانهٔ مبارکهٔ ملی ومذهبی مولی امیر المؤمنین علیه السلام را مورد توجه قرار داده ، و دانشگاه جهانی شماره یك شیعه ـ نجف اشرف ـ را که مایهٔ سر بلندی و افتخار وعزّت و کیان ایرانیان است، وبه دست همت پیشوای ملّت ومذهب ، رئیس طائفه حقّه ناجیه شیخ طوسی قده تأسیس گردیده ، به خودمنتسب دانسته واظهارعلاقه نموده ، واز اوّل تأسیس این کتابخانهٔ عامره کتبی را که دانشگاه متصدی چاپش بوده مستقلاً به نام کتابخانه هدیه و ارسال داشته ، سزای بسی شکر و سپاس است .

وضمناً خاطر نشان مینمائیم : کم بود هائی را که بواسطه نداشتن نسخه فرستاده نشده امیدواریم که در مقام تجدید چاپ بررسی کرده و تتمیم نمایند .

و زیبنده است آقایان استادان ونویسندگان هنر مند دانشگاه وسایر مؤلفین عالی شان تزوید وترویج این کتابخانه را از وظایف ملی ومذهبی خودشان شمرده، وبافرستادن تألیف و تصانیف خودشان نامی در صحیفهٔ دفتر خدمتگذاران علم وهنر در آستان قدس مولای متقیان داشته باشند .

من يعمل مثقال ذرّة خيراً يره

عمل نيك وكار خير همواره در عوالم كون مجسّم، و نقش بند وجود است، و در صفحهٔ تاريخ باقی، و نام نيكوكار تا ابد زنده و پاينده، و كوچكترين عملی ولو بقدر ذرّه بوده باشد قابل سنجش و ارزش و اعتنا است، و هر نيك و بد در عالم وجود اثر بخش و منتج ثمر ميباشد، لذا نا گزيريم دراين صحيفه تاريخی نام آقايان محترمينی را كه كمك مالی بكتابخانه مبارك نموده اند، و دراثر همّت و مردانگی ايشان اين عمل بزرگ جهانی انجام گرفته درج نمائيم، وازهر يك از ايشان بنوبه و درجهٔ خودقدردانی وتشكر و سپاس گذاری نموده، توفيق و سعادت همه را از خدای توانا مسئلت كنيم.

دردرجه اوّل:

جناب آقای حاج سيدرضاخان اخوی تهرانی

« « ميرمصطفی عالی نسب تبريزی

« « محمود آقا كاشانی طهرانی

« « فرج موحدی طهرانی

« « حسين شاكری نجفی بغدادی

در درجه دوم: ١٠-٢٠

جناب آقای حاج محمّد علی پوستی اصفهانی طهرانی

« « علی اكبر كاظمی كاشوری طهرانی

« « عبد حدّ ادنجفی

« « علی آقا خسروشاهی تبريزی

« « فرج نعمت‌زاده تبريزی

جناب آقای حاج اسماعيل سيگاری تبريزی

« « مجيد پركار تبريزی

« « علی زاده كاغذی تبريزی

« « محمّد حسين مسگرزاده تبريزی

« « محمّد علی جورابچی اتفاق

در درجه سوم: ٥-١٠

جناب آقای حاج سيدمهدی موسوی آل طعمه

« « ميرزا باقر تحريريان طهرانی

« « سيد محمّد زعفرانچی تبريزی

« « احمد آقا طاقچيان خراسانی

« « حسين كاشانی طهرانی

« « مهدی صبوحی طهرانی

« « مهدی شهباز طهرانی

« « احمد كاشانی طهرانی

جناب آقای حاج محمود طاهباز
« « محسن مازندرانی تبریزی
« « آقابزرك بافته چی تبریزی
« آقا جواد و آقا اسدالله و آقا عبدالله
شیمرانی طهرانی
« حاج میرمرتضی عالی نسب تبریزی
« حاج رضا مسگر زاده تبریزی
« « شیخ محمد آخوندی
دردرجه چهارم : ۱-۵
آیة‌الله آقای حاج شیخ مهدی نجفی اصفهانی
حجة‌الاسلام آقای حاج میرزاقاسم گر گری
اهالی آبادان توسط حجة‌الاسلام آقای قائمی
« « « « « بهبهانی
اهالی سنقر توسط ثقة‌الاسلام آقای انصاری
جناب آقای حاج شیخ العراقین بیات طهرانی
« « حسن وطنچی کرمانشاهی
« « سیدقاسم افجهٔ
« « حسین قیصریه طهرانی
« « مطلب زاده تبریزی
« « سیدمحمدعلی سه دهی
« « احمدآقا ملکی تبریزی
جناب آقای حاج میرزا حسن خسرو شاهی
« « قاسمیان کرمانشاهی
« « فرهودی کرمانشاهی

در درجه چهارم : ۱-۵
جناب آقای حاج سیدمهدی سامنی کرمانشاهی
« « مجید بری تبریزی
« « هاشم شبستری زاده
« « ابراهیم امینی تبریزی
« « نصراللهی طهرانی
« « عبدالمطلب مامقانی تبریزی
« « میرزاعلی تحریریان طهرانی
« « سیدحسین دها طهرانی
« « غلامحسین مسچی طهرانی
« « اسدالله توسلی طهرانی
« « حسن جلالی تبریزی
« « اسدالله ریسمانی طهرانی
« « آقارضا کارسچی طهرانی
« « میرزا علی اکبر کازرانی
« « محمود آقافرشی اصفهانی
« « آقا محمود بصیری اصفهانی
« « آقاحسن ملاباشی «
« « محمود آقا ضیاء «
« « آقا رضا صیرفی اصفهانی
« « میرزاحسن دردشتی «
« « آقامهدی شکرانی «
« « سیدمحمود مهاجر «
« مرحوم رحمة‌الله «

جناب آقای حاج غلامرضا زرفشانی «
« « میرمحمد ومیرعلی بنکدار «
« حاج سید مصطفی صمصامی «
« حسن آقا تمیزی «
« حاج شیخ علی جوانمردی «
« « سید جواد جوادی طهرانی
« « آقا مصطفی محمدیان «
« « محمد علی یزدی اصفهانی
« « محمد حسین یزدی «
« « سید محمد افضل «
« « میرزا ابوالقاسم کوپائی «
« « عبدالکریم شجاعی طهرانی
« « علی اصغر صباغ کرمانشاهی
« « کریم انصاری تبریزی
« مرحوم دکتور رضا بانکی طهرانی
« حاج ابوالفضل احمدی تبریزی
« مرحوم شتر داران روضه خوان طهرانی
« حاج ابوالقاسم رفیعی «
« « عبدالله زاده تبریزی
« « محمد محسن زرکش طهرانی
« « یوسف گرجی خراسانی
« « علی آقا نوید طهرانی
« علی آقا بابائی «
« حاج سیدعلی سیاه پوش «

جناب آقای حاج حسن آقا امینی «
« « میرصادقی «
« « غلام رضا نقی زاده «
« « علی اکبر حیدری «
« « عبدالرزاق عوینانی بغدادی
« « یزدی زاده طهرانی
« « جعفر آقا خرازی طهرانی
« « حسن آقا قیافه خراسانی
« « حسین کاغذیان تبریزی
« « سید حسین موحدی «
« « محسن تدبیر طهرانی
« « حسن کرمانیان «
« « غلامحسین دلیل «
« « حسن زاده خراسانی
« « حسن خرازی اصفهانی
« « غلامحسین اتفاق

دردرجه پنجم :

آنهائیکه ازهزار ریال تاده هزار ریال کمك نموده اند

جناب آقای حاج غلام حیدر افغانی
« « سید مهدی خرازی طهرانی
« « حسین توسلی «
« « اقبال کریمیان خراسانی
« « دکتر علی اکبر شریف طهرانی

جناب آقای دکتر ناصر طاهری طهرانی
« مرحوم حاج عبدالامیر نجفی
« باقر رمضانی
« حاج عبدالعلی فایز تبریزی
« شیخ عبدالحمید سماوی
« احمد وحمید عطار بغدادی
« حاج کاظم رحمانی کربلائی
« « جعفر ملا حمید کویتی
« محمدعلی فرشچیان طهرانی
« حاج ستار سقط فروش تبریزی
« « جواد برق لامع تبریزی
جناب آقای عبدالحسین فرشچیان طهرانی
« مرحوم حاج عبدالمهدی عفکی
« حاج معارف پرور اصفهانی
« « محمد اخلاقی کرمانشاهی
« « سیدمرتضی سامنی «
« آقاعلی معتمد طهرانی
« حاج محمدتقی اتفاق تبریزی
« « حسین سعادت اصفهانی
« « میرمحمد صادقی «
« « احمد کلاهدوز «
« « حسن آقا کلباسی «
« محمد آقا مشایخی «
« حاج عبدالحسین ظهور «

جناب آقای عبدالوهاب زواری اصفهانی
« حسن آقا عینی «
« میرزا هدایت تابش «
« حاج میرزا باقر لقمانی «
« « میرزاعباسعلی نیلفروش «
« « محمد یزدانی «
« غفار آقانصیری «
« حاج آقامصطفی مدرسی «
« آقا یوسف چاپچی
« حاج حسین صیرفی اصفهانی
« سیدمحمدعلی فانی زواره «
« احمد آقا سمسار «
« عبدالحسین گلستانه «
« حاج آقا جواد روغنی «
« عبدالغفور هوده «
« علی آقا خوانساری «
« حسن آقا اولیاء «
« حاج عبدالحسین منعمیان «
« کریم صفارکار «
« محمد لواف «
« حاج میرزا عبدالحسین شکری «
« کیواندازیان «
« حاج محمد نمازی «
« « شمالی زاده «




جناب آقای محمدحسن مقدادی اصفهانی
« « احمد بلورفروش «
« « خراسانی زاده «
« « عبدالرسول نیلفروشان «
« « حبیب‌الله نیلفروشان «
« « کریم نیلفروشان «
« آقای ریسمانیان «
« محمود آبادی «
« سید احمد سعیدی «
« باقر نیلفروشان «
« حسینعلی نیلفروشان «
« میرزا علی محمد کرمانشاهی «
« عبدالرحیم عبودیان «
« حاج عباسعلی «
صاحب نامه بی امضا از بازار اشرف «
جناب آقای حاج باقر پیمان طهرانی
« زرگر جواهری برادران
« حاج رضا چایچی تبریزی
« « محمدعلی تبریزی
« « عباس پناه خواه تهرانی
« « میرزا محمدحسین مجتهدی
« سید حسین خضری عراقی
« داود دانشجوی بغدادی
« آقا رضا طریقت طهرانی

جناب میر اسکندر شاه افغانی ورفقاش
« اکبر آقا تهرانی
« حاج عباس مس‌فروش طهرانی
« « مرتضی تجریشی
« « محمدحسن رجالی اصفهانی
« « میرهاشم گاوگانی
« سید مرتضی هاشمی اصفهانی
« حاج سید حسین ایلیائی تبریزی
« « سید محمد علوی کاشمری
« « حسین نعیمی گاوگانی
« « محمد حسین مبلغ تبریزی
« « عباسعلی جدی تبریزی
« آقاحسن رحیقی طهرانی
« « محمدجسمانی خراسانی
« « محمود آرامش کرمانی
« « صوفی زاده خراسانی
« « حاج خلیل خوئی
« « حق دوست خراسانی
« « حاج صدری «
« « سمیعی «
« « محمدرضا کاشانی قمی
« « حاج سنمی خراسانی
« به جو وملاعباسعلی «
« حاج عباسعلی مقامی
« « احمد هاشم نیا خراسانی




جناب آقاي حسن برزگر خراسانی
« « علی آقاسبزواری اصفهانی
« « آقا مجید قنادی تبریزی
« « حسین آقا رئیس طهرانی
« « حاج محمدهادی هاشم نیا
« « سیدجواد مرعشی بغدادی
« « سید محمدهاشمی کرمانی
« « حاج محسن کاشانی تهرانی
« « حاج مجتبی ضوئی
« « مفیدی طهرانی
« « قره گوزلو و آقاسیدحسین
« « اصغرآقا احمدی طهرانی
« « حاج آقا کمال واعظ «
« « حاج علی جعفری «
« « حاج حسن معتمدی «
« « رضا کاشانی
« « محمدآقاکاشانی
« « رحمانی تهرانی
« « حاج آقابزرك حلمی تبریزی
« « « کریم توکلی تبریزی
« « « بهزادیان خراسانی
« « پرویزیان تبریزی
« « مجیدآقا جوان
« « مهدي آقا بلوری تهرانی

جناب آقای علي میرزا نجفی
« « حسن صدر تهرانی
« « محمد حسن بهاری
« « دکتر کیانی تهرانی
« « عدل پرور «
« « محمد ناصر فاني اصفهانی
« بانو عفت الزمان امینی
« « مرضیه
« « آغا بی‌بی‌درمیانی
« « کلباسی
« « توران سمیعی خراسانی
« « خانم آقای مجتهدی تبریزی

در درجه شش

آنهائیکه کمتر از هزار ریال کمك کرده‌اند

جناب آقای حاج میرزا علی آجلی
« « نعمت‌الله دست فروش طهرانی
« « حاج طوینه بصری
« « ساچت بصری
« « علی اصغر نورافزا
« « عبدالکریم نادریان اصفهانی
« « احمد ساکنی
« « محمد حسین
« « حسین گیلانی
« « سید دانشجوی دینی

شماره

حساب کتابخانه مبارکه در بانك ملی مرکز

٦٨٦٨٥

آقایان محترمینی که بحساب کتابخانه به بانك وجه می پردازند لازم است قبض رسید بانك را به مدیر کتابخانه بعنوان زیر ارسال دارند تا باسم خودشان قید دفتر گردد .

مكتبة
الإمام أمير المؤمنين عليه السلام
العامة

النجف الأشرف . العراق



چاپخانه حیدری




مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام العامة

النجف الأشرف ـ العراق

المؤسسة ١٣٧٣

العدد الثاني

مبعث شریف

روز اعلام یکتا پرستی و نجات توده‌های انسانی

بمناسبت فرا رسیدن روز نجات بخشی جهانی و نهضت های علمی وحقوقی اسلام یعنی مبعث پیامبر اعظم مسلمین حضرت محمّد بن عبدالله صلی الله علیه و آله تبریکات صمیمانهٔ خود را بهمه مسلمانان و اصلاح طلبان جهان تقدیم میکنیم.

هیئت مدیرهٔ کتابخانه



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

فروغي جاويدان بردامنهٔ کوه حرّا درخشيدن گرفت ، و بارقه‌اي آسماني از سرزمين وحشتزاى جاهليّت برپهنهٔ زيست انسانى بتابيد ، وكران تا كران افكار تيرهٔ انسانهاى دور از فضيلت و تمدّن را تابناك ساخت .

دلى تابشگاه انوار غيبى گشت كه ساليانى دراز در عشق انسان و حقوق انسان ميسوخت ، و در دورانى كه در دخمه‌ها و غارها بستايش آفريدگار خويش سرگرم بود و هماى بلند پرواز روحش تاسراپرده هاى جهان برين پر ميكشيد و سراپا غرق توجّه‌بآفرينندهٔ هستيهابوددست‌نيايش بر ميداشت ، و ازخداى‌مهربان خوشبختى توده هاى محروم را خواستار ميشد .

او در ميان قومى زندگي كرده بود كه نمونهٔ كامل محروميتهاى جامعه‌بشرى بودند ، و از ديدن آنهمه نا روائيها و جنايتها آنسان احساسات بيكران و عواطف انسان‌دوستيش دچار تشنج ميگشت كه بيخودانه سر به بيابان ميگذاشت و بدامن آرامش بار طبيعت پناه ميبرد .

اوقاتى نيزدردل اجتماعات فرو ميرفت ، و در اعماق روان مردم غور ميكرد وبر اين پهنهٔ بزرگ كه خداوند با دست نيروى خويش گسترانيده ، وبا سقف آبگون و چراغهاى فروزان اختران آئينش بسته ، و با اينهمه پديده‌هاى طبيعى ، اقيانوس‌هاى ژرف ، كوههاى افراشته ، جنگلهاى سحر آميز ، نهر هاى جارى ، درختان‌زيبا ، پرندگان خوش الحان ، گلها و شكوفه ها و انواع ميوه وخوراكيها بر تجملات حيات افزوده ، و با نواميس اسرارآميزنهانى هماهنگش ساخته خيره خيره نگاه‌ميكرد ، وبا خود ميگفت : آيا اين كاينات شگفت انگيز ، اين آفرينش

خاك فرو برند و . . . اما مقاصد پلید آن دسته تأمین گردد ! !

اینها برای منجی بزرگی که طرح انقلابی میریخت تا سرنوشت بشریت را عوض کند بسی غیر قابل تحمل بود ، اودر صدد پی‌ریزی مکتبی بود که جامعه‌های انسانی را از پرتگاه بی اعتدالی برهاند ، دور افتادگان علم وفضیلت‌را بسرچشمهٔ فیاض دانش رهنمون گردد ، ستمدیدگان هستی سوخته را با برقراری حکومت مساوات هستی نوین بخشد ، جنایتگران و ستم پیشگان را در دادگاه عدل عمومی محکوم سازد ، تربیت پذیران بزرگ روح را تا سرا پرده هاي فرشته خوئی اوج دهد ، تشنگان اخلاق و احساسات را بساحل اقیانوس بیکران عاطفه های صفا و صمیمیت انسانی برساند ، و برنامه ابدی دین را چنان گسترش دهد که باطلوع‌و غروب خورشید همواره با فروغ باشد .

خداوند هم آرمان درونی بندهٔ مقرب‌خویش را برآورد . و بزرگترین‌انسان مقدسی را که پرورش یافتهٔتربیتهای‌غیبی‌بود مبعوث کرد ، و او را در انوارتأییدات خویش مستغرق ساخت ، و با رمز الهام و فروغ وحی جانش را با جان جهانیان اتصال بیشتری داد ، وعواطف سرشارش را دامنه دارتر نمود .

محمد صلى الله عليه وآله مبعوث گشت پیامبر اعظم اسلام که آورندهٔ عظمت و بزرگی و دارندهٔ آخرین رسالت آسمانی بود بر انگیخته شد ، بر انگیخته شد تا تمام‌نیکی های اخلاقی‌را روشن کند ، و مردم را با چهره های زیبای زندگی آشنا سازد ، و بسوی‌نیکبختی پایدار سوقشان داده شاهراه‌نورانی حقیقت را نشان دهد ، وبرنامهٔ برابری و برادری را عملی سازد ، و بهمگان کتاب وحکمت بیاموزد ، تا هر کس هر سرنوشتی برای خود انتخاب میکند از روی دانائی و بینائی باشد .

محمد صلى الله عليه وآله مبعوث گشت و درحالی که دست نیرومند خود را بعنوان‌رمز صفا وبرادری و دین و دادگری برای توجه توده های انسانی بلند نگاهداشته بود از سرزمینهای بلند حجاز یکسره بطرف اعماق‌اجتماعات سرازیر شد ، آمد وباخود گرامی نامهٔ عربی خویش راهمی آورد ، و با آیات محکمی که برای هدایت

جهانیان ازمخزن وحی الهی فرود آمده بود دریچه های رحمت بیکران کردگاری را بروی همگان بگشود.

آری آیات مقدس کتاب وی رستگاری بخش روشندلان است، وفتنه‌جویان را از حقایقش بهره‌ئی نیست، و جز خدای بزرگ و راسخان در علم بنهانیهایش نرسند، وفرزانگان همواره بآنها بگروند واز هدایتهایش راه راست درپیش گیرند.

کتاب عزیزی که بدست محمد داده شده است چون خورشید جهان افروز از مشرق ابدیت بر آفاق عقول نورمیپاشد، وصفحات ارواح ونفوس را متلألیء ساخته پدیده‌های حقیقی وجود را مینمایاند، ودرعلوم تکوین(طبیعیات) وتشریع (حقوق اقتصاد - قانون) و اخلاق بسی درسهای عالی در بردارد که سعادت جاوید انسان و دانستن آغاز و انجام هستی در آنها نهفته است، این کتاب برآورندهٔ آخرین نیاز دانشمندان، حقوقدانان، خداشناسان، فیلسوفان، دانایان، اخلاقیون، مصلحین سخنوران و کاوشگرانی است که سر گرم پژوهش و کاویدن از اعماق اقیانوسها تا اوج کهکشانها میباشند، وخلاصه قرآن آبشخوار روانهای عطشان بشری ویگانه کتاب همیشگی توده‌های انسانی است.

از تعلیمات آموزندهٔ این بزرگ برنامه آسمانی که خداوند بسی بدان ترغیب کرده سیر در اطراف جهان وگشتن در آبادیهای گیتي است، تا در نتیجه اندیشه انسان نیك بجولان افتد، وبرهستی معنوی خویش بیفزاید.

پی‌جوی دانائی باید که در میان جوامع و ملّتها، طوایف و شهرها، دشتها و وادیها، کوهها و درّه ها در زیر این افق بی پایان براه افتد، تا در آثار قدرت و عظمت، مظاهر کبریا ورحمت، شگفتیهای آفرینش، زیبائیهای هستی، مجاری فیض وبخشش، دقایق رأفت وحکمت، ریزش بیحساب نعمت، تابشگاه انوارجمال و جلال، نشانه های فروزندهٔ فضل و توانائی، بساطهای گستردهٔ کرامت ولطف، دانستنیها وتازگیهای‌وجود، نفوذ دقیق فرمانفرمائی و سراپرده‌های قدس خداوند بزرگ بتدبر و تأمل فرو رود و از عمق ادراك خود بدانها بنگرد، تا در برابر

آفرینندهٔ خود مجذوب گشته بطرف مقدسات اوج گیرد ، و در پیشگاه عظمت کبریائی فروتنی کند ، تا بر اسرار هستی وقوف یابد ، و بسر چشمهٔ فنا ناپذیر علم برسد ، و گوهر معرفتش را که بزرگترین سرمایه انسان‌است پر فروغ‌تر سازد.

بهره‌های سیاحت وجهانگردی فراوان است ، واز بخشهای مهم آن دیدن اوضاع ملّتها و اطلاع بر چگونگی ارتباطات و آراء و عقائد آنهاست ، و این خود برای هوشمندان بینا بسی سود بخش و فائده داراست ، قرآن مجید مسلمانان را بجهانگردی و ارتباط با اقوام جهان امر کرده تا در نتیجه محسّنات آنان را فرا گیرند ، واز پیشرفتهای علمی وذخائر فکری دیگران بهره‌مند گردند ، وبر قدرت علمی وصنعتی وسیاسی وجنگی واقتصادی و هنری خویش بیفزایند ، ولی متأسفانه مسلمین باین قسمت هم مانند سایر چیزها اهمیت ندادند ، تا دیگران گوی سبقت ربودند ، وافراد وهیئتها بعناوین مختلف (مستشرقین‌و . . .) بتمام نقاط کشورهای اسلامی اعزام کردند ، و بر بیشتر امور داخلی و مواریث علمی و اسرار زندگی مسلمین پی‌بردند ، ودستبرد زدند.

آری در جهانگردی است که انسان بروحیهٔ اجتماعات آشنا میشود ، و علل انحطاط اقوام را درك میکند ، و بسرّ عقب افتادن ملل اسلامی پی میبرد ، و به‌راز موفقیت دیگران و پیشرفت تمدنهای پهناور واقف میگردد ، و باختلاف انگیزیها و دور نگهداشتن ملّتهائی را از مصالح خویش متوجه میشود ، و آنچه را مایهٔ ریشه کن ساختن اقوامی گشته تشخیص میدهد ، وپندها وعبرتهائی باشواهد زنده بدست میآورد ، و از دگر گونی اوضاع جهان و تبدل حکومتها و تشتت اعتقادات وافکار بسی نکته ها میآموزد ودرسها میگیرد ، آنگاه سرا پا بجستجوی حقیقت میشتابد و برای تأمین مصالح اجتماع خویش میکوشد.

جهانگرد فرزانه و بی نظر ابواب دانش را بروی خویش میگشاید ، و پرده از برابر دیدگان خود بر میگیرد ، و در فراگیری و هوش پیش میرود ، آنگاه بارأیي پخته ، فکری شایسته ، عقلی سرشار ولی دریاسان ، همتی بلند ، اندیشه‌ئي

آزموده، آزمایشی نیرومند، و اراده‌ئي قوی بکارهای بزرگ اقدام میکند، وبا وقوف بر اسرار کامیابی در خدمات خطیر پیروز میگردد.

جهانگرد فرهنگ‌پژوه بادانشمندان بزرگ، اساتیدسخن، مردان‌دین‌وفضیلت واخلاق، تاریخدانان وسایر استادان علوم وفنون آزمایشی‌وغیرآزمایشی که جامعه از آنها ناگزیراست برخورد میکند، و با فلاسفه ومتفکرین وسیاسیون ورهبران و نوابغ و شخصیتها و اساتید ادب و شعر وهنر تماس پیدا میکند، و از نکات دقیق و مطالب پرارزش آنان بهره ها میاندوزد، واختراعات و کارگاههای شگفت انگیز صنعتي را می بیند، و هنگامی که بوطن خویش باز میگردد هر چند هم بلندفکر و بلندهمت‌باشددرحالی‌است که چیزها اندوخته وبمقاصد عالی‌خودنائل آمده‌است.

و بویژه در سفر های علمی و پژوهشهائي که در کتابخانه ها انجام میشود پیروزی‌هائي حاصل میگردد که برای محققانی که درراه تحقیقاتشان همه گونه تلاش میکنند بسی فرح بخش و امیدوار کننده است، مخصوصاً در موزد مردانی که بعشق پایداری حقایق، وروشن کردن افکار ملل واقوام، و هدایت خلق واستحکام کاخ فضایل با جان خویش بازی میکنند، و برای عرضهٔ اعتقادات حقه و استناد بمصادر دست اول و محکم بمشقتهای سفر تن در میدهند، و گردا گرد بلاد در راه رسیدن بهدف مقدس خویش میگردند، و شب و روز در کتابخانه ها بسر میبرند وبا کتاب خو میگیرند.





فسيحوا في الارض اربعة أشهر

نويسندهٔ بزرگ شيعه يگانه آيت الهی علامه امينی که سی سال است در راه خدمت به مكتب عدالت‌زای‌علي عليه السلام می کوشد ، وبعنوان تعقيب ازهدفهای اصلی اسلام [بر قراری حكومت عادله در سراسر جهان ، و طرفداري از حقوق انسان ، و تأييد مبادي و مباني و افكار بزرگان شيعه ، كه همواره در راه توسعه تعليمات ائمه طاهرين از رسالت بودند] با مدارك صحيحه كه در دسترس مسلمين جهان يافت ميشود شب و روز بفعاليت و كوشش ادامه می دهد ، در مقام تهيه و نشر بخشهای كتاب عظيم پر بها و جهانيش ـ الغدير ـ به احتياج جامعه علم و دانش و هنر به تأسيس يك كتابخانه عالمی در پايتخت تشيع و مركز قداست و ولايت كبری پی برده ، و نياز بيش از حدّ جهان اسلام و ثقافت و فضيلت و انسانيت را به جمع آوری وسائل علوم و مصادر و مدارك فنون در دانشگاه شماره يك اسلام (نجف اشرف) در مسير مراحل تأليف نفيس خودشان مشاهده نموده . و خسارات جبران ناپذير و جراحات بی علاج كه در اثر نبودن كتابخانه به پيكر علم و آئين و مذهب وارد گرديده در نظر نكته‌بين ايشان مجسم گرديده ، دامن همت به كمر زد كه خدمت ارزندهٔ ديگری را هم در رديف كتاب كريم خود ـ الغدير ـ انجام دهد ، و كتابخانه مدرن‌ومجهزوعمومی‌عالمی بنام [مكتبةالإمام أميرالمؤمنين] در نجف اشرف پايگاه عالی روحاني تشيع ، و مركز پخش علوم اسلامی از نهصد سال پيش‌تا كنون تأسيس كند ، ازطرفي برای دانشمندان‌ودانشجويان ونويسندگان و محققين علوم و فنون ، و بالاخره به تمامی شخصيّتهای علمی و اجتماعی وسائل خدمت به جامعه بشريت را جمع آوری نمايد ، وعالم روحانيت را از فقر بی كتابی نجات دهد ، و از طرف ديگر دست دراز خيانت و جنايت راهزنان كتاب را از ناموس علم و ملت و مذهب كوتاه نمايد ، تا توانست آن نسخه هائيكه بحكم قضا

و صدفه و اتفاق از دستبرد غارت شیادان غارتگر در مراکز علمی در میان توده مردم مانده است نگهداری نمود .

وبایك روح قوی پرفتوح آستین‌عمل بالازده و تصمیم گرفت یك موسسه علمی که مایه عظمت ملت ومذهب‌پیروان اهل بیت عصمت وقداست بوده باشد بامساعدت مردان غیور و دین پرور و طالبان باقیات صالحات راستگو تأسیس نماید ، و انظار بزرگان دنیای متمدّن را به برتري روح مردان باهنر علم و عمل ملت عقب افتاده خود متوجه نماید و باعظمت شیعه آشنا سازد ، و قدم مثبتی در راه خدمت به حق و حقیقت بردارد ، وروح افسرده و پژمرده تودهٔ مذهبی را دوباره زنده کند ، و نام عزت و فخر و شایستگي آنان‌را در صفحه تاریخ سرتاسردنیا منتشر سازد ، و پرچم افتخار علم و هنر و ملیت را در قلب ممالك اسلامی بر افرازد ، بلی بر افرازد و شکر خدا رابرافراخت .

وی اخیراً برای دست آوردن مدارك اصیل و مصادر علمی دیگری از علماء و نویسند گان قرنهای گذشته اسلامی که مراکز علمی ایران وعراق از آنها خالی میباشد براي بقیه بخشهای کتاب نفیس خود ــ الغدیر ــ که تواند مستقیماً از آنها نقل کند ، ومطالب مهمّه مذهبی را که در(الغدیر)بحث می‌شود با اصول‌قدیمه فقه و تفسیر و حدیث و کلام مستدل و محکم گرداند و در دسترس خوانندگان گذارد ، و هم برای تزوید کتابخانه مولی أمیر المؤمنین علیه‌السلام با نسخه های نفیس وارجدار که دانشگاه عالی نجف اشرف وسایر دانشگاههای شرق نهایت‌نیاز به‌آنها دارد به فکرمسافرت افتاده ، وتتمیم وتکمیل هردو خدمت خود را متوقف به شدّ رحال سفر دید ، و در اوّلین مرحله فرصت سفر به هندوستان را پیش گرفت ، و چهار ماه تمام از ٢٤ شعبان ١٣٨٠ تا ٢٥ ذیحجة الحرام ضمن تنویرافکار و تماس با شخصیت‌های علمی از کتابخانه هاي مهم هند دیدن نموده ، وبمطالعه و استنساخ و تحقیق اشتغال یافته و نتایج پر بهائی بدست آورد که امید است در نتیجه بر حجم برتریها ومفاخر عالم تشیع بسی افزودگی حاصل آید .

ازاین رو هیئت مدیره کتابخانه که مسئول تنظیم و تحریر این نامه میباشند در اثر تقاضای جمعی از دانشمندان ایران و عراق و هیئت موسسه کتابخانه در نظر گرفتند که در این شماره و شماره آینده از صحیفه کتابخانه شمه‌ای ازفوائد آن سفر مبارك را بنظر خوانندگان گرامی برسانند تا از فداکاریهای بزرگان مذهب و فعالیت‌های پي درپی آنان در گوشه و کنار مطلع گردیده ، و قدردانی و خدمت و مساعدت و هم فکري آنها را از فرایض خود شمرده ، و با این مفاخر علمی وروحی و مذهبی و ملي مفتخر شوند و مباهات کنند ، از این رو گزارش مختصری از مسافرت حضرت معظم له را با استفاده از یادداشتهای جناب آقای حاج شیخ رضا امینی مدیر کتابخانه که دراین سفر با برکات افتخار خدمت‌پدر بزرگوار خود آیة الله امینی را داشته در اختیار آقایان محترم قرار می دهند . البته نظر به اینکه این بخش حکم سفرنامه پیدا می کند بپاره‌ای از جزئیات توجه شده و تا اندازه‌ای حفظ حیثیت و عناوین اشخاص و پاس زحمات و خدمات ایشان در نظر بوده است .



- ۱ -

﴿ بغداد - بمبئی ﴾

ما بفرخندگی مدت چهار ماه در محضر آیت الله حضرت آقاي امینی که سایه گسترده اش همواره پایدار باد در اطراف هندوستان گشتیم ، با همراهی‌جناب دانشمند شریف ثقة الاسلام آقاي حاج سید غلامرضا کسائی ابتداءً باهواپیمای‌جت از شرکت B. O. A. C. روز شنبه ۲۵ شعبان ۱۳۸۰ از بغداد حرکت و پس از پنج ساعت درفرودگاه بمبئی که دارای پنج ملیون نفوس میباشد نشستیم ، جمعی از وجوه و محترمین شهرازجمله امیر زادهٔ دانشمند بحاثه راجه کمار امیرمحمّدحیدرخان

لکهنوی بعنوان استقبال حاضر بودند ، با جمع مستقبلین به طرف هتل
[سي فيس] روانه شدیم ، این هتل بسیار باشکوه و معظم از مؤسسات خیریه مرحوم
حاج محمّد علی حبیب میباشد ، و عایدیش صرف یك بیمارستان و دو دارالایتام پسرانه
و دخترانه اسلامی می‌شود ، و پس از فوت آنمرحوم در دست راد مرد عقل ودانش
آقای داوداسماعیل بیك اداره میشود ، دراین هتل یك دستگاه ساختمان برای پذیرائی
از حضرت آقای امینی معین و هشت روز در کمال آسایش و تجلیل وپذیرائی گرم
مهمان حجة الاسلام علاّمه شهیر آقای حاج شیخ محمّد حسن نجفی بودیم و در تمام
این مدت بامداد و پسین استاد مهذّب مهاراجه کمار امیر حیدر خـان ، و خطیب
گویای شهیر آقای سید عبّاس رضوی حیدر آبادی ، و فرزندان گرامی عالم فاضل
ثقة الاسلام جناب آقای شیخ محمّد حسن عرفانی امام مسجد ایرانیان در بمبئی درملازمت
ما وخدمت آیة‌الله امینی بودند ، نوع مؤسسات علمی واجتماعی واثری شهر را گشتیم
کتابخانه آبرومند و پر ارج (THE ASIATIC SOCIEY OF BOMBAY)
را دیدیم ، این کتابخانه دارای دویست هزار جلد کتاب است بلغات عربی وفارسی
وانگلیزی وفرانسه و جرمنی و سانسکریتی ، و سه در صد بلغت عربی و فارسی
میباشد ، ونظر به اینکه هیئت مدیره کتابخانه هیچ اطلاعی از زبان عربی وفارسی
ندارند لذا کتابهای خطی اسلامی را درصندوقهای آهنی ، وچاپی را در گوشه‌ای از
کتابخانه رویهم ریخته بی نظم و بی ترتیب تحفظ کرده‌اند ، وبهیچ وجهی مورد استفاده
قرارنمیگیرد ، ودرنتیجه شبیه کتابهای پر قیمت خطّی است که درصندوقهای آهنی
در کتابخانه مجلس شورای ملّی درتهران دفن شده ، وهیچ فائده‌ای به آنها مترتب
نمی باشد .

بنای این کتابخانه در غایت زیبائی وجلالت وعظمت وفخامت میباشد ، درمیان
باغچه‌های زیبا وباشکوه سالن مطالعه ١٦ × ٣٢ متر قرار گرفته ، از ساعت ده صبح
تا هفت بعد از ظهر دردسترس مطالعه کنند گان است ، وعدد آنان روزانه به هزار

پانصد نفر میرسد ، و از اینجا قیاس خوبی میان ملّت هندوستان وملّت ایران‌بدست می‌آید که مطالعه کنند گان کتابخانهای عمومی پایتخت کشور ما انگشت‌شمارند .

این کتابخانه دارای سالنامه ای میباشد که به دو لغت انگلیزی واردو چاپ میگردد ، وشامل جمعیت وهیئت مهمی است که برای دعوت به علم وهنر تأسیس شده ، ونوع رجال دانشمندومتشخص‌هندازجمیع بلاد وجمیع مذاهب سمت‌عضویت آنرا دارند . وفهرست کتابخانه در دو جلد بزرك که‌هریك دارای بیش از پانصد صفحه میباشد بلغت انگلیزی نشر گردیده ، هیئت مدیره کتابخانه یك دوره از آنرا تقدیم محضر علامه امینی نمودند .

- ۲ -
﴿ لکهنو ﴾

در ساعت نه شب شنبه دوم ماه مبارك رمضان بمبئی را ترك گفته و بدعوت استاد گرامی أمیرمحمّد حیدرخان که خود همراه ما بود بسوی لکهنو رهسپار شدیم ، ودر ساعت هشت صبح دوشنبه بمقصد رسیدیم ، ودر ایستگاه ترن باجمعیّت انبوهی ازدانشمندان بزرك‌شهر ، سخنوران فاضل ، اعیان وشخصیتهای برجسته که‌باستقبال آمده بودند برخوردیم ، باخود طوقهای گل وشکوفه همراه داشتند ، با چهره‌های فرحناك ومسرور بسیار با ما روبرو گشتند ، ودر احترام و تجلیل بسی کوشیدند ، در منزل‌باعظمت امیر مهاراجه محمّد احمدخان راجه محمودآباد ومنزل برادرش‌مهاراجه کمار امیر محمّد حیدرخان رحل اقامت انداختیم .

طبقات مختلف مردم آمد وشد خویش را برای دیدن آغاز کردند ، وبا فرح وسروری‌حرکت میکردند که گویا به‌حیاتی نوین وپاکیزه رسیده بودند ، چه‌آنان در برابر روحی دریاسان قرار گرفته بودند که‌از کرانه هایش امواج دانش‌وایمان سرریز بود ، وباشخصیّت بزرگی مواجه شده بودند که نقش مقدّس دانش‌وعظمت

و خردمندی و تصمیم از سیمای پرشکوهش آشکار بود ، و ملکات فاضله و خویهای گرامی و عواطف نرم انسانی و شایستگیها و مقامات عالی علم و تقوی برجوانب وجودش احاطه داشت .

محامد خصال وخلائق پسندیده و کرائم اخلاق دانشمندان وسلسله روحانی وفضلای این شهر موردتقدیر واعجاب است ، علامهٔ بزرگوارسیّد محمّد سعیدالله فرزند دانشمند مشهور سید ناصر حسین نوادهٔ علاّمه مجاهد سید طائفه حضرت میر حامد حسین - قدّس سرّه الشریف - هر صبح و شام از ما جدا نمیگشت ، وما هرگز فضائلی را که ازوی وبرادر دانشمندش شریف معظم سیّد نصیر الملة مشاهده کردیم فراموش نمیکنیم ، آن احترام وبزرك منشی و عزّت وشرافت و اخلاق نیك وآداب وروحیات شریفانه وغرائز پسندیده وآن بهرهٔ سرشاری که از نیای خویش دارند و نصیب وافری که از فضیلتها برده اند در خور فراموشی نیست .

لکهنو شهر بزرگی است اسلامی دارای هفتصد هزار نفوس میباشد ، و سابقاً پایتخت حکومت شاهان اود که پایه سلطنت ایشان در سال ۱۱۶۷ میلادی تأسیس شده است بوده مؤسّسات علمی دینی و مشاریع پر ارزش اسلامی بهمّت ثروتمندان غیور مسلمین درآن پایدار گشته ، ما در اینجا بذکر چند معهد علمی که از نزدیك مشاهده نمودیم میپردازیم .

-١-
« کتابخانه ناصریه »

این کتابخانه باعظمت که حالا حاوی سی هزار جلد کتاب ازنفایس مطبوعات و نوادر مخطوطات میباشد نتیجه همت سه شخصیت بزرك علمی است که آثار ومآثر آنان درجامعه علم وهنر طنین انداز ومورد استفاده است ، پایه تأسیس این کتابخانه مبارک که بدست رادمرد محقق و دانشمند فقیه متکلم ، جامع معقول و منقول سیّد

محمّدقلی موسوی نیشابوری که از ایرانیان مقیم هندبودند استوار گردیده ، این سیّد بزرگوار آثار علمی شایانی در صفحه وجود از خود یاد گار گذاشته و از آنجمله است :

۱ ـ تشیید المطاعن که درچند جلد بزرك درهند چاپ شده ، کتابیست بسیار پر فایده ، گرد آوردن نظیرش هنر هر نویسنده نیست .

۲ ـ تطهیر المؤمنین عن نجاسة المشرکین .

۳ ـ تکمیل المیزان في علم الصرف .

٤ ـ الفتوحات الحیدریّة .

٥ ـ تقریب الافهام في تفسیر آیات الأحکام .

٦ ـ رسالة في الکبائر .

این سید بزرگوار درچهارم محرم سال ۱۲٦۰ هجری برحمت ایزدی پیوسته ـ قدّس الله روحه ونوّر ضریحه ـ .

سپس محتویات کتابخانه فرزندش قهرمان بزرك دانش سید حامدحسین بدان ضمیمه گشته ، مقامات علمی این سید طایفه ، لسان الفقهاء والمجتهدین ، ترجمان الحکماء و المتکلّمین ، یگانه پرچمدار مذهب حق آل عصمت وقداست صلوات الله علیهم از آثار قلمی ایشان تا اندازه‌ای هویدا ، ولمعات عبقات انوارش در جهان علم و دانش پهناور ودرخشان ، و کتاب استقصاء الافهامش که در دو مجلد زیور چاپ بخود گرفته ازنفایس تألیف شمرده میشود . در۱۸ صفر سال ۱۳۰٦ در گذشت ودرجوار مرقد شریف مفتی کبیر سید محمّد عباس تستری مدفون گردید .

وبعدها آنچه سید ناصرحسین پسر سید حامد حسین مرحوم گردآوری کرده بود بر آن کتابخانه افزوده شده است ، و این سید عالیشأن از حجج اسلام و آیات عظام فقیه رجالی محدث محقق نابغهٔ دهر از رؤسای نامی مذهبی شناخته می‌شود ، قدمهای برجسته در خدمت مذهب در صفحه تاریخ از خود یاد گار گذاشته ، از آثار



قلمی ایشان کتاب الازهار در امامت . و اثبات حدیث ردّ الشمس . دیوان شعر . کتابی در خطب و مواعظ . مسند فاطمه دختر امام شهید سبط . و قسمتی از کتاب کریم والد معظم خود عبقات الانوار راتتمیم نموده ، واین کتابخانه بنام ایشان موسوم گردیده . وپس ازدر گذشت ایشان کتابخانه بفرزندان عالی مقام وی سید محمّد سعید الملة وسید محمّد نصیر الملة انتقال یافته ، ودر تحت نظر این دو بزر گوار اداره میشود نسخه های پرارزش و کمیاب در این کتابخانه وجود دارد ، اینك ما پاره‌ئی از آن نسخ گران قیمت وپرارج را از نظر خوانند گان میگذرانیم .

١ ـ «مناقب» تألیف فقیه ابن مغازلی شافعی متوفّای سال ٤٨٣ نسخه ایست نفیس در ٣٠٠ صفحه که بسال ١٠٣٧ کتابت شده است ، و مستند آن نسخه‌ئی بوده که بسال ٩٩١ از روی نسخه‌ئی که تاریخش ٦٢٣ میباشد نوشته شده ، ونسخه اخیر بسال ٥٨٥ مکتوب گشته است .

از این کتاب که نهصد سال است از منابع مذهبی شیعه میباشد ودردسترس مراکز علمی نبوده حضرت علاّمه امینی شخصاً نسخه‌ئی نوشتند .

٢ ـ « مفتاح النجا في مناقب آل العبا » تألیف علاّمه متتبّع میرزا محمّد بن رستم حارثی بدخشی صاحب تألیفات گرانبها ، بسال ١١٢٣ آنرا تألیف کرده ، کتابی است پر ارج و سرریز ازحقایق ومباحث تابناك در ٣٢٠ صفحه . از این کتاب نیز علاّمه امینی نسخه‌ئی باخط خود استنساخ فرمودند .

٣ ـ « الصراط السویّ في مناقب آل النبیّ » تألیف علاّمه سید محمود شیخانی قادری مدنی ، از دانشمندان سدهٔ دهم . در ٤٩٤ صفحه ، کتاب پر است از مطالب مفید ومباحث طریف وتازه ، علاّمه امینی بمقدار ٤٠٠ صفحه ازآن‌را شخصاً نوشتند وبقیّه اش را بعضی فضلای شیعه بکمك ایشان استنساخ کردند .

٤ ـ « التحفة المرسلة إلی دار الایمان » تألیف مؤلّف مزبور «شیخانی شافعی» این کتاب مشتمل است برمباحثی سودمند در بارهٔ مدینه مشرفه ومسجدها ومقبره‌ها

وچاههای آن شهر مقدس ، و گفتاری مبسوط پیرامون زیارت پیامبر صلی الله علیه وآله .

٥ ـ «فردوس الاخبار» تألیف حافظ ابوشجاع شیرویه بن شهردار بن شیرویه دیلمی همدانی متوفّای سال ٥٠٩ مؤلّف در این کتاب ١٢٠٠٠ حدیث به‌ترتیب الفباء گرد آورده ، وتنها بمتن حدیث اکتفا کرده است ، واسم هریك از اصحابی را که حدیث از آنان روایت شده در حاشیهٔ کتاب آورده است . این کتاب همیشه سندیّت داشته و دانشمندان و حافظان حدیث از آن زیاد نقل کرده‌اند .

نسخه آغازش ناقص است ، نسخهٔ کامل ونیکوئی از این کتاب در کتابخانه « آصفیه » در حیدرآباد دکن موجود است .

٦ ـ « روضة الفردوس » تألیف سیّدعليّ بن شهاب الدین همدانی ، متوفّای سال ٧٨٦ ، مؤلّف در این کتاب « فردوس الاخبار » مذکور (تألیف حافظ دیلمی) را بر بیست باب مرتب کرده و آنچه را خود مستحسن شمرده از آن کتاب بیرون آورده است ، بخشی از این کتاب (٣٢ صفحه) را علاّمه امینی نسخه برداشتند .

٧ ـ « روضة العلماء » تألیف امام أبوعلی حسن بن یحیی بخاری ، کتاب پهناوریست که در آن فوائد فراوانی از علوم وموضوعات گوناگون قرار داده شده است .

٨ ـ « المجتنی من السنن المأثورة » تألیف حافظ أبو الحسن عليّ بن عمر دارقطنی ، متوفّای بسال ٣٨٥ در دو بخش ، بخش اوّل ٣٨٦ صفحه ، بخش دوّم ٣٨٢ صفحه ، نسخه ایست عتیق ونفیس مورّخ بسال ٧٣٨ .

٩ ـ « الآثار » تألیف امام محمّد بن حسن شیبانی شاگرد امام حنفیان ابوحنیفه .

١٠ ـ « منازل العباد » تألیف عارف حافظ حکیم محمّد بن علی ترمذي شافعي صاحب کتاب « الفروق » و «نوادر الاصول » که بچاپ رسیده است ، مؤلّف ازبعضی اساتید خود درعلم حدیث بسال ٢٨٥ روایت میکند ، کتاب دارای ٢٤ صفحه‌وتاریخ نسخه ٦٩٧ است .

١١ ـ « تنبيه الغافلين » تأليف امام ابو الليث نصر بن محمّد بن أحمد بن ابراهيم سمرقندى ، متوفّى بسال ٣٦٣ كتابى است نيك وسودمند درحكمت وپند واخلاق .

١٢ ـ « الاسماء و الصفات » تأليف حافظ ابو بكر احمد بن حسين بن موسى خسروگردى بيهقى ، متوفّى بسال ٤٥٨ ، در٢٣٨صفحه باقطع بزرگ ، بسيار كتاب نفيس ونيكوئى است كه خود ازذخاير بشمار است .

١٣ ـ « الكشف و البيان في تفسير القرآن » تأليف ابو اسحاق احمد بن محمّد ثعلبى نيشابورى ، در گذشته به سال٤٢٧ يا ٤٣٧ بخشهاى متفرقى است در دو جلد كه از چندين سوره مخلوط است ، جلد اوّل در ٣٨٠ صفحه ، جلد دوّم در ٦٤٠ صفحه ، ازسورهٔ « مؤمن » تاآخر قرآن كريم .

از اين كتاب پراهميت كه در فقه وحديث وتفسير مستند شناخته شده وبسى ازآن نقل كرده‌اند نسخه‌ئى عتيق ونفيس در كتابخانه حسينيّه (لكهنو) كه بنام مؤسّسش مرحوم تحسين على خان معروف است وجود دارد ، ولى جاى تأسّف است كه نسخه ناقص است ، مقدار موجود بدين گزارش است :

جلداوّل : ٣٩٠ صفحه بقطع ٢٧ × ٥ر٣٧ س‌م از سورهٔ « فاتحه » تاآخر آيهٔ مبارك « واكفروا آخره لعلّهم يرجعون» از سورهٔ «آل عمران » اين جلدرا ابونصر محمّد بن حسن بسال ٥٢٢ كتابت كرده است .

جلد دوّم : ٣٣٠ صفحه بهمان قطع ازآيهٔ مبارك « ولا تؤمنوا إلّا لمن اتّبع دينكم » ازسورهٔ «آل عمران » تاآخر سورهٔ « انعام » .

جلد سوّم : ٤١٨صفحه بهمان قطع از سورهٔ « اعراف » تاآخر سورهٔ « كهف»

ودرتمام اين مجلّداتى كه موجود است چنين نوشته شده است :

المجلّد الرابع من سورة « مريم » إلى سورة « الصافّات » بقلم كاتبه ابي نصر محمّد بن الحسن .

المجلّد الخامس من سورة « ص » إلى آخر سورة « الواقعة » بخط ابي نصر محمّد بن الحسن .

المجلّدالسادس من سورة «الحديد» إلى آخر سورة « المعوّذتين» بخط ابي نصر محمّد بن الحسن .

ودر آخر جلد دوم اين عبارت است :

« انتقل هذا الكتاب في ستّ مجلّدات إلى الصدر العالي نجم الدولة والدّين محمّد بن أبى الفتوح ابن أبي شجاع الفاروقي شراءً بسبع دنانير من الغرّ الحمراء الزكية عن الصدر الأجل العالم صدر الدّولة والدين الحسن بن محمّد بن سليم دام علوّه في شهور سنة أربع عشر وستّمائة .

ونيز اين عبارت هست :

« ساقت النوبة إلى عمر بن أبي عمرو بن المظفّر بانتقال شرعيّ ، من ورثة المرحوم نجم الدين محمّد بن أبي الفتوح الفاروقى في ربيع الأوّل سنة ثلاث وعشرين وستمائة هذه المجلّدة مع سائر أخواتها تتمّة الكتاب » .

ودراين جلد نيز اجازه ايست بتاريخ ٦١٩ ، واجازۀ بزرگ ديگرى است براى شيخ عبد الجليل يوسف بلوى بتاريخ ٦١٥ .

ودر آخر جلد سوّم اين عبارتست :

« باع الصدر الأجلّ أقضى القضاة صدر الملّة و الدين الحسين بن محمّدبن سليمان دامت ايّامه هذا الكتاب بتمامه في ستّ مجلّدات ، كلّ ستّ مجلّدات بسبعة دنانير من الصدر الأجلّ نجم الدّولة والدين محمّد بن أبي الفتوح بن أبي شجاع الفاروقي في شهور سنة اربع و وستّمائة » .

ونيز اين عبارت :

«انتقل هذه المجلّدة مع سائر أخواتها الخمس من تركة المرحوم نجم الدّين رحمه الله بمبايعة شرعية إلى عمر بن أبي عمرو بن المظفّر في ربيع الأوّل سنة ثلاث و عشرين وستّمائة متّع الله منها دهراً طويلاً » .

ونيز :

« انتقل منّي الى ولدي نور الدّين أبي عمرو يحيى بن عتيق الصديقي ، كتبه

جدّه ابن عمر بن أبي عمرو ».

و در پایان این جلد نیز قید سماع و اجازه‌ئی است از ابن بسطامی بخطّ او بتاریخ ٦١٩.

١٤ - « المراتب في فضائل عليّ بن أبي طالب » این کتاب املاء شیخ جلیل ابو القاسم إسماعیل بن أحمد بستی است ، نقل شده از خط قاضي علّامه شمس الدّین أحمد بن صالح بن محمّد بن أبي الرجال.

این نسخه نقل شده از نسخه‌ئی عتیق بتاریخ ١١٨٨ که در کتابخانهٔ « آصفیه » حیدر آباد موجود است ، و آن نقل شده از نسخه‌ئی که آنرا شیخ حنظلة بن حسن بسال ٦١٨ در قاهره نوشته است.

١٥ - « الدرر المنتشرة في الاحاديث المشتهرة » تألیف حافظ عبدالرحمن سیوطی متوفّی بسال ٩١١.

١٦ - « تحفة المحبّين » تألیف علّامه میرزا محمّد بن رستم معتمد خان بدخشی ، مؤلّف کتاب « نُزل الأبرار » که بچاپ رسیده ، و کتاب « مفتاح النجا » که ذکر شد ، این کتاب‌را دربارهٔ خلفای راشدین درچهارباب بترتیب خلافتشان نوشته‌است. علامه امینی باب چهارم را که در بارهٔ مولی امیر المؤمنین عليه‌السلام است در ٤٠ صفحه استنساخ کردند.

از این کتاب نسخهٔ عتیق دیگری که تاریخش ١١٨٦ است در کتابخانهٔ دانشگاه علیگر و نسخه‌ئی در کتابخانهٔ امیر علی‌رضاخان در رامپور وجود دارد.

١٧ - « معارج العلی في مناقب المرتضی » تألیف علامه محمّد صدر العالم از دانشمندان سدهٔ دوازدهم ، در ٢٨٥ صفحه.

١٨ - « العقد النبويّ و السرّ المصطفويّ » تألیف فقیه شیخ ابن عبد الله ابن شیخ عیدروس با علوی ، متوفّی ١٠٤١ ، کتابی است بزرگ و با ارزش در ٤٨١ صفحه.

۱۹ ـ « ذخيرة المآل في شرح جواهر اللآل في فضائل الآل » تأليف شهاب الدين احمد بن عبد القادر حفظى شافعى ، وى از « شاعران غدير » درسدهٔ دوازدهم است كه شرح حالش درجلد دوازدهم « الغدير » آمده . كتابش بسى زيبا ونيكو است در ٤٠٦ صفحه ، اين نسخه گرفته شده از نسخهئى نفيس بخطّ مؤلّف كه نزد استاد محقق سيد سبط الحسن بود وبعلامه امينى اهداء كرد ، معظم له هم آن نسخه را بكتابهاى « كتابخانهٔ اميرالمؤمنين عليه السلام » ضميمه كردند .

۲۰ ـ رسالهٔ « اصول الايمان » تأليف مولوى محمد سالم دهلوى بخارى در ٥٥ صفحه ، اين كتاب بفارسى است ودر شاهجهان آباد بسال ۱۲٥۹ بچاپ رسيده ، جز اينكه نفاست نسخه علامه امينى را واداشت كه آنرا بنويسند .

۲۱ ـ « نهاية السؤول في مناقب ريحانة الرسول » تأليف عبد الوهّاب بن محمد غوث شافعى ، كتابى است نيك وبا ارج بزبان فارسى .

كتاب در شرح احوالات حضرت امام حسين عليه السلام است كه آنرا بر ده باب بدين ترتيب پرداخته :

۱ ـ ميلاد شريف امام .

۲ ـ كنيه ولقب واوصافش .

۳ ـ خبر دادن پيامبر از شهادتش .

٤ ـ مناقب وفضائلش .

٥ ـ مكارم صفاتش .

٦ ـ خوارق عادات وكراماتش .

۷ ـ سخنان نغزش .

۸ ـ خروجش بجانب عراق وشهادتش .

۹ ـ عقوبت قاتلانش وكسانيكه معاونت كردند يابدان ستم رضا بودند .

۱۰ ـ ذكر فرزندانش .

٢٢ ـ « شرح اسماء النبيّ » تأليف علامه ابن دحيه ذي النسبين مجد الدّين عمر بن حسين كوفي ، متوفى بسال ٦٣٤ ، كتاب بترتيب حروف نوشته شده و بسى پر ارزش وبا اهميّت است .

٢٣ ـ « الصلاة على النبيّ ﷺ » تأليف علامه محمود بن ابراهيم بن جملة شافعى در ٣٦٨ صفحه . نسخه‌بخط خودمؤلّف است ، ودرآن مؤلّف را اجازه‌ئى‌است كه بسال ٧٤٥ نوشته است . آخر نسخه ناقص است .

٢٤ ـ « سدادالدّين في اثبات النجاة والدرجات للوالدين» تأليف سيّد محمّدبن عبدالرسول بن‌عبدالسيّدبن عبدالرسول‌شافعى‌حسينى‌برزنجى‌متوفى بسال١١٠٣[1] در ٢١١ صفحه ، كتاب را در بارهٔ اثبات ايمان پدر و مادر پيامبر اكرم نوشته و از تأليفش بسال ١٠٨٨ در مدينه مشرفه فراغ حاصل كرده است ، كتاب سودمند و پر فايده است .

٢٥ ـ « مشارق الانوار النبويّة » تأليف حافظ امام ابوالفضائل حسن بن محمّد صغانى ، در دو جلد بزرگ ، داراى ١٢ باب ، نسخه ئى عتيق و گرانبها است .

٢٦ ـ « النوادر » تأليف مولوى‌عبد الرحيم معروف بشاه وليّ الله دهلوى ، متوفّى بسال ١١٧٦ ، از نوادرى كه در كتاب نقل كرده با اسناد متّصل از طريق امام منتظرمهدى محمّدبن حسن‌عسكرى ـ عجل‌الله تعالى فرجه الشريف ـ اين‌حديث است : « انّى أنا الله لا إله إلاّ أنا من يقرّبي بالتوحيد دخل حصنى ، و من دخل حصنى امن من عذابي » .

٢٧ ـ « تحفة الاحبّاء في مناقب آل العباء » تأليف امير جمال الدين محدّث عطاء الله بن فضل الله حسينى شيرازى متوفّى بسال ١٠٠٠ صاحب كتاب « الاربعين‌في مناقب امير المؤمنين » و كتاب « روضة الاحباب في سيرة النبيّ والاصحاب » .

٢٨ ـ « تخريج الاحاديث الواقعة في‌منهاج البيضاوى » تخريج وتأليف حافظ

(١) به‌كتاب «الغدير» ج١ ص ١٤١ چاپ دوم مراجعه شود .

عراقی زین الدین ابو الفضل عبد الرحیم بن حسین متوفّی بسال ۸۰۶ .

۲۹ ـ « تذکرة الاصفیاء في تصفیة الاحیاء » تألیف ابو الفضل عبد الحق بن فضل الله محمّدی هندی بنارسی ، در این کتاب کتابی را که حافظ عراقی در بارهٔ احادیث مجعول نوشته تلخیص کرده است ، واز فوائد کتاب اینست که « خصائص حافظ نسائی » را از جمله بخشهای سنن الکبرای وی دانسته است و «سنن الکبری» از صحاح ششگانه اهل سنت است .

۳۰ ـ « بهجة الادب ومهجة الارب » در دوجلد بزرگ ، یکی در ٤٧٦ صفحه (مناقب امیر المؤمنین علیه‌السلام) دومی در ۲۷۰ صفحه (مراثی حضرت‌امام حسین‌علیه‌السلام) کتاب متضمن قصائد عربی محکمی است که دانشمندان و رجال بزرگ و شعرای توانای‌هندساخته ودر اجتماعات ومجالس دینی که بسال ۱۳۰۸ منعقدشدخوانده‌اند وهردو جلد بخط محمّد عوض اله آبادی است که بسال ۱۳۱۳ نوشته است .

اینك نام آن شاعران را ذکر میکنیم :

مفتی کبیر سید محمّد عباس ، مولوی سید محمّد مهدی ، سید ناصر حسین ، سید ظهورحسین ، سید جعفرومیرزا محمّدحسین شاگردان سید محمّد مهدی ، سید ذاکرحسین سید جعفر حسین ، میرزا فدا احمد ، سیدحیدر حسین ، سید مهدی حسن ، سیدجعفر حسن ، سید حامد حسین ، میرزا محمّدعباس ، مولوی‌سید نجم الحسن ، سید محمّد هادی سید طالب حسین ، شیخ محمود حسن ، محمّد سجّاد ، سید قادر علی ، سید طالب حسین سید کلب مهدی ، سید صادق حسین ، سید سبط الحسن ، سید اعجاز حسین ، سید ارتضا حسین ، سید عالم حسین ، سید محمّد باقر ، سید محمّد عوض .

این پاره‌ئی از کتابهائی بود که حجت حق وتشیع علامه امینی همهٔ آنهارا از آغاز تا انجام خواند ، و از آنها راجع بمباحثی که مربوط است بکتاب جهانیش « الغدیر » جزوه‌هائی نوشت .

واز جمله نسخه‌های خطی پرارزش که در کتابخانه ناصریه بنظر رسیدوقابل




اهمیت است با اینکه بعضی از آنها زیور چاپ بخود گرفته کتابهای ذیل است :

١ ـ « ذخائر العقبى في مناقب آل العباء » تألیف حافظ محبّ الدین طبری متوفّی بسال ٦٩٤ .

٢ ـ « جواهر العقدین » تألیف سید علی بن عبد الله سمهودی مدنی شافعی متوفّی بسال ٩١١ ، و این کتاب متضمّن فوائد و مطالب پر بهاست و در مواضیع مذهبی از مدارك استدلال علماء شیعه بشمار میرود .

٣ ـ « مناقب کنز العمال » تألیف شیخ علی متّقی هندی متوفّی بسال ٩٧٥ .

٤ ـ « اقتباس الأنوار » تألیف محمد اکرم بن شاه محمد علی البراسوي .

٥ ـ « لقطة العجلان » تألیف سید محمّد صدیق حسن خان بهادر .

٦ ـ « تحفة الابرار في مناقب آل البیت الأطهار » تألیف سید حسن بن مساعد حسینی حائری .

٧ ـ « ذخیرة العقبى في ذكر فضائل أئمّة الهدى» تألیف عاشق علی خان هندی .

٨ ـ « رسالة المناقب » تألیف شیخ عبد الحق دهلوی .

٩ ـ سراج الملّة والدین » تألیف عليّ بن احمد موسوی .

١٠ ـ « تحقیق الاشارة إلى تعمیم البشارة » تألیف عبد الحق دهلوی .

١١ ـ « زین الفتی شرح سورة هل أتى » تألیف حافظ عاصمی از علماء قرن پنجم هجری .

١٢ ـ « مصباح النجا في مناقب آل العباء » تألیف محمّد شاه عالم .

١٣ ـ « اربعین » تألیف جمال الدین یوسف بن حاتم فقیه شهیر .

١٤ ـ « الانافة في زینة الخلافة» تألیف جلال الدین سیوطي متوفى بسال ٩١١ .

١٥ ـ « احیاء المیّت » » » » » » »

١٦ ـ « ابواب السعادة » » » » » » »

١٧ ـ « الاحادیث المنیفة في السلطنة الشریفة » » » » »

١٨ ـ « الاخبار المرویة في سبب وضع العربیة » » » » »

١٩ ـ « اربعين حديث » درقواعد احكام تأليف جلال الدين سيوطى بسال ٩١١ .

٢٠ ـ « الأرج في الفرج » « « « «

٢١ « الأزهار فيما عقده الشعراء من الآثار » « « « «

٢٢ ـ « اسبال الكساء عن النساء » « « « «

٢٣ ـ « نهاية الافضال في تشريف الآل » « « « «

٢٤ ـ « القول الجلي في فضائل علي عليه السلام » « « « «

٢٥ ـ « اربعين في فضائل امير المؤمنين » تأليف سيد مقرّب علي خان .

٢٦ ـ « اربعين في فضائل امير المؤمنين » تأليف محمد بن احمد الرازى النيسابورى.

٢٧ ـ « اربعين » تأليف اسعد بن ابراهيم الاربلى .

٢٨ ـ « سعادة الكونين في فضائل الحسنين » تأليف محمد اكرام الدين .

٢٩ ـ « مناقب مرتضوى » تأليف محمد صالح حسينى ترمذى . ط

٣٠ ـ « حاشية تقويم الايمان » تأليف مير محمد باقر داماد متوفّاى ١٠٤٠ـ٤٢.

٣١ ـ « مناقب السادات » تأليف شهاب شمس دولت آبادى .

٣٢ ـ « العمدة » تأليف ابن بطريق يكى از بزرگان شيعه . ط

٣٣ ـ « منتخب التاريخ في فضائل عليّ والحسن » تأليف حافظ ابن كثير شافعى متوفاى سال ٧٧٤ صاحب تفسير وتاريخ بزرگ .

٣٤ ـ « اربعين » تأليف أبي الفوارس محمد بن مسلم .

٣٥ ـ « الردّ على من حكم وقضى انّ المهديّ الموعود جاء ومضى » تأليف ملاّ عليّ القاريّ الحنفيّ متوفّاى سال ١٠١٤ ، سال ٩٦٥ از تأليفش فارغ شده .

٣٦ ـ « الآثار المرفوعة في الاخبار الموضوعة » تأليف محمد عبد الحيّ بن عبد الحليم لكهنوى .

٣٧ ـ « اخبار اهل الرسوخ بمقدار الحديث المنسوخ » تأليف حافظ عبدالرحمن ابن الجوزى حنبلى متوفاى ٥٩٧ .

٣٨ ـ « استجلاب ارتقاب الغرف» تأليف شمس الدين سخاوي .

٣٩ ـ « مودّة القربى » تأليف سيد علي بن شهاب الدين همداني متوفاى سال ٧٨٦ يك نسخه از آن براى كتابخانه امير المؤمنين نوشته شد .

٤٠ ـ « البرهان في علامات مهدي آخر الزمان » تأليف عليّ بن حسام الدين هندي صاحب كنز العمال كه جهت كتابخانه امير المؤمنين استنساخ شد .

٤١ ـ « حق مبين در فضائل اهل بيت سيد المرسلين » تأليف محمّد رشيد الدين متقى هندي . براى كتابخانه مولى امير المؤمنين استنساخ گرديد .

٤٢ ـ « الردّ على المتعصّب العنيد المانع من لعن يزيد » تأليف ابو الفرج عبد الرحمن ابن الجوزي . ط

-٢-

« مدرسة الواعظين »

يكى از خدمات جاويد علامه بزرگ مرحوم سيّد نجم حسن قدّس سرّه كه از آثار باقيه وشايسته روزگار بشمار ميرود مدرسه دينى مدرسة الواعظين است كه يكى از مراكز مهم نشر علوم ومورد استفاده فراوان جويند گان مجد و عظمت اسلامى و افتخار وعزّت دينى است .

مرحوم سيّد نجم يكى از بزرگان علماء و قهرمانى از نوابغ قرن اخير بشمار ميرود ، اين دانشمند نامى بواسطه تبحّرى كه در علم فقه و اصول وحديث و كلام دارا بوده است در ميان اقرانش براى او مافوقى متصور نبود لذا مدت زمانى طولانى علم زعامت دينى و پرچم رياست اسلامى را بدوش با كفايت خود داشت وبه بهترين وجه از عهده انجام مشكلات آن برآمد ودر راه مصالح عمومى كوششهاى فوق العاده نمود تااينكه عمر شريف خود را در طريق زنده نگاه داشتن حق واز بين بردن باطل بپايان برد .

این دانشمند بزرگ در نزد زبده ترین دانشمندان زمان خود تحصیلات عالیه را بپایان رسانید و بلا فاصله برای تعلیم و تربیت کمر همت بست وچیزی نگذشت که از برکت وجودش مردانی دانشمند و علمائی بنام بوجود آمد و از سرچشمه فیاض علمش کثیری از جویندگان دانش و کمال سیراب شدند .

علاوه بر این دررشته تألیف وتصنیف آثار گرانبهائی را از خود بیاد گار گذارد که از جمله آنها کتابهائی که در توحید ونبوت واصول اعتقادات اسلامی وفروعات دینی و احکام فقهی نوشته‌اند میتوان نام برد ، مرحوم سیّد نجم باین مقدار خدمت قانع نشد ودامنه فعالیت خود را بامور اجتماعی وعام المنفعه گسترش داد ، وبنای معظم مدرسة الواعظین را در سال ۱۳۳۸ تاسیس نمود ، مساعی جمیله آن مرحوم در راه تاسیس این مدرسه دینی از طرف یکی از رجال نامی هند و مردان نیکو کار جناب آقای راجه محمود آباد پشتیبانی شد و کمکهای معظم له در اتمام این بنای معظم سهمی بسزا داشت که شایسته است اقدام نیك این مرد بزرك سرمشق افتخار ومباهات نیکوکاران جهان وتقرب جویندگان بسوی خدا گردد ، وچشم دانشمندان بصیر اسلامی بامثال چنین مردان تیز هوش زیرك همیشه روشن باشد .

مرحوم حجّة الاسلام سیّد نجم تا آخرین لحظه زندگانی پر ارزش خود ریاست اداره مدرسه را بعهده داشت و کلیّه امور آنرا تحت نظر خود اداره میکرد .

این مدرسه اسلامی اکنون دارای چندین دستگاه عمارت مختلف است که مخصوص امور اداری و تعلیم و تربیت میباشد ، و در اطراف آنها اطاقهای زیادی ساختمان کرده اند که مخصوص زندگی محصلین میباشد که از اطراف و اکناف برای تحصیل بآنجا مهاجرت کرده‌اند ، محصلینی که در این مدرسه تحصیل میکنند بدو زبان انگلیسی و اردوفنون وعظ وخطابه رامیآموزند وبرای تبلیغات دینی باطراف کشور هند و پاکستان و کشورهای افریقائی فرستاده میشوند اداره امور مدرسه اکنون بوسیله هیئت ذیل است :

شخصیت معروف جناب آقای امیر محمد خان رئیس
علامه محترم جناب آقای سید محمد زکی آل نجم العلماء مدیر کلّ
خطیب دانشمند و استاد امور وعظ و تبلیغ جناب آقای سید ابن الحسن نونهری مدیر داخلی
خطیب دانشمند جناب آقای سیّد وزیر حسن معاون
دانشمند بزرگوار جناب آقای شیخ الطاف حسین قزلباش مدیر دفتر
دانشمند محترم جناب آقای سید محمد الیاس صندوقدار
دانشمند گرانمایه جناب آقای سید کاظم رضا مدیر مسؤل مجلهٔ الواعظ

این مدرسه کتابخانه مهمی دارد که دارای بیست هزار مجلد کتاب میباشد این کتابها نوعاً بزبانهای عربی، فارسی، اردو ومقدار کمی هم بزبان انگلیسی است، ودر میان این کتب کتابهای خطّی نفیسی دیده میشود.

یکی از خصوصیات مهم این مدرسه این است که مجهّز بچاپخانه‌ای میباشد که شب وروز نتیجه افکار وآثار دانشمندان و اساتید و علماء اسلامی را که‌درمباحث مختلفه علوم اسلامی بصورت مقاله یا کتاب مینویسند چاپ ومنتشر میکنند.

در این چاپخانه مجله (مسلم ریویو) بزبان انگلیسی ومجلهٔ الواعظ بزبان اردو چاپ میشود.

لهذا این مدرسه از مهمترین منابع حیاة بخش اسلامی و بزرگترین مفاخر مسلمین بشمارمیرود، لکن آنچه موجب نهایت تأسف است اینست که مسلمین آنجا آن‌طوری که شایسته است اهمیت باداره آن نمیدهند و اداره کنندگان این مؤسسه دینی بسختی در حفظ آن کوشش میکنند، امید است صاحبان غیرت در رفتار خود تجدید نظر نمایند.

-۳-

﴿سلطان المدارس﴾

یکی دیگر از مراکز علمی ودینی مدرسه سلطان المدارس است که بهمت والای علامه بزرك یگانه‌عصر خودحضرت حجة الاسلام آقای سید محمدباقر ابن سیدأبي حسن محمد بن اسید علی الرضوي القمي الکشمیری که در لکهنو اقامت گزیده بود تأسیس گردید.

این عالم بزرك ودانشمند پرهیز کار درعلم فقه واصول مجتهد ودر علم حدیث متبحر بوده‌است ، تحصیلات مقدماتی را نزد اساتید فن در لکهنو فرا گرفت آنگاه برای تحصیلات نهائی شهر و دیار خودرا پشت سر گذاشت وبدانشگاه عظیم اسلامی وشهر (باب‌علم النبی) نجف اشرف‌مهاجرت نمود ومدت یازده سال درنزد بزرگان ومحققین ازعلماء واساتید فقه واصول بکسب علم و دانش اشتغال داشت ، سپس‌برای ارشاد وهدایت مردم هند نجف را ترك نمود ، ولدی الورود مقام پیشوائی را در این دیار احراز وزمام امور دینی را در دست با کفایت خود گرفت .

مرحوم سیدمحمّد باقر از ابتدای‌کار آنچه درنیرو داشت برای خدا بکارانداخت ودر راه نشر حقائق اسلام آستین همّت بالا زد ، وشب وروز کوشش نمود تا اینکه درسایه مساعی فراوان خودرا درصف‌نیکان امت‌اسلام قرارداد وآثار باقیه وجاویدی از خود بیاد گار گذارد ، از جمله آثار نیك آن مرحوم مدارس دینیه ای است که از خود بیاد گار گذارده ، ابتداء مدرسه ایمانیّه را بکمك وهمکاری جمعی از علماء شهر بنا کرد سپس در کار ساختن مدرسه ناظمیه اقدام نمود ، و بعد از اتمام آن اساس مدرسه معظم سلطان‌المدارس‌رابنیان گذارد ، ودر همین مدرسه با تدریس خود جواهر گرانقیمت علوم دینی و گوهرهای گرانقدر حکم الهی را بجویند گان‌آن بذل مینمود ومعارف اسلامی را بدیگران می‌آموخت . وبا اینکه اکثر اوقات آن مرحوم بتدریس علوم وتاسیس مدارس و سایر خدمات اجتماعی متفرق بود معذلك

در ژرفای تألیف و تصنیف قهرمانی شناور بود که هیچگاه کثرت نویسند گی اوراز کار نیانداخت . تألیفات این دانشمند اسلامی بسیاراست مشهور ترین آنهاعبارتست:

۱ ـ اسداء الرغاب بکشف الحجاب چاپ سال ۱۳۴۷

۲ ـ شرح الأربعین ، در این کتاب چهل حدیث از احادیث خاندان نبوّت تشریح گردیده است .

۳ ـ تعالیق في مسألتي الدماء والعدة در فقه

٤ ـ حواش علی کتاب قوانین المیرزا ورسائل الشیخ در اصول

٥ ـ الدرّ الثمین ، تعالیق علی شرح الاربعین لشخنا البهائی .

٦ ـ خیر الزاد في واجب الاعتقاد .

۷ ـ تعلیقات علی النهج الیقین للعلامة الحلّی .

۸ ـ الرحیق المختوم في احوال مولانا بحر العلوم .

۹ ـ رسائل في تاریخ حیاة الأئمّة من اهل البیت الطاهر .

۱۰ ـ رسالة في تراجم العلماء .

و کتابهای مفید دیگری که در علم فقه و حدیث وشعر تألیف نموده است تا اینکه در سال ۱۳٤٦ برحمت ایزدی واصل شد وجمعی از ادباء وعلماء و دانشمندان در مرگ ومرثیه آن مرحوم اشعاری سروده اند .

واکنون امور مدرسه معظم (سلطان المدارس) بوسیله فرزندبرومندآنمرحوم عالم بزرگوار حضرت حجةالاسلام آقای سیدمحمّدرضوی کشمیری اداره میشود ، این مدرسه دارای بنای دوطبقه مجللی است که به یازده قسمت تقسیم میشود ، در هشت قسمت آن دروس کلاسهای ابتدائي ومتوسطه تدریس میشود وسه قسمت آن مخصوص دروس نهائی میباشد که در موقع بازدید ما از این مدرسه صد و بیست و سه نفر دانشجو دررشته‌های فقه ، حدیث ، کلام و ادبیات در نزد اساتید فن مراحل نهائی این علوم را فرا میگرفتند .

ضمناً این مدرسه دارای یك کتابخانهٔ اختصاصی است که مورد استفاده محصلین

قرار میگیرد وحدود پنج هزارجلد کتاب دارد که اکثر آنها بزبان فارسیوعربی است ومقدار کمی هم بزبان اردو میباشد ، در این کتابخانه بعضی از کتب خطی وجود دارد که منحصر بفرد است.

-۴-
« کتابخانه ممتاز العلماء »

عالم بزرگوار آقای سید محمد تقی ابن العلامه السید حسین ابن السید دلدارعلی معروف به ممتاز العلماء در سال ۱۲۳٤ هجری متولد شد و تحصیلات خود را در نزد پدر بزرگوارخود بپایان برد ، و گوی سبقت را درعلم فقه واصول و تفسیروحکمت وادبیات ازمعاصرین خود ربود ، وبرایاستفاده همیشه جمعی ازعلماء هنددرمحضرش حاضر بودند.

این مرد دانشمند کتابهای زیادی در علوم مختلفه تألیف و تصنیف نمود ، که مشهورترین آنها عبارتست :

١ ـ ینابیع الانوار في تفسیر کلام الجبار درچند جلد
٢ ـ ارشاد المبتدین إلى احکام الدین در فقه
٣ ـ ارشاد المؤمنین در فضیلت نمازجماعت
٤ ـ حدیقة الواعظین در پند و اندرز
٥ ـ حاشیة علی شرح الچغمینی در هیئت
٦ ـ الدعوات الفاخرة في الادعیة المأثورة
٧ ـ رسالة في طعام أهل الکتاب .
٨ ـ رسالة في تحقیق بعض المسائل من صلاة الجماعة .
٩ ـ رسالة في المواریث .
١٠ ـ حاشیة علی شرح هدایة الحکمة للمولی صدر الدین الشیرازي .

وغیر اینها از کتابهای مفید و با ارزشی که آنمرحوم تألیف فرموده است .

این عالم دانشمند درچهاردهم رمضان سال ۱۲۸۹ هجری دعوت حقراااجابت



نموده بدیگرسرای شتافت و کتابخانه معظمی را از خود بیادگار گذارد که گنجینه ایست از نفیس ترین کتب اسلامی و حدود ۱۸ هزار جلد کتاب بزبانهای عربی ، فارسی ، واردو درآن موجود است که اکثر آنها کتابهای خطی گرانقیمتی است که کمتر یافت میشود ، و از جمله کتابهای کمیاب این کتابخانه کتابهای ذیل است :

۱ ـ « زین الفتی في شرح سورة هل اتی » تألیف حافظ ابی محمّد عاصمی که یکی از علماء نامی قرن پنجم هجری است و دارای ۵۸۰ صفحه میباشد ، و همانطوریکه سابقاً بیان شد یك نسخه از این کتاب نفیس در کتابخانه ناصریه موجود است ، و جلد اول از این کتاب نیز در کتابخانه شخصی در کاظمین وجود دارد .

۲ ـ صحیفه سجادیه منقول از نسخه علی بن سکون که جمعی از علماء در صفحات آن یادداشتهائی نوشته اند ودر صفحهٔ اول آن خط مرحوم شهید اول شمس الدین محمّد بن مکی ابن محمّد که درسال ۷۸۶ هجری بشهادت رسید دیده میشود وعین عبارت آن مرحوم اینست :

« للولد الاعز العضد قرة العين أبي القاسم عليّ بن محمّد بن مكّى نفعه الله بها ورزقنى بما فيها دعاه » .

ترجمه : این کتاب تعلّق داردبفرزندعزیزومعین وناصرونورچشم خودابی القاسم عليّ بن محمّد مکّی ، خداونداورا از منافع این کتاب برخوردار سازد وبمن روزی فرماید آنچه را که او بدعوات این کتاب دعا میکند .

۳ ـ « الكشف و البيان في تفسير القرآن » تألیف أبي اسحق احمدبن محمّد ثعلبی مقری این نسخه بسیار نسخهٔ پربهائی است و شرح آن سابقاً بیان شد .

امور این کتابخانه امروز بوسیلهٔ سه نفر از معتمدین و معاریف شهراداره میشود که یکنفر از آنها نوادهٔ مؤسس جناب آقای سید علی بن محمّد النقوی میباشد وهم اکنون بوسیله این هیئت درمجاورت حسینیه معروف بحسینیه تحسین علی خان بنای جدید در دست ساختمان است که پس از اتمام آن کتابخانه بآنجا منتقل میشود .

-۵-

«کتابخانه فرنگی محل»

این کتابخانه در سال ۱۲۳۰ هجری بهمّت آقای مولی قیام الدین‌عبدالقادر لکهنوئی تأسیس‌شد وهم اکنون در ادارهٔ آن ائمّه جماعت محله فرنگی‌محل همکاری میکنند.

این افراد عبارتند از:

۱ ـ دانشمند عالیقدر مفتي محترم جناب آقای مولی محمّد عبد القادر.

۲ ـ دانشمند محترم جناب آقای محمّد سعید عبد الرزّاق.

۳ ـ مفتی عالیمقام جناب آقای شیخ محمّد رضا.

٤ ـ فاضل محترم جناب آقای شیخ محمّد هاشم.

هریك از این آقایان در این کتابخانه حوزه درسی دارند که علوم دینی و معارف اسلامی را برمبنای مذاهب‌چهارگانه تدریس میکنند، این کتابخانه دارای نه هزار جلد کتاب میباشد که چهار هزار جلد ازآنها خطی است، اکثر این کتب در علوم اسلامی است که بزبانهای عربی و فارسی و اردو نوشته شده، این کتابخانه یکی از کتابخانه‌های پرارزشی است که متأسفانه در مکان نامناسب وعمارت مرطوبی قرار دارد که باعث از بین رفتن کتابها میشود، و باکمال تأسف باید گفت اکثر کتابخانهای ملّی هند کـه بوسیله مردم اداره میشود در وضعیتی مشابـه همین کتابخانه است و نوعاً کتب آن درمعرض موریانه وحشرات دیگر میباشد.

از کتابهای خطی نفیسی که در این کتابخانه مورد بازدید ما قرار گرفت عبارت است از:

۱ ـ «مشارق الاشراق إلی مصارع العشّاق» تألیف‌ابن‌نحّاس‌احمد بن‌ابراهیم دمشقی، مؤلّف مذکور در ماه رمضان سال ۸۱۱ هجری شروع بتألیف کرده و در

سال ٨١٢ فراغت حاصل نموده است ، ولی نسخه‌ای که اکنون در این کتابخانـه موجود است در سال ١١٢٢ از روی نسخه اصلی که بخط مؤلّف بوده استنساخ گردیده است .

٢ ـ « مغفرة الغفور في زيارة القبور » تألیف سید اختیار حسینی که درسه‌باب نوشته شده : باب اوّل در اوقات زیارت و آداب آن ، بـاب دوّم در احکام زیارت ، باب سوم در موضوعات مختلف . باب اول را در سه فصل نوشته : فصل اوّل دراوقات زیارت وآداب آن ، فصل دوم در اذکار و دعاهائی که برای آن اوقات وارد شده ، فصل سوم در زیارت پیامبر بزرگ اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله .

٣ ـ « جواهر القلوب في زيارة المحبوب » تألیف سید اختیار مذکور .

٤ ـ « تخريج احاديث شرح المواقف » تألیف جلال الدين سيوطي .

٥ ـ « بحر زخار » کتابی است فارسی تألیف وجیه الدین اشرف که در دو قسمت تدوین گردیده و مرحوم مؤلّف بر هر قسمت نـام (لجـّه) اطلاق میکنند . لجّـه اولی : در شرح زندگی اولاد و زنان و دختران پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و بعد از آن شرح زندگی خلفا و عشره مبشره و اصحاب صفه و اصحاب بدر ودیگراصحاب میباشد .

لجّـه‌ثانیه : در شرح زندگی حضرت امیرالمؤمنین و همسر بزرگوارش‌وائمه طاهرین از اولادشان علیهم‌السلام میباشد وبمناسبت شهداء کربلا را ذکر نموده و با نقل شرح حال جمعی ازمحدّثین وفقها کتاب‌را بپایان میبرد .

-٦-
« کتابخانه ندوة العلماء »

این کتابخانه در مکان بسیار وسیعی‌قراردارد که مساحت‌آن از چندین هزار متر متجاوز است و جمعیتی دراطراف آن زندگی میکنند .

در وسط این‌زمین‌عمارت معظم (مدرسه دار العلوم) قرار دارد که تابع (ندوة

العلماء است) این بنا در اوائل قرن اخیر بهمت جمعی از رجال مذاهب چهار گانه تأسیس گردید و اکنون زیر نظر جمعی ازرجال مذاهب چهار گانه اداره می شود از این قرار :

۱ ـ جناب آقای شیخ ابوالحسن علی ندوی رئیس ندوه (مجلس‌شوری)

۲ ـ « « محمد اویس ندوی استاد تفسیر

۳ ـ « « « ابی العرفان ندوی استاد فلسفه

٤ ـ « « « محمد منظور نعمانی استاد حدیث

٥ ـ « « « عبد الحفیظ ابی الفضل استاد ادب

٦ ـ « « « شبیر آل عطا مدیر

در این مدرسه علوم اسلامی بر اساس مذاهب چهار گانه تدریس میشود و در پایان تحصیلات دانشنامه ای بمحصلین داده میشود که باعتبار آن میتوانند متصدی شغل قضاوت شوند .

این مدرسه بیش از چهارصد دانشجو دارد که در میان آنها ۲۵ نفر افریقائی یکنفر ژاپنی و یکنفر ترك و بقیه هندی وپاکستانی میباشد ، این مدرسه یکقسمت داخلی دارد که مجهز بوسائل استراحت کسانی است که از بلاد خارج در آنجا تحصیل میکنند ، کتابخانه ندوة العلماء دارای عمارت بسیار بزرگی است که جنب مدرسه بنا گردیده است و قریب ٦۰ هزار جلد کتاب دارد که ۵۰۰۰ جلد از آنها خطی‌میباشد ، این کتابها نوعاً در موضوعات مختلف‌اسلامی مانند تفسیر ، فقه ،اصول حدیث ، حکمت ، فلسفه ، اخلاق ، ادبیات وتاریخ و جغرافیا است که بچهار زبان عربی ، فارسی ، اردو ، سانسکریت تدوین گردیده است .

ازاموریکه در این‌دیدارفوق‌العاده موجب تأسف گردید اینست که آنچنانکه شایسته یك گنجینه علمی وثروت گرانبهای اسلامی است در حفظ کتابها اهتمامی بکار نمیرود بطوریکه اکثر کتب در معرض موریانه وسایر حشرات قرار گرفته و بزبان حال فریاد این کتابها بلند گردیده واز سوء رفتاری که باآنها میشودبمسؤلین

کتابخانه شکایت میکنند . از کتابهای خطی که در این کتابخانه ملاحظه شد عبارت است از :

١ ـ « الصواعق المرسلة على الجهميّة والمعطّلة » تأليف شمس الدين ابي عبدالله محمّد بن قيّم جوزيّه متوفی در سال ٧٥١ و نسخهٔ موجود در کتابخانه بخط محمّد بن عثمان بن محمّد بن سلیمان زرعی دمشقی میباشد که در سال ٧٥٨ در روی صفحاتی بعرض ١٨ وطول ٢٥/٥ سانتیمتر نوشته است .

٢ ـ مجموعه ایکه کتب نامبرده زیر در آن جمع آوری گردیده است « الرد على الجهمية » تأليف پیشوای حنبلیها احمدبن حنبل متوفای سال ٢٤١ «ذمّ التأويل» تأليف حافظ عبدالله بن قدامه متوفای ٦٢٠ « جزء في اثبات صفة العلوّ » تأليف حافظ عبد الله بن قدامه « عقيدة الصابونی » و « تفسير الكوثر » تأليف احمد بن تيمية الحرانی متوفی درسال ٧٢٨ « تفسير المعوذتين » تأليف ابن القيّم الجوزية متوفای سال ٧٥١ .

٣ ـ « المعجم الصغير » نویسنده این کتاب حافظ ابوالقاسم سلیمان طبرانی است که درسال ٣٦٠ هجری وفات یافته لکن نسخهٔ موجود درقرن هفتم نوشته شده و با اینکه کتاب چاپ گردیده معذلك نسخه خطی ارزش خود را از دست نداده است .

٤ ـ يك قسمت از تفسیر کشاف تألیف جارالله زمخشری متوفای سال ٥٣٨ . این نسخه بخط عبد الله بن عبد الرحيم بن عليّ بن برغش میباشد که در ٢٩ ماه شعبان سال ٦٨٢ از نوشتن آن فارغ شده است اندازه صفحات این نسخه بقطع ١٦×٢٥ سانتیمتر میباشد .

٥ ـ « منتهى العلوم في تفسير كتاب الله الحيّ القيّوم » تأليف امام نورالدين ابوطالب عبد الرحمن بن عمر بصری که بعداً ملقب به بغدادی گردیده است ، این شخص یکی از علماء مذهب حنبلی است کهدر مدرسه بشیریه حنبلیها متصدي تدریس بوده ، نسخه دوم این تفسیر که در این کتابخانه موجود است ازاول سورهٔ نساء تا

آیه کریمه « هو الّذي جعلكم خلائف الأرض» میباشد ونسخه قدیمی بسیار خوبی است که تمامی آن را در سال ۶۸۰ افراد مختلفی در نزد مؤلّف قرائت کرده اند. ازآن افراد شیخ عبد الله بن محمّد بن عبد الوهاب مریمی است که تمام آنرا در نزد مصنف قرائت کرده و درچندین مورد قرائت خودرا درحاشیه صفحات کتاب نوشته است واصل نسخه بخط شیخ محمّد بن شیخ یحیی ابن ابی‌بکر مقری میباشد.

۶ ـ « مسند حافظ عبد بن حميدأبي محمّد الكشّي» متوفای سال ۲۴۹ این‌مسند از مسندات اصول الحدیث است.

-۷-

« کتابخانه امیرالدوله پر اونشل لابریری »

این کتابخانه‌بسیارباعظمت‌میباشد که در بنای زیبا ومجلّلی قرار دارد وعمارت زیبای آن در وسط‌پارك شهر که باغ بسیار بزرگ وتفریحگاه عمومی است‌ساختمان گردیده است این بنابهمّت والای شخصیت معروف هند جناب آقای امیر محمّد حسن خان راجه محمودآباد [1]تأسیس گردید، وبا تقدیم کتابخانه شخصی خود که ۵۵ هزارجلد کتاب‌داشت اساس این کتابخانه را محکم‌نمود، اداره این کتابخانه‌امروز بعهده دولت هنداست که هر ساله حدود ۷۰ هزار روپیه بودجهٔ اداره آنرا میپردازد و اکنون کتب این کتابخانه از صدو ده هزار جلد کتاب بزبانهای عربی، فارسی اردو، انگلیسی، سانسکریت و زبانهای دیگر متجاوز گردیده است، کتابهای اسلامی این کتابخانه از ۵۰ هزار جلد متجاوز نیست، در این کتابخانه قسمتی‌از کتابهای قدیمی موجود است که برروی لوحه‌هائی از چوب یا مس حكّ شده است وقدیمی ترین‌آنها کتاب(سری رس‌لیلا) است که از کتابهای مقدس هندوهامیباشد وتاریخ آن منتهی بچهار هزار سال قبل میشود.

---

(۱) امیر محمد حسن خان پدر جناب‌آقای راجه امیر محمداحمد خان وجناب آقای راجه امیر محمد حیدر خان است که هردونفر نیز ازیك مادرند.

این کتابخانه در اثر زحمات شبانه روزی اداره کنندگانش بایك نظم بسیار آبرومندی اداره میشود و استاد (ذکرپشنت کمار) ریاست آنرا بعهده دارد فهرست کتابخانه بطرز نوینیکه‌برای هرموضوع فهرست جداگانه ترتیب‌داده وهرموضوع را بشعبه‌های مختلف تقسیم میکنند فراهم گردیده است این فهرستها موجب شده که مراجعه کننده‌گان بسرعت کتاب مطلوب خودرا در منتهای سهولت‌پیدا کنند .

بنای این کتابخانه مشتمل است بر يك سالن وسیع بمساحت ۱۵ × ۳۰ متر و ارتفاع ۸ متر که در سه طرف آن غرفه های دو طبقه‌ای بعرض ٤ متر و ارتفاع ٤ متر مخصوص مخزن کتابها ساختمان شده و در میان اشکافهای آهنی ساخت هند کتابها چیده شده است و يك سالن مخصوص مطالعه مجلّات و روزنامه ها میباشد که ١٤ روزنامه یومیه و ۲٤٦ مجله هفتگی و ماهانه مورد مطالعه قرار میگیرد ، و پس از مطالعه از طرف کتابخانه تمامی آنها صحافی و در مخزن مخصوص نگهداری میشود و اکنون دراین مخزن روزنامه‌هائی موجود است که تاریخ انتشار آنها بـه دویست سال قبل‌منتهی میشود ، وروزانه ٦۰۰ نفر برای‌مطالعه باین کتابخانه‌مراجعه میکنند .



* دعوت اهالی کانپور *

همینکه علامه عالیقدر اسلام حضرت آیة الله امینی به (لکناهو) وارد شدند و خبر ورود معظم له بوسیله روزنامه ها و مجلات اسلامی هند در بین مسلمانان هندوستان انتشار یافت سیل جمعیت برای درك محضر و کسب فیض از سر چشمه فضائل علمی واخلاقی این بزرگ دانشمند اسلامی سرازیر شد، وپشت سرهم بوسیله نامه‌هاوپیك های مخصوص دعوت بعمل میآمد که بیان همگی آنان حکایت‌میکرد که مردم آنسامان در آتش اشتیاق زیارت این شخصیت بارز میسوزند، وتمامی درخواست استناره از این چراغ روشنی بخش عالم اسلام را دارند، تا اینکه از خرمن علمش خوشه ای نصیب آنان شود، و از افکار اصلاحی وجود با بر کتش رشد اسلامی در آنان بوجود آید، درمیان دعوتهائیکه بعمل میآمد اصرار اهالی کانپور بمنتهای شدت رسید، ومکرر جناب آقای پروفسور سید یاورمهدی که یکی ازاساتید محترم دانشگاه لکناهو میباشد باتفاق افراد دیگر حضوراً درخواست اهالی کانپور را ابلاغ نمودند لهذا پس از اینهمه تقاضا علامه عالیقدر آیة الله امینی چاره‌ای ندیدند جز اینکه دعوت آن مردم باایمان را اجابت نمایند، ولی مسافرت خودرا بکانپور مشروط براین قرار دادند که اقامت در آنجا از ٤٨ ساعت تجاوز نکند زیرا کثرت کار و مطالعه و استنساخ کتب بیش از این مدت اجازه نمیداد ودر همین مدت محدود باقامت خود در آنجا خاتمه دادند.





-۳-

﴿ کانپور ﴾

کانپور شهر بزرگی است که در ساحل دریای (کنك) که یکی از دریا هاي مقدس هندوها است قرار دارد ، کنپور یك شهر صنعتی است که بیش‌ازپنجاه وشش فرآورده صنعتی درآنجا فراهم میشود ، در کارخانه‌های این شهر انواع پارچه های ابریشمی وپشمی وپنبه ای و انواع فرآورده‌های آهنی مانند اطاقهای راه‌آهن‌وسایر آلات و ادوات وسائط نقلیه و اقسام پوستها ونیشکر وهمچنین بسیاری ازاحتیاجات غذائی تهیه میشود .

جمعیت این شهر باحومه وقراء اطرافش بر ۲ میلیون نفر بالغ میشود وازسه طرف اراضی پهناور کشت وزرع این‌شهر را درمیان گرفته ونوعاً پنبه نیشکر برنج وبعضی ازحبوبات زراعت میشود .

در التزام‌حضرت‌آیة الله امینی اوائل آفتاب روز ۲۱ ماه رمضان المبارك با راه آهن‌بطرف‌کانپور حرکت نمودیم‌دانشمند محترم‌جناب‌آقای‌پرفسور سید یاورمهدی نیز جزء ملتزمین بودند بفاصله چند ساعت قطار در ایستگاه کانپور توقف نمود .

در این موقع متوجّه انبوه جمعیت مستقبلین شدیم که در ایستگاه بزرگ کانپور موج میزد و بطور دسته جمعی و انفرادی در انتظار مقدم گرامی میهمان عظیم الشأن خود اجتماع کرده بودند ، در ردیف مقدم جمعیتهای متشکل دینی زیر قرار گرفته بودند .

انجمن‌مظلومیه . انجمن‌معین الزائرین . انجمن معین‌الحاج . انجمن پنج‌تن انجمن رضویه .

برقی از خوشحالی ومسرت درچشم و صورت همگان میدرخشید و شعارها و

فریاد شادمانی وسرور بطوری در فضا طنین افکنده بود که جز صدای خیر مقدم و خوش آمد چیز دیگر شنیده نمی‌شد وصدای هماهنگ مسلمین که بصلوات بر پیامبر اعظم بلند بود لرزه‌ئی معنویت بار بر اندام می‌افکند وشکوهی تهییج آمیز بر آن توده‌های وسیع می‌بخشیدوتا تابشگاه اختران اوج میگرفت ، این استقبال پرشور که ازاحساسات پاك وایمان ومحبت‌خالص بخاندان نبوّت منشأ میگرفت‌وشیفتگی مسلمانان غیور را بپایتخت عالم علم و دیانت (نجف اشرف) ثابت مینمود بصورت بزرگداشت مقام شامخ یکی از شخصیت های بزرگ علمی و آئینه تمام نمای یك پیشوای عالیقدر روحانی که وجود پر بر کتش را در میان خود مشاهده میکردند جلوه مینمود .

حضرت آیة الله امینی باتّفاق همراهان در منزل رجل فرزانه جناب آقای نوّاب سید محمّد حسین کوثر که یکی از مردان بصیر اجتماعی است اقامت فرمودند ومردم دسته دسته‌برای درك محضر ودیدار واستفاده از افاضات این علاّمه بزرگ در آنجا ازدحام میکردند .

در شب ۲۲ ماه رمضان در یك میدان وسیع بوسیله انجمن های دینی مجلس سوگواری امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام ترتیب داده شد که فوق العاده باشکوه وباعظمت جلوه میکرد ، تمامی میدان از کثرت چراغهای مهتابی وفلورسنت مثل روز روشن میدرخشید ، و در اطراف میدان بلندگوهای زیادی نصب گردیده بود ، و بوسیله انجمن‌های دینی و اعلامیه‌های‌مختلف از پیروان مذاهب مختلف اسلامی دعوت بعمل آمد که درشب مذکور برای استفاده ازمحضر یگانه قهرمان مدافع‌عالم تشیّع‌دراین محفل دینی حضور بهمرسانیده و ازگوهربیانات یکی از بزرگترین شخصیت های جهانی عالم اسلام کامیاب گردیده و ازخطابه های مفید وتوضیحات لازم این مصلح کبیر برخوردار شوند .

اینك صورت یکی از اعلامیه‌های مختلفی که انتشار یافت از نظر شما میگذرد :

باسمہ سبحانہ

مجلس عزا — جلوس تابوت و علم

اگر کسی کی سن میں تھی سحر و ترہیب یا آتی ہے اک شام غریباں کربلا کی اک شام غریباں کردی

شام غریباں

میں نجف اشرف کے مجتہد اعظم و اعلم حجۃ الاسلام آیۃ اللہ آقا علامہ عبد الحسین صاحب قبلہ نجفی

صاحب الغدیر کا بیان

ایک وہی شام غریباں تھی جب عاشور کا دن گزر جانے کے بعد اہلبیت نے جلتے ہوئے خیموں کی خاک پر بیٹھ کر امام حسین اور اکبر شہید کا ماتم کیا اور وہ بھی ایک شام غریباں تھی جب امام حسن، امام حسین، حضرت زینب، حضرت ام کلثوم، محمد حنفیہ، حضرت ابو الفضل العباس دیگر فرزندان حضرت علی کربلا نے اپنے پدر بزرگوار کا غم دردبھرے نالوں اور آنسوؤں کے ذریعہ باہم کرنے بیٹھے

۲۱ ررمضان یوم شہادت حضرت علیؑ سے

اس لئے بمقام ناظر باغ عقب چوکی پولیس بیکن گنج منجانب انجمن مظلومیہ کانپور بتاریخ ۹ ر مارچ ۱۹۶۱ء مطابق ۲۱ ررمضان یوم پنجشنبہ (جمعرات) بوقت ۷ بجے شب سر برہنہ تشریف لائیے اور اہلبیت کی اس مصیبت عظمیٰ میں بہ اتباع اہلبیت علیہم السلام شام غریباں کی طرح بیٹھ کر نجف اشرف کے مجتہد اعظم و اعلم حجۃ الاسلام آیۃ اللہ آقا علامہ عبد الحسین صاحب قبلہ نجفی صاحب الغدیر سے فضائل و مصائب شہنشاہ نجف حضرت امیر المومنین علی ابن ابیطالب بزبان فارسی جس کا اردو ترجمہ ساتھ ہی ساتھ پیش کیا جائے گا۔ سماعت فرمائیں حضرت علامہ سے پہلے افتخار المفسرین و المحدثین عمدۃ الذاکرین عالیجناب مولوی سید یاور مہدی صاحب قبلہ رضوی پروفیسر لکھنؤ بزبان اردو ذاکری کرینگے۔ آئیے ہم سب مکر حضرات حسنین، حضرت زینب و ام کلثوم، حضرت محمد حنفیہ و حضرت ابو الفضل العباس کو ان کے پدر بزرگوار کی عظیم شہادت پر پرسہ دیں بعد مجلس حسب پروگرام قدیم جلوس شبیہ تابوت حضرت مولا مشکلکشا شہر کے مختلف راستوں سے گزر کر حاطہ پھوٹے میاں ہوتا ہوا اینامل شوالہ سے گزر کر، کربلائے اعظم علی کرنیل گنج جائے گا جس میں ابتداً جناب خورشید مصطفےٰ صاحب و دیگر حضرات نقابت و بعدہٗ شہر کی انجمنہائے ماتمی نوحہ خوانی کرینگی۔ لہٰذا جملہ برادران اسلام سے استدعا ہے کہ کثیر التعداد شرکت فرما کر ثواب دنیا و آخرت حاصل کرتے ہوئے ارکین انجمن کی حوصلہ افزائی فرمائیں۔

المستدعیان

سید علی مہدی نقوی (جنرل سکریٹری) سید مصطفےٰ حسین عابدی (وکیل، صدر) سید رسالت حسین فاز پوری (پروپگنڈا سکریٹری)

انجمن مظلومیہ بیکن گنج کانپور

(مطبوعہ قیصر خانہ برقی پریس پریڈ کانپور)

در این مجلس از دور ترین محلات شهر مردم اجتماع کرده و کلیّه فرق اسلامی بدون اینکه اختصاص بدسته ای دون دسته‌ای داشته باشد دراین محفل تاریخی مجتمع بودند.

بطوریکه بیش از ده‌ها هزار نفر جمعیت دراین اجتماع بی سابقه و بزرگ اسلامی بچشم میخورد همینکه مجلس رسمیت یافت با اعلان برنامه سکوت برقرار گردید، آیاتی چند از کلام‌الله مجید قرائت‌شد، دراین هنگام حضرت آیةالله امینی در جایگاه خطابه قرار گرفتند وباچهرهٔ جذاب وسیمای منوّر و وضعیت پر جلال خویش بر کرسی وعظ پانهاده و در برابر میکرفون قرار گرفتند.

و همانطوریکه استاد بزرگ محّمد عبد الغنی حسن مصری در قصیده ای که معظم له را مخاطب قرار داده مدح میکند آغاز سخن فرمودند استاد مصری گوید:

و نزلت میدان البیان مناضلاً ☆ و شأوت أبطال الکلام شجاعاً

ماضقت یوماً بالدلیل ولم ☆ تکن بالحجة الغراء اقصرباعاً

یکتا مبارز میدان سخن وارد میدان شد وبا ورود خود قهرمانان علم کلام و شجعان سخن را پشت سر گذارد شخصیت دانشمندی که هیچگاه در تنگنای دلیل قرار نمی گیرد واز اقامه براهین روشن و قاطع هیچوقت عاجز نمی ماند.

پس از اینکه حمد وثنای إلهي را بجاآورده وبر پیامبر بزرگ اسلام درود و تحیت فرستادند آیه کریمه (ولایت) را از قرآن مجید تلاوت نمودند سپس در اطراف دین مقدس اسلام و معنی ولایت کبرای إلهي ومرکز ثابت پرچمداری آن بیانات سودمندیرا فرمودند ودرسهای با اهمیت بدانان آموختند و بتفصیل در معنی ولایت مطلقه عامه سخن گفتند که‌آن ولایت مطلقه عامه‌ای که هیچ بشری‌ازسیطره آن خارج نبوده و هیچ موجودی از آن مستثنی نمی باشد ولایت مطلقه عامه إلهي است که ذات مقدس پروردگار در قرآن مجید این ولایترا بولایت پیغمبر خود حضرت خاتم النبیین وولایة وصيّ آن حضرت مقرون نموده میفرماید:

« إنّما وليّكم الله و رسوله و الّذين آمنوا الّذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكوة وهم راكعون » .

خداوند ورسول او و آنانیکه ایمان آورده و نماز میخوانند و در حال رکوع زکاة میدهند منحصراً وليّ شما بوده (واولی بتصرف در جان ومال شما میباشند) .

وحدت سیاق در آیه کریمه حکایت ندارد جز بر اینکه ولایت الهی ولایت واحده‌ای‌است که‌منفك‌نیست‌این‌ولایت ازولایت پیغمبرا کرم صلّى الله عليه وآله ووصيّ آنحضرت امیر المؤمنین علیه السلام وولایت این دو ازولایت إلهي جدائی ندارد ، همین ولایت است که پیامبر بزرگ اسلام اکیداًملّت مسلمانرا بآن توصیه فرمود و این وصیّت یکی از سنتهای لایتغیّر إلهي‌است که رسول وفرستاده اواعلام نمود : « هرآنکس که‌بمن ایمان آورده ورسالت مرا تصدیق نموده اورا توصیه میکنم بولایة عليّ بن ابي طالب علیه‌الصلاة والسلام ، هرآنکس‌اورا اولی‌بتصرف‌وولی‌خود بشناسد بتحقیق مرااولی بتصرف وولی خود میداند ، وهرآنکس‌مرا وليّ خود بداندمسلّم خداوند عزّوجلّ راوليّ خود شناخته است » و پیمان و بیعت پیشینیان در صدر اسلام بر مبنای همین شهادت استوار بود .

همچنانکه عقبة بن عامر میگوید : رسول اکرم صلّى الله عليه وآله از مـا بیعت گرفت براینکه خداوند یکی است وشریکی ندارد و محمّد صلّى الله عليه وآله پیامبر اوست و عليّ علیه السلام وصيّ پیغمبر میباشد . پس اگر هر یك از اینهارا ترك نمائیم کافر شده ایم .

این ولایت‌استکه پایه واساس‌اسلامیت وجوهر ایمان میباشد که شناسائی‌مبدء متعال وقبولی اعمال بآن بستگی دارد چه آنکه عمل بی‌ولایت مانند جسم بی‌روحی است که اثر زندگی و حیات برآن مترتّب نیست . لهذا صحیح استکه گفته شود انسانیکه ولایت عترة طاهرینرا که در مقدّم آنان بزرگ ایشان مولاناامیرالمؤمنین علیه‌السلام‌قراردارد قبول‌نداشته باشدچنین شخصی‌ایمان ندارد . وبرای کسی‌فضیلت یکتا پرستی و اقرار بذات اقدس الهي ورسول اکرم صلّى الله عليه وآله ثابت نمیشود مگراینکه

بولایت اوصیاء مرضیین معتقد باشد ، همچنانکه رسالت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بدون تبلیغ خبر ولایت عظمی بپایان نمیرسید ، زیرا خداوند در اینمورد پیغمبر خود را تهدید نموده میفرماید : (فان لم تفعل فما بلّغت رسالته) اگر تبلیغ ولایت نکنی تبلیغ رسالت نکرده‌ای !!

خداوند متعال اکمال دین و اتمام نعمت را بولایت مشروط و معلّق نموده و سپس رضایت خودرا در بارهٔ دین مقدس اسلام اعلام فرمود و این اعلامیه دروقتی داده شد که فریاد پیامبر گرامی اسلام در میان جمعیتی که از یکصد هزار نفر متجاوز بود بلند شد که اسلام مرضیّ در نزد خدا و رسول او آن اسلامی است که مقرون بولایت باشد ، همان ولایتیکه در گرامی نامه إلهي (قرآن مجید) بروز تبلیغ آن اسلام بکمال توصیف گردید .

وبه‌این مضمون درصحاح‌ومسندات عامه ازصحابه پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله واز کسانیکه صحابه را ملاقات کرده‌اند روایاتی نقل شده است مثل سخن عمر بن الخطاب دومین خلیفه بانتخاب فرمایشی !! : (عليٌّ مولی من کان رسول الله مولاه ومن لم یکن مولاه فلیس بمؤمن) علي مولای هر کسی است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مولای اوبوده وهر کس را که او مولی نباشد مؤمن نیست . و سخن دیگر او که میگوید : (اعلموا انّه لایتمّ شرف إلاّ بولایة عليّ علیه‌السلام) بدانید شرافت بکمال نمیرسدمگر بولایت عليّ علیه‌السلام .

سپس آیة الله امینی به‌آیات قرآن مجید واحادیث نبویّه که خود اهل سنّت و جماعت آنها را در کتابهای خود نقل کرده اند ولایت مطلقه و خلافت بلا فصل حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را آن‌چنان اثبات فرمودند که جای هیچگونه شبهه و اشکال باقی نماند .

دراین هنگام مجلس بهم خورد در حالتیکه جمعیتی که دو ساعت تمام‌ببحث گوش کرده و در قلوب خود مطالب را سپرده بودند همچون اشخاصیکه از خواب گران برخیزند یاپس از مدت زمانیکه در غفلت بسر برده متوجه شوند سکوتی

آمیخته بتعجب از عظمت آن‌مجلس برهمگان حکومت میکرد ونیروی سخن حق آنان را تکان میداد ، و عظمت حدیث غدیر بیم و دهشتی عجیب در دل آنان بجای گذاشته بود ، و سلاست بیان وطلاقت گفتار در مثل چنین مسئله ای غامض حیرتی آمیخته به تحسین در همگان ایجاد کرده بود .

وهر کس متحیر بود چسان موضوعی بااینهمه اشکالات که درطی سیزده قرن ملتی را بخود مشغول کرده بابیان باین سادگی وروانی ودرعین حال توأم بایکدنیا لطف وملاحت در این وقت کم‌حل شد و کلام سحّارش احساسات ارواح آن‌توده‌های انبوه را مسحور خود ساخت ، گویا همانطور است که میگویند : « إنّ من البیان لسحراً » سخن زیبا وبیان شیوا یك شعبه از سحر است .

این خلاصه‌ای بود از سفری که بیش از٤٨ساعت طول‌نکشید ، شوروهیجانی که در این مدت کوتاه از مردم کانپور مشاهده شد حاکی ازآن بود که این ملتی را که ما بابی اعتنائی خود آنها را درتاریکی ازحقایق مذهب قرار داده‌ایم درآتش اشتیاق وعظ وتبلیغ ونصیحت‌وارشاد دینی میسوزند ، وهر گاه شمعی روشن‌مشاهده کردند پروانه وار گرد او جمع میشوند .

درعقیب این‌دعوت دعوتی‌ازطرف‌اهالی‌علی گره‌بوسیله استاد بزرگوار ورجل دانشمند جناب آقای سید سبط الحسن فاضل هنسوی مدیر قسمت کتب اسلامی کتابخانه عمومی (علی گره) بعمل آمد وشیعیان آن شهرستان با منتهای بی صبری وشوق وافر در انتظار مقدم میمون و گرامی حضرت آیة الله علاّمه امینی بودند لذا در ملازمت معظم له در ساعت ۹ شب پنجم شوال حرکت نموده ساعت ۷ صبح ششم شوال وارد ایستگاه علی گره شدیم در اینموقع با انبوه جمعیتی مواجه شدیم که از کثرت خوشحالی وشادی گوئی روح آنان به‌پرواز در آمده بود در مقدم جمعیت جناب آقای سرهنگ بشیر حسین زیدی رئیس دانشگاه و دانشمند گرانمایه جناب آقای سید سبط الحسن فاضل هنسوی وجمعی از معاریف شهر قرار داشتند پس از انجام مراسم معارفه بطرف شهر حرکت نموده ودر منزل جناب آقای مهاراجه سید

محمّدحسن صاحب ریاست اصغر آباد وارد شدیم ، ودر مدت ٢٤ روز که ما دراین‌منزل سکونت داشتیم با منتهای گرمی وبا عالیترین وسائل از ما پذیرائی بعمل آمد ، و در این مدت اوقات ما نوعاً صرف مطالعه در کتابخانهٔ دانشگاه میشد .




- ۴ -

«علی گره»

علی گره‌شهر بزرگی‌ازشهرهای شمالی هند استکه‌واقع شده بین‌کانپورودهلی و١٢٠ کیلومتر ازاگره قدیم فاصله دارد ، این شهر بحسب عمارات وبناهائیکه‌دارد بدو قسمت جدید وقدیم تقسیم میشود ، قسمت قدیم مرکّب از خانه ها وبازار ها و دکاکین‌وکاروانسراهای قدیمی‌است‌وقسمت جدید ازابنیه بسیار زیبا وکاخهای‌مجلّل وویلاهای باشکوه که دروسط باغچه‌های بزرگ و مفرّح قرار گرفته بوجودآمده است ، وخیابانها ومیدانهای‌آن بطرز جدیدی احداث گردیده ، ورویهمرفته‌صورت یك‌شهر امروزی درآن جلوه گراست . وآنچه برعظمت وبلندی نام این شهرافزوده دانشگاه اسلامی علی گره است که دراین شهر قرار دارد ، ودولت فعلی هند کمال مراقبت‌را درپیشرفت امورآن بکارمیبرد ، ودرهرسال میلیونها روپیه برای بالابردن سطح فرهنگی این دانشگاه ومجهز کردن دانشجویان بسلاح آخرین پیشرفتهای علمی مصرف میکند تا درآینده تربیت شدگان آن بتوانند برطبق پیشرفتهای‌زمان بهموطنان خود خود خدمت نمایند .

اینشهر بالغ بر ١٤١/٦١٨ نفر جمعیت دارد چهار طرف این شهر تاچشم کار میکند ازمزارع وباغات سرسبز وخرم پوشیده است ، ولی زراعت گندم وجو وبرنج دررتبه اول قرار دارد لذا روز بروز بر ثروت این نواحی ثروتمند افزوده میشود ، در این شهر بعضی ازصنایع دستی نیز رواج دارد ، وشهرت جهانی این شهردر درجه اول بواسطهٔ دانشگاه قدیمی آن که انظار جمعی از دانش دوستان جهان را بخود جلب کرده میباشد و در کثیری از قسمتها پاپای دانشگاهای مترقی دنیا در امور تعلیم وتربیت جدید پیشرفت حاصل کرده است .

﴿دانشگاه اسلامی علی گره﴾

کثرت توجهیکه امروزدر کشورهای جهان نسبت‌بدانشگاهها میشود بخاطر تربیت نسل جدید است، تا بدینوسیله مملکت باداشتن مردان کارآمد بتواند درراه آبادی وعمران کشور وبالا بردن سطح زندگی مادی‌وعلمی وفنی واخلاقی آن‌مردم پیشرفت نماید.

هردانشگاه مرکّب ازچندین دانشکده است که رشته‌های مختلف علوم درآنها تدریس میشود، ودرآنجا سررشته زندگی درشؤون گوناگون بطوریکه منطبق با اجتماع امروز باشد وآیندهٔ درخشانی را برای آن ملت بوجود آورد بدست داده میشود، وبامهیا کردن جوانان برگزیده اداره کنندگان آینده آن کشور برای امور مهیا میشوند.

روی‌این‌جهت‌دانشگاههای‌دنیا کوشش‌میکنند هرچه بهتر وبیشتردانشجویان مستعد کشور خودرا برای خدمت ببشریت وتمدن مهیا سازند. و هریك از اساتید در فنّیکه تخصص دارد ومتکفل تدریس آن میباشد کوشش میکند رشته اختصاصی خودرا بطورعلمی واجتهادی‌تدریس کند، ودرخت دانش‌را درمغز دانشجویان ازراه تعمّق ودقت و ایجاد یقین بنشاند، وروح ومغز آنهارا برای تنازع در بقا مهیا سازد تا با احساس این مسؤلیت کوشش نماید خود را از دیگران بی نیاز گرداند وتمام این تلاشها برای این است که کشوری بهتر وملتی برتر بوجودآید.

یکی از دانشگاه‌هائیکه خدمت‌شایان توجهی باجتماع بشری نموده دانشگاه اسلامی علی گره میباشد که بنیان عالی آن درسال ۱۸۷۵ میلادی بوسیله مرحوم سیداحمدخان متوفای سال ۱۸۹۸ پی‌ریزی‌شد، ورمز ترقی وپیشرفتهای علمی ملت هند برای‌همیشه ازاین دانشگاه جستجو گردید، چه‌آنکه راهنمایان نهضت‌بیداری این ملت در اینجا بوجودآمد، ومغزهای متفکّر در این کانون پرورش یافت، و

افکار بلند اجتماعی بر محور این مرکز بگردش افتاد ، در این دانشگاه بود که جمعی از نوابغ فکر و استادان علوم گرد آمدند وتمام نیروی خودرا برای پرورش طبقه جوان ومهیا کردن آنان برای اداره امور کشور بطوریکه تربیت شدگان آن‌ها بتوانند آنچه‌را که روزگار بآنها امانت سپرده بطور شایسته ایکه عصر وزمان آن را ایجاب میکند بآیندگان بسپارند ، این همان راهی استکه هر ملتی که در عصر خوددر دائره افکار راقیه گام برمیدارد وبه راقی‌ترین وعالیترین سرچشمه‌های ترقی وسیادت علمی خودرا میرساند .

استعدادهارا برای بدست آوردن بهترین راهها و سالم ترین وسیله ها بکار می اندازند تا از این راه بتوانند بجهان انسانیت خدمت نمایند .

این دانشگاه یکی ازمفاخر مسلمانان میباشد که‌شاهد گویائی است بر اینکه ملت‌اسلامی‌همیشه پیشتازمیدان علوم‌وترقیات علمی‌است ، این‌دانشگاه درزمین‌بسیار پروسعتی قرار دارد که بتنهائی شهر مستقلی‌را تشکیل میدهد ، دیواریکه ساختمان آن‌رااز ساختمان های دیگرجدامیکند شش کیلومترطول دارد وبیش‌ازچهل‌دستگاه عمارت‌مجلل وباعظمت درمیان‌آن ساختمان گردیده ، ودراطراف هریك‌بطرز بدیع‌و زیبائی گل‌کاری‌وچمن‌کاری‌شده‌است ، هریك‌ازاین‌عمارتها اختصاص بیك‌دانشکده‌دارد مانندد‌انشکده ادبیات ، تاریخ ، علوم‌دینی ، طبیعی ،ریاضی ، پزشکی ، داروسازی ، حقوق، صنعتی ، اقتصادی ، کتاب‌داری ورشته های دیگر . علاوه براین بناهائی که ذکر گردید چندین‌دستگاه عمارت مفصّل دیگر به لابراتوارهای‌پزشگی وصنعتی‌و رشته‌های‌مختلف آن‌اختصاص‌دارد ،هریك‌ازاین‌لابراتوارهادارای‌ساختمان‌جدا گانه‌ای است که مخصوص به‌استادانی میباشد که ازخارج بخرج دانشگاه در آنجا زندگی میکنند .

همچنین یکدستگاه آپارتمان مجلل برئیس دانشگاه اختصاص دارد که در آنجا زندگی میکند ویك کاخ زیبا مخصوص مهمانهای رسمی و پذیرائی از واردین میباشد ، ونیزشش دستگاه عمارت که هر کدام بیش ازصداطاق‌داردبرای‌دانشجویانی

که از خارج برای تحصیل بآنجا آمده‌اند تأسیس‌شده که تمام آنها مجهز بوسائل آسایش میباشد و هر قسمت دارای اداره جداگانه ای است که امور محصلین آن قسمت زیر نظر آن اداره میشود ، وآنچه بر عظمت این دانشگاه افزوده دو مسجد معظمی است که مخصوص اقامه نماز جماعت و نماز جمعه میباشد ، در این دانشگاه اداراتی است که مخصوص دانشگاه است مانند اداره پست وتلگراف واداره اطلاعات وبیمارستانی است مخصوص به دانشجویان ، وبیمارستانی است جهت معالجه دردچشم فقط ، ومدرسه ایست برای نابینایان ، ومدرسه ایست برای علوم قدیمه اسلامی به مذاهب چهار گانه بنام [قسم دراسه اسلامی] و برای هر یکی ازدانشکده ها کتابخانه مخصوصی است که حاوی مدارك و مصادر و کتب علمی و فنی است که از آن بحث می شود ، و کتابخانه (قسم دراسه اسلامی) دارای چهارده هزار مجلد کتاب میباشد .

ودانشگاه کتابخانه‌عمومی‌وسیع‌مجللی‌دارد که‌بطرزبسیارجالب‌وجذاب‌ونوینی میباشد وساختمان‌باشکوه هشت‌طبقهٔ زیبای عالی‌دارد که هرطبقه مخصوص‌به یك‌لغت ودو لغت میباشد ، واز جمیع جهات وسائل آسایش مطالعه کننده درآن مهیا است ، وشماره کتبش به پانصد هزار میرسد وبه سرپرستی وریاست آقای دکتر بشیرالدین اداره میشود و قسمت عربی و فارسی به‌نظر مدیر شریف وبزرگوار آقای سید سبط الحسن هنسوی گرد آورنده چندین کتاب أرج دار و استاد عبد الشاهد شروانی مو کول میباشد ، وقسمت زبان اردو به استاد مشتاق‌حسین محول است . و کتابخانه بنام « کتابخانه‌ابوالکلام آزاد » نامیده می‌شود .

ثروت علمی اسلامی که در این کتابخانه از نفایس و آثار پر قیمت و گرانبها جمع آوری شده قابل‌بسی تقدیر وتشکر است ، ودر حدود صد هزارمجلد ازانتشارات مصر وهند وعراق وایران‌وسوریا برخوردار است ، وقدیمی ترین کتاب چاپی که در آن کتابخانه دیده میشود کتاب قانون و کتاب نجات فیلسوف

بزرگ شیخ الرئیس ابو علی سینا متوفای ٤٢٧ /٨ میباشد که در روما سال ١٥٩٣ میلادی به چاپ رسیده .

واما کتب خطی قلمی این کتابخانه قسم وافر از نوادر ونسخه‌های کم یابی‌را دارا است که بعضی از آنها نسخه منحصر بفرد است ودر کتابخانهای دیگر پیدا نمی شود ، وعدهٔ از آنها بخط خود مؤلّفین از علماء وبزرگان اسلام وبعضی بخط نویسندگان وخطاطین مشهور است ، اداره کنندگان این کتابخانه خاصه جناب آقای سیدسبط الحسن به‌ارزش وارج این نسخ پر بها که‌از نوامیس اسلام شمرده میشود پی برده و در حفظ و حراست و زیاد کردن آنها میکوشند ، عدد مخطوطات بالغ بر ١١٤٠١ مجلد میباشد .

روتگراف	١٠٤	قطعه
فرامین زیبا	٣٧٧	«
خطوط مشاهیر مردان علم	٦٩٠	«
صورتهای فنّی	٧٣	«
سکه های قدیمه	٩٣٧	«

١ ــ چند جزء از قرآن کریم که بخط کوفي در پوست نوشته شده و آثار قدیم در او هویدا است .

٢ ــ نهج‌البلاغة تألیف‌شریف رضی متوفّای ٤٠٦ در دومجلد که‌در آخر بخش دوم این عبارت دیده میشود :

« من تحرير الفقير إلى رحمة الله تعالى العبد المذنب عليّ بن أبي القاسم بن عليّ بن‌الحاج في المنتصف من شهور ثمان وثلاثين وخمسمائة » .

٣ ــ صحاح اللغة تألیف أبي نصر اسماعیل‌جوهری متوفّای ٣٩٣ درسال٦٤٨ نوشته شده وبعضی خطهای اثری درآن موجود است .

٤ ــ پیراهن جنگی است که پادشاهان در موقع رفتن بمیدان جنگ در بر میکردند وتمام قرآن کریم درآن نوشته شده .

وصدها امثال این از نسخ زیبای قرآن مجید و کتابهای دعا وتاریخ وشعر که از جهت نفاست وطلاکاری وجدول سازی وتطریز وتذهیب بي‌مثل و کم نظیر است.

و از جمله نفایس ونوادریکه در این کتابخانه یافت میشود کتب ذیل است:

١ ـ «الجمع بین الصحیحین» تألیف حافظ ابوعبدالله شیخ الاسلام محمّد بن أبي نصر فتوح بن عبد الله بن حميد ازدي حميدي اندلسي، متوفای بسال ٤٨٨ در چهار جلد بدین ترتیب:

جلد ١ در ٣٤٢ صفحه که از مسند ابو بکر آغاز میشود، و به مسند سلمة ابن اکوع پایان میپذیرد.

جلد ٢ در ٣٢٩ صفحه که از مسند ابن عباس آغاز میشود، وبه مسند انس ابن مالك پایان میپذیرد.

جلد ٣ در ٣٦٠ صفحه که ازمسند ابوهریره آغاز میشود، وبه مسند ابوسعید خدری پایان میپذیرد.

جلد ٤ در٤٢٣ صفحه که ازمسندعباس بن‌عبدالمطلب آغاز میشود وبه‌حدیث اُمّ الدرداء پایان میپذیرد.

ودر پایان جلد چهارم‌ازصفحه ٤٢٤ ـ ٤٥٨ فهرست احادیث مرفوعی است که در کتاب «الموطّأ» تألیف امام‌ابوالحسن‌عليّ بن محمّد معافری اندلسی ذکر شده‌است تمام چهار جلد بقطع ٢٠ × ٣٢ س م است.

٢ ـ «زواید مسند ابي‌بکر البزّار علی مسند الامام احمد و الکتب الستّة» این کتاب تلخیصی است که حافظ ابن‌حجرعسقلانی (متوفای سال ٨٥٢) از تألیف استادش‌حافظ‌نورالدین ابوالحسن هیثمی (متوفای‌سال٨٠٧) مؤلّف «مجمع الزواید» گردآورده و از تألیف آن یك سال پس از فوت استادش (٨٠٨) فراغ‌حاصل کرده است.

این کتاب از مواریث علمی کمیاب و پر فائده است، و دارای ٦٣٩ صفحه بقطع ٢١ × ٣٣ س م میباشد آخر نسخه نقص دارد نسخهٔ کاملی از آن در کتابخانهٔ

دانشگاه عثمانی درحیدرآباد وجوددارد ، علامه امینی این کتاب را تاباآخرخواندند وازآن مقدار زیادی نوشتند .

٣ ـ « المسند الكبير » تأليف حافظ ابويعلى أحمد بن على موصلى ، متوفّاى سال ٣٠٧ ، اين كتاب را بترتيب احاديث مسند بنام صحابه (بترتيب حروف) در دو جلد تأليف كرده است :

جلد ١ در ٥٩٠ صفحه بقطع ٢٠×٣٣ س‌م كه ازمسند ابوبكر ابتدا ميشود .

جلد ٢ « ٦٥٠ « « « « از بقيهٔ مسند انس آغاز ميگردد .

كتاب سرريز است از مطالب سودمند ، علامه امينى همه آنرا خواندند واز چند مسندنسخه برداشتند كه خودباندازهٔ رساله‌یی بزرگ‌شد ، ازاين كتاب نسخه‌ئى در كتابخانهٔ آصفيّه دكن موجود است .

٤ ـ « الاكمال في مشتبه الانساب و الرجال » تأليف حافظ ابو نصر عليّ بن ابى القاسم هبة الله بغدادى مشهور به « ابن ما كولا » متوفّى تقريباً بسال ٤٦٧ در دو جلد قطور بزرگ ، جلد اول‌در٧٠٨صفحه بقطع ٢٠×٣٣/٥ كه بحرف الف از آبى وابى وابّى آغاز گشته و به خندفى وخندقى پايان يافته . جلد دوم بهمان‌قطع در ٨٩٦ صفحه كه بحرف دال باب دالان آغاز و به باب نفيلى ونفيلى منتهى ميشود ودر اينجا كتاب خاتمه ميبابد .

اين كتاب‌جدّاً ارزشدار وپرسود است ، وما اعضاى دائرة المعارف را درحيدر آباد دكن ديديم كه براى طبع ونشر تصحيح وآماده‌اش ميكردند .

٥ ـ «المسند» تأليف‌حافظ عبدالرزاق بن همام ابوبكر صنعانى متوفاى بسال ٢١١ . دراين كتابخانه از اين كتاب جلد دوم در ٤٥٢ صفحه بقطع ٢٠×٣٣/٥س‌م وجلد سوم در ٥٢٦ صفحه بهمان قطع وجود دارد ، كتاب نفيس وحاوى مطالب تازه و فوائد فراوانى است ، و مشتمل است بر مسندهائى كه از نظر علم‌درايه « حسن » است ، علّامه امينى مقدار زيادى از اين كتاب را گلچين كردند .

٦ ـ « المصنف » تأليف حافظ كبير ابوبكر عبد الله بن محمّد بن ابى‌شيبهٔ كوفي

متوفی بسال ۲۳٥ ، کتابی است بزرك وپر اهمیت که سراسرش از مطالب طریف و بحثهای نغز و درسهای سودمند مشحون است ، و نشان میدهد که نویسنده اش از پیشروان فقه وحدیث بوده است . نسخه در ۱۲ جلد است بدین شرح :

ج	۱	در	۳٦۳	صفحه	بقطع	۲۰ × ۳۳	س م
ج	۲	»	٤۹۲	»	»	»	»
ج	۳	»	٥۲٥	»	»	»	»
ج	٤	»	٤۰۹	»	»	»	»
ج	٥	»	٤۹۰	»	»	»	»
ج	٦	»	٤٥٤	»	»	»	»
ج	۷	»	۲٤٥	»	»	»	»
ج	۸	»	۳۰۲	»	»	»	»
ج	۹	»	۲۸۰	»	»	»	»
ج	۱۰	»	۳۷۲	»	»	»	»
ج	۱۱	»	٥۳۳	»	»	»	»
ج	۱۲	»	۸٤٦	»	»	»	»

درضمن جلد یازدهم بابی در ردّ امام حنفیان ابوحنیفه دارد که درآن فتاوای وی را که با کتاب وسنت خالف است جمع کرده وبدین عبارت آغاز میگردد : « بسم الله الرحمن الرحیم صلی الله علی محمد وآله وصحبه ، هذا ما خالف بهابوحنیفة الاثر الّذی جاء عن رسول الله صلّی اللّٰه علیه وسلّم» آنگاه ازصفحهٔ ۳۲٥ تاصفحه۳۹۷صد وشصت مورد را ذکر کرده که در تمام آنهـا ابو حنیفه با گفتهٔ نبیّ اکرم صلی الله علیه وآله مخالفت کرده است ، علامه امینی تمام این ۱۲ جلد را مطالعه و از فوائد تازهٔ آن جزوه‌هائی نوشتند ، از این کتاب نسخه کاملی هم در کتابخانه آصفیه میباشد .

۷ـ « نزهة الابرار في الاسامي و مناقب الاخيار » تألیف علامه وجیه الملّة و الدین ابوالفضائل عمر بن امام نجم الملّة و الدین عبد المحسن بن ابی بکر بن عبد

الطائي ارزنجاني در ۳۷٤ صفحه بقطع ۱۱×۱٦ س م که آنرا عليّ بن سعيد مقری از روی نسخه‌مؤلّف بسال ۷۰٦ نوشته است ، کتابی است با ارج ، علامه امینی تمامش را مطالعه واز فوائد سرشار کمیابش بمقدار ۳۰ صفحه نوشتند .

۸ ــ « سیر السلف » تألیف امام حافظ اسماعیل بن محّد بن فضل ابو القاسم طلحی اصفهاني متوفای سال ٥۳٥ در ۷٤٤ صفحه بقطع ٥ / ۱۳×۱۹ س م بر چهار فصل ترتیب داده شده است :

فصل ۱ در ذکر اصحاب ، ابتدا عشره مبشّره ، بعد بقیه را بترتیب حروف از صفحه ۱ ــ ۳۳۰ آورده .

فصل ۲ در بارهٔ تابعین از صفحهٔ ۳۳۰ ــ ٤۸۸ .

فصل ۳ « تابعین تابعین بترتیب حروف از صفحهٔ ٤۸۸ ــ ٦۲۲ .

فصل ٤ « جمعی اززهادی که بکنیه معروف بوده‌اند از صفحهٔ ٦۲۲ــ۷٤٤ .

و در پایان مؤلف پدر خود را ذکر کرده است . کتاب سودمند و حاوی مطالب نادر است .

۹ ــ کتاب « التاریخ » تألیف حافظ ابو حاتم محّد بن حبان تمیمی بستی متوفای ۳٥٤ در چند جلد بدین ترتیب :

ج ۱ در ۳٤٥ صفحه بقطع ۲۰×۳۳ س م .

ج ۲ « ٥۲۷ « « « که بکتاب « الثقاة في التابعین » نامیده شده .

ج ۳ در ٦۸٤ صفحه بقطع ۲۰×۳۳ س م که بکتاب «اتباع التابعين من الثقاة» نامیده شده .

این نسخه نقل شده از نسخه‌ئی که بسال ٦۷٦ درمصر نوشته شده است ، کتابی بی نهایت نفیس است ، و مؤلّفش چنانکه حاکم نیشابوری گفته از دانشمندان متبحر در فقه و حدیث ولغت ووعظ و از فرزانگان است .

۱۰ ـ « الاشارة في السيرة النبويّة » تألیف علاء الدين مغلطای بن قلیج ،

متوفی بسال ۷٦۲ در ۱۲۰ صفحه ، که مختصر تألیف دیگر همین مؤلّف است بنام « الزّهر الباسم في سير ابي القاسم » و تاریخ آن ۸۱٥ است ، کتاب حاوی مطالب تاریخی مهم وبسیار است ، علامه امینی تمامش را در سه روز و چند ساعت نوشتند ، بعد آنرا با نسخه دیگری که در کتابخانهٔ « خدا بخش » در پتنه وجود داردمقابله کردیم.

۱۱ ـ « المصنوع في الحديث الموضوع » تألیف نور الدین عليّ بن سلطان محمّد هروی‌معروف‌به ملاّعلی‌قاری ، متوفی‌بسال۱۰۱٤ در۳۹صفحه‌بقطع۱۱×٥ / ۱۸س‌م بنا بگفة علامه امینی این کتاب غیر از کتاب کبیر « الموضوعات » است که همین مؤلّف نوشته ودر کراچی بچاپ رسیده است .

۱۲ ـ « تلخيص الموافقة » تألیف علاّمه جارالله زمخشری ، متوفی بسال ٥۳۸ در ۱۰۰ صفحه ، اصل کتاب « الموافقة » تألیف حافظ ابن سمّان رازی است متوفی به سال ٤٤٥ .

این کتاب را با مطالب نادرستیکه در بر داشت علامه امینی استنساخ کرده ودر آخر آن نوشتند :

بسم الله الرحمن الرحيم بر این نسخه از مختصر کتاب « الموافقة » تألیف حافظ ابو سعد اسماعیل بن علی رازی استاد خطیب بغدادی در کتابخانهٔ عمومـی دانشگاه علی گر دست یافتم ، ودر خلال چند روز در ماه شوال سال ۱۳۸۰ آن را نوشتم ، کتاب پر است از دروغ واحادیث خرافی وسرریز است از مطالب ساختگی وپوچ و بی ارزش ، دست باطل سرائی آنرا تألیف کرده تا بدینوسیله حق‌را مغلوب سازد ، وچهرهٔ تابناك هدایت را بپوشاند ، و بیسوادان امت محمّد صلّی الله علیه وآله را گمراه‌سازد ما آنرا نوشتیم تا گروه دانشمندان را بر سندهای خلق شده‌اش واقف سازیم ، و در بارهٔ مقداری از آن احادیث مجعول در بخشهای کتاب الغدیر سخن گفته ایم ...

این کتب وبرخی دیگر که ذکر نشد همه را علامه امینی از اوّل تا آخر مطالعه ، واز فواید کمیاب آنها جزوه‌ها نوشتند .

❁ مصیبت بزرگ ❁

❁(انا لله و انا الیه راجعون)❁

در این هنگام که در علی گره بودیم ناگاه خبر گزاریهای جهان در گذشت اسف‌بار پیشوائی‌را اعلام کردند که محبوبترین‌شخصیت روحانی جهان واستوارترین پایگاه حقوقی اسلام ویگانه‌آموزگارفضائل روحی ونگهبان مرزهای‌فضیلت‌انسانی بود ، او بزرگترین تکیه گاه معنویت و دین بود که در اثر تقوای کامل و عظمت علمی وحشمت وجلال واشتهار جهانیش عهده دار حفاظت مقدسات اسلامی بود که از نیاکان معصومش بوی سپرده شده بود .

آری رهبر بزرگ شیعیان جهان مرحوم آیة الله بروجردی رحمة الله علیه عمری را با پارسائی وخدمت ، سیادت و بزرگ منشی ، اخلاق ستوده ، مکارم عالیه ، سیرت نیکو ، زندگی ساده وبی آلایش ، وجدان عطوف وحساس و دل روشن و پاك سپری کرد ، وعمری را گذراند که سراپا هم‌آغوش فضائل و برتریها و خدمات پر قیمت بود ، او رفت ومرغ جانش بر شاخسار طوبی جای گرفت ولی یاد نیك و جاویدانش‌همیشه بجای میماند ، وعظمتیکه‌ازخودنشان دادبا گذشت شب وروز ازیاد نمیرود ، واشتهار مقام بلندپایه اش در سراسر تاریخ روزگار فراموش نمیگردد .

باری‌خبر تأسف‌انگیز مرگ‌جبران ناپذیر آیةالله بروجردی روز۱۰ شوال‌بما رسیدومجلات وروزنامه های هند درتمام هندوستان آنرا منتشر ساختند ، سپس‌سیل تلگرافات به پیشگاه شیخ بزرگوار علامه امینی میرسید که ویرا در این مصیبت عظمی تسلیت میدادند .

این مصیبت جهان را بنظر ما تیره وتار کرد ، و این حادثه ئی که دراجتماع اسلامی پیش آمد بسی دردناک ساخت ، وهالهٔ غم واندوه اطرافمان را گرفت ،

لذا شهر علی گره را ترك گفته بطرف [آگره] [۱] شتافتیم ، تا شاید با زیارت تربت پاك مجاهد بزرك شهید فضیلت قاضی نور الله حسینی شوشتری [۲] از این مصیبت تسلائی بجوئیم ، پس بدان مزار شریف رفتیم و همراه خود استاد سیدسبط الحسن را بردیم ، ودر آنجا محافل ترحیم و سوگواری برای پیشوای فقید شیعه برپا کردیم ، تودهٔ انبوه مردم نیز بجانب مزار روآوردند و اجتماع کردند ، آنگاه خطیب توانا استاد نامبرده بر منبر قرار گرفت و خطابهٔئی بلیغ و فصیح القاء کرد و شنوندگان را پندداد و موعظه نمود ، سپس پیرامون شخصیت علمی وعملی پیشوای فقید سخن گفت ، و موقعیت رهبری وزعامت کبرای وی را تجلیل کرد ، و گام های بزرگی را که درراه خدمت بمسلمانان جهان برداشته است یادآورشد ، وآثار جاوید وی را که با رمز ابدیت محفوظ است برشمرد .

درود خدا برجان وروان بروجردی باد .

سپس بشیخ اجل امینی تسلیت گفت ، و به وی تسلیت جست ، و اظهارداشت که امید است اثر این مصیبت بزرك بوجود امینی وامثال امینی از سایر شخصیتهای علمی و دینی قدری کاسته شود ، و با بقیهٔ دانشمندان شایسته که وجود دارند این جراحت مرهم بپذیرد .







(۱) ازشهرهای بزرك شمالی هند درکنار غربی دریای (جمنا) واقع است و ۱۲۵ میل ازجنوب شرقی دهلی دور میباشد و آمار نفوسش به هشتصد هزار نفر می رسد .

(۲) این یگانه مجاهد و قهرمان مذهبی در سال ۱۰۱۹ شربت شهادت و سعادت نوشید شرح حال ایشان درکتاب شهداء الفضیلة ، تالیف علامه امینی مذکور است ص۱۷۱-۱۸۰ .

-٦-
«جلالی»

در مدت اقامتمان در علی گره از شهرستان جلالی [1] شریف محترم نواب سید علی أظهر پیشوای آزمودهٔ شیعیان آنسامان بزیارت علامه امینی آمد، و از ایشان درخواست کرد که بدانصوب رهسپار شوند، ولي دعوتش پذیرفته نگشت.

سپس نواب مذکور وسائط چندی یکی پس از دیگری فرستاد تاخواسته‌اش اجابت گردید، وروز۲۲شوّال بهمراهی استاد سبطالحسن بجلالی رفتیم،مسلمانان آنجا برای استقبال بخارج شهر آمده بودند، جمعیت آنان اطراف مهمان گرامی خویش را احاطه کرده و در حالی که علاّمه امینی در میان آن جمعیت سیل‌آسا قرار گرفته بود و گلها وشکوفه‌ها برسروی میریختند و درجلوی راهش میپاشیدند و فریاد خوش‌آمد مردم در تمام فضاطنین انداز بودآهسته آهسته بطرف منزل‌نواب مزبور رفتیم، منزل وسیع وی از اجتماع‌مردم مالامال گشت، در آنجا علامه‌امینی چند دقیقه‌سخنرانی کرد، وپس ازآغاز سخن بحمد خداوند بموعظه‌آنان‌پرداخت و احساسات دینی‌شان را ستایش نمود، و از میل و کوششی که برای همبستگی و صفا و اتحاد ویگانگی دارند تقدیرها کرد، وآنان را همی توصیه کرد که برشتهٔ محـکم آئین آسمانی اسلام بیش از پیش چنگ در زنند، و در پرتو معنویّتش بزندگی خود ادامه دهند...

آنگاه نماز جماعت اعلام شد، مردم در مسجد جامع [2] جلالی گرد آمدند و فریاد خلق به تکبیر و صلوات درمعابر و میدانها بلندگشت، ونماز ظهر و عصر

---

(۱) قصبه ایست در ۱۲ کیلومتری‌غربی علی‌گره آمار نفوسش به سیزده هزار نفر میرسد.

(۲) این مسجد از مساجد اثری است‌که در یك‌آجر قدیمی از آن این عبارت‌ثبت‌گردیده، شیده السلطان المظفر غیاث الدنیا و الدین سنة خمس و ستین وستمائة هجرية.

و سپس شام وخفتن با جماعت بر گزار گردید ، بعد از نماز عشاء استاد سبطالحسن سخنرانی کرد ، و پس از ستایش خداوند پیرامون کتاب فروزان (الغدیر) بتفصیل سخن گفت ، و اهمیت درسهای عالی و بحثهای سودمندش را بیان کرد . بعد سخن را بکتابخانه أمیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ کشاند ، و اهمیّت و عظمت کتابخانه وموقعیّت جهانیش را گوشزد نمود ، وآثار جاویدانی را که در اجتماع بشری خواهد گذارد بیاد آورد ، و ارزش فرهنگی آنرا که با وضعیتی افتخار آمیز در مرکز روحانی شیعه جلوه گری خواهد کرد کاملاباز گو نمود ...

سپس صبح روز ۲۳ شوّال جلالی را ترك گفته بعلیگره باز گشتیم ، مردم تا خارج شهر ببدرقهٔ ما آمدند ، ودرحالی که اشك از چشمهاشان فرو میریخت وسوز جدائی سینه هاشان را میسوخت و دیدگان خود را بطرف ما دوخته بودند از آنان جدا گشتیم .

در آنجا از عواطف و الطاف شریف هوشمند سید علی اظهر نیز بر خوردار بودیم ، و هرگز آنهمه احترام و تجلیل و خوشخوئی و روشندلی و شرافتوبزرك منشی را که از وی دیدیم از یاد نمیبریم ، همواره سپاس پیاپی مانثار اوباد .

« سپاسگزاری وتشکر »

در اینجا باید بحکم ادب و اخلاق از رئیس محترم دانشگاه علی گره استاد کرنل سید بشیر حسین زیدی سپاسگزاری کنیم ، ما از نزدیك بفضائل اخلاقی و ملکات پسندیده و ادب سرشار و آزموده گی و فرهنگ دوستی و شخصیت بارز وی واقف گشتیم ، وهمینها بود که مارا همواره بشگفت و اعجاب وامیداشت ،اونخستین شخصی بود که آیت‌الله امینی‌را در اولین ساعتی که بکاخ نواب ریاست اصغر آبادوارد شدیم دعوت نمود و بپاس تشریف‌فرمائی وی گروه فراوانی از معاریف و رجال و دانشمندان و بزرگان را دعوت کرده بود . و در تمام مدتیکه در علی گره بودیم

اتومبیل اختصاصی خوددادر اختیار ما قرارداده بودوهر صبح و عصر مارا بدانشگاه میبرد.

در برخورد های انس آمیزش ازنیك سیرتی وخوش اخلاقیش محظوظ میشدیم او بی نهایت مجذوب شخصیت علامه امینی بود ، و همواره در اعظـام و اکرام وی میکوشید ، و با اینکه خود دارای شخصیتی سر آمد و بزرك منش بود باز در برابر نویسندهٔ بزرك شیعه فروتنی میکرد و خود را کوچك میشمرد ، وبااینکه سخندانی استاد بود در حضور وی کمتر سخن میگفت وسراپا گوش بود ، وهنگامیکه بقیافه شکوهمند نویسندهٔ «الغدیر» متوجه بودو گفته‌هایش را می‌شنید بسی اظهارخرسندی میکرد ، وطراوت سرور وشادی از گونه‌هایش میریخت .

وی نزد اساتید دانشگاه واعیان علی گره علامه امینی را زیاد ستایش‌میکرد واز جمله میگفت : ما از قدوم این‌مرد بزرك و تشریف فرمائیش بدانشگاه‌درسهای اخلاقی‌واجتماعی گرفتیم که ازآنها غفلت داشتیم ، دردیدار این مردپندی‌آموزشی وحکمتی عملی بود که ناگزیر بودیم آنرا بیاموزیم ، و همینطور که برای انسان اهمیت دارد که در پیگرد تحقیقات علمی خود بکوشد ومطالبی را که در کتابهـا پراکنده است بیاموزد نیز واجب است که باشخصیتهای جهان و مشایخ اجتماع و مردان دین ودانش واستوانه های روحی ملت اسلام تماس پیدا کند ، و از نزدیك باآنان آشنا گردد ، چه در این‌شناسائی وتماس درسهای‌عالی وجود دارد که ازهرچه درصفحات کتب وتألیفات نهفته است گرانمایه‌تر وبا ارج تر است .

در آن ایام رئیس الوزرای کشمیر بعلی گره آمد واز دانشگاه دیدن کرد ، استاد زیدی‌رئیس‌دانشگاه‌ویرا بحضورعلامه امینی‌درحالیکه‌مشغول‌مطالعه‌بودآورد ، علامه امینی گفتاری کوتاه پیرامون کتابخانه ها بوی گفت که مایه شگفت حاضران شد ، ودرآنان اثری بسزا گذارد که پیوسته آن گفتار را در محافل و مراکز علمی بازگو میکردند ، و پیشروان فضیلت و رهبران آن سخن را که از دلی سوخته وروحی سر ریز ازعشق بکتاب و کتابخانه سرچشمه گرفته بود همراه

تشکر وتقدیر همی تکرار میکردند .

و از چیزهائیکه پشتکار و رسیدگی عمیق رئیس محترم را میرساند این بود که وی برای عضویت کتابخانهٔ دانشگاه افرادی را انتخاب کرده بود که از نظر تأدب و خوش رفتاری واخلاق نیك امتیاز داشتند ، ونمونهٔ آنان استاد سید سبط الحسن مدیر شعبهٔ اسلامی کتابخانه بود .

لذا ما ازاین دو استاد شریف ـ رئیس دانشگاه و مدیر شعبهٔ اسلامی کتابخانه و از گامهای بزرگی که درراه خدمت بفضیلت و دانش برداشته اند تقدیر میکنیم . وهم از سایر اعضای مسلمان دانشگاه که در راه توسعه علم و خدمت بدانشگاه میکوشند سپاسگزاری مینمائیم .

ناگفته نگذاریم که استاد سبط الحسن همواره در ملازمت علامه امینی بود ، وجز در ساعات خواب هیچگاه از وی جدا نمیگشت ، و حتّی هنگامیکه ما عازم رامپور بودیم از رئیس دانشگاه مرخصی گرفت وعلی گررا ترك گفته همراه ما برامپور آمد .

-٧-

﴿ رامپور ﴾

رامپور شهریست بزرگ وزیبا در شمال غربی هندوستان در ١٨٠ کیلومتری شمال شرقی دهلی واقع گردیده ، ٦٤ کیلومتر از شمال غربی بریلی دور میباشد پایتخت حکومت اعلیحضرت سید محمّدحامدعلي خان نواب پدر امیرفعلي رامپور است از چهار طرف محاط است باباغات ومزارع سبز وخرم پر از چشمهای آب فراوان ، آمار نفوسش به ١٥٠ هزار نفر میرسد .

پس از ٢٤ روز که در علی گر بودیم شب جمعه ٢٩ شوال بطرف رامپور رفتیم وبامداد شنبه بدانشهر رسیدیم ، وبمنزل جناب سید ذاکر حسین وارد شدیم ، درآن وقت امیر رامپور مهاراجه امیر علیرضاخان بطرف بمبئی حرکت کرده بود ، و بعد

از ظهر آنروز از سفر خود بر گشته ، وی بمحض رسیدن بوسیلهٔ تلفن باسید ذاکر حسین تماس گرفته وباو دستورداد که حضرت علامه امینی بمهمانسرای ایشان که کاخی بسیار بزرگ و باشکوه میباشد و به کاخ سلطنتی مرحوم پدرش متصل است منتقل شوند ، درآنجا ١٤ روز اقامت‌داشتیم ، ودر عواطف امیر مستغرق بودیم ، ما را همیشه باچهرهٔ گشوده که خرمی تأدب بر آن سایه افکنده بود ملاقات میکرد ، وبا اینکه خود شخص بلند طبع وباعظمتی بود ابّهت علامه امینی سراسر وجودش‌را در خود فرو برده بود .

شبی مارا بااتومبیل اختصاصیش به حسینیه‌ئی که خود تأسیس کرده است‌برد وآثار گرانبها وذخایر و اثاث و تزییناتی که در آن بود همه را بنظرمان رسانید ، این بنا که‌بنام مقدس‌شهیددین وعدالت‌وآزادگی برپاشده از کارهای نیك‌وجاویدان است ، و از باقیات و صالحاتی است که همراه سپاس و تشکر بعنوان رمز حقیقت پرستی بآیندگان منتقل میگردد « و الباقیات الصالحات خیرٌ عند ربّك و أحسن عملاً » .

« مكتبة الرضا العامة »

ازجمله مظاهر دینی وعلمی رامپور کتابخانهٔ عمومی است که‌مرحوم‌امیرسید محمّدحامدعلی‌خان تأسیس نموده ودر وقت حاضر پسر عظیم الشأنش امیرعلی‌رضاخان سعی و کوشش زیاد در توسعه آن مینماید وبنام ایشان نامیده میشود واین کتابخانه از نظر اهمیت ساختمان ، و زیبائی نقشه و طرز ، فخامت بنا ، مخزنهای فاخر ، و باغچه‌های شاداب دارای امتیاز است ، و در قسمتی از آن کــه دو طبقه است سالن بسیار بزرگ زیبای باعظمتی است که با چراغهــای مرمری شفّـاف اثری وتمثالهای سنگی از مرمر سفید که یك آیتی است از صنعت و فنّ زینت داده شده و یك موزه باشکوهی را تشکیل میدهد که دارای آثار قلمی خطاطهای نامی اسلامی به‌بهترین

خط وطرز وتهذیب میباشد . از آنجمله :

١ ـ قرآن مجید بخط کوفي در پوست بقطع ٢٠×٢٩ س‌م خطش منسوب به مولی امیر المؤمنین عليه السلام است .

٢ ـ قرآن کریم دیگر پوست بقطع ١٠×١٤ س م منسوب به حضرت امام صادق عليه السلام است .

٣ ـ قرآن بسیار زیبا بخط وزیر معروف ابن مقله متوفای سال ٣٢٨ در ٤٣٠ صفحه بقطع ٩/٥×١٢ س م .

٤ ـ چند رساله در طب تألیف أبی‌سهل بشیر بن یعقوب سنجری در سال ٦٢٠ نوشته شده .

٥ ـ نهج البلاغة تألیف سید شریف رضی قدّس سرّه در ٥٥٣ نوشته شده .

کتب نفیسه قدیمه وآثار علمی پربهای زیاد در این کتابخانه وجود دارد که تنها بهمان کتابخانه اختصاص دارد وما بعضی از نوادر را نام میبریم :

١ ـ معانی الاخبار که معروف به « بحر الفوائد » است تألیف امام ابوبکر عمر بن أبي اسحاق ابراهیم کلاباذی بخاری متوفی بسال ٣٨٤/ه صاحب کتاب «التعرّف في التصوف»[1] نسخه ازدوطرف ناقص است ، کتابی است با ارزش ومملواز تحقیقهای نغز با بیانی بدیع ورسا که سزاواراست بحر الفوائدش بنامند . عدد صفحاتش ٥٤٨ بقطع ١٧×٢٨ س م .

این کتاب ذیقیمت شناخته نبود ودر فهرست کتابخانه باسم (فردوس الاخبار دیلمی) قید شده بود تاعلامه امینی مدیر کتابخانه‌را به این اشتباه آگاه ساخت ، کتابخانهای هندوستان از این ناحیه استفادات زیادی از وجود علامه امینی بردند ، ورفع اشتباهات بیشمار کردند .

(1) در قاهره سال ١٣٨٠ هجری در مطبعه [دار احیاء الکتب العربیة] چاپ شده وازاین کتاب یك نسخه خطی درکتابخانه رضا در رامپور در ٢٨٨ صفحه ، و نیز نسخه ای در کتابخانه ملك در تهران بشماره ١٧۴۴ موجود است .

٢ ـ تفسير « سفيان ثوری » متوفّای سال ١٦١ از دوطرف ناقص استدارای ٢٦ صفحه از اوائل سورۀ بقره تا سورۀ طور .

٣ ـ تفسير « نور الثقلين» تأليف علاّمه شيخ عبد عليّ بن جمعه عروسی حويزی كه در شيراز بسال ١٠٦٠ تأليف كرده ، نسخه بقلم حسين بن محمّد بن مسلم خطی است كه آنرا بسال ١٠٧٥ در شيراز كتابت كرده است ، كتاب پراست ازمطالبی تابناك وحقائقی نورانی ، تفسيری است بآنچه نقل شده از ائمّـۀ اهل بيت اطهار كه خودعدل قرآن كريمند ، باذكر مدارك وسند در چهار جلد :

ج ١ در ٢٩٦ صفحه بقطع ٢٩ × ٣٨ ازسورۀ فاتحة تا سورۀ اعراف .
ج ٢ « ٢٥٦ « « « « « اعراف « مريم .
ج ٣ « ٣٢٦ « « « « « مريم « يس .
ج ٤ « ٢٤٦ « « « « « يس تا آخر قرآن كريم .

در آخر نسخه اين عبارتست : « قو بل من او ّله الى آخره بنسخة المؤلّف دام ظلّه بحسب الجهد و الطاقة » .

و در آخر جلد چهارم تقريظهای چندی است كه از آنهاست :

تقريظ عليّ بن محمّد عاملی بتاريخ ١٤ ربيع الاول سال ١٠٧٦ .
« عبد الرشيد بن نور الدين شوشتری بتاريخ ١٠٧٣ .
« احمد بن محمّد بن علی جوهری بتاريخ جمادی الثانی ١٠٧٤ .
« عبد الله بن احمد طبسی بتاريخ ١٠٧٥ .

ومضامين همه آنها ستايش بليغی است بر تأليف ومؤلّف .

٤ ـ « غريب الحديث » تأليف حافظ أبي عبيد قاسم بن سلام متوفّی بسال ٢٢٣ يا ٢٢٤ ، در ٢٢٥ صفحه بقطع ١٧ × ٢٤ سم ابتدا لغات غريبی را كه دراحاديث رسول الله صلّى الله عليه وآله است ذكر كرده ، بعد لغات غريبی را كه دراحاديثی است كه بطور موقوف از خلفای ار بعه روايت شده ، بعد در ذيل كتاب لغات احاديثی راآورده كه بطور موقوف از عده‌ای ازصحابه روايت شده است ، نسخه بسيار عتيق ونفيس است .

٥ـ « النکت و العیون في تفسیر القرآن الکریم » تألیف اقضی القضاة أبي الحسن عليّ بن محمّدبن حبیب بصری شافعی متوفای سال ٤٥٠ صاحب کتاب«الاحکام السلطانیّة » ازاوّل قرآن کریم استتاسورهٔ انعام در٤٢٧ صفحه بقطع ٢١×٢٣س م

٦ـ «الوسیط بین المقبوض والبسیط » یکی از تفسیرهای مفسر کبیرابوالحسن عليّ بن احمد واحدی نیشابوری (مؤلّف کتاب البسیط و الوجیز در تفسیرو کتاب اسباب النزول) متوفی بسال ٤٦٨ ، کتاب مشحون استبمطالب مفید وشامل چهار جلد است که آنچه ذیلاً ذکر میشود در این کتابخانه موجوداست :

جلد اول از فاتحه تا انعام در ٢٢٠ صفحه بخطی بسیار خوش .

جلد دوم از انعام تا مریم در ٣٩٦ صفحه نسخهئی است عتیق بخطی نیکو .

جلدسوم از مریم تا صٓ در ٣٥٢ صفحه بخط جلد قبل .

و از فوائد کتاب این است که مؤلّف (واحدی) در اول سورهٔ فاتحه درذیل تفسیر بسم الله احادیثی مرفوع و موقوف آورده وبدانها استدلال کرده که فاتحههفت آیه است ، بعد گفته : این اخبار گویاست که بسم الله آیه ایست از سوزه فاتحه و همچنین در سایر سوره ها هم بسم الله خود یك آیه است .

٧ـ « الفصول الستة » تألیف عین العرفاء محمّد بن محمّد بخاری معروف بخواجه پارسا (مؤلّف کتاب فصل الخطاب که بچاپ رسیده) در گذشته بسال ٨٢٢ در ٢٩٢ صفحه شامل شش فصل بدین ترتیب :

فصل اول بیان راه استدلال باحادیث برمذاهب .

فصل دوم تنبیه برخصائص کتب اهل حدیث .

فصل سوم ذکر اجتهادمطلق درشریعت واجتهاد درمذهب هریك ازائمّهسلف .

فصلچهارم ذکر امام اعظم ابوحنیفه وپاره ای از مناقب وسیرت او .

فصل پنجم طریقهٔ تأسیس احکام و فقه از احادیث صحیح .

فصل ششم نمونهئی از طریقهٔ تأسیس وتفریع .

و از مطالب خنده آوری که در فصل چهارم ذکر کرده اینست : نقل شده که

بعض ازرؤسای شیعه پیش ابوحنیفه رضی الله عنه آمد وپرسید ابوبکر شجاع تراست یا علی ؟ ابوحنیفه گفت شیعه گمان میکنند ابوبکر شجاعتر است چون میگویند خلافت متعلّق به علی بود وحق علی بود ، ابوبکر آنرا گرفت ، اگر شجاع ترنبود ممکن نمیشد که حق علی‌را بگیرد ! علامه امینی میگفت : از این استدلال خرافی ارزش گفته امام‌مجتبی علیه السلام بخوبی‌معلوم میگردد که فرمود : خوشبخت‌دانشمندی که خردش از دانشش افزون باشد .

٨ ـ تفسیر « القرآن الکریم » تألیف شیخ امام ابوالليث نصر بن ابـراهیم سمرقندی از ثلث دوم سورهٔ یونس تا مقداری از الم سجده وجود دارد نسخه ایست بسیار عتیق .

٩ ـ « الخير الجاری» شرح صحیح بخاری تألیف مولی یعقوب بنبانی متوفی بسال ١٠٩٨ در ٢ جلد ، جلد اول در ١١٩٨ صفحه ١٩ سطری جلد دوّم در ٩٧٢ صفحه بهمان اندازه ، این مؤلّف را کتاب دیگری است که در کتابخانه خدابخش در پتنه آنرا دیده‌ایم وبعداً ذکر میشود .

١٠ ـ « مناقب الخلفاء » تألیف حافظ‌عبد الرحمن سیوطی در ١٨٦ صفحه ، از این کتاب آنچه راجع بمناقب عليّ بن ابي طالب بود علامهٔ امینی نوشتند .

١١ ـ « اتحاف اخوان الصفا بنبذة من اخبار الخلفاء » تألیف شیخ الاسلام شهاب الدین احمدبن‌محمّدبن‌علي‌بن‌حجر هیتمی انصاری‌شافعی‌متوفی بسال ٩٧٤ در ٢٠٠ صفحه کتاب پس از چند صفحه مقدمه بذکر ابو بکر بن ابي قحافـه آغاز میشود وسپس عمر وعثمان وامیرالمؤمنين علیه السلام بعد خلفای اموی بعد عباسیان .

١٢ ـ «مفتاح‌الهداية» تألیف فتح‌الله محمّدبن‌عیسی که درمکّه معظمه‌وفات یافته تاریخ نسخه ربیع الاوّل ١٠٦٦ است ، کتاب در تخریج احادیث « سبعین » تألیف سید عليّ بن شهاب‌الدین حسینی همدانی مؤلّف «مودة القربی » و « روضةالفردوس» است ، این کتاب را نیز علّامه امینی بخط خودنوشتند .

١٣ ـ تفسير القرآن الکریم تألیف فقیه ابو بکر فخر الدین بن علی حدّاد

حنفی زبیدی ، از این کتاب دو جلد وجود دارد جلد اول در ٤٢٦ صفحه بقطع ١٩/٥ × ٢٩ س‌م ازسورهٔ فاتحه تا سورهٔ مائده ، جلد دوم ازسورهٔ مائده تاسورهٔ مریم در ٨٩٦ صفحه بهمان قطع ، تاریخ نسخه دهم ذیقعده سال ١٠٤٦ میباشد .

١٤ - «الفوائد الجليلة في مسلسلات ابن عقيلة » تألیف محمد بن احمد بن‌سعید که پدرش بنام عقیله‌معروف بوده است کتابی است پیرامون احادیث مسلسل باارزش وبهره بخش .

این تألیفات که ذکر شد تمام‌را ازاول‌تاباآخر علامه امینی‌خواندند وازآنها جزوه هائی نسخه برداشتند که ازجمله‌مدارك‌بقیهٔ مجلّدات « الغدیر» خواهد بود .

« سپاس و ستایش »

فضیلت دوستان باید از مؤسس این کتابخانه (امیر علیرضا خان) در مورد تأسیس این مرکزفرهنگی و علمی و دینی که همواره جاویدان خواهد ماندتقدیر و تشکر کنند ، کتابخانه پرورشگاه عقل و احساسات و مایهٔ حیات روحی اجتماع است ، و بسان پرتوی پر امتداد همواره افکار جامعه را بطرف علوم ودانشهاهدایت کرده بر بینائی وخرد و عظمت و مفاخر انسانها میافزاید . لذا ما هم بنوبه خود بعنوان ابراز عواطف دینی از امیر عالیقدر سپاسگزاری کرده تأییدات وی‌را در راه خدمت آرزو می کنیم .

و همی بیاد داریم کوششهائی را که از مدیر محترم کتابخانه استاد فاضل ممتاز علي عرشی مشاهده کردیم ، وی برای پایدار ماندن این بنیاد مقدس فرهنگی ، و جمع‌آوری کتب پربها و مواریث نادرعلمی ، وحفاظت سرمایهٔ کتابخانه ازهیچگونه فعّالیتی فرو گذار نمی کرد ، و هنگامی که ساعات کار کتابخانه را بخاطر ما تغییرداد چنان مارا در امواج الطاف خویش فرو برد که همواره سپاسگزاراوئیم ، چون برنامهٔ کتابخانه از ساعت ده صبح تا چهار بعد از ظهر بود ، ولی

تادید این وقت برای مطالعات ممتد علاّمه امینی قانع کننده نیست دستور داد که تا ما در رامپوریم کتابخانه از ساعت شش بامداد تا چهار بعد از ظهر ده ساعت متوالی باز باشد .

و خود استاد مرتباً صبحها پیش از ساعت شش حاضر میشد و کتابهائی که مورد نیاز ما بود آماده کرده دم دست میگذاشت ، این کار برای او بسی سخت و مشقّت بار بود ، امّا بحکم عاطفه و برای خدمت بعلم و فضیلت خویش را برای انجام آن مهیّا ساخته و بدین زحمت گرانبار تن درداده بود ، روزی‌هم که‌ازیکدیگر جدا شدیم زبانش بسپاس پیاپی گویا بود و در ضمن مجذوبیتي که از دیدن علاّمه امینی باو دست داده بود از زحمات علمی‌معظم‌له تقدیرمی کرد ، وهمی‌اعتذارمیجست که در خدمت تقصیر کرده‌ام .

خدایش از طرف ما و اهل دانش نیکوترین پاداش دهاد .

﴿ سنت کتابداری ﴾

آری کتاب بزرگترین‌سرمایهٔ معنوی ملل‌واقوام وبهترین وسیله تماس‌نسلها و نژادهاست ، که پرده‌های زمان و مکان را بکنارزده و افکار را بآموزش و تفاهم وا میدارد ، وچون فروغی دامن گستر بر زوایای مغزها میتابد و پدیده‌های فکری انسانهای بزرگ را در اختیار پژوهندگان قرار میدهد ، مرکز این تابش وارتباط محیط مقدس کتابخانه است ، کتابخانه فیضگاه ارواح و بوستان خرّم و صفا بخش دلهاوافکاراست، کتابخانه‌مرکزدانشجویان ، دانش‌آموزان ، مؤلفان ،نویسندگان، و نوابغ و پژوهشگران است که در پی جستن گمشده علمی خویش شب و روز می شتابند ، وبرای بالابردن سطح فرهنگ اجتماع جان بلب میرسانند ، وخلاصه کتابخانه‌آمد و شدگاهی است که مردم لطیف الروح و یا احساساتی بدان سروکار

دارند که چه بسا از نغمهٔی ناموزون متأثر شوند و از پژمردن گلی زودتر از فصل خزان بشدت اندوهناك گردند ، بنا بر این بر کتابخانه داران (مدیران و سایر کارمندان کتابخانه)واجب است که خوش رفتار و نیك برخورد باشند ، واصول رفق و مدارا و همکاری و دلسوزی را با خوانند گان و مراجعین رعایت کنند و بدین امر توجهی عمیق داشته باشند چون اساس ارزش و بنیاد بهره برداری از کتابخانه بر خوش اخلاقی و فرزانگی کارمندان آنها استوار است ، و همین عامل است که به خوانند گان نشاط میبخشد ، و روح پشتکار را در آنان زنده نگه میدارد و وامیدارد که افراد در راه دانش و پژوهش از پای ننشینند و برای هر کتابخانه این خود بزرگترین تبلیغ است که هیچ چیزدیگر بدان نمیرسد ، همینطور که زشت خوئی و بد رفتاری و تندی و کم حوصلگی و بی توجهی کارمندان کتابخانه موجب نفرت مراجعین میگردد ، و هر جوینده دانش و فضیلت را ازپیگیری و کوشش باز میدارد و از آمد و شد بکتابخانه بهراس میافکند ، و کسالت و سستی و باز ماند گی رادر روح مطالعه کنند گان ریشه دار میسازد ، و همین خود در اثر عقب راندن افکار جنایتی بس بزرگ است که برای بد نامی کتابخانه بسنده و کافی است .

اکنون اجتماعات بویژه ملتهائی که تازه کتابخواندن در پیش آنها رو بعمومیت میگذارد نیاز بسزائی دارند که پیرامون موضوعی که یاد آوری شد بحثهائی سرشار کنند ، و اهمیت آنرا نیك بفهمانند ، و مخصوصاً بر محققان و نویسند گان فنّی که در باره فنّ کتابخانه و اصول کتابداری سخن میگویندواجب است که باین موضوع مهم توجّهی عمیق نشان دهند .

بامداد روز ششم‌شوال‌همراه استاد معظم سیدسبط الحسن رامپور را ترك گفته بطرف (پتنه) حرکت کردیم ، هنگام ظهر بود که از شهر لکهنو می گذشتیم ، در آنجا با استاد بزرگوار مذکور تودیع کرده روانه پتنه شدیم ، و در حالی که اخگر جانسوز جدائی دردلهامان زبانه می کشید ازهم جداشدیم .

مددت الی التودیع کفاً ضعیفة ☆ واخری علی الرمضاء فوق فؤادی

فما کان ذاك العهد آخر عهدنا ☆ ولا کان ذا التودیع آخر زادي

ما اینجا دامن حرف را چیده و بقیه گزارش سفر را به بخش سوم صحیفه کریمه کتابخانه محوّل میداریم و با حمد و ثنای ایزد توانا این شماره صحیفه را خاتمه میدهیم .





✿(گزارش مختصری از جریان کارهای یکساله)✿

کتابخانهٔ أمیر المؤمنین علیه‌السلام

بین مبعث سال ۱۳۸۰ ومبعث سال ۱۳۸۱

با توفیق وفضل پرورد گار توانا درتاریخ ۱۸ ذیحجة الحرام ۱۳۷۹ کتابخانه بطور رسمی افتتاح شد . ودر ماه رجب ۱۳۸۰ اولین شماره صحیفه مکتبه انتشاریافت وجریان تأسیس کتابخانه و نام مؤسسین محترم و مختصری از چگونگی ساختمان آنرا در شمارهٔ مزبور گزارش دادیم . و اینك گزارش سالیانه (از ماه رجب ۱۳۸۰ تارجب۱۳۸۱) بنظر خوانند گان گرامی میرسد :

-۱-

کتابخانه أمیر المؤمنین به استثنای ایام ذیل همیشه به روی مراجعین و مطالعه کنند گان محترم باز بوده است :

۱ ــ محرم الحرام .

۲ ــ صفر الخیر .

۳ ــ ربیع الاول روزهای ۸ و ۱۷ .

٤ ــ جمادی الاولی روز ۱۵ .

٥ ــ رجب روزهای ۱ــ۳ــ۱۳ــ۱۵ــ۲۵ .

٦ ــ شعبان ۳ و ۱۵ .

۷ ــ رمضان روز ۲۱ .

۸ ــ شوال روزهای ۱ ــ ۳ ــ ۲۵ .

۹ ــ ذیقعدة الحرام روزآخر ماه .

۱۰ ــ ذیحجة الحرام روزهای ۷ ــ ۹ ــ ۱۰ .

-۲-

در سال مزبور تعداد ۲۲/۷۹۰ نفر از آقایان علماء و دانشمندان و طلاب و دانشجویان طبق آمار دفتر کتابخانه برای استفاده از کتابها مراجعه فرموده‌اند.

-۳-

در سال مزبور مجموعاً تعداد ۳۰۹۴ جلد بر کتابهای کتابخانه افزوده شده است که ۲۱۱۳جلد بزبان عربی ونوعاً از مصادر اولیه و از جمله یکدوره کامل ازمطبوعات حیدرآباد وهمچنین ۳۵۰ جلدبزبان فارسی و۲۵۶ جلد بزبان انگلیسی و۶ جلد بزبان ترکی و۳۲۰ جلد بزبان‌اردو بوده است .

-۴-

علاوه برمقدار مزبور بالغ بر یکهزار جلد کتابهای نفیس عربی و فارسی از طرف بعض از شخصیتهای محترم ایران اهداء شده که هنوز در دفاتر مربوطه واردنشده است .

-۵-

در مدت مزبور ۱۸۹۰ جلد از کتابهای کتابخانه با اسلوب بسیار زیباتوسط دائرهٔ مخصوص صحافی کتابخانه تجلید شده است .

-۶-

درخلال یك سال‌مجلات وروزنامه های ذیل‌بدفتر کتابخانه رسیده است :

مجلة النجف الغراء	نجف اشرف	عربی
الاضواء	« «	»
اجوبة المسائل الدينية	کربلا	»
صوت المبلغين	»	»
الاخلاق و الاداب	»	»
الشرق	بغداد	»
السياسی الجديد	»	»
الفجر الجديد	»	»
الوطن	»	»
الرسالة	»	»
الثقافة الاسلامية	»	»
الزراعة العراقية	»	»

التوحید	حلّة	عربی
الفیحاء	«	«
المنار	بصره	«
ثقافة الهند	هند	«
نامه آستان قدس	خراسان	فارسی
مکتب اسلام	قم	«
جهان پزشکی	تهران	«
کانون وکلاء	«	«
مردم شناسی	«	«
موسیقی	«	«
باستان شناسی	«	«
مجاهد	اصفهان	«
المنتظر	پاکستان	اردوئی
شیراز	حیدرآباد هند	«
پیام عمل	لاهور پاکستان	«
الواعظ	لکهنو ـ هند	«
افکار شیعه	پاریس ـ فرانسه	انگلیسی

-٧-

انجمنها ومؤسسه‌های علمی واجتماعی و کتابخانه‌هائیکه تمام مطبوعات خودرا بکتابخانه اهداء کرده اند ازاینقرارند ـ وما ازهمه آنان بی نهایت سپاس گزاریم ـ:

١ ـ المجمع العلمی العراقی بغداد

٢ ـ مدیریة الاثار العامة «

٣ ـ مؤسسه بنیاد پهلوی تهران

٤ ـ انجمن آثارملی باستان ایران «

٥ ـ کتابفروشی وچاپخانه اسلامیه تهران که بهسرمایه ومدیریت جناب آقای حاج سید اسماعیل کتابچی فرزند ارجمند مرحوم آقای حاج سید احمد کتابچی اداره میشود .

٦ ـ دارالکتب الاسلامیة تهران که بهسرمایه ومدیریت جناب آقای حاج شیخ محمد آخوندی اداره میشود .

- ٨ -

مقامات وشخصیتهای محترمی که دریکسال مزبور بیشتر از یکصد جلد کتاب به کتابخانه اهداء فرمودهاند از اینقرارند .

١ ـ وزارت فرهنگ عراق .

٢ ـ جناب آقای حاج میرزا حسن خسروشاهی تبریزی .

٣ ـ « « سید باقر السید هادی آل خرسان نجفی .

٤ ـ « « حاج اسماعیل سیگاری تبریزی .

٥ ـ « « حاج عبد الجلیل اسماعیل سارة .

٦ ـ برادران محترم فرزندان مرحوم حاج سید حسین ملك کرمانشاهی .

٧ ـ دانشمند گرامی مهاراجه کمار امیر حیدر احمد لکهنوئی .

٨ ـ جناب مهاراجه کمار سید حامد حسین ساکن « علی گره » .

٩ ـ جناب آقای حاج محمود آقا ریسمانچی صادقی تبریزی .

- ٩ -

اثاثیههائیکه در مدت مزبور بکتابخانه اهداء شده است :

١ ـ سه عدد پنکه پایهدار (میشونوشی) و ٢ عدد لوستر از طرف جناب آقای محمد جواد عطیة کاظمینی .

٢ ـ یکعدد پنکه سقفی (جی . ئی . سی) از طرف جناب آقای حاج عبود الشیخ جواد زرگر نجفی .

۳ ـ از طرف جناب آقای حاج عبد الرسول علی بغدادی دو تابلوی نفیس اهداء شده که یکی از آنها بزرگ است ودر روی آن جملهٔ [مکتبة الامام امیرالمؤمنین العامة] با خط زیبائی نوشته شده و بر در کتابخانه نصب گردیده است . و دیگری که کوچکتر است روی آن [الله اکبر] نوشته شده که بر در مخزن کتابخانه منصوب است .

٤ ـ یك قالیچه کاشانی نفیس که بر آن تمثال مبارك حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقوش است از طرف جناب آقای حاج مشگین تهرانی اهداء شده است .

٥ ـ دوشمعدان نقره ازطرف زوجهٔ یکی از شعرای اهل بیت عصمت وطهارت که در تهران سکونت دارد اهداء شده که مایل به ذکر نامشان نشدند .

٦ ـ چند لوحهٔ نفیس از طرف آقایان حاج حسین کاشانی واستاد جوادسهمی تهرانی و حاج محمود ناجیان تبریزی اهداء شده است .

٧ ـ چند بخاری بزرگ ساخت ایران از طرف شرکت [آزمایش] که در تهران کارخانهٔ دارد بتوسط جناب آقای سید مصطفی مصطفوی اصفهانی وکیل محترم دادگستری اهداء شده است .

٨ ـ شش عدد ویترین زیبا برای نگهداری قرآنها و کتابهای نفیس خطی از طرف جناب آقای مهندس بیوك شیروانی صاحب کارخانه شیروانی [تهران ـ درب اندرون] اهداء شده و آقای مهندس شیروانی ویترینهای مزبور را شخصاً ساخته‌اند .

- ۹ -

شخصیتهای محترمی که برای نگهداری و توسعه کتابخانه تعهد پرداخت وجه نقد بطور ماهانه یا سالیانه کرده‌اند از اینقرارند :

١ ـ جناب آقای حاج فرج موحدی تهرانی (که یکی ازمؤسسین کتابخانه هستند).

۲ ـ « « حاج سیدمصطفی عالی نسب تبریزی « « « .

۳ ـ « « حاج محمد علی پوستی اصفهانی « « « .

٤ ــ جناب آقای حاج علی اکبر کاظمی کاشمری ساکن تهران .
٥ ــ « « « حسین‌حاج محمّدشاکری بغدادی نماینده کتابخانه‌در بغداد
٦ ــ « « « حسین کاشانی تهرانی .
٧ ــ « « « حسین کاغذیان تبریزی .
٨ ــ « « « احمد کاشانی تهرانی .
٩ ــ « « « اسمعیل سیگاری تبریزی .
١٠ ــ « « « فرج نعمت زاده تبریزی .
١١ ــ « « « سید حسین موحدی تبریزی .
١٢ ــ « « « مجید پرکار تبریزی .
١٣ ــ « « « حسین آقا علی زاده کاغذچی .
١٤ ــ « « « علی آقا امینی .
١٥ ــ شرکت مطیع (تهران) .
١٦ ــ جناب آقای حاج محمّد علی اتفاق جورابچی تبریزی .
١٧ ــ برادران همایونیّه .
١٨ ــ جناب آقای حاج علی اکبر مرصوص .
١٩ ــ « « حاج آقا بزرگ بافتچی تبریزی .
٢٠ ــ « « « ابوالفضل احمدی تبریزی .
٢١ ــ « « « مازندرانی .

-١١-

شخصیتهای محترمی که‌ازعراق‌درخلال‌یکسال مساعدت‌مالی‌بکتابخانه کرده‌اند :

١ ــ جناب آقای سید رضا رفیعی نجفی ٥ دینار
٢ ــ « « حاج قاسم حاج علی اسیری کویتی ٢٠ «



۳ ـ جناب آقای حاج احمد الحاج حسن عاشور کویتی	۲۰ دینار
٤ ـ « آقای حاج علی الحاج حسین خوجه کویتی	۲۰ «
٥ ـ دانشمند گرامی جناب آقای سید عبد الکریم الصوافی بصری	۱۰ «
٦ ـ جناب آقای دکتر احمد حسن رحیم	۳ «
۷ ـ « « حاج محمد میرولی بغدادی	۱۰ «
۸ ـ « « « خلیل نوری بغدادی	۱۰ «
۹ ـ « « « عبد الغنی تمیمی بغدادی	۱۰۰ «
۱۰ ـ « « عبدالعزیز بغدادی	۲۰ «
۱۱ ـ ادیب محترم آقای سید عبد الحسین حیدری کاظمینی	$\frac{۱}{۴}$ «
۱۲ ـ آقای استاد جعفر عبدالحسین بیاتی	۱ «
۱۳ ـ جناب آقای حاج حمید شمرتی نجفی	۱ «
١٤ ـ « « « احمد و حمید عطار بغدادی	۷ «
۱٥ ـ پروفسور زوار حسین زیدی پاکستانی	٥ «
١٦ ـ آقای سید عیسی حاج عباس	۱ $\frac{۳}{۴}$ «
۱۷ ـ آقای عبود حاج علوان هویدری	٥ «
۱۸ ـ « سید جواد مرعشی بغدادی	٥ «
۱۹ ـ « عبد الرسول آل علیوی	۱ «
۲۰ ـ « سید م . ع نجفی	۱۰ «
۲۱ ـ « منتظر کانپوری	۱۰ روپیه

[و البته چند نفر از محترمین حیدرآباد هند مبلغ ۳۰۰ روپیه اهداء کرده‌اند که در شماره آیندهٔ صحیفهٔ مکتبة نام آنان ذکر خواهد شد] .

اما شخصیتهای محترمی که از ایران وجه نقد اهداء کرده‌اند بدینقرارند [بدیهی است این عده غیر از کسانی‌هستند که تعهد مساعدت ماهانه یاسالانه مرتب کرده‌اند و نام آنان قبلاً ذکر شد] .

۱ ـ حضرت آیت الله آقای حاج میرزاعبدالله مسیح تهرانی ۵۰۰۰ ریال
۲ ـ جناب آقای حاج میرزا حسن خسروشاهی ۵۰۰۰۰ »
۳ ـ » » » معین خراری ۱۰۰۰۰ »
٤ ـ » » » عباسعلی فرهودی کرمانشاهی ۵۰۰۰۰ »
۵ ـ » » غلامحسین صاحب ۲۰۰۰۰ »
٦ ـ » » سید حسین قاسمیان ۲۰۰۰۰ »
۷ ـ » » حاج علی اکبر صباغ کرمانشاهی ۱۰۰۰۰ »
۸ ـ » » مرتضی کرباسی ۱۰۰۰۰ »
۹ـ آقایان ابراهیم وحاج محمود آقاوحاج اصغر آقامغازۀزنجانی ۱۲۰۰۰ »
۱۰ ـ جناب آقای حاج صادق قماشچی زنجانی ۱۰۰۰۰ »
۱۱ ـ » » » سید حسن اخوت ۳۰۰۰ »
۱۲ ـ » » » سید حسن سامنی زاده ۵۰۰۰ »
۱۳ ـ » » » سید مهدی سامنی ۱۰۰۰۰ »
۱٤ ـ » » »آقاعلی وحاج آقاحسین سامنی کرمانشاهی ۱۰۰۰۰ »
۱۵ ـ » » » علی اکبر میرزائی کرمانشاهی ۲۰۰۰ »
۱٦ ـ » » » حسن معمار زاده تهرانی ۵۰۰۰ »
۱۷ ـ » » » محمد رضا مسگر زاده تبریزی ۵۰۰۰۰ »
۱۸ ـ » » » مهندس بیوك شیروانی ۱۰۰۰۰ »
۱۹ ـ » » » غلامحسن صوفی زاده بجنوردی ۲۰۰۰ »
۲۰ ـ » » » سید حسن ناصر ساداتی ۱۰۰۰ »
۲۱ ـ » » » اسد الله سهیلی اصفهانی ۵۰۰۰ »
۲۲ ـ » » صالح علیشاه گنابادی ۱۱۰۰ »
۲۳ ـ » » حاج کریم توکلی تبریزی ۳۵۰۰ »

۲۴ ـ جناب آقای جواد زعفرانی تبریزی	۱۰۰۰۰ ریال
۲۵ ـ « « محمد حسین مبلغ حسینی	۱۵۰۰ «
۲۶ ـ « « ابراهیم سیگاری تبریزی	۱۰۰۰۰ «
۲۷ ـ « « محمود ناجیان تبریزی	۵۰۰۰۰ «

-۱۲-

خریداری های کتابخانه.

در مدت یك سال بیاری خداوند توانا از موجودی صندوق کتابخانه مقدار زیادی کتب مصری و هندی خریداری شده که از آنجمله تمام مطبوعات مؤسسه [دائرة المعارف] حیدر آباد میباشد و همچنین کتابهای مهمی در تهران خریداری شده و قیمت مجموع این کتب بالغ بر پانصد دینار (تقریباً ۱۲ هزار تومان) می شود.

و نیز باتوفیقات خداوند متعال بمنظور توسعه کتابخانه سه باب خانه مجاور که عبارتنداز خانه شیخ‌صادق مظفر وخانه مرحوم عبد الامیر شیخ مهدی‌وخانه‌دختر ایشان خریداری‌شده است. خانه‌های‌مزبور ضمیمه‌ساختمان «دارالتألیف»خواهدشد وچند نفرازشخصیتهای محترم‌ازجمله جناب آقای‌حاج فرج‌موحدی‌تهرانی‌وجناب‌آقای حاج‌سیدمصطفی‌عالی‌نسب‌تبریزی‌و جناب آقای‌حاج‌حسین‌شاکری‌ساکن‌بغدادقسمتی ازمخارج‌ساختمان‌مزبوررا‌تعهدفرموده‌اند. امیدواریم‌خداوندسبحان‌بندگان‌صالح‌خود را که آرزومند پیشرفت معارف اسلامی هستند و باهمّت بلندی که دارند پیوسته می‌خواهند تجارت آخرت نمایند موفق فرماید تا خدمتگزاران این کتابخانه را در رسیدن بهدف مقدسی که دارند مساعدت کنند و بدینوسیله ندای ملکوتی و آسمانی قرآن‌مجید را عملاً لبیك گویند « وسارعوا إلى مغفرة من‌ربكم‌وجنة‌عرضها السموات و الارض اعدت للمتقين الذين ينفقون في‌السرّاء والضرّاء والكاظمين‌الغيظ و العافين عن الناس والله يحب المحسنين ».

پایان سخن

از ابتدای تأسیس کتابخانه شخصیتهای علمی و دینی و دانشمندان زنده دل روحانی باارسال نامه‌ها وقصیده هائیکه‌متضمن تمجید و تحسین ازاین خدمت‌جهانی میباشد مارا تشویق کرده‌اند بدینوسیله از عموم آنان صمیمانه سپاسگزاریم . ازجمله نامهٔ خطیب سخنور ومحترم جناب آقای سید محمّد جواد شبر نجفی میباشد که درضمن آن ابیات ذیل‌را انشاد فرموده‌اند .

✿ (تحية المؤسسة الفكرية) ✿

معهد الفكر طاول الدّهر فخرا ✿ ذاك يبلى ، و أنت تخلد ذكرى

كلّ شيء فانٍ سوى العلم والعدل ✿ فإن شئت سل بايوان كسرى

ساندت ركنك القديم يد العلم ✿ فلا زلت خالداً مشمخرّا

منجباً كلّ أصيد يبعث النشأ ✿ يقود الأجيال عقلاً و فكرا

منجباً كلّ أصيد يجعل الدّهر ✿ غلاماً لديه نهياً و أمرا

و برغم الزّمان جئت و يبقى ✿ لك عبداً و أنت لا زلت حرّا

✿✿✿

عشت يا صرح للعلوم مناراً ✿ فاض أشعاعه على الكون بدرا

همّة المصلح [الأميني] ثارت ✿ فاستثارت لها العزائم طرّا

قد أشادتك بعد جهد جهيد ✿ كرعت في سبيلك الصّاب مرّا

ضربت فوقك القلوب رواقاً ✿ يوم قدّت من العزائم صخرا

بسطت من شغافها لك أرضاً ✿ و بنت في ضلوعها لك وكرا

ثمّ راحت عليك تحنوا احتفاظاً ✿ مثلما تحفظ الأضالع سرّا

✿✿✿

معهد الفكر هل علمت بانّ الشيخ ✿ أفنى من أجل عمرك عمرا ؟

و مشى ثابت الخطا باتّزانٍ ✿ أشبع الدّهر خبرةً ثمّ سبرا

هازئاً بالخطوب تعرف منه ✿ إنّ في أمره مع الله سرّا

☆☆☆



اي أبا الطيّبات أحييت فينا ☆ أملاً كاد أن يبدّد صبرا
يوم ضاق الفضا قنوطاً ولكن ☆ فاض من راحتيك يمناً و يسرا
قد أرتنا الأيّام حمر المنايا ☆ وتُرينا أنت الأماني خضرا
بمساعيك قام للعلم صرحٌ ☆ عشتَ للعلم والديانة ذخرا
همّة تدفع السّماء و عزم ☆ يسع الكون مذ ينفّذ أمرا
لك في الصّالحات غرّ أياد ☆ ويدٌ في [الغدير] بيضاء غرّا
و حقيق أقول إنّك فينا ☆ رابح النشأتين دنياً و اُخرا

و همچنین شاعر گرانمایه آقای حاج محمّد بندر اشعار ذیل را در ضمن نامهٔای فرستاده‌اند :

تجلّى السّرور على المؤمنين ☆ بعيد الغدير وشاع الهنا
فشكراً لمكتبة المرتضى ☆ على زفّها البشر فيه لنا
و فاز الأمينيّ بإنشائها ☆ وما خطّ فيها وما دوّنا
فساحاتها بهجة للنفوس ☆ وعنوانها فيه أقصى المنى

وله أيضاً من كتاب آخر :

شاد لنا أميننا المفدىّ ☆ مكتبة للمرتضى الأمير
قد شمخت ما بيننا لهذا ☆ أرّختها [لصاحب الغدير]
۱۳۷۶



درپایان مراتب سپاسگزاری خودرا نسبت به جناب آقای حاج مصطفی حیدری مؤسس ومدیر چاپخانه حیدری ـ تهران خیابان ناصر خسرو ـ که سرمایه عمر و مال خود را در راه خدمت به فرهنك اسلامی مصروف میدارد و تمام کارهای مطبوعاتی کتابخانه را از بدو تأسیس بدون دریافت حق الزحمه چاپ کرده‌اند تقدیم میداریم خداوند او را به بهترین وجهی پاداش دهد .

صحيفة المكتبة



مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام العامة

النجف الأشرف - العراق

المؤسسة ۱۳۷۳

العدد الثالث

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله على ما عرّفنا من نفسه ، وألهمنا من شكره ، وفتح لنا من ابواب العلم بربوبيّته ، وبعث صفوة من رسله بكتب قيّمة وصحف مكرّمة ، وأكمل لناحجّته ، واوضح مهجّته ، و أسبغ نعمته ، و جعلنا من امّة محمّد سيّد رسله ، صلى الله عليه وعلى آله وعليهم اجمعين .



در شماره ۲ شــرح کوتاهی از مسافرت علامه امینی بشهرهــای هند و دیــدن کتابخانه‌های آنسامان درج گردید اینك بقیه گزارش مسافرت ایشان :



پتنه

این شهر بزرگ درمنطقهٔ بنگاله ، طرف راست ساحل دریای کنك ، درعرض شمالی و طول شرقی هند واقع‌شده ومرکز بخش بهار است . جمعیت آن ۳۰۰۰۰۰ نفر است . در آن چند مسجد جامع اسلامی است و معــابد فراوانی از طوایف و ادیان دیگر .

پتنه شهری است‌صنعتی دارای‌کارخانجات بافندگی وشیشه سازی ومصنوعات جلدی ومرکز مهم تجاری و دارای بازارهای آباد است . و کارخانه‌های، وسیعی‌دارد برای تراش سنگهای محکم وساختن مجسمه ازآنها وظروف و ابزار دیگر وشمعهای عمارت و قابهای منقوش برای‌زینت تالارها وسالنها وبالکنها وباطرحی زیبا وشکلی بدیع و کم‌مانند .

این شهر نیز از بسیاری از شهرهای هند بواسطه خیابانهای منظّم و کویهای نظیف ومیدانهای بزرگ وپهناورش که برای‌اجتماعات ملّی ومحلّی‌وجود دارد امتیاز یافته است .

در آن ، دبستان و دبیرستانهــای فراوان و دانشگاه بزرگی است که چند دانشکده دارد : پزشکی ، دارو سازی ، پلی تکنیك ، تاریخ ، جغرافی ، ادبیات ، حقوق ، فنّی ، بازرگانی ، علوم‌طبیعی و ...

پتنه بر پاره‌ای دیگر از شهر های هند ، بواسطه جنبش فرهنگی اسلامی که در آن بوجود آمده بر تری جسته است ، زیرا در آنجا گروهی از استادان زبان عربی وپارسی وجود دارند که جمعیتی ادبی بنام (ادارهٔ تحقیقات عربی و فارسی) تأسیس کرده‌اند و مشغول تحقیق وپژوهش در بارهٔ بخش زیادی از میراث علمی در پیرامن تاریخ اسلام میباشند . از این جمعیت است : پرفسور سید حسن استاد لغت عربی و فارسی ، واستاد سیدجعفرحسین حسینی ، واستاد سید حسن مثنی ندوی ، و استاد سید فخر الدین احمد ، وهمین استاد فخر کتاب (التاریخ‌الاسلامی) تألیف : ابو اسحاق ابراهیم بن عبد الله بن‌عبد المنعم معروف به ابن ابي‌الدّم در گذشته ٦٤٢ را برای چاپ آماده میکنند .

ساعت ۱۲ شب‌یکشنبه ۷ ذیقعده به پتنه رسیدیم . د‌ایستگاه ترن ، شخصیت محترم آقای میرزا اعجاز حسین لکهنوی و شریف مهذب سید محمّد ناظم کاظمی در انتظار آمدن ما بودند . ایشان را وکیل قانوندان بزرگ جناب سید سر سلطان احمد ، باستقبال ما فرستاده بود ، ما را با تجلیل و حرمت تمام بمهمانخانه وی بردند و در آنجا بار سفر افکندیم . بامداد روز یکشنبه با خود استاد سیدسر سلطان احمد ملاقات کردیم وی کهن مردی بود هشتاد ساله ، پخته رای ، گسترده فهم ، با اخلاق ، شریف ، خردمند ، تجربه اندوخته با حزم و خود یکی ازسالخورده کاران قانون بود . او درتمام مراکز آن دیار دارای موقعیت عظیم است . ما در ضیافت و دعوتش ۱۲ روزماندیم . وی‌فریفتهٔ علامه امینی‌شده بود . و دربزرگداشت وتجلیل ایشان‌بسیارمیکوشید وبنهایت درجه علامه‌امینی‌را معظم میداشت ، وبسیارمیگفت : من در تمام عمرم انسانی همانند این دانای مشهور ندیده‌ام که بفضیلتها زینت یافته‌و علم و دین وبزرگ منشی و عزّت وسرافرازی را نشان میدهد . . .

وسید اعجاز حسین که خود انسانی پاك روح وگرامی نژاد وگشاده رو بود وبدست سید سرسلطان احمدنیکو تربیت‌یافته‌بودهمواره برما منت مینهاد وکارهامان را تنظیم میداد و هر صبح و عصر همراهمان بود . با او بامداد روز اول بدیدار

کتابخانهٔ عمومی خدا بخش شتافتیم ، و نخستین لطفی که از رئیس کتابخانه دیدیم تغییر ساعات رسمی مدّت کار کتابخانه و توسعهٔ وقت مطالعه بود بهمان ترتیبی که حضرت علامهٔ امینی میخواست . چنانکه این کار را برای تسهیل مطالعه وهمکاری و ابراز علاقه بعلامه امینی مدیر کتابخانهٔ رامپور و جاهای دیگر نیز کرده بودند .

این بود که هر روز ساعت ٦ صبح بکتابخانه میآمدیم تا ۱ بعد از ظهر ، در این وقت برای استراحت بخانه بازمیگشتیم تاساعت ٤ سپس باز بکتابخانهمیآمدیم وبمطالعه ونوشتن و استنساخ خود ادامه میدادیم تا ۸ بعد از ظهر وبدین ترتیب هر روز بین ۱۱ تا ۱۲ ساعت مرتب کار میکردیم . امّا وضعیّت این کتابخانه :

﴿کتابخانهٔ خدا بخش﴾

در بارهٔ اهمیّت این کتابخانه هر چه بگوئیم دور نیست . در آن کتاب های ارزشمند وآثاری نفیس گرد آمده است وبر تمام کتابخانه های هند بواسطه نسخه های کمیابی که در این کتابخانه بسیار هست وهمه بخطوط مؤلّفان وحفّاظ ومحدّثان است برتری دارد .

و اصولا این آثار بر افراخته در بلاد هند میفهماند که رجال مراکز هند : پادشاهان ، امراء شخصیتهای علمی وفرهنگی ، و رهبران فضیلت ودانش ، درقرون اخیر تمام بوظیفهٔ خویش قیام کرده و امّت هند را در راه ترقی وتعالی علمی واجتماعی پیش برده اند . هر شخصیّت بارزی خدمت مهمی برای دیار وهمنوعان خود انجام میداده و هر گونه قدرت و امکانی داشته در این راه صرف میکرده است تافرزندان اجتماع را تشجیع کند ودل انگیزترین یادکارها را بجای گذارد . لذا بادست همّت بلندخود ، مدارس ، مراکز علمی ، چاپخانه ها ، و دانشگاهها ، جمعیتهای علمی ، موزه ها ، و کتابخانه هایی برای حفظ ذخائر علمی تأسیس کرده اند . که درپیشانی روزگار میدرخشد . و این آثار جاودان تا ابد مایهٔ افتخار ومباهات وداعی ترقّی و پیشرفت ومظهر پیش افتادن ملّت هند است در دانش وفرهنگ و از مترقّی ترین

مؤسّسات علمی باستانی هند **کتابخانهٔ عمومی خدا بخش** است .

شهر پتنه باین گنجینهٔ آباد و سر ریز از نفایس و کتب خطی وآثار پر ارج میدرخشد بحدّیکه بیان از توصیف آن عاجز است . و برای عظمت و موقعیّت این کتابخانه همین بس که همواره در گذشته وحال مورد نظر رجال بحث وتحقیق بوده وهست و بسیاری از اساتید جهان این کتابخانه را زیارت کرده و دربارهٔ آن چیزها نوشته و موضوعات دامنه داری از آن نشر کرده‌اند . جز اینکه توان گفت آنان کوتاه آمده از اینکه بتوانند صورتی از آن بدست دهند که تمام مخزوناتش را معرّفی کند .

ولیکن هیأنی که حفاظت این کتابخانه را بعهده دارد اهمیّتش را بخوبی درك کرده‌است ، لذابرای جاودان‌ساختن ثروت‌مخزون‌در کتابخانه وزنده کردن یاد مردانی که این مؤسّسه علمی جهانی ومشروع‌ارزشمند اجتماعی را تأسیس کرده‌اند تهیه صورت بزرگی از کتابخانه را وظیفهٔ خود قرار داده است تا اینکه دانشیان و رهبران فضیلت درهمه جای دنیا از آثارمهم ومفاخر و کتب طرفه ونسخ کمیاب وبا ارزش وسایر نفایس آن‌اطلاع یابند ، لذافهرست مفصّلی بانگلیسی‌برای‌نسخه‌های خطی عربی و فارسی تهیه کرده‌اند که خود ۲۰ جلد است . سپس فهرستی بعربی نوشته اند فقط برای کتب عربی در ۲ جلد بقطع بزرگ و دوجلد دیگر نیز برای کتب فارسی تألیف کرده‌اند .

این کتابخانه را استاد بارع‌مرحوم خان بهادرخدا بخش بسال ۱۹۱۸میلادی تأسیس کرده‌است و اگرچه بذر نخستین آنرا پدر وی پاشیده و کتابخانه خصوصی خود را برآن وقف کرده‌است ولیکن شهرت کتابخانه و پیچیدن نامش در همه جا وساختمانی که‌اکنون‌دردست کتابخانه است همه‌بواسطهٔ کوششهای مرحوم‌خدابخش است وباین جهت بنام او اشتهار یافته است .

امروز شمارهٔ کتابهایش بیشتر از ۵۰۰۰۰ جلد است از کتب چاپی وخطی از علوم گوناگون بلغات مختلف : عربی ، فارسی ، فرانسه ، انگلیسی ، هندی ، اردو



وجز آنها . و اکنون حکومت بودجهٔ هنگفتی برای ادارهٔ کتابخانه صرف میکند ، وکمی پیش کتابخانه را به تازه‌ترین وسائل عکسبر داری کتب خطی و قرائت فنی فیلمها مجهّز کرده است ولی‌هنوزبرای تغییر محل‌آن بساختمانی وسیع که‌مناسب شأن این کتابخانه باشد اهتمامی نشده‌است .

دراین کتابخانه مقدار زیادی کتب‌خطی‌قدیمی وبرخی‌نقود عتیق‌وآلات‌حرب وادوات اسطرلاب وظروف سفالین زیبا وتابلوهای‌چوبی (از زیت) نگهداری میشود که بیشتر آنها از آثار قیمتی‌وسرمایه‌های‌نفیس است و همه در ویترین‌های شیشه‌ای قرار داده شده و در معرض تماشای سیّاحان و واردان است . ونیز مقداربسیاری‌از مصاحف و دواوین و کتب طلا کاری وتزیین شده بخطهای زیبا هست همچون :

۱ ـ قرآن کریم که بر پوست نوشته شده بسال ٤٠٠ هجری .

۲ ـ قرآن کریم بخط خطّاط مشهور ابوالدریاقوت مستعصمی موصلی‌ملکی در گذشتهٔ ۶۹۳ .

۳ ـ الاتقان فی علوم القرآن ، تألیف حافظ جلال الدین سیوطی م ۹۱۰ کتابت این نسخه‌بسال ۹۱۵ بدست محمّدبن علی‌بن احمد داوودی مصری‌مالکی م ۹٤۵ شاگرد سیوطی تمام شده‌است .

٤ ـ کشف اسرار البیان عن آداب حملة القرآن ، تألیف : محمّد بن حسن بن یوسف بن حازم بن هاشم بقاعی . کتابت این نسخه بدست مؤلّف بسال ۹۰۰ هجری تمام شده ودر آن چندین اجازهٔ روایت حدیث‌است از گروهی از علماء .

۵ ـ الرسالة القشيريّة ، تألیف : ابوالقاسم عبد الکریم بن هوازن بن عبد الملك بن طلحة بن محمّد قشیری م ٤۶۵ ، تاریخ کتابتش ٤۳۸ است .

۶ ـ شرح صحیفهٔ سجّادیه ، بخطّ مؤلّفش محمّد علی بن احمد بن علی شامی عاملی که بسال ۱۱۱۷ ه نوشته شده‌است .

۷ ـ شرح صحیفهٔ سجّادیّه ، تألیف : فیلسوف شهیر در سادات شیعه سید محمّد باقر داماد ، م ۱۰٤۱ تاریخ نسخه ۱۲۰۰ ه است .

و از جملهٔ نوادر فراوان این کتابخانه که بخطوط مؤلّفین : حفاظ و ائمهٔ فقه وحدیث و تاریخ زینت یافته است وعلامه امینی بر آنها وقوف‌یافت و از اول تا آخر مطالعه کرد و مطالب ظریف وجزوه‌های بسیاری از آنها نوشت وهمه را جزو مدارك بقیّهٔ مجلّدات الغدیر قرار داد اینهاست :

۱ ـ تاریخ الشام ، تألیف : حافظ کبیر ابوالقاسم علی‌بن حسن دمشقی‌شافعی معروف به (ابن‌عساکر) م ۵۷۱ که‌ترجمه‌اش درالغدیر ج۱ ص۱۱٦ ط ۲ آمده‌است . از این کتاب در این کتابخانه دوجلد هست یکی حاوی حرف عین است که از عایذ الله بن عبدالله ابی ادریس خولانی فقیه شام م ۸۰ شروع میشود و دارای ٤٤٦ صفحه است . نسخه ایست عتیق‌ونیکو وبسیار نفیس ، مورّخ‌است بروز پنجشنبه سلخ‌ربیع الاوّل سال ٦۱٤ در دار السنّه دمشق بدست محمّد بن یوسف بن محمّد برزالی اشبیلی [1] و در آخر این نام گروهی ذکر شده که اجزای کتاب را بسال ٥٦۲ بر مؤلّف خوانده‌اند . و گفته : همهٔ این دارای ۸۰ جلداست .

دومین جلد این نسخه دارای ۳۹٤ صفحه است بخطّ نویسندهٔ همان جلدودر آخر نسخه این عبارت‌است : نجز بحول الله وقوّته یوم الاحد خامس عشرمن‌جمادی الاولی سنة خمس عشرة و ستمائة بالمدرسة العینیّة بمدینة دمشق حرسها الله علی ید الفقیر الخاطیء المذنب الراجی عفوربّه محمّد بن یوسف‌بن محمّد البرزالی الاشبیلی‌وفقه الله . سپس با أخذ از اصل کتاب ، قرائت جمعی از اعلام این جلد را برمؤلّف‌بسال ٥٦۳ در مسجد جامع دمشق نقل کرده‌است .

ولیکن جزوه‌هایی از این نسخه مثل مقدار دیگری از کتب این کتابخانه در دست صحافان جا بجا شده‌است و در ترتیب آن باشتباه فاحشی دچار شده و مقدّم مؤخّر کرده‌اند . چنانکه در اول این جلد ترجمهٔ علی بن محمّد ، و علی بن مکّی ، و علی بن منصور ، وعلی‌بن موسی قرار داده‌شده سپس ترجمهٔ امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده ، وحال این ، اول جلد است و این نسخه از ابتدا ناقص است و مقدار زیادی

---

۱ ـ حافظ رحال مسند شام درگذشتهٔ ٦۳٦ .

ازآن یافت نشده و در آخر این نسخه پاره‌ای از ترجمهٔ عمر بن خطّاب‌است .

٢ ـ المصباح المضّی في کتّاب النبیّ و رسله الی ملوك الارض من عربیّ و عجمی ، تألیف : شیخ عبدالله [1] محّمد بن علی بن شهاب الدین ابی العباس احمد بن زین الدین عبدالرحمن انصاری خزرجی مقدسی . از تألیف آن در چاشت روز جمعه چهارم ذیقعدهٔ سال ٧٧٩ فراغت حاصل کرده ونسخه بخطّ محّمد بن احمدبن اصم بن ابی القاسم بن عبد القویّ بن عبد الخالق بن عقیل است که از کتابت آن ، هشتم محرّم سال ٧٨٣ فراغت یافته است .

و در آخر نسخه بخطّ مؤلّف این عبارت‌است : بلغ مقابلة باصله المستنسخ منه و هو بخطّی خسب الاستطاعة و کتبه عبد الله محّمد مؤلّفه في شهور سنة ثلاث و ثمانین وسبعمائة .

٣ ـ مشیخة ابن‌البخاری ، تألیف فخر الدین ابو الحسن علی بن احمد بن عبد الواحد مقدسی حنبلی ، معروف به (ابن البخاری) مسند جهان ، زاییدهٔ ٥٩٥ و درگذشتهٔ ٦٩٠ این مشیخه ، تخریج حافظ جمال الدین ابو العباس احمد بن محّمد بن عبد الله ظاهری حنفی است .

نسخه در نهایت درجه نفیس است ، برجمعی از اعلام وحفاظ خوانده شده و درآن اجازاتی است به خطّ همانان . ومورخ است بسال ٧٣٠ . و درآن باز قرائت حافظ عمر بن فهد هاشمی مکّی است بخطّ خودش بسال ٨٣٤ واین حافظ بسال ٨٨٠ درگذشته و ولادتش سال ٨١٢ بوده چنانکه در (الضوء اللامع) است ج ٦ ص ١٢٦ ـ ١٣١ .

و نسخه بر حافظ علم‌الدین برزالی (قاسم بن محّمد شافعي محدث شام ـ م ٧٣٩) قرائت شده ، بتاریخ روز چهار شنبه ١٣ ذیحجّهٔ ٧٣٣ ، و درآن نیز سماع علی بن

---

١ ـ در نسخه اینگونه (شیخ عبد الله) است وهمان صحیح است ولی درکتب شرح‌حال شیخ ابو عبد الله است .

صیرفی در حلب سال ۷۳۶ بقرائت ناصرالدین محمّد بن طغریل صیرفی دمشقی م ۷۳۷ نیز ثبت است .

چنانکه اجازات وقراءات وسماعات و بلاغاتی بخطهای کهنه قدیمی از جمعی از اعلام و رجال حدیث . نیز در این نسخه هست .

٤ ـ تسدید القوس في ترتیب مسند الفردوس ، تألیف : حافظ ابوالفضل احمد بن علی بن محمّد عسقلانی مصری معروف به ابن حجر م ۸۵۲ در ۶۲٤ صفحه ، اندازه : ۱۹/۵ × ۲۵ س م آغاز کتاب پس از حمد و صلاة چنین است : امّا بعد : فانّی کنت اری شیخنا الامام حافظ عصره زین الدین المکنّی بابی الفضل العراقی [1] تغمّده الله برحمته ، یکشف کثیراً عن الاحادیث الغریبة الّتي یسأل عنها من [مسند الفردوس] الّذي أخرجه الحافظ ابو منصور شهردار [2] ابن الامام ابي شجاع شیرویه بن شهردار الدیلمي الأصل الهمداني ، فأسند فیه الأحادیث الّتي ذکرها والده [3] في کتاب «الفردوس» الّذي ضاهی به کتاب «الفضائل» مقتصراً فیه علی الألفاظ النبویّة ، و ذکر انّ کتاب الشهاب الف حدیثٍ فجمع هو في « الفردوس » اثنی عشر الفاً من المسانید والجوامع والنسخ والصحف ، ورتّب ذلك علی حروف المعجم مقتصراً علی المتن ، ذاکراً اسم الصحابي في الهامش ، فذکر ابو منصور في خطبة کتابه بعد ذکر مقاصد والده و اطنب في شکره : انّ اباه اهمل کثیراً من الأحادیث بسبب اقتصاره علی القصار ، و انضمّ إلی ذلك شیئاً کثیراً من الأحادیث التقطها من غضون الأحادیث الطوال علی نمط ما ذکره أبوه ، و إنّ عدّة ذلك کلّه زادت علی سبعة عشر الف حدیثٍ و أزید ، وانّه عزی کلّ حدیثٍ لمن أخرجه .

و در آخر نسخه این عبارت است : و کان الفراغ من تعلیقه في یوم السبت الثالث من المحرّم الحرام سنة اثنتین وخمسین وثمانمائة ، حسبنا الله ونعم الوکیل .

---

۱ ـ شاگردش ابن حجر مؤلف همین تسدید القوس ، شرح حالش را در « ابناء الغمر » نوشته ونیز شرح حالش درآغاز کتاب خودش : «طرح التثریب » ج ۱ ص ۲ ـ ۹ یافت میشود .

۲ ـ ابومنصور محدث شافعی م ۵۵۸ .

۳ ـ یکی از مؤلفان پژوهنده وحفاظ حدیث است . متولد ٤٤۵ ، درگذشتهٔ ۵۰۹ .

٥ ـ شرح الألفيّة ، اصل وشرح هر دو از حافظ ابو الفضل عراقی است (١) از تألیف آن چنانکه در آخر کتاب تصریح کرده ، روز پنجشنبه سوم جمادی الآخر سال ٧٦٨ فراغت حاصل کرده است . کتابی است بزرگ در علم درایه و شناختن انواع و اقسام حدیث و بیان اصطلاحات اهل این فن ، بسیار با ارزش و پر فائده و نفیس است و در موضوع خودش مانند آن ، دیگر کتابی ندیده ایم ، در این کتابخانه ـ کتابخانهٔ خدا بخش ـ از این کتاب چند نسخه است .

نسخه اول در آخرش این عبارت است : علقها لنفسه في مدّة آخرها يوم الثلاثاء عجز رجب الفرد عام تسعة و ثمانمائة ، أحسن الله خاتمتها ، أبوجعفر محمّد بن أحمد ابن عمر بن محمّد بن الضياء ابن العجمي عفى الله عنه (٢) .

ودر این نسخه است : بلغ الامام الأوحد قاضي المسلمين شهاب الدّين أبو جعفر محمّد بن الامام شهاب الدّين أحمد بن الامام العالم جمال الدّين عمر بن العجمي الشهير بابن الضياء قرائة على ... تا آنجا که نوشته : كتبه أبوعمر ابن محمّد بن خليل سبط ابن العجمي الحلبيّ الشهير بالمحدّث ، و ذلك في ثامن صفر سنة ثلاث عشر و ثمانمائة بالمدرسة الشرفيّة بحلب .

نسخه دوّم در آخرش چنین است : فرغ من تعليقه نهار الخميس تاسع شهر ربيع الآخر من شهور سنة ثمان و ثلاثين و ثمانمائة على يد العبد الفقير المحتاج إلى عفو ربّه القدير الحسن بن طياب بن يوسف بن طياب العراقي غفر الله له ولوالديه .

نسخه سوّم در آخرش چنین است : فرغ من تعليقها فقير رحمة ربّه العليّ محمّد ابن محمّد بن محمّد بن سليمان البكري الشافعي و ذلك في يوم السبت بعد الظهر ثالث

---

١ ـ بسال ٧٠٦ درگذشته است و حافظ ابن حجر بقصیده‌ای او را رثا گفته که از آن قصیده است :

مصاب لم ينفس للخناق	اصار الدمع جار للمآق
فروض العلم بعد الزهو زاو	وروح الفضل قد بلغ التراقي

٢ ـ قرشی اموی حلبی شافعی متولد ٧٧٥ ودرگذشته ٨٥٧ چنانچه در [الضوء اللامع] مذکور است .

ذی العقدة الحرام من شهور سنة اثنتين و اربعين و ثمانمائة .

نسخه‌چهارم‌درآخر آن‌این‌عبارت‌است : فرغ علی ید کاتبه حاتم‌بن میمر الزبیر في العاشر من جمادی الآخرة سنة ثلاث وسبعين و ثمانمائة .

و این نسخه‌ها همه نفیس ونادر و با ارزش است .

۶ ـ البرهان في متشابه القرآن ، تألیف : امام تاج القرّاء ابوالقاسم‌محمود ابن حمزة بن‌نصر کرمانی[1] درگذشته بعد از سال ۵۰۰ هجری ، کتاب دارای۱۰۲ صفحه‌است باندازه : ۱۷/۵ × ۲۶س م وبسیار باقیمت ونسخهٔ نادری‌است و درآخرش چنین است :

وافق الفراغ منه یوم الأربعاء سادس عشرذي قعدة وهو سلخ اشباط سنة سبع وأربعين و سبعمائة تعليق العبد الفقير إلى رحمة ربّه الكريم أيّوب بن أيّوب بن صخر بن أيّوب صخر العامري بمدينة حمص المحروسة بالشّام المحروس بزاويةبها بناحية باب شرقي داخل باب الدريب قرب مسجدالله تعالی .

درکتابخانهٔ دانشگاه‌عثمانی‌درحیدرآباد دکن نسخه‌ای‌نیزازاین کتاب‌وجود دارد کهنه و از این نسخه مذکور قدیمتر .

۷ ـ مسند أبي الحسين الشهيد الطاهر زيد بن علي بن الحسين بن علي بن ابيطالب عليه‌السلام ، در۱۶۲ صفحه بقطع ۱۵ × ۲۰/۵ س م این نسخه از دوطرف کمبود دارد ، جمع زیادی از اعلام و حفّاظ ومؤلّفین ازاین «مسند» فراوان‌نقل کرده‌اند.

۸ ـ مسند الفردوس ، تألیف : حافظ أبومنصور شهرداربن أبوشجاع شيرويه ابن شهردار دیلمی همداني م ۵۵۸ . جلد اوّل در ۳۹۲ صفحه بقطع ۱۸ × ۲۳س‌م. کتاب باحادیثی آغاز میشود که درآغازش کلمه ـ اوّل ـ باشد (أحاديث الأوائل) واوّل حدیث کتاب اینست : عن ابن عبّاس وأبي هريرة وعبادة بن الصامت : اوّل ما خلق الله عزّوجلّ القلم بيده ، ثمّ خلق النّون و هي الدواة ثمّ قال : اكتب ،

---

[1] ـ امام محقق ثقة ، صاحب‌کتاب « خط المصاحف » و « الهداية» و « لباب التفاسير» رجوع شود به طبقات القراء .

قال : و ما اكتب ؟ قال : ماكان وماهو كائن إلى يوم القيامة ، ثمّ ختم على في القلم فلم ينطق ولا ينطق إلى يوم القيامة .

مجلّد ديگرى ازاين كتاب با ارج در كتابخانهٔ ملك - تهران - بشماره ۱۳۹۱ موجود است كه ازحرف جيم شروع ميشود و نسخه نادر و نفيس است .

۹ ــ جامع البيان في تفسير القرآن ، تأليف : معين بن صفى ، در دوجلد : جلد اوّل در ٦٥٤ صفحه‌است كه از «سورهٔ فاتحه» شروع ميشود تا اين آيهٔ كريمه: « واعتزلكم و ما تدعون من دون الله » .

جلد دوّم در ٦٥٨ صفحه است و ازاين آيه : « عسى أن لا أكون بدعاء ربّي شقيّاً » آغاز ميگردد .

۱۰ ــ الكاف الشاف من تخريج أحاديث الكشاف ، تأليف : حافظ قاضي القضاة شيخ الاسلام شهاب الدّين أبوالفضل أحمد بن علي بن محمّد بن حجر كناني قاهري م ۸۵۲ ، در ۵۵٤ صفحه باندازهٔ ۱٦/٥ × ۱۸/٥ س م . كتابى است پر فايده وسرريز از مطالب نادر و ثمين ، و اين نسخه بقلم حافظ محمّد بن عمر بن محمّد بن أبي الخير محمّد بن محمّد بن عبدالله بن محمّد بن عبدالله بن فهد هاشمي علوي مكّي است كه بسال ۱۰۸۲ نوشته‌است.

۱۱ ــ تخريج [1] أحاديث الكشّاف ، تأليف : حافظ جمال الدّين عبدالله بن يوسف بن محمّد زيلعي حنفي م ۷٦۲ دردوجلد ، جلدنخستين داراى ٤۵۷ صفحه باندازهٔ ۱۷ × ۲٤ س م در هر صفحه‌اى ۱۹ سطر ، كه از « سورهٔ فاتحه » تا « سورهٔ مريم » است . جلد دوم داراى ۳۹٦ صفحه بهمان اندازه و از « سورهٔ مريم » است تا آخر قرآن كريم .

اين كتاب سرشاراست از مطالب طرفه ونوين ودرسرتاسرش فوايد و درّهاى تابناك است ، مؤلف درآن ، مآخذ و اسناد ۱۰۹۲ حديث را بيرون داده‌است ، و از

---

۱ ــ « تخريج » در اصطلاح محدثان آنست كه احاديثى كه دركتابى ذكرشده تمام‌اسناد و راويان ورجال و مأخذش را درآورند و بآن‌احاديث ضميمه‌كنند و بدينوسيله احاديث‌مرسله (محذوف السند) را بدل به مسند (مذكور السند) كنند تااعتبار كتاب افزون گردد .

آثار پر ارزش کتاب ، حديث نهم ازاحاديث «سورهٔ نحل » است ، وآن (حديث غدير) است که آنرا از ٦٢ طريق از صحابه نقل کرده ودربارهٔ اسناد اين گروه فراوان از طرق و مدارك حفاظ و ائمهٔ حديث ، بتفصيل سخن گفته ، و اين قسمت خود رسالهٔ نفيسى ميشود در بارهٔ حديث غدير که سزاوار است تأليف جدا و مستقلّى در اين موضوع بحساب آيد .

واز فايده‌هاى ظريف وتازه‌اى که ضمن بيان حديث (غدير) دراينکتاب آمده اينست که مؤلف حافظ جمال‌الدّين زيلعى حنفى ، خصائص نسائى را جزو السنن الکبرى نسائى دانسته‌والسّنن الکبرى خود يکى‌از صحاح ششگانه‌اهل‌سنّت‌است.

١٢ ـ الأنوارالمضيّة في شرح الأخبار النبويّة ، تأليف : الامام المؤيّد بالله يحيى بن حمزة م ٧٤٩ ، شارح (نهج‌البلاغه) چنانکه در اوّل همين کتابش گفته : اين کتاب شرح چهل حديث است و بنام : « الأربعين السليقية » خوانده ميشود و داراى دو جلد است : اوّل در ٢٧٤صفحه ، هرصفحه ٣١ سطر . دوّم در ٢٨٦صفحه مانند جلد اوّل . هر جلدى حاوى ٢٠ حديث است با شرح آنها . نسخه‌قديمى‌است وآثار قدمت ازآن پيدا است .

١٣ ـ خلاصة‌السّيرة ، تأليف : الامام‌المؤيّدبالله يحيى بن‌حمزة ، مؤلف‌همان الأنوارالمضيّة مذکور .

دراين کتاب ـ سيرهٔ معروف ابن هشام ـ راخلاصه کرده در ٣٠٠ صفحه هر صفحه‌اى ٣٢ سطر باندازهٔ ١٩/٥ × ٢٨ س م .

١٤ ـ الأربعون عن الأربعين ، تأليف : احمد بن سهيل بن احمد بن علي‌بن اسماعيل حنبلي قادري در ١١٢ صفحه . دراين کتاب چهل حديث از چهل نفر از اساتيد خودش در حديث روايت کرده ، از هر استاد يك حديث بسند همان استاد . ابتدا کرده بحديث مشايخ و اساتيدش در ـ حماة ـ سپس اساتيد ـ حمص ـ سپس ـ اساتيدش‌درشهر ـ دمشق ـ سپس ـ قاهره ـ سپس ـ حلب ـ ودرآخر ، کتابرابروايت ده حديث از ده استاد ديگر که ٥٠ حديث‌کامل شود تمام کرده ونسخه بخط خود



مؤلف است که از تألیفش در نیمهٔ ذیقعدهٔ سال ٨٣٧ در مسجد نارنجیّه حلب فراغت یافته است .

١٥ ــ الأربعون المتباينة ، تأليف : شيخ الاسلام حافظ ابو الفضائل شهاب الدّين احمد بن علي ابن حجر عسقلاني م ٨٥٢ ، در ٣٩ صفحه . نسخه در زمان حیات مؤلف بخط شاگردش ابو البرّ قادری نوشته شده ، ودر آغازش گفته :« كتاب الأربعين المتباينة لشيخ الاسلام حافظ العصر ابی الفضل شهاب الدّين أحمد بن علي بن محمّد بن محمّد بن علي ابن حجر عسقلاني امدّ الله في حياته وأعاد علينا وعلى المسلمين من بركانه ، رواية كاتبه أبي البرّ يونس بن فارس بن عبدالله القاري » .

١٦ ــ الأربعون الودعانيّة ، در ٤٦ صفحه ، روایت حافظ أبو طاهر سلفی [١] از أبو نصر بن ودعان [٢] در پند وحکمت . نسخه بخط علي بن عبدالهادي بن محمّد بن يحيى عسقلاني شافعي است که نوشتنش را روز جمعه نهم شوّال سال ٧٣٠ تمام کرده .

١٧ ــ الإلمام باحاديث الأحكام ، تأليف : قاضي القضاة حافظ بن دقيق العيد تقي الدّين ابو الفتح محمّد بن علي بن وهب بن مطيع قشيري م ٧٠٢ [٣] در ٢٩٠ صفحه، نسخه‌ایست نیکو و قدیمی و نفیس ، مورّخ سنهٔ ٧٢٥ .

١٨ ــ أُنس المنقطعين ، تأليف : شيخ أبو محمّد معافا بن اسماعيل بن حسين بن حسن ابو الفتح بن أبو السّنان ، در ٣٨٦ صفحه ، باندازهٔ ١٧ × ٢١ س م در دو جلد که هر جلدی دارای ١٥٠ حدیث و ١٥٠ حکایت است . و پر آشکار است که نسخه بخط خود مؤلّف باشد . و مؤلّف خود فقیه و پیشوا وبارع و صالح بوده ، در موصل بدنیا آمده ، فقه آموخته و حدیث شنیده و مفتی شده وتصنیف کرده و اهل مناظره بوده واز تألیفات اوست : کتاب ـ الکامل ـ در فقه ـ و تفسیر البیان ، و الموجز ـ در ذکر . و او بسال ٦٣٠ در گذشته است .

١ــ عماد الدين أحمد بن محمد اصفهانی شیخ الاسلام درگذشتهٔ ٥٧٦ بسن ١٠٦ سالگی ر ك : تذكرة الحفاظ ذهبی ج ٤ ص ٩٠ ــ ٩٩ .

٢ــ محمد بن علی بن ودعان موصلی م ٤٩٤ ، ر ك : المنتظم ج ٩ ص ١٢٧ .

٣ــ ر ك : الدرر الكامنة ج ٤ ص ٩١ ــ ٩٦ ، وشذرات الذهب ج ٦ ص ٥ ــ ٧ .

١٩ ــ نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر ، وشرح آن : نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر ، تأليف : شهاب الدّين أحمد بن علي بن حجر عسقلاني م ٨٥٢ ، در ٥٠ صفحه ، در علم درايه و أقسام حديث ، اين نسخه پنجم صفر ١٠٠٥ نوشته شده است .

٢٠ ــ نجوم المشكاة ، (شرح مشكاة الأنوار خطيب تبريزى است) تأليف : علاّمه محمّد صدّيق بن شريف ، در دو جلد : جلد اوّل در ٤٩٠ صفحه ، جلد دوّم در ٤٨٠ صفحه .

٢١ ــ المفاتيح ، (شرح مصابيح السنّة حافظ حسين بن مسعود فرّاء بغوي شافعي م٥١٦) تأليف : مظهر الدّين حسين بن محمود بن حسن زيداني [1] در دو جلد بزرگ ، جلد اوّل در ٥٣٢ صفحه كه در مقدّمه اش انواع حديث را ذكر كرده و آن را بيست نوع قرار داده است ، مقدّمه ايست نيكو و پرقيمت . جلد دوّم داراى ٥١٨ صفحه است .

٢٢ ــ منهج العمّال في سنن الأقوال ، تأليف : علي بن حسام الدّين متّقي هندي ، ساكن مكّه مشرّفه ودر گذشتهٔ همانجا بسال ٩٧٥ كتاب در دو جلد قطور است ، جلد اوّل در ٤٤٠ صفحه ، دوّم در ٤٤٨ صفحه ، و در فصل دوّم اين جلد ، فضايل خلفاى اربعه است .

٢٣ ــ علل الحديث ، تأليف : حافظ كبير ابوالحسن علي بن عمر بن احمد بن مهدي البغدادي الدارقطني م ٣٨٥ . كتابى است بزرگ ، پرارزش ، نفيس ، گرانبها ، در اين كتابخانه از مجلّدات آن ، اينها موجود است :

جلد دوّم : ٦٨٠ صفحه ، هر صفحه ٢٥ سطر ، در اين جلد بقيّهٔ مسند ابوبكر است ، سپس مسند عمر وعثمان ، سپس مسند مولى اميرالمؤمنين ، بعد بقيّهٔ عشرهٔ مبشّره ، بعد گروهى ديگر از اصحاب ، نسخه بسيار عتيق و قديم است واز نسخه‌اى نقل شده كه تاريخش ٧٠٨ است .

جلد سوّم : ٥٠٢ صفحه وتمامش مسند ابوهريره است .

١ــ در گذشتهٔ سال ٧٢٧ ، چنانكه در ــ كشف الظنون ــ است در بحث از كتاب «المصابيح».

جلد پنجم : ٥٣٨ صفحه ، از حديث يزيدبن شجره از حر از از پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله وسلم آغاز ميگردد وپس از آن مسند زنان صحابى است وبه مسند خوله بنت حكيم، كتاب تمام ميشود .

جلد سوم وپنجم اين كتاب در كتابخانهٔ آصفيهٔ حيدرآباد نيز هست .

٢٤ ـ تجريد الكشّاف [1] مع زيادة نكت لطاف ، تأليف : ابوالحسين علي ابن محمّد بن قاسم بن محمّد بن جعفر بن محمّد بن حسين بن جعفر بن حسين بن احمدبن يحيى بن عبدالله بن امام المنصور بالله يحيى ابن امام الناصر لدين الله احمد ابن امام الهادي إلى الحقّ يحيى بن الحسين ابن امام ترجمان الدّين قاسم بن ابراهيم بن اسماعيل بن ابراهيم بن حسن بن حسن بن علي بن أبي طالب عليه السلام .

مؤلّف جليل القدر دراين كتاب كشّاف زمخشرى را از زوايد پاك كرده وبر آن نكات و لطايف ودقايقى افزوده و كتاب در دوجلداست : جلد اوّل ٤٥٠ صفحه هـر صفحهاى ٣٣ سطر باندازهٔ ٢١ × ٣١ س م ، و جلد دوّم از « سورهٔ مريم » است تـا آخر قرآن كريم ، در ٤٠٢ صفحه بهمان اندازه . ومؤلّف بسال ٧٦٩ متولّد وبسال ٨٣٧ در گذشته ، به (البدر الطالع) رجوع شود .

٢٥ ـ الكواكب الدراري في شرح صحيح البخاري ، تأليف : شمس الدّين محمّد بن يوسف بن علي بن محمّد بن سعيد كرماني در گذشتهٔ ٧٨٦ . از تأليف آن بسال ٧٧٥ در مكّه مكرّمه فراغت يافته و كتاب در سه جلد است : اوّل ٤٣٧ صفحهٔ ٢٧ سطرى بقطع ٢١ × ٢٩/٥ س م ، وآنرا عبدالرحيم بن صالح نوشته وبسال ١٠٦٣ تمام كرده است .

جلد دوّم : آغازش ـ كتاب الصّلاة ـ است و به باب ـ اعتكاف مستحاضه ـ ختم ميشود ، داراى ٥٤٦ صفحه بهمان اندازهٔ جلد اوّل .

جلدسوّم : از كتاب ـ شفعه ـ آغازميگردد تاآخرصحيح بخارى كه بابى است در بارهٔ اين آيه : « و نضع موازين القسط ليوم القيامة » داراى ٧١٠ صفحهٔ ٢٩ سطرى،

---

١ ـ « الكشاف عن حقايق التنزيل» تفسير علامه ابوالقاسم جارالله زمخشرى است م٥٣٨ .

بقطع ۲۰/۵ × ۲۹ بخطی بسیار خوش و نرم.

۲۶ ـ الکوکب المنیر شرح الجامع الصغیر، تألیف: ابو عبدالله محمّد بن عبد الرّحمن علقمي شافعي مصري در سه جلد بدینگونه:

جلد نخستین: در ۷۸۰ صفحه.

« دوّمین: در ۳۸۲ «



« سوّمین: در ۷۹۰ «



تاریخ تمام شدن نسخه روز چهار شنبه ۱۱ شوّال ۱۱۰۶ میباشد.

۲۷ ـ التهذیب ـ در تفسیر، تألیف: امام حاکم أبو سعید محسن بن کرامهٔ بیهقي جشمي. کتابی است بزرگ در چندین جلد، در ذیل هر آیه‌ای از این پنج وجه بحث میکند: قرائت، لغت، اعراب، معنی، احکام.

تفسیری‌است‌پرسود، حاوی مطالب رخشنده، مادّه دار، نیك‌اسلوب، خوش روش و بدین ترتیب که بیان میشود:

جلد اوّل: از «سورهٔ فاتحه» است تااین آیهٔ آخر «سورهٔ بقره»: «لا یکلّف الله نفساً إلاّ وسعها» در ۳٦٤ صفحهٔ ۳۰ سطری، باندازهٔ ۲۳/۵ × ۳۱/۵ س م این جلد بخط یکی از معاصران مؤلّف است ودرآخر نسخه ۹ بیت است از کاتب در ستایش تفسیر و مؤلّفش.

جلد دوّم: یافت نشده.

جلد سوّم: ۳۳۲ صفحه بقطع جلد اوّل، تاریخ کتابتش محو شده همچون جلد اوّل.. وازاین آیه: «ان یدعون من دونه إلّا اناثاً» آغاز و باین آیه: «قال فاهبط منها فما یکون لك أن تتکبر فیها فاخرج انّك من الصّاغرین» ختم‌میشود.

جلد چهارم: یافت نشده.

جلد پنجم: ۳٦۸ صفحهٔ ۳۰ سطری بقطع: ۲۳/۵ × ۳٤/۵ س م، از اوّل «سورهٔ یونس» است تا این آیه از «سورهٔ بني اسرائیل» ـ «و لقد صرفنا في هـذا القرآن لیذکّروا».

جلد ششم : ٥٢٨ صفحهٔ ٢٥ سطری بقطع ١٨/٥×٢٣ س م از این آیه : « و لقد صرفنا في هذا القرآن ليذكّروا » تا « سورهٔ شعراء » و نسخه بسیار قدیمی است و در آخرش چنین است : « تمّ المجلّد السادس من التهذيب في التفسير بمنّ الله و عونه ، ويتلوه في السابع سورة الشعراء ، و فرغ من نسخه أسعد بن يحيى بن أسعد الفضلي في النصف من شهر رجب المعظّم من شهور سنة سبع و عشرين وسبعمائة ».

جلد هفتم : از « سورهٔ شعراء » است تا « سورهٔ صافّات » در ٥٦٠ صفحهٔ بقطع جلد ششم .

جلد هشتم : از « سورهٔ صافّات » است تا « سورهٔ ممتحنه » در ٥٤٠ صفحهٔ ٢٩ سطری بقطع ٢٣/٥ × ٣١ س م و در آخرش این عبارت است : « تمّ الكتاب بحمد الله العزيز الوهّاب و ذلك بعناية سيدى الوالد الفقيه العلامة الا كرم الانبل و العلم الاطول محبّ محمّد و آل محمّد محمّد الحسن بن على حبش ، فتح الله عليه و علينا بالعلم و العمل به .

جلد نهم : از « سورهٔ ممتحنه » است تا آخر قرآن کریم ، در ٤٨٤ صفحهٔ ٢٩ سطری بقطع جلد هشتم ، ولی از آخرش تاریخ کتابت واسم کاتب پاك کرده شده ، خداوند جهل و نادانی رابکشد .

کاتب چلپی در کشف الظنون ـ گفته : من نسخه‌ای از ـ التهذیب ـ دیده ام که تاریخ کتابتش ٦٥٢ بوده .

٢٨ ـ تفسير القرآن الكريم ، تأليف : شيخ نور الدين على بن ناصر مكى شافعى م ٩١٥ ، از این کتاب در کتابخانه خدابخش فقط جلد پنجم است در ٥٠٩ صفحهٔ ٢٧ سطری بقطع ١٨×٢٦ س م ، از آیهٔ ٥٩ از « سورهٔ نساء » شروع وتا « سورهٔ مائده » تمام میگردد . کتاب بسیار بزرگ است ومؤلّف گاهی بمطالب دوردستی میپردازد که وی را ازموضوع تفسیر دور میکند و کتابش رابصورت یك مجموعهٔ پهناور تاریخی وعلمی واخلاقی با أرج درمیآورد .

٢٩ ـ زاد الاحباب في مناقب الاصحاب ، تأليف : ملك احمد بن ملك پير محمّد

فاروقی ، مؤلّف این کتاب را بسال ۱۰۶۹ تألیف کرده و آن دربارهٔ خلفای اربعه‌است، برای هر کدام ، یکباب و چند فصل قرار داده ، و کتاب دارای ۷۵۲ صفحهٔ ۱۵ سطری‌است بقطع ۲۲/۵×۲۹ س م . علامه امینی تمام این کتاب را خواند و بما فرمود که باب‌چهارمش را که دربارهٔ مولی امیرالمؤمنین است بنویسیم ، پس همهٔ آن باب را حاج شیخ رضای امینی استنساخ کرد .

۳۰ ـ الاکتفاء في فضل الأربعة الخلفاء ، تألیف : شیخ ابراهیم بن عبد الله وصّابی یمنی شافعی ، از دانشمندان مشهورقرن هفتم . کتابی است اعجاب آمیز و پر فایده ، متضمن چهار کتاب است چه برای هر خلیفه کتابی جدا قرار داده بنام مخصوصی و کتاب‌چهارمش‌دربارهٔ‌امام‌امیر‌المؤمنین‌علیه‌السلام است که آنرا ـ اسنی‌المطالب في‌فضل علي‌بن‌أبيطالب ـ نامیده ودارای ۲۰باب و۱۶۴ فصلش قرار داده است ، بیشتر این کتاب را نیز حاج شیخ رضا امینی استنساخ کرد .

از این کتاب نسخه‌ای هم در کتابخانهٔ آصفیّهٔ حیدرآباد هست .

این بودپاره‌یی مختصر واندکی‌ازآنهمه‌آثار ونفایسی که‌در این کتابخانهٔ‌عظیم عمومی اسلامی (کتابخانهٔ خدابخش ـ پتنه) وجود دارد وزیر نظر جمعی از استادان وادیبان ارجمند همچون :

حضرت استاد قاسم حسن .

حضرت استاد اطهر مشیر .

جناب مفضال‌سید احمد حسینی جوهر نظامی .

استاد منظر حسن .

استاد شمشیر جنك .

اداره میگردد و اینان با کارهای شایسته و فکر پخته و کوششهای سخت و مجاهدهٔ خویش ، این کتابخانه را زیر نظر گرفته و در راه‌پیش آوردن آن‌اهتمامی نیکو ورزیده‌اند که پیوسته بر این خدمت عمومی سپاسگزاری خواهند شد . و ما در مدت اقامت خود در آن سامان هرچه از این بزرگواران دیدیم همه مایهٔ فخر و

مباهات بود ، باید باین مردان و امثالشان که در راه خدمت بعالم انسانیت‌وهمکاری با اشخاصی که بسوی آن مراکز علمی کوچ میکنند گام میزنند همواره مباهات کرد وسربلند بود ، ما همراه‌سپاس خود نسبت برفتار نیك وپسندیدهٔ آنان‌ازخدای علیّ قدیر مسئلت میکنیم که‌آنان را کمك و یاری دهد تا این گنجهای کهن‌اسلامی را زنده نگهدارند و پیوسته همراه روزگاران دراز جاوید وپایدارش بدارند .

﴿بازگشت بگزارش سفر﴾

شب پانزده ذیقعده میخواستیم شهر زیبای پتنه را ترك گوئیم ، بعد از اینکه در این شب با پژوهشی جلیل سید سرسلطان احمد [۱] شام خوردیم ، ودر مجلس وی باگروهی از شخصیّت‌های مبرّز شهر از طبقات مختلف آشنا شدیم که وی آنان را بخاطر علامه امینی دعوت کرده بود . و در میان آنان استاندار و حاکم عمومی - گورنر [۲] منطقهٔ (بهار) سید ذاکر حسین ، رئیس سابق دانشگاه علیگر نیزحضور داشت ، و جمعی از رؤسای ادارات و رجال رسمی و استادان بزرگ دانشگاه پتنه بودند .

علامه امینی در آن محفل مهم و با حضور آن جمعیت در بارهٔ (کتابخانهٔ عمومی خدا بخش) بحثی سرشار کرد و موقعیّت کهن وعالی واهمیّت آثار ونوادر آن‌را تذکار داد ، وبرتریّتش را بر تمام کتابخانه‌های فراوان آن دیار ثابت‌نمود ، و امتیازات این کتابخانه را که بهیچ قیمتی درنمیآمد روشن کرد ، و همگان را بر بزرگداشت کتابخانه و کوشش برای حفظ وپیشرفت آن ورفع موانع کاراشخاصی که هم اکنون اداره‌اش میکنند ترغیب وتحریك کرد . و یاد آور شد که حکومت باید جدّ وجهد بلیغی مصروف دارد ویك ساختمان نوین و معظّمی با متد جدید و کیفیّتی در خور این کتابخانه عظیم بسازد .

---

۱ ــ وی‌که از وکیلان فاضل و سالخوردگان دانای آن دیار است خودکتابخانه‌ای‌دارد دارای سه هزار جلدکتاب‌که تمام در حقوق است .

۲ ــ Governer

این بحث سرشار که ازقلب مصلحی آزاده وبزرگ تراوش کرد همگان راخوش آمد ، و در نفوس همه تأثیر ونفوذی عجیب کرد ، و حاضران همه از علامه امینی ـ این ناصح امین ـ تشکّر کردند و او را بر این ارشاد سودمند و راهنمائی بلند قدر تقدیر وستایش نمودند . وحضرت حاکم عام وعده داد که این آرمان عالی را جامه عمل بپوشاند ، وآنچه مایهٔ خشنودی خاطر علامهٔ امینی است بزودی انجام دهد ، و این کتابخانه را بنزدیکی ، بصورت یکی از مفاخر مسلمانان جهان درآورد .

پس از تمام شدن این محفل وتودیع باحاضران بطرف لکهنو حرکت کردیم، ساعت ۸/۵ روز سه شنبه ۱٦ ذیقعده در ایستگاه لکهنو پیاده شدیم ، حضرت علامه حجـّة الاسلام سید محمّد سعید عبقاتی (۱) وجناب مهاراجا کمار امیراحمد محمّد حیدرخان در انتظار ما بودند .

ما با تجلیل و احترام ومهربانی تمام ، چند روزی مهمان امیربودیم ، دراین مدّت برای دومین بار کتابخانه ها و مراکز علمی فراوان این‌شهر را زیارت کردیم و علامه امینی در هر کدام از آن مراکز ، برای اساتید و مدرسان هیأتهای مدیره وکارمندان ، سخنی کوتاه ومفید القا میکرد ، و آنان را بر پشتکار داری نسبت به گسترش دروس عالی اسلامی بزبان عربی وفارسی تحریض مینمود ، ونسبت بقیام در راه نهضت علمی وپیگیری مجاهده و تلاش برای احیای دین مقدس اسلام سخن میگفت ، و مردم را به یکتا پرستی و یگانگی و وئام و اتّحاد و همآهنگی سخت دعوت میکرد (۲) .

---

۱ ــ حجة الاسلام سیدمحمدسعیدالمله‌فرزند علامه مجاهدکبیرحضرت‌سیدناصر حسین‌هندی فرزند علامهٔ اعظم و عالم مجاهد مؤید وکم مانند حضرت میرسید حامد حسین هندی نیشابوری‌م ۱۳۰٦ . صاحب‌کتاب عظیم « عبقات الانوار » .

۲ ــ علامه امینی خود از طرفداران پرشور و پراخلاص وحدت اسلامی و مصالح‌مسلمین است و برای اعتزاز شرق و اسلام میکوشد او را دانشمندان مسلمان و برخی از اساتید مصر « عالم امین » خوانده اند . ولی وحدتی راکه علامه امینی و بقیهٔ علمای متقی و مجاهد و پاك دامن و مبارز شیعه میخواهند بوجود آورند ، و حدتی است اساسی برمبنای وحدت اسلامی و←

این چند روزهم گذشت و ما شب پنجشنبه ۲۵ ذیقعده بسوی بمبئی حر کت کردیم ، در ایستگاه لکهنو که حر کت میکردیم گروه زیادی از دانشمندان مشهور وخطبا و اعیان و وجوه شهر ، برای تودیع علامه امینی گردآمده بودند. وبرزبان همه تقدیر وستایش وتشکری که شایسته حضرت علامه بود جاری بود . وهمه رنج و مشقت این مسافرت فراموش نشدنی را که تمام برای مصلحت اسلام ومسلمین وبه نفع دانش و اهل دانش صورت گرفت سپاس میگفتند و آرزو میکردند که از این همه ثمره و نتیجه ، دانشمندان بیدار و فرهنگدوستان شریف و آزموده بهره ور گردند .

بامداد شنبه ۲۷ ذیقعده به بمبئی رسیدیم وبمهمانی جناب ست داود اسماعیل مدیر (سی فیس هتل) در آن هتل اقامت کردیم ، و در خلال این چند روز علامه امینی مقدار زیادی از کتاب «مفتاح النجا» تألیف علامه یگانه میرزا محمّد بدخشی (صاحب «نزل الابرار» و «تحفة المحبین» وتألیفات با ارزش دیگر) را نسخه برداشت وبقیه کتاب را در حیدر آباد نوشت وآنرا تمام کرد .

← وحدت قرآنی ووحدت سنت نبوی که امت را بقرآن واهل بیت پیامبر دعوت کرده است وحفظ عزت و حرمت وحریت مسلمین را در اجرای مرامنامهٔ علی شناخته است (باحادیث این باب در الغدیر رجوع شود) و خلاصه این وحدت برمبنای اظهار حقایق دربین امت ومخصوصاً نسل جوان و توافق نسبت بآنهاست نه وحدت سیاسی که استعمار چپان بدست عمال خود آنرا اعلام کنند ووقتی نتیجهٔ مطلوب راگرفتند آنرا بهم زنند چنانکه دریك گوشهٔ از کشورهای اسلامی داد وحدت و تقریب میزنند ودر گوشهٔ دیگر گروهی شیعه بیگناه را بدست پلید عمال خود و بوسیله گروهی سنی جاهل باسم مخالفت با روضه و عاشورا بکشتن میدهند و خونها میریزند چنانچه در روز عاشوراء امسال ۱۳۸۳ هجری هفتصد نفر مردم بی گناه از شیعیان آل محمد در پاکستان بجرم عزاداری کشته گردید و مسلمین با حقیقت تمام دنیا را حزین و غمین نمود ، لکن وحدتچیان و تقریب طلبان هیچ به پیرامن صحبت ازاین ماجرای خونین نیامده ، وآنرا منافی مرام خودشان ندیدند ، و حادثه دلگداز به این مهمی را نشنیده گرفتند - فاعتبروا یا اولی الابصار .

وحدت و تقریب این نیست ، وحدت آنست که جانها را بولای علی گرم کنیم و با روشن کردن حقایق همراه چشمهٔ خورشید بسوی ظلمتهای اسلام پیش رویم . اگر با اظهار حقایق نتوان کاری کرد باکتمان حقایق هم نمیتوان گامی پیش هشت . ما بامید اینکه جانها بشعلهٔ ولای علی مشتعل گردد و فلسفهٔ زندگی ساز تشیع همه جا دانسته شود پیش میرویم ، مجلدات (الغدیر) هم بدین آرمان بزرگ و انسانی در جهان انتشار میبابد ... والله الموفق .

سپس ساعت ۸ صبح سوم ذیحجه ، بهمراهی خطیب مفضال سید عباس رضوی لکهنوی با هواپیمای شرکت سیاحتی هند بسوی حیدر آباد پرواز کردیم و ساعت ۱۰/۵ صبح بحیدر آباد رسیدیم . در فرود گاه حیدر آباد گروهی از وجوه و اعیان شهر برای استقبال حضرت علامه امینی حاضر شده بودند .

- ۹ -

﴿ حیدر آباد دکن ﴾

حیدر آباد مرکز یك منطقهٔ اسلامی است در شبه جزیرهٔ دکن ، که‌ازجنوب شرقی بمبئی بفاصلهٔ ۷۲۰ کیلومتر ، و شمال غربی مدراس بفاصلهٔ ٤۹٥ کیلو متر واقع شده .

شهر پهناوری‌است که پایتخت کشور دکن‌است ، که مملکت نظام خـوانده میشود . حیدر آباد شهری دارای هوای آزاد وخوش منظره‌است و بخیابانهای‌قشنگ مرتب و باغستانهای شاداب خرّم زینت یافته است ، و از دو طرف بکوههای بلند احاطه شده و در دامنه‌آنها بیشه‌های بزرگی واقع است که پهنه‌های وسیعی آنها را بشهر پیوستگی میدهد . واین اراضی اگرچه تمام قابل کشت و زرع‌است ولی‌مقدار زیادی ازآنها همینسان بی بهره و موات مانده و مورد استفاده قرار نگرفته است و زمینهائی که بدست کشاورزی احیا شده شامل زراعت گندم ، جو ، پنبه ، برنج ، نباتات روغنی ، قلقاس فرنگی و... میباشد .

حیدرآباد مقدار زیادی کارخانه و شرکتهای صنعتی دارد برای ساختن‌انواع واقسام چراغ ولامپ برق و بافتن پارچهٔ حریر و نخی و پشمی وکارخانه‌هایی کـه وسایل دیگر زندگی را میسازند . وبواسطهٔ‌همین کارخانجات صنعتی ، شهری‌تجارتی و پر انتاج است که فرآورده‌هایش را به بیشتر شهرهای هند میبرند .

ونیز حیدرآباد بواسطهٔ مظاهر اسلامی و دینی و مجامع علمی و مؤسسات

خیریّه و کتابخانه‌های عمومی و مدارس مهم و مراکز گوناگونی که دارد بر بقیّهٔ بلاد هند امتیاز دارد .

وازتمام اینها مهمتر از نظر نام و شهرت ، دانشگاه عثمانی است .

﴿ دانشگاه عثمانی ﴾

شهر حیدرآباد ، درمیان مراکزعلمی جهان ، بیك موقعیت‌علمی‌قابل‌توجّهی اشتهار یافته و این اشتهار بواسطهٔ دانشگاه بزرگ‌عثمانی است که نیم قرن‌ازتأسیس آن میگذرد ودر خلال این‌مدّت خدمتهای گرانبهائی انجام‌داده و بطرف انسانیّتهای بزرگ ودانش وادب‌وفضیلت گامهاپیش‌هشته، و گروهی ازنوابغ واستادان‌متخصّص و صاحبان علوم عالیه در رشته‌های مختلف بیرون داده است .

این دانشگاه (که مایهٔافتخار شرق است) درسال ۱۹۱۹ م تأسیس شده وآن را جناب امیر عثمان علیخان ساخته وبرپا کرده است ، ثروت هنگفتی در راه آن صرف کرده و زمینهای پهناوری را بدانشگاه اختصاص داده که مشتمل بر بیشتر از ٤٠ ساختمان رفیع است که هریك به دانشکده‌ای اختصاص دارد و درآن رشته ای تدریس میشود همچون : پزشکی ، داروسازی ، حقوق ، پلی تکنیك ، ریاضی ، کشاورزی ، بازرگانی ، فنّی و ... و هریك از این دانشکده‌ها دارای یك یا چند شعبه‌است مانند دانشگاههای‌بزرگ‌جهانی . واین دانشکده‌ها نیزهمه‌ببهترین وسایل مجهّزاند و آلات وادوات آزمایش و ماشینها و دستگاههای لازم را در اختیاردارند وهر کدام دارای کتابخانه مستقلّی است که در آن کتابهای همان رشته جمع‌آوری شده است .

و از چیزهاییکه واجب است گفته شود ، موضوع اعجاب‌آمیزی است که‌در دانشکدهٔ فزیولوژی حیوانی که زیر نظر جناب دکتر میرمهدی علی اداره میشود دیدیم ، وآن‌عبارت بود از نمایشگاه بزرگ و باعظمتی که بیشتر از ٤٠٠ نوع از انواع مختلف حیوانات برّی و بحری درآن جمع‌آوری شده بود . درآنها عجایب

وغرایب حیرت انگیزی است که همه آیات و نشانه‌های توحید صحیح است ، آنهارا بطریق فنّی خشك کرده و در ویترینهای شیشه‌ای ببهترین ترتیب جا داده بودندتا دانشجویان درسهای عالی خود را با آنها تطبیق وآزمایش کنند ، و از درختان زیبا و بزرگ نیز نمایشگاهی درآن دانشگاه ترتیب داده شده است .

﴿ کتابخانهٔ عمومی دانشگاه عثمانی ﴾

این کتابخانه یکی دیگر از گنجینه‌های فاخر شرق است ، همراه همان دانشگاه عثمانی تأسیس شده و بنام آن اشتهار یافته و بشتاب پیشرفت نمایانی کسب کرده است تا اینکه مقدار کتب آن به ١١١٠٠٠ جلد رسیده ، در رشته‌های مختلف علوم وفنون بزبانهای عربی ، فارسی ، هندی ، اردو ، ترکی ، انگلیسی ، فرانسه ، سانسکریت ، آلمانی و غیر آنها .

و در این کتابخانه مقدار با اهمیّتی ازآثاردرخشان اسلامی است که عبارت باشد از حدود ٦٠٠٠ جلد نسخه خطی بلغات مختلف ، که از آنجمله قسمت زیاد و فاخری (مصاحف) است وهم کتب حدیث و تفسیر و تاریخ بخطوط خطاطان مشهور که همه در ویترینهای آینه‌ای قرار داده شده و در منظر هر مسافر و وارد و سیّاح و تماشا گر میباشد .

این مؤسّسهٔ علمی بهمّت گروهی ازمردان خیر وصلاح بزیور پیشرفت وترقّی آراسته شده که برای پی ریزی وتوسعهٔ آن ، ثروت ونفایس خود را داده ودر برابر این اقدام هیچ چیز را باارزش نیافته‌اند وحتّی کتابخانه‌های خصوصی خودرا وقف آن کرده‌اند که اشخاص نیکوکار ذیل ازاین گروه میباشند :

مرحوم نواب سالار جنگ که ٣٠٤٦٤ جلد کتاب وقف کرده .

« سیدسراکبر حیدری که٤١٧٥ « «

« نواب سرور الملك که ٢٩١٢ « «

وهمینطور گروههای دیگری از مردان علم و فضیلت و طالبان خیر و باقیات صالحات .

علّامه امینی مقدار زیادی از نفایس این کتابخانه را مورد نظر قرار داد و از آنها باز مدارکی برای مجلّدات آتیهٔ کتاب (الغدیر) بدست آورد .

واز آثار بزرگ این حیدرآباد کتابخانهٔ آصفیّه است :



﴿کتابخانهٔ عمومی آصفیّه﴾

این کتابخانه یکی دیگر از کتابخانه‌های عمومی عظیم وآباد هند و از خزائن پر نادره است ، دارای ساختمانی است عظیم و بلند در میان صحنه ای بزرگ و با جلال و سر ریز از گلها و شکوفه‌هاوریاحین ، شماره کتب آن بیش از ۱۲۵۰۰۰ جلد است در علوم گوناگون بلغات مختلف . ودرمیان آنها مقدار زیادی کتب قدیمی خطی است که به ۱۶۲۰۶ جلد میرسد درحدیث است و فقه وتاریخ بلغات عربی ، فارسی ، ترکی و اردو . ودرآنها نسخه‌های ثمین وپر ارزشی است که بخط حفاظ و علماء و مشهور ترین خط نویسان است ودرآن کتابخانه قرآنی است بخط ابوالدر یاقوت مستعصمی ودرآخر نسخه این عبارت است : « کتبه یاقوت المستعصمی في سنة احدی و ستین وستمائة حامداً لله تعالی » ودرصفحهٔ آخرش چندین مهر ازسلاطین قطبشاهی است.

اینك مقداری از نفیس‌ترین نسخه‌هایی که در این گنج باستانی وجود دارد بر میشماریم :

۱ ـ الکافي ، تألیف : حاکم شهید محمّد بن محمّد بن احمد مروزي بلخي حنفي م ۳۳٤ ، بخط امام حافظ ابوبکر احمد بن محمّد بن احمد دامغاني حنفي انصاري . ازنوشتن نسخه بسال ٤۱۷ فراغت یافته .

۲ ـ العلل المتناهیة في الأحادیث الواهیة ، تألیف : حافظ ابو الفرج عبدالرحمن ـ ابن الجوزی م ٥۹۷ نسخه بسال ۱۱۱۹ نوشته شده ، و نسخه‌ای ازآن نیزدر کتابخانهٔ دانشگاه عثمانی است .

ما ازاین کتاب قسمتی استنساخ کردیم ، کسیکه براین کتاب وقوف یابدابن جوزی‌را درست میشناسد واز روحیات پست‌وخویهای دون و افکار مبتذل ومذمومش آگاه میشود ، صفحات‌این کتاب‌ابن‌جوزی‌راآشکار میسازد که این مرددشمن‌خاندان پیامبر بوده و هیچ خوش نداشته که‌آنان را به نیکی یاد کند ، احادیث صحیحی‌را که درفضیلت‌آنان رسیده باحیله‌های خنك وبیانات‌سخیف‌تکذیب میکند وعصبیّت کورکورانه او را از اصول فنّ حدیث خارج کرده ، ودر مهلکه های باطل سرائی افکنده ، ووی را به پرتگاه شقاوت ، وزیاده روی درسخن ، و بددهنی ، ودوررفتن از منطق صحیح کشانده است .

۳ ـ الأربعين حديثاً ، تأليف : ملاّ علي بن سلطان محمّد هروي قاري حنفي ، ساکن مکّه مکرّمه ، م ۱۰۱٤ .

٤ ـ الأربعين حديثاً ، تأليف : حافظ ابوزکریّا محیی‌الدّین یحیی‌بن‌شرف نوري دمشقي شافعي ، م ٦٧٦ .

٥ ـ المصنّف ، تأليف : حافظ کبیر ابوبکر عبدالله بن‌محمّد بن أبي شيبهٔ كوفي، یگانه مرد میدان صحیح شناسی در حدیث ، مسلم نیشابوری صاحب « صحیح» ازاو ۱٥٤۰ حدیث نقل کرده است . وی بسال ۲۳٥در گذشته ، کتاب ـ المصنّف ـ او در ۷ جلد بزرگ‌است، چنانکه‌درشمارهٔدوّم مجلّهٔ کتابخانه، صفحه٥۳،٥٤نیز گذشت.

٦ ـ شرح‌غریب‌الحدیث ، تألیف : علي‌بن یوسف‌نوقاني ، مؤلّف دراین کتاب احادیثی‌را که در کتاب « جامع الاُصول »[1] ذکرشده شرح کرده است ، الفـاظ احادیث را گرفته و آنها را بترتیب حروف مرتّب کرده و هر حرفی را بابی جدا قرار داده است . آغاز کتاب چنین است :

« بسم الله الرّحمن الرّحيم وبه‌الحول والقوّة ، الحمد لله شكراً على‌نواله، والصّلاة على رسوله محمّد وآله » کتاب دارای ٥٢٦ صفحهٔ ۱۹ سطری است .

۷ ـ صحیح بخاری ، سرآمد شش صحیح اهل سنّت که مشهور دایر است .

---

۱ ـ تألیف : ابن‌اثیر ابوالسعادات مبارك بن محمد جزری شافعی م ٦٠٦ .

این نسخه در ۹۸۲ صفحه است ، باندازهٔ : ۲۲ × ۳۰/۵ ، هر صفحهٔ ۲۹ سطری ، بخطّی نیکو وزیبا و درآخر نسخه چنین است :

« کتبته امة الله اسماء بنت عبد الله بن‌عبد الرحیم بن نصرالله ، تاریخ کتابتش خوانده نشد ولی آثارقدمت درنسخه پیداست . واسماء بنت عبد الله همان زن‌حدیث دان و صالح وصاحب خط است ، او را مشایخ زیادی در حدیث بوده و ۲۶ استاد از بزرگان حدیث بوی‌اجازهٔ روایت حدیث داده‌اندبسال ۸۶۷ در گذشته وشرح‌حالش در کتاب « الضّوء اللاّمع » سخاوی هست .

۸ ـ الکوکب الدّری‌المستخرج‌من کلام النبیّ العربیّ ، تألیف : ابوالعباس احمد بن معد اقلیشي م ۵۴۹ کتاب بترتیب حروف و دارای ۱۷۲ صفحه است ، و از احادیث طرفهٔ کتاب اینهاست :

« إذا أحبّ احدکم أخاه فلیخبره انّه یحبّه »

ـ هرکدام از شمابرادر دینیش‌را دوست‌داشت بدو خبر دهد که‌دوستش‌دارد .

« إذا سمّیتم محمّداً فلا تضربوه ولاتحرموه »

هرکس را « محمّد » نامیدید ، دیگر اورا مزنید ومحرومیّتش مدهید .

« أنا أولی بالمؤمنین من أنفسهم ، فمن توفي من المؤمنین فترك دیناً فعليّ قضاؤه ، و من ترك مالاً فلورثته »

من ازخود مردم باایمان سزاوار ترم که در همه کارشان تصرّف کنم ، بنا بر این هر کس از آنان در گذشت و دینی داشت وظیفهٔ من است که دینش را ادا کنم ، و چنانچه مالی بجای گذارد باید بدست باقی ماندگانش سپرده شود .

ما باین حدیث و امثال آن ، نظر زعمای روحانی امت را جلب میکنیم ، همانان که از هر قطر و ناحیه و هر راه دور و نزدیك و هر شهر و دهکده اموال بسویشان سرازیر میشود . وبعنوان ولایت عامّه تامّه‌ای که گمان میکنند هر گونه میخواهند در آن تصرّف مینمایند ، آنان کجایند و سنت پیامبر کجاست ؟ آنان کجایند و سیره و رفتار ائمّه طاهرین و سنّت و روش غیر قابل تبدیل خداوندی

کجاست ؟ آیا دیون مستمندان مردگان اهل ایمان در لیست مصرف وجوه نامی دارد ؟ یا به هیچ وجه مورد بحث هم نیست ؟

۹ ـ معرفة علوم الحديث ، تألیف : حافظ ابو عمرو عثمان بن عبد الرحمن بن عثمان شهرزوری شافعی ، معروف به ـ ابن الصلاح ـ م ٦٤٣ ، کتابی است با ارزش در علم درایه وحدیث شناسی ، دارای ۳۲٤ صفحه بخطی نیکو . ونسخه دیگریست بسیار قدیم بخط شاگردمؤلّف : محمّد بن ابوالحسن عبد الله دمشقی صالحی ، که آن را با ملاء و دیکتهٔ استادش همان مؤلّف نوشته و استاد را باین جملهها دعا کرده : « وفّقه الله ، وأسعده بطاعته في العشي والصّباح» .

۱۰ ـ استجلاب ارتقاء الغرف بحبّ اقرباء الرّسول ذوي الشّرف، تأليف: حافظ حجّت شمس الدين ابو الخير محمّد بن عبد الرحمن بن محمّد بن ابوبکر سخاوی شافعي ساکن حرمین (مکّه ـ مدینه) متولّد ۸۳۱ و در گذشتهٔ ۹۰۲ ، کتاب در ۷٤ صفحهٔ ۲۹ سطری است و پر فایده و ارزشدار و نفیس است ، بیشترش را علامه امینی بدست خود نوشت .

۱۱ ـ تلخيص البيان ، رسالهٔ کوچکی است در بارهٔ علامات مهدی موعود ، تألیف : متّقي علي بن حسام الدين قرشي هندي ساکن مکّه مکرّمه و در گذشتهٔ همانجا بسال ۹۷۵ ، صاحب کتاب « کنز العمال » و «منهج العمال في سنن الأقوال» وتألیفات با ارزش دیگر .

۱۲ ـ فردوس الأخبار ، تألیف : حافظ ابو الشجاع شيروية بن شهردار دیلمی م ۵۰۹ در ٤۱۵ صفحه .

ما در مسافرتهای خود برچندین نسخه ازاین کتاب پر ارج وپرقیمت وقوف یافتهایم ، در کتابخانههای عراق و ایران وهند ، وهیچ نسخه کاملی ازآن مانند این نسخه که در کتابخانهٔ «آصفیه» است ندیدیم این نسخه بهترین وصحیحترین نسخهای است که تاکنون از این کتاب دیده ایم . وچون نسخه ای که در کتابخانهٔ ناصریّهٔ لکهنو موجود است وهمچنین عمدهٔ نسخههایی که ما از این کتاب دیده ایم از ابتدا




کمبود دارد ما از آغاز کتاب مقداری که در آن نسخه‌ها ناقص است ، از این نسخه نقل میکنیم بقصد اینکه همه نسخه‌های خود را تکمیل وتتمیم کنند :

بسم‌الله الرّحمن‌الرّحیم، انّ أحسن ما نطق به الناطقون ، وتفوّه به الصّادقون و وله به الوامقون ، حمدالله عزّ و جلّ و الثناء علیه بما هو اهله للخبر الوارد عن النبيّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم في ذلك، اخبرنا الشیخ ابوالقاسم بن عبدالعزیز بن علي بن احمد بن الحسین الأنماطي الحزي رحمه‌الله بقرائتي علیه في داره بمدینة السّلام قال: أخبرنا ابوطاهر محمّد بن عبد الرحمن بن العباس بن عبد الرحمن المخلص ببغداد قال : حدّثنا ابوالقاسم عبدالله بن محمّد بن عبد العزیز البغوي ، قال : حدّثنا ابوالفضل داود بن رشید الخوارزمي ، قال: حدّثنا الولید بن مسلم قال : حدّثنا الأوزاعي عن قرّة بن عبد الرحمن عن محمّد بن مسلم الزهري عن أبي سلمة عن ابي هریرة رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم : کلّ امرذي بال لاُ یبدء فیه بالحمد فهو أقطع . محفوظ من حدیث الأوزاعي عن قرّة رواه الناس عنه منهم : عبدالله بن المبارك ، و عبیدالله بن موسی ، والمعافا بن عمران ، و ابوالمغیرة عبد القدوس بن الحجاج ، والولید بن مزید ، وبقیّة بن‌الولید ، وابن سماعة ، و موسی بن اعین ، و عبدالحمید بن أبي العشرین وغیرهم قد ذکرنا طرقه في کتاب التبیان .

الحمدلله الحلیم ، الغافر الرّحیم ، القادر الکریم ، القاهر الحکیم ، الفاطر خالق الأرض و السّماوات ، رافع الجبال الشامخات ، و جاعل اللیالي و الایّام مکرّرات ، الذي لیس له کفوٌ ولانظیر ، ولامدبّر ولامشیر ، ولاصاحبٌ ولاوزیر ، أحمده علی تواتر آلائه ، و تظاهر نعمائه ، حمداً استوجب به المزید من فضله ، والجزیل من عطائه ، حمداً لایبید ولایفنی ، و أشهد أن لا إله إلّاالله وحده لاشریك له شهادة أرجو بها دار النعیم ، و أنجو بها من عذاب الجحیم ، و أشهد انّ محمّداً عبده و رسوله أرسله من افضل العرب بیتاً وحیّاً ، وفضّله علی العالمین میتاً وحیّاً . صلی‌الله علیه و علی آله أفضل ماصلّی علی الذین اصطفی .

أمّا بعد : فانّي رأیت اهل زماننا هذا خاصّة اهل بلدنا اعرضوا عن الحدیث

واسانيده ، وجهلوا معرفة الصحيح والسقيم ، و تركوا الكتب التي صنّفها الأئمّة قديماً وحديثاً في الفرايض والسنن والحلال والآداب والوصيّة والأمثال والمواعظ . و اشتغلوا بالقصص و بالأحاديث المحذوفة عنها اسانيدها التي لم يعرفها ناقلوا الحديث ، سيّما الموضوعات التي وضعتها القصّاص لينالوا بها القطيعات في المجالس بالطرقات ، أثبت في كتابي هذا عشرة آلاف حديث ، و كثيراً من الأحاديث القصار على سبيل الاختصار ، من الصّحاح و الغرائب و الأفراد و الصحف المرويّة عن النبيّ صلّى الله عليه وآله وسلّم لعليّ بن موسى . وعمرو بن شعيب ، وبهز بن الحكيم ، وأبان بن أبي عياش ، وحميد الطويل وغيرها من مسموعاتي عن مشايخي رحمهم الله سفراً وحضراً في السنن والآداب و المواعظ و الأمثال و الفضايل و العقوبات و غيرها ، و حذفت أسانيدها ، وجدوتها مبوّبة ابواباً على الحروف المعجم ، ومفصّلة فصولاً على حسب تقارب الفاظ النبيّ صلّى الله عليه وآله وسلّم و ذكرت على رأس كلّ حديث منها رواية عن النبيّ صلّى الله عليه وآله وسلّم و سمّيتها [الفردوس بمأثور الخطاب] و خرّجتها على كتاب القاضي أبي عبدالله محمّد بن سلامة بن جعفر بن علي القضاعي المصري إلّا انّه رحمه الله ذكر ألف كلمة ولم يذكر رواتها ، و ذكرت أنا في كتابي هذا بعون الله و قوّته الحديث بالتمام ، ليشتغل بها كلّ معرض عن الحديث ، و مشتغل باشياء لاشيء ، و لعمري انّ من أدمن النظر في كتابي هذا يجد فيه من الفوائد ما لا يجد في عدّة كتب ، و يكون في انفراده له صاحباً ، وبالحزن عن قلبه ذاهباً ، ولنظره إلى الباطل راقباً ، و أنا أسأل الله البرّ الرحيم أن لا يجعله عليّ و بالاً يوم القيامة ، و شرطي مع من نظر في كتابي هذا أن لا يقرأه حتّى يترحّم عليّ و على و الديّ والذي نفعنا الله عزّ وجلّ و ايّاهم به ، و حسبنا الله تبارك وحده و نعم المعين . فبدأت بباب الألف وبالله التوفيق .

الباب الأول : ذكر أحاديث الأوائل :

ابن عباس : أوّل شيء خطّه الله عزّ وجلّ في الكتاب الأوّل : إنّي أنا الله لا إله إلّا أنا ، سبقت رحمتي غضبي ، فمن شهد أن لا إله إلّا الله . و أنّ محمّداً عبده ورسوله فله الجنّة .

عبدالله بن عمر : أوّل شيء خلق الله القلم من نور فأخذ بيمينه .

﴿کتابخانه وموزهٔ سالار جنگ﴾

کتابخانه ای است ارجدار و آباد ، از جمله کتابخانه‌های باستانی ومخزنهای جامع وجاویدان ، و دارای ساختمانی‌است‌بسیار با عظمت وپرشکوه . مقدارزیادی کتب چاپی وخطی دارد ، کتب چاپیش درحدود(٥٢٠٠٠) است ومخطوطاتش بیش‌از ٧٠٠٠ . وهمه‌در رشته‌های‌مختلف وبزبانهای‌عربی ، فارسی ، اردو ، ترکی‌وانگلیسی است . و در کتابخانه غرفهٔ وسیعی است برای نمایش خطهای مشهورترین خطاطان و پاره‌ای از آثار عتیق ونفیس واز جمله دو جامه است که بر هر یك تمام « قرآن کریم » نوشته شده است .

پهلوی عمارت کتابخانه ، ساختمان وسیع و مجلّل وبا شکوه موزه‌است و در آن مجموعه‌ای از اشیاء عتیق و گرانبها که از مرحوم نواب سالارجنگ بجای مـانده موجود است ، و آنها عبارتست از : سنگهای قیمتی ، آویزها ، زیور های که از معدنیات ساخته اند ، نوشت افزار های قدیمی ، مجسّمه های گوناگون که از زیباترین سنگهاساخته‌شده ، وپاره‌ای ازمصنوعات قدیمی که زیبائی‌صنعت وطراوتش چشم را خیره میکند و همه از چوب‌وسفال ومس وفولاد و فلزات دیگر ساخته شده در این موزه مقداری اسلحه و لباسهای جنگی است که همه با پر بهاترین سنگهـا ترصیع شده است ، اینها همه بوسیله ویترینهایی که به بهترین صورت ترتیب یافته در معرض تماشای واردین قرار داده‌شده وبیشتر ویترینها از قرآنهای نفیس‌باستانی و کتب نفیس حدیث و دعا و بعضی دواوین شعر و تابلو های پر بهائی که بخطوط خطّـاطان در قرون گذشته نوشته شده خالی نیست .

واز جملهٔ مظاهر جنبش علمی‌اسلامی در (حیدرآباد) مؤسّسهٔ دائرة المعارف اسلامی است .

﴿ دائرة المعارف اسلامی ﴾

دائرة المعارف ، نام یك موسسهٔ بزرگ علمی اسلامی‌است که مایهٔ اعجاب و شایستهٔ همه گونه تقدیر است . جناب نواب عماد الدین وجمعی ازرجال خیـر آنرا بوجودآورده وجز زنده کردن‌میراث علمی‌اسلامی - که پنهان‌بوده - ونشر نسخه‌های نادر ، و چاپ آثار ومفاخر پرارج پیشینیان ، وابقای نام آنان بر چهرهٔ تاریخ ، و در دسترس عموم قرار دادن فواید و نتایجی را که در دست تألیف در قرون گذشته برای گروه علم ودانش آماده کرده‌است ، هدف ومقصودی نداشته اند . و چه اقدام وخدمت بهره بخشی‌برای علم واهل آن ، از این خدمت بهره بخش تر وبرتراست؟

از تأسیس این مؤسّسهٔ پر اهمیّت ، چندسالی بیش نمیگذرد و در خلال‌این مدّت کوتاه بواسطهٔ انتشاراتش بر مجامع دیگر و سایر دار النّشرهای بلاد شرق تفوّق یافته ، و گنجینه های علمی اسلامی را که در گوشه‌های کهنگی و فراموشی افتاده بوده بیرون آورده ونشر کرده‌است . و این صادقانه‌ترین وعظیمترین خدمت مؤسّسه «دائرة المعارف» است بجهان اسلام ودین وبدینوسیله درسینهٔ تاریخ‌ازخود اثری‌جاودان‌بجای گذارده که‌همراه کوکبهٔ‌ابد یاد میشود وسپاسگزاری‌میگردد .

این مؤسّسه بیك رشتهٔ خاصی از علوم انحصار نداشته ، بلکه بواسطهٔ قدرت علمی اداره کنند گانش ، توانسته در میدانهای علوم وفنون مختلف بیفتد ، و با نشر کتب و معاجم بزرگ و مهمّ که در حدیث ، فقه ، فلسفه ، نجوم ، طب ، تاریخ ، رجال ، ادب ، وآنچه‌بعلوم طبیعی‌مربوط است و ... تألیف‌شده‌بامت اسلام‌تحفه‌های گرانبهائی بدهد .

و از نفیسترین نشریات این مؤسّسه اینهاست :

کتاب	مؤلّف	شمارهٔ جلدها
الجرح والتعدیل	حافظ ابن ابی حاتم رازی م ۳۲۷	۱۰
المستدرك علی‌الصحیحین	» ابوعبدالله حاکم نیشابوری م ٤۰۵	٤

کتاب	مؤلّف	شمارهٔ جلدها
السنن الکبری	حافظ ابوبکر بیهقی م ۴۰۷	۱۰
شرح السیر الکبیر	» محمّد بن احمد سرخسی م ۴۸۳	۴
الجمع بین رجال الصحیحین	» محمّد بن طاهر مقدسی م ۵۰۷	۲
صفة الصفوة	» عبدالرحمن ـ ابن الجوزی م ۵۹۷	۴
المنتظم	» » » » »	۶
تذکرة الحفاظ	» ابوعبدالله ذهبی م ۷۴۸	۴
الدرر الکامنة	» ابن حجر عسقلانی م ۸۵۲	۴
تهذیب التهذیب	» » » »	۱۲
لسان المیزان	» » » »	۶
مفتاح السعادة	طاش کبری زاده م ۹۶۳	۳
کنز العمال	علاءالدین متقی هندی م ۹۷۵	۸

و دهها و دهها کتاب دیگر امثال اینها که همه از منابع علوم و اصول قدیمه و مصادر ومآخذ نفیس بحساب میآید ، واین مؤسّسه اکنون هم با نشاط و میل و کوشش وپشتکار ، زیر نظر هیأتی از دانشوران و ادیبان فاضل باین کار نیك و باقی وتلاشهای سخت خود پیوسته ادامه میدهد .

ما ازنزدیك این‌مؤسّسه را دیدیم واز تمام شؤونش اطلاع یافتیم ، و ازرجال آن نیك بر خوردی و گشاده رویی دیدیم و همینسان ملاقات کردیم . علامه امینی تمام مطبوعات‌این مؤسّسه رابرای کتابخانهٔ نجف (مکتبة الامام امیرالمؤمنین)خرید و اینکار بهمّت دکتر شریف میرمهدی علی تمام شد خدمت او دراین راه فراموش شدنی نیست . ومورد سپاسی بی‌انقطاع است .



تجلیل و بزرگداشت

محفلی برای تجلیل واحترام ازیك شخصیت بزرگ علمی

جمعیت‌های دینی حیدرآباد یك مجلس سرور وبزرگداشت و معارفه بخاطر شخصیت بارزعلمی حضرت علامه امینی تشکیل دادند ، وشخصیت‌های بزرگ اسلامی را از طبقات واقوام وطوایف مختلف بدان محفل دعوت نمودند ، وتشکیل مجلس را با یك آگهی که در تمام شهر پخش شد اعلام کردند .

پس ازتوزیع این اعلامیه ، ساعت ۸ شب هفتم ذیحجه ، در جامع بیت القائم - همان جامع بزرگی که در وسط شهر واقع است - ازدحام برپاشد ، و شخصیت های بارزاسلامی : اساتید ، خطبا ، دکترها و ... همه حضوریافتند ، وپس ازاینکه استاد شریف سید عباس شاه منصوری مجلس را باتلاوت چندآیه از قرآن کریم وبا تفسیر مختصر آن افتتاح کرد ، حضرت دانشمند دکتر سید میرمهدی علی رئیس دانشکدهٔ فیزیولوژی حیوانی در دانشگاه حیدرآباد ، درمحل سخنرانی قرارگرفت وسخنی بلیغ راند ، ابتدا از حاضرین تشکر کرد ، سپس سخن را به بیان شخصیت علامه امینی کشاند ، ودر موردخدمت علمی بزرگی که وی بوسیله کتاب جاوید (الغدیر) بدانشیان امت کرده سخن گفت ، و در بارهٔ قدرت علمی واطلاعات وسیع حضرت علامه وخبرویت وی در مباحث عالی مذهبی و احاطهٔ کاملی که بآثار ونسخ خطی و کتب چاپی دارد ، توضیحاتی داد و سخن خود را بسپاس حاضرین از مقام علامه امینی پایان بخشید .

سپس خطیب توانا واستاد جلیل میراقبال علی زیدی بسخن آغاز کرد و ضمن بیانی سرشار دربارهٔ اهمیت علم ودخالت آن در زندگی سعادتمند انسانی وموقعیت شامخی که عالمان درجهان انسانیت دارند وآثاری که گروه زبدهٔ دانشمندان در راه سعادت امت اسلام داشته وگامهایی که دراین راه بر داشته‌اند گفتگو کرد .

آنگاه بذکر کتاب (الغدیر)پرداخت واثری‌را که در ارواح گذاشته‌واهمیتی راکه در معاهدعلمی کسب کرده وبدان گروه فراوانی راهنمائی شده‌اندیادآورشد.

سپس علامه استاد وخطیب آزموده سید محمّد عسکری‌جعفری (مترجم - نهج البلاغه - بانگلیسی) بپا خاست و سخن را از کتاب - الغدیر - شروع کرد ، و از بحثهای عالی و درسهای مهمّی که در الغدیر هست وقبل ازاین کتاب پر ارج مورد توجّه قرار نگرفته سخن گفت ، وچنین اظهار کرد : اکنون الغدیر یکی ازمفاخر مسلمین و از حسنات روزگار است ، در خلال مجلّدات این کتاب بحثهایی است در قسمتهای مختلف تاریخ‌اسلام وفقه‌وحدیث وادبیات ومذهب که‌اجتماع حاجت‌شدیدی داشت که در آن بحثهای مفید غور کند ، تا اینکه دست امین مؤلّف ، این کتاب را باجتماع ارمغان داد ، کتابی که نشانه های روشن اخلاص وصدق ، وامانت درنقل ، وزیبائی بیان ، ونیروی استدلال ، وقوّت‌احتجاج ، ودقت نظر ، واستحکام فکر ، و نهایت تحقیق ، وفقه تاریخ از اطراف وجوانبش میریزد . و رجال‌علم ازشرق‌وغرب بدروس عالی وبحثهای آزاد ومنطق قوی آن گردن‌نهاده‌اند . آنگاه سخن خود را با اظهار تشکر دانشمندان و فرهنگدوستان و حاضران از حضرت علامه امینی بپایان رسانید .

بعد از اینان ، خطیب سادات و گویندهٔ بلیغ جناب سیدعباس رضوی‌لکهنوی بپاخاست و درآغاز از علامه امینی تقدیر کردو اورا ستایش نمود واز هیأتهای‌دینی که در تشکیل این محفل که بخاطر تجلیل یك شخصیت علمی بر پا شده شرکت کرده‌اندتشکر وقدردانی کرد ، سپس به‌بیان فضائل وفواضل علامه امینی‌پرداخت و در بارهٔ کتـاب (الغدیر) وکتابخانهٔ نجف که بدست آقای امینی تأسیس شده گفتگو کرد .

هنگامیکه جناب سید عبّاس رضوی سخن خود را بپایان آورد ، همگان باصرار ازعلامهٔ‌امینی‌درخواست کردند که‌ایشان سخنی بگویند وبدان وسیله محفل

هم را پایان بخشند .

این بود که علامه امینی بسخن آغاز کرد و پس از حمد و ثنای پروردگار و درود بر پیامبر و آل پیامبر از همه حاضرین واعضای جمعیت‌های دینی تشکر نمود و احساس وشعور دینی وروح سعید اسلامی آنان را ستود و بیش از ۲/۳ ساعت ، در موعظه ونصیحت آنان سخن گفت ، و همه را بچنگ زدن بمبانی اسلام ، و اهتمام ورزیدن به حدود و احکام و تعالیم‌اسلام ، و کوشش برای مصالح اجتماعی و ترقّی وپیشرفت ملّتها خواند و دعوت کرد ، و گفتار خود را بادعا برای‌سعادت وپیروزی امّت مسلمان بآخر رسانید .

در اینوقت جناب شریف موجّه آقا سید مجتبی احمد رئیس جمعیّتهای دینی از جا برخاست و ازعلامه امینی تشکر کرد و اورا ثنا گفت ومقدمش‌را بزرگداشت و مجلس تجلیل وتقدیر را با دعا برای نصرت وپیروزمندی علامه امینی وحاضران وعزّت وترقّی همه مسلمین ـ زیرپرچم یگانگی ویکتا پرستی ـ ختم کرد .

این جمعیّتها پس از چند روز دانستند که علامه امینی عازم حرکت ازحیدر آباد است بطرف بمبی ، لذاوقت حرکت‌را با اعلامیه‌ای باطلاع اهالی‌شهر رساندند ومردم را برای تودیع وبدرقهٔ علامه امینی دعوت کردند . ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۱۵ ذیحجّه اهالی حیدر آباد جلو ساختمان (مدینه هتل) دسته دسته جمع شدند ، و با ما تا فرودگاه آمدندفرودگاه پر ازجمعیّت شد ، همه باما خداحافظی کردند درحالیکه دیدگانشان گریان وناراحتی جدایی درچهرهٔ همگان پیدا بود ....

و ما همینگونه که از مردم این شهر اسلامی ـ حیدر آباد ـ و مهمان نوازی وخوش خلقی وحسن معاشرت و ادبشان تشکر میکنیم ، نیز تفضل و محبّت کسی را که بدعوت او بحیدر آباد آمدیم فراموش نمیکنیم . اگرچه او خود حضور نداشت ولی شخصی که عهده‌دار کارها واجرا کنندهٔ اوامر نافذ وی بود کاملا مارا از عطوفت ونوازش خود بر خوردار ساخت .

وما باز بویژه سپاس وتقدیر وتشکر خود را تقدیم هیأتهای مدیرهٔ کتابخانه‌های هند میکنیم، که بر ما منّت نهادند و بیشتر وسائل کار و مطالعهٔ ما را فراهم کردند و راه رسیدن ما را بمقصدی که داشتیم و توشه ای که میخواستیم از کتب بر گیریم هموار ساختند. ازخدای سبحان میخواهیم که بهمهٔ آنان خوشبختی دایم وزندگی سعادتمند بدهد و از این بیش توفیقشان بخشاید تا بدانش و دانشمندان امّت خدمتها کنند.



پایان سفر

پس از این برنامه دیگر بقصد بازگشت افتادیم که بوطن عزیز خود، مرکز علم و دین - نجف اشرف - تربت پاك سید المسلمین امام علی علیه السلام بازگردیم، لذا ساعت ۷ بعد از ظهر روز ۱۹ ذیحجه بمبی را ترك گفته با طیارهٔ شرکت هواپیمائی ایطالیا بسوی کراچی حرکت کردیم و پس از یکساعت استراحت بطرف تهران آمدیم، از تهران نیز پس از اندکی توقف (با اینکه صبح زود بود گروهی از محترمین تهران اطّلاع یافته وبرای دیدار علامه امینی درفرودگاه مهرآبادحاضر شدند) بسوی بغداد پرواز کردیم، ساعت ۹ صبح روز ۲۰ ذیحجه در فرودگاه بغداد نشستیم، واین سفر ما در مدت چهار ماه بپایان رسید.

این گزارش کوتاهی بود از رحلت و مسافرت علامه امینی بدیار هند برای اطّلاع از ذخایر ونفایس وآثار قدیمی و کتب خطی ومهمّ کتابخانه‌های آن سامان اکنون باین‌شرح مختصرا کتفا کردیم باین که روزی در آیندهٔ نزدیك فرصتی‌بدست آوریم و تفاصیل و جزئیات این سفررا بنویسیم تا رجال بحث علم و فرهنگ از خصوصیاتش آگاه وبهره‌مند گردند، والله ولیّ التوفیق.





تلك عشرة كاملة

در روز سوم جمادی الاولی ۱۳۸۳ ده سال تمام از تأسیس کتابخانه أمیر - المؤمنین علیه‌السلام گذشت . شایسته است که دراین‌شماره بیلان مختصری از تمام واردات نقدی و جنسی و اسامی اهداء کنندگان و مصارفی که برای خرید کتاب وخانه‌ها و احداث ساختمان و همچنین حقوق کارکنان کتابخانه و صحافی و سایر چیزها پرداخت شده است ذکر شود . البته پایان سال دهم اول ماه محرم ۱۳۸۳ هـ منظور شده است .

- ۱ -

	واردات نقدی سالیانه با دینار عراقی		صادرات نقدی سالیانه با دینار عراقی	
	فلس	دینار	فلس	دینار
سال اول	۰۰۰	۳۸٤	۸٤٤	٦۳
« دوم	۹۱۵	۳۷۰۵	٤۲۳	۱۵۹۹
« سوم	۰۰۰	۲۵	۹۸۵	۱۹۵
« چهارم	۲۹۸	۵٦۸۹	۲۸٤	۸۲۰۹
« پنجم	٦٦۲	٦۷۰۰	۲۱۳	٦۱۸۷
« ششم	۱٦۲	۲٦٤۷	٤۷۸	۱۸۰٤
« هفتم	۸۲۵	٤۳۳۹	۷۲۱	۱٦۱۷
« هشتم	۹۳۵	۳۲۰	۹۷۸	۱۹۳۳
« نهم	۹۰٤	۳۱٤٦	۷۹۳	۲۹۷۷
« دهم	۹۰۵	۵۳۲۰	۰۷۷	۲۰۳۹
جمع کل	٦٤٦	۳۲۲۸۰	۷۹٦	۲٦٦۲۷

	واردات نقدی سالیانه با ریال ایرانی	صادرات نقدی سالیانه با ریال ایرانی
سال اول	٤٥٣٨٠٠ ریال	٤٣٣٩ ریال
« دوم	٤٢٠٣١٦ «	٨٧٧١١٦ «
« سوم	٣٩٢٠٩٥ «	٢٢١٥ «
« چهارم	٥٨٠٠٣٢ «	٩٤٤٩٣٣ «
« پنجم	١١٦١٠٠٠ «	١٣٨١٠٢٠ «
« ششم	٨٧٧٢٣٥ «	٥٤٥٢٤٠ «
« هفتم	٩١٧٠٠٨ «	٦٩٣٣٦١ «
« هشتم	٢٧٤٢٠٠ «	٥٤٧٢٧ «
« نهم	٩١٥٦٠٠ «	٤٦٩١٢٥ «
« دهم	٩٢٥٦٠٠ «	١١٣٥٦٥٠ «
جمع کل	٦٩١٦٨٨٦ ریال	٦١٠٧٧٢٦ ریال

خلاصه واردات و صادرات نقدی با دینار عراقی

	فلس / دینار
وارد	٣٢٢٨٠ / ٦٤٦
صادر	٢٦٦٢٧ / ٧٩٦

موجودی صندوق ٨٥٠ / ٥٦٥٢ دینار

خلاصه واردات و صادرات نقدی با ریال ایرانی

٦٩١٦٨٨٦ ریال

٦١٠٧٧٢٦ «

٨٠٩١٦٠ ریال

اسامی کسانیکه در ده سال گذشته مساعدت نقدی فرموده‌اند

سال اول

۱۳۷۳

آقاي حاج شيخ عبدالرسول قائمي اصفهانی
« « ميرزا قاسم گر گري تبريزي
« « معمار قاسم رفيق آقاي آجيلي
« حاج ساچت
« عبد الامير حداد نجفی
« اسماعيل سيگاري تبريزي
« ميرزا باقر تحريريان تهراني
« حسين قيصريه
« محمود طاهباز
« عبد العلي ريخته گر تبريزي
« غلام حيدر افغاني
« موسی مطلب زاده تبريزي
« سيد محمّد زعفرانچي «
« حسين توسلي تهراني
« علی اکبر کاظمي خراساني

حاج محمّد باقر اقبال کريميان خراساني
« محمّد کاظم رحماني کربلائي
اهالی آبادان توسط جناب آقاي قائمي
آقاي حاج ميرزا علي آجيلي
حاج طوينه
شيخ عبد الحميد سماوي
حاج حسن وطنچي کرمانشاهي
اهالی سنقر توسط آقای انصاري اصفهاني
حاج سيد قاسم افجۀ تهراني
« « رضا اخوی «
« آقا بزرك بافته‌چي تبريزي
« احمد و حميد عطار اخوان - بغداد
نعمت‌الله دست فروش تهراني
حاج سيد محمّد علی سه دهي تهراني
« « مهدي خرازي «



آقای حاج حسین شاکري بغدادي
» » شیخ العراقین بیات تهراني
آقای حاج شیخ محمد آخوندي
» » باقر رمضاني

سال دوم

۱۳۷۴

آقای حاج سید قاسم افجه‌ای طهراني
» » شیخ مهدي نجفي مسجد شاهي اصفهاني
» دکتر ناصر طاهري
» حاج میرزا حسن خسرو شاهي
» محمد علی فرشچیان تهراني
» علی اصغر نور افزا
» عبد المهدي عفکي
» نواب احتشام رضوي تهراني
» حاج اسماعیل سیگاري
» » سید رضا خان اخوي
» » » محمد زعفرانچي تبریزي
» » عبد الحسین فرشچیان
» » احمد و حمید عطار اخوان
» » جعفر ملا حمید کویتي
» » سیدحسین قاسمیان کرمانشاهي
» » ستار سقط فروش تبریزي

آقای حاج عباسعلی فرهودي کرمانشاهی
» » سید حسن سامني زاده »
» » آقاجمال معارف پرور اصفهانی
» » » هاشم شبستري زاده تبریزی
» » میرزا ابراهیم امیني تبریزی
» » محمد اخلاقي کرمانشاهي
» » حسین کاشاني تهرانی
» آقا علی معتمد تهراني
» حاج محمد علي اتفاق تبریزي
» » سید مهدي سامني کرمانشاهی
» » مجید بري تبریزي
» » میرزا باقر تحریریان تهراني
» » حسین قیصریه تهراني
» » حسین نصراللهي تهرانی
» » سید مرتضی سامني کرمانشاهی
» » عبدالمطلب مامقاني تبریزی
» محمد تقي اتفاق

سال سوم

۱۳۷۵

آقای حاج محمد علي پوستي اصفهاني
« « سيد مهدي خرازي
« « ميرزا علي تحريريان
« « سيد مهدي آل‌طعمه موسوی
« « آقا رضا چايچي تبريزي
« « اسدالله توسلي تهراني
« « آقا بزرگ بافته‌چي
« « محمود كاشاني
« « حسين قيصريه تهراني

آقاي حاج حسين توسلي تهراني
« « سيد حسين دها
« « اسماعيل سيگاري
« « محمدعلي اتفاق‌جورابچي‌تبريزي
« « غلامحسين مسچي تهراني
« على آقا خسرو شاهي
« حاج آقا رضا گارسچي
« « ميرزا باقر تحريريان

سال چهارم

۱۳۷۶

آقاي حاج حسين كاشاني
« « حسين‌شاكري ساكن‌بغداد
« « ميرزا باقر تحريريان
« « شيخ‌مهدي‌مسجدشاهي‌اصفهانی
« « حسين سعادت «
« « ميرزاعبدالجوادمير محمد صادقي اصفهاني
« « ميرزا على اكبر كازراني اصفهاني

بانو خانم آقای حاج ميرزا محمد حسين مجتهدي تبريزي
آقای محمود قرشي اصفهاني
« احمد كلاهدوز اصفهاني
« حسن‌آقا كلباسي «
« محمد مشايخي «
« حاج ميرزامحمود بصيري‌اصفهاني
« « حسن ملاباشي «
« « محمودضياء نكوئي «

آقاي حاج عبدالحسين ظهور اصفهاني
« « ميرزا حسن دردشتي «
« « عبدالوهاب زواري «
« « حسن عيني «
« « مهدي شكراني «
« « ميرزاهدايت‌الله تابش «
« « ميرزا باقر لقماني «
« « ميرزاعباسعلی نيلفروش «
« « ميرزا محمّد يزديان «
« « غفار نصيري «
ورثه مرحوم آقارحمت‌الله «
آقای حاج مصطفی مدرسی «
« « غلامرضا زرفشاني «
« « حسين صيرفي «
« « سيد محمّد علي فابي زوارهٔ «
« « سيدمحمودمهاجر حسيني «
بانو كرباسي «
آقای حاج‌محمد نمازي «
« « سيد مصطفی صمصامي «
« « احمد بلور فروش «
« « رحيم خراساني زاده «
« « ميرزا حبيب الله نيلفروشان اصفهانی
« « ميرزاعلی‌محمّد ريسمانيان «

آقاي حاج محمّد حسين نامي اصفهاني
« محمودآبادي «
آقا سيد احمد سعيدي بحريني ازتر که
آقاجلال الدين درمياني
« حسينعلي نيلفروشان اصفهاني
« ميرزا علی‌محمّد كرمانشاهي «
« حاج عباسعلی «
يکی از سادات محصلين ديني اصفهان
آقاي حاج محمود طاهباز
« « رضا صيرفي اصفهانی
بانو مرضيه «
آقاي حاج‌احمد سمسار «
« مير سيد محمّد و مير سيد علی بنكدار اصفهاني
« عبد الحسين گلستاني اصفهاني
« عبد الكريم نادريان «
« حاج جواد روغني «
« احمد ساكني «
« عبدالغفور هودهٔ «
بانو آغابي‌بي درمياني «
آقای علي خوانساري «
« حاج حسن خرازي «
« حسن اولياء «

آقاي حاج میرزا عبد الحسین منعمیان اصفهانی
« « کریم صفا کار «
« « محمّد لوّاف «
« « میرزا عبدالحسین شکری «
« یوسف علي کیوانداریان «
« حاج محمّدحسن شمالي‌زاده «
« حسن تمیزي «
« حاج کریم خراساني‌زاده «
« « عبدالرسول نیلفروشان «
« « میرزا کریم نیلفروشان «
« میرزا حسن مقدادي «
« خاج شیخ‌علی جوانمردی «
صاحب نامه ازبازار اشرف اصفهان
بانو عفت الزمان امیني «
آقا باقر نیلفروشان «
« حسین گیلانی «
« عبد الرحیم عبودیان «
بانو علویه هاشمیه اصفهانیه
سه بانوی اصفهاني
آقاي حاج باقر آقاپیمان
آقاي حاج سید جواد جوادي طهراني

آقای حاج سید محمّد افضل اصفهانی
« « حسین کاغذیان تبریزي
« محمّد حسن زرگر جواهري برادران
« مجید جوان
« حاج محمّدعلي پوستی اصفهاني
« « محمّد علی اتفاق جورابچی تبریزي
« « سید قاسم افجه‌ای تهراني
« رضا طریقت طهراني
« عبد الرؤف افغاني
« حاج جواد تبریزي
« اکبر آقا تهرانی
« حاج مرتضی تجریشي
« « سیدمهدي‌موسوي‌خلعت‌معمار
« « شیخ العراقین بیات تهراني
« « محمّد حسین یزدي اصفهاني
« « میرهاشم گوگاني
« « عباسعلي‌فرهودي کرمانشاهي
« دکتر رضا بانگي تهراني
« حاج رضا چایچي‌تبریزي
« « اسدالله ریسماني تهراني
« « محمّد علی یزدي اصفهاني

آقاي حاج‌ميرزا ابوالقاسم كوپائي اصفهاني
» » سيد حسين‌موحدي تبريزي
» حسن پرويزيان
» يوسف چايچي
» حاج علي اكبر كاظمي كاشمري
» » عبدالكريم شجاعي تهراني
» ميراسكندر شاه افغاني
» ملا قربانعلي »
» دكتر علي اكبر شريف تهراني

آقاي حاج عباس مس فروش طهراني
» » محمّد حسن رجالي اصفهاني
» » غلامحسين دليل تهراني
» » محسن مازندراني تبريزي
» » عبد المطلب مامقاني تبريزي
» » علي اصغر صباغ كرمانشاهي
» » شيخ حسين نصراللهي تهراني
» » عباس پناه خواه »
» » حسن كرمانيان »

سال پنجم

١٣٧٧

آقاي حاج مجيد پركار تبريزي
» » شيخ محمّد آخوندي
» » فرج موحدي طهراني
» » ابوالفضل احمدي تبريزي
» » محسن‌مازندراني »
» » شيخ عبدالحسين شترداران
» » محمّد علي پوستي‌اصفهاني
» » محمّد علي اتفاق‌تبريزي
» علي زاده كاغذچي »
» حاج‌سيدحسين‌قاسميان كرمانشاهي
» » كريم انصاري تبريزي

آقاي حاج‌ميرمصطفي عالي نسب‌تبريزي
» » ابو القاسم رفيعي طهراني
» » فرج نعمت زاده‌تبريزي
» » ميرزا محمّدحسين مجتهدي تبريزي
» » حسين شاكري بغدادي
» » آغا بزرك بافته‌چي تبريزي
» » علي اكبر كاظمي كاشمري
» » اسماعيل عبدالله زاده تبريزي
» » دكتر علي اديب تهراني
» مهدي غفاري

آقاي حاج علي تبريزي
» » سيد محمد زعفرانچي تبريزي
» » حسين نعيمي گوگاني
» » آقا حسن رحيقي تهراني
» داود طالب بغدادي
» حاج اسماعيل سيگاري تبريزي
» » غلامحسين دليل تهراني
» » سيد حسين خضري
» سيد مرتضی هاشمي اصفهاني

آقاي حاج زركش تهراني
» خاوريان
» حاج عبدالله تبريزي
» » سيد حسين ايليائي تبريزي
» » » محمد علوي كاشمري
» » محمد حسين مبلغ حسيني تبريزي
» » سيد جواد جوادي تهراني
» » عبد المطلب مامقاني

سال ششم

۱۳۷۸

آقاي احمد ملكي تبريزي
» محمد رضا كاشاني قمي
» محمد به‌جو
» حاج عباسقلي مقامي
» » حسن قيافه خراساني
» » يوسف گرجي »
» » احمد طاقچيان »
» مجيد قنادي تبريزي
» حاج محمد هادي هاشم نيا خراساني
» مهدي صبوحي تهراني
» حاج احمد علي بابائي

آقاي حاج حسن اميني
» » غلامرضا نقي زاده
» » مير مصطفی عالي نسب تبريزي
» علي اميني تهراني
» محمد جسماني خراساني
» دكتر علی اكبر شريف
» ملا عباسعلي
» حاج احمد هاشم نيا خراساني
» » رضا مس فروش تبريزي
» » حسن برزگر خراساني
» علی سبزواري اصفهاني

آقاي حسين رئيس تهراني
» حاج شيخ عبدالحسين شترداران
» » علی نویدی تهرانی
» » سيد على سياه پوش
» مير صادقي تهراني
» حاج علی اکبر حیدری
» يزدي زاده تهراني
» علي خسروشاهي
» حاج سيد مهدي موسوي آل طعمه
» » محمد علی پوستی اصفهانی
» » شيخ العراقين بيات تهراني

آقاي حاج حسين كاشاني تهراني
» سيد محمد هاشمي كرماني
» حاج سید جواد مرعشي - بغداد
اهالی محترم آبادان توسط آقاي آقا سيد كاظم بهبهاني
آقای حاج على اكبر كاظمي كاشمري
» » حسين كاغذيان تبريزي
» » آقابزرك بافته‌چي تبريزي
» » جعفر خرازي تهراني
» » فرج موحدي »
» » عبدالرزاق عويناتي - بغداد

سال هفتم

۱۳۷۹

آقاي حاج مهدي شهباز طهراني
» » كريم انصاري تبريزي
» » احمد كاشاني
» احمد ملكي تبريزي
» حاج حسن قيافه خراساني
» » فرج نعمت زاده تبريزي
» » سيد حسين موحدي تبريزي
» » محسن تدبير تهراني
» » مجتبى ضوئي

آقاي حاج حسين قره گوزلو
» » آقا كمال پيشنماز اصفهاني
» حاجيان
» حاج محمد على اتفاق جورابچی تبریزی
» » ميرمصطفى عالى نسب تبريزي
» سيد جواد دلال
» رضا كاشاني تهراني
» حاج محمد كاظم رحماني
» » حسن كرمانيان تهراني



آقایان جواد آقا و آقا عبدالله و آقا اسد الله شمیراني
آقای حاج محمّد حسین مسگرزاده تبریزي
» » حسن‌زاده خراساني
» » حسین کاشاني
» » سید مهدي موسوي آل‌طعمه
» » محمود بصیري اصفهاني
» » آقا بزرك بافته‌چي تبریزي
» » مجید پرکار تبریزي
» حسن پرویزیان »
» حاج محسن کاشاني تهراني
» مفیدي تهراني
» اصغر احمدي تهراني
» حاج علی جعفري تهراني
» » حسین معتمدي »

آقاي حاج علی اکبر کاظمي کاشمري
» » میرمرتضی عالی‌نسب تبریزی
» زردوز تهراني
» محمّد کاشاني
» حاج اسماعیل سیگاري تبریزي
» » میرزا باقر تحریریان
» » محمّد میر ولي ـ بغداد
» » فرج موحدي تهراني
» » محمّدعلی پوستي اصفهاني
» شیخ امین ـ بلد
» حاج عبد الحداد نجفي
» » علی بابائي
» » سید جواد مرعشي ـ بغداد
» عبد الرسول آل علیوي

سال هشتم

١٣٨٠

آقاي حاج حسین کاشاني
» » مصطفی محمدیان
» » مجید قنادي تبریزي
» » سید حسین موحدي تبریزي
» دکتر کیائي تهراني
» محمّد ناصر فاني اصفهاني

آقاي محمّد قمي
» حسان شاعر تبریزي وخواهرش
» حاج محسن تدبیر
» » حسین معتمدي تهراني
» » حسن جلالي تبریزي
» اکبر مراغه‌چي تبریزي و رفقا

آقاي حاج محمّد علي مراغه‌چي تبريزي
« « مجيد كتابچي اقدام «
« « حسين علي زاده كاغذ چي
شركت مطيع
« « محمّد علي اتفاق جورابچي
تبريزي
« « علي اكبر مرصوص
« « احمد حاج حسن عاشور
كويتي
« « علي‌حاج‌حسين‌خوجه كويتي
« اسد الله سهيلي اصفهاني
« حاج‌غلام‌حسن‌صوفي‌زاده بجنوردي
« پروفسور عسكري جعفري‌حيدر
آبادي
« حاج علي بابائي
« « كريم توكلي تبريزي
« « آقا بزرك حلمي «
شركت نسبي هومان
آقاي محمّد حسن بهاري همداني
« حاج محمود بصيري اصفهاني
« « حسين كاغذيان تبريزي
« « كاظم حاج طرخاني تهراني
« علي سبزواري اصفهاني
« حاج علي اصغر شريفي

آقاي حاج سيد مهدي خرازي تهراني
« آقا شيخ محمّد آقا تهراني
« حاج محمّدحسين مبلغ حسيني تبريزي
« « احمد ناجيان تبريزي
« « فرج نعمت‌زاده «
« « علي اميني
« « مجيد پركار تبريزي
« « برادران همايونيه
« « حسين‌چيت‌ساز
« « قاسم‌حاج‌علي‌اسيري كويتي
« « معين خرازي طهراني
« « صالح‌عليشاه گنابادي
« « سيد حسن ناصر الاسلام
« دكتر سيدمهدي جعفري‌حيدر آبادي
« دكتر ..... بيد دكتر مهدي علي
حيدر آبادي
آقاي دكتر مهدي‌علي حيدر آبادي
« سيد محمّد علوي
« سيد عيسى حاج‌عباس يعقوبه
« حاج خليل نوري
« « عبدالعزيز بغدادي
« « سيد رضا رفيقي
« « ميرزا حسن‌خسروشاهي
« « احمد وحميدعطاراخون

آقاي حاج حميد شمرتي
بانو ثريه سرابي
آقاي منتصر كانپوري هندي
« نورالحسن جعفري حيدرآبادى
« دكتور احمد حسن الرحيم
« حاج محمد ميرولي - بغداد
« « سيد عبدالحكيم صوافي بصره

آقاي حاج عبدالغني تميمي - بغداد
« پروفسور سيد زوار حسين زيدي
« سيداسعدقرشي - بغداد
« حاج عبود حاج علوان
« « جعفر بياتي
« « اسماعيل مازندراني

سال نهم

۱۳۸۱

آقاى حاج فرج نعمت زاده تبريزى
« « عباسعلى فرهودي
« « سيدحسن قاسميان كرمانشاهى
« « على اكبر صباغ «
« « على اكبر مرزائي «
« « على سامني «
« « آقا مهدي سامني «
« « ابوالفضل احمدي تبريزي
« « حسن معمار زاده
« « محمدرضا مسگرزاده تبريزي
« « محمود ناجيان
« « جواد زعفراني تبريزي
« « ابراهيم سيگارى «
« احمد مراغه‌چي «

آقاي حاج على اميني تبريزي
« « ميرزاعلى‌اصغرابوالحلم‌تهراني
« على اكبر قبا
« حاج محمودجورابچي تبريزي
« على اكبراميد
« حاج محمدعلى‌اتفاق‌جورابچى‌تبريزى
« « على‌اكبر مرصوص‌تبريزى
« « حسين آقاي عليزاده كاغذچي
« « مرتضى كرباسي كرمانشاهي
« « غلام‌حسين صاحب «
« « سيد حسن‌اخوت «
« « سيدحسن سامني‌زاده «
« « سيد حسين سامني «
« « مجيدپركار تبريزى «





آقاي حاج حسين كاشاني
« « سيدحسين موحدي
« « كريم توكلي تبريزي
« « احمد كاشاني
« « محمّدحسين مبلغ حسيني
« « سيد جواد مرعشي - بغداد
« « مهدی شهباز تهراني
« « سيدجواد جوادي طهراني
« « ميرزا باقر تحريريان تهراني
« « مهدي كتابي
« امين عباس بلداوي
« محمود والانژاد تهراني
« « اسماعيل مازندراني تبريزي
شركت نسبي هومان
آقای حاج اسماعيل عبدالله زاده
« « علي رسولی همداني
« « عبدالرحمن خراساني اصفهاني
« « محسن مسلم حكاك - بغداد

آقاي حاج كاظم حاج طرخاني
« « علی اصغر خادمي تبريزي
« سيدعباس روحاني سراجي تهراني
« غلام حسن صوفی زاده
آقايان ابراهيم و حاج محمود و حاج
اصغر مغازه زنجاني
« محمّدحسن و آقا نصرالله منوچهری
تهراني
آقای سيد رضي ميرحاجی زادهٔ آستارائی
« شاه محمّد الحاج علی فيلي - بغداد
« علی اکبر نجّار کرمانی
« طاهر مسلم حکاك - بغداد
« حاج سيد مصطفی عالی نسب تبريزي
« « ميرزا علی پوستي اصفهاني
« « صادق قماشچي زنجاني
شركت مطيع

سال دهم

١٣٨٣

آقای حاج فرج موحدی طهرانی
آقای حاج حسين كاشانی
« « مرتضی ورشوچيان تبريزی
« « حسين كاغذيان «

آقای حاج سيد مصطفی عالی نسب
آقاي مهدی آقا حريري تهراني
« احمد حسنيان همداني
« حاج حسين عقيقي «

آقاي حاج محمّد احمدی همدانی
« محمّدُر خوش «
« سيدهادي سيدي «
« محمود حسنيان «
« حاج محمّد حسنيان «
« مشهدي اسدالله صالحي «
« خواجه رحمان «
« مهدي شيشه «
« غلامعلي يزدي «
« غلامحسين اديب مجاهد «
« مشهدي علي «
« علي حسنيان «
« علي رضا «
« حاج فرج نعمت زاده تبريزي
« « ابوالفضل احمدی «
« « اسماعيل مازندرانی «
« « عباسعلي «شعله» جدّي «
« « سيد حسين موحدی «
« « سيدنصر الله بني‌صدر همداني
« « فتح الله‌خان حبيبي همداني
« « غلامحسين همداني زاده
« « غلامعلی احمدي همداني
« حسين بهرامي «
« مشهدي يعقوب بقال «

آقای حاج محمّد حسين حسنيان همدانی
« « محمّد منصور «
« علی اصغر سپهری «
« موسوي واعظ «
« حاج اسدالله محمّد زاده «
« علی اصغر بيداري «
« سيد فاضل حسنی واعظ «
« محمّد صادق حسنيان «
« حاج شيخ محمّد متين «
« سيد صادق حجازي «
« حاج محمّدعلي اتفاق‌جورابچی تبريزي
« « مجيد صمد زاده «
شرکت نسبی هومان
آقاي ناصر فاني اصفهاني
« حاج غلامرضا سرابچي‌تو کلي صديقي
« « محمّد رضا مسکرزاده تبريزي
« « محمّد حسين‌مبلغ حسيني «
« « فضل علي حصاري
« اکبر صادقي تهراني
« حاج جبار اميني تبريزي
« « سيد موسی حسيني آباداني
« حسين قره گوزلو
« حاج مجيد پرکار تبريزي
« عبدالمجيدقطان صيدلي - ناصريه

آقای سیّد حسن قپانچی نجفي خطیب
شیخ‌عزیز أبوصیبع نجفي ـ عشار
آقای‌سیّد محمّد گلچه دوزها تهرانی
« حاج إبراهیم سیگاري
« « مهدي شهباز تهراني
« « سلطان‌حسین تابنده گنابادي
« سید علي أکبر سید یعقوبي‌تبریزي
« حاج غلامرضا ملکي تبریزي
« « سیدحسین‌قاسمیان کرمانشاهي
« « إبراهیم سلماسي
« « إبراهیم مهدوي تبریزي
« « کریم توکّلي «
« « علي حسین فرخنده دریاني
« « محمّد باقر پزشکي
« « احمد واحدی‌تبریزی
« « سید محمّد علوي

آقای حاج حسین سربلندي تبریزي
« « کریم حسیني «
« « سید رضا غازاني
« « « حسن اخوت کرمانشاهي
« شیخ محمّد کفعمي زاهداني
« محمّد حسین حسیني ـ رفحه
« غلام حسن صوفي زاده بجنوردي
« حاج عباس محمّد دورگي ـ عشار
« « محمّد أرجمند کرمانشاهي
« شیخ راشد شیخ خزعل ـ کویت
« حاج سید کمال الدین اصفهاني
« غلام رضا نائي
« حاج علي اکبر کاظمي کاشمري
« « علی اکبر مرصوص تبریزي
بانو حسنیان همدانی
سه مرد ناشناس همدانی

تشکر و سپاسگزاری

این است اسامی افراد نیکوکاری که از روز اول تأسیس کتابخانه مساعدت نقدی فرموده و بمقدار توانائی در تحکیم این اساس مقدس بذل مال کرده‌اند، و در بین آنان شخصیتهائی هستند که اهمیت زائدالوصفی نسبت بتوسعه و پیشرفت کتابخانه قائلند و مقرّری ماهیانه یا سالیانه میپردازند ولا یکلف الله نفساً إلّا وسعها .

و ما آرزو مندیم که این کتابخانه با همتهای عالیه افراد مذکور که با نیتهای پاك و خالص در پیشگاه مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلاة و السلام به خدمتگزاری مفتخرند مهمترین کتابخانه های خاورمیانه باشد . و امیدواریم دیگران نیز بآنان تأسّی کرده و از روش پسندیده آنان تبعیت و باتشریك مساعی یکدیگر در پیشرفت این هدف مقدّس مساعدت فرمایند . خداوند سبحان از همه قبول فرماید و به نیکوترین وجهی آنانرا پاداش دهد و درود و رحمت و برکت خداوند بر آنان باد .

- ٣ -

خانه‌های خریداری شده برای ساختمان کتابخانه

١ ـ خانهٔ جناب آقای حمزه حسین بحر وکیل دادگستری که در سال ١٣٧٤ هج خریداری شد . و این خانه بطور کلی در زیر بنای کتابخانه قرار گرفت ومخازن کتابها وسالنهای مطالعه وتشکیلات اداری کتابخانه در یك ساختمان مجهز پنج طبقه در همین خانه احداث گردید و برای تشکیلات مزبور بیش از مبلغ بیست هزار دینار عراقی (تقریباً ٤/٥٠٠/٠٠٠ ریال ایرانی) خرج شد .

٢ ـ خانه جناب آقای سید ماجد رفیعی در سال ١٣٧٩ خریداری شد .

٣ ـ « « « شیخ صادق شیبانی « ١٣٨١ « «

٤ ـ « آقای عبد الامیر الشیخ مهدی « ١٣٨١ « «

٥ ـ « بانوکافي الشیخ‌مهدی « ١٣٨١ « «

٦ ـ خانه‌جناب آقای‌عبدالکریم‌محسن‌بهبهاني « ١٣٨١ « «

- ۴ -

کتابهائی که در ده ساله گذشته بکتابخانه

اهداء شده است

	شماره کتابهای چاپی	شماره کتابهای خطی
سال اول	۲۸۱٤ جلد	۲۹۹ جلد
« دوم	۱۷۲۲ «	٥۸ «
« سوم	۲٥۸۳ «	۲۰۳ «
« چهارم	۱٥۲۰ «	۲٥۷ «
« پنجم	٦٤۷ «	۹۲ «
« ششم	۹۸٦ «	٥۱ «
« هفتم	۱۹۲٥ «	۸٥٦ «
« هشتم	۲۲۹٤ «	٥۳ «
« نهم	۱۸۱٦ «	۱۲۲ «
« دهم	۲٤٥۳ «	۲۰٥ «
جمع	۱۸۷٦۰ جلد	۲۱۹٦ جلد

مجموع کتابهای چاپی و خطی که در پایان سال ۱۳۸۲ هج وارد کتابخانه شده ۲۰۹٥٦ جلد میباشد و به لغتهای ذیل تقسیم بندی میشود .

کتابهای چاپی بزبان عربی ۱۰٥۰٤ جلد . کتابهای خطی بزبان عربی ۱٤۸٥ جلد
« « « فارسی ٦۸۱٥ « « « « فارسی ۷۱۱ «
« « « ترکی ۳۸۲ «
« « « اردو ۳۰٥ «

کتابهای چاپی بزبان فرانسه ۴۸۱ جلد
« « « انگلیسی ۲۴۸ «
« « « ارمنی ۲۱ «
« « « اسپانیولی ٤ «

و علاوه بر کتابهای مزبور ۸۴۴ جلد روزنامه و مجله بزبانهای اسلامی و غیر آنها اهداء شده است .

کتب مزبور تقریباً از طرف یکهزار نفر اهداء شده است . نام کسانی که کتابخانه‌های شخصی خود را یا بیش از ۵۰ جلد کتاب اهداء کرده‌اند در شماره اول و دوم صحیفه ذکرشده است . و در سال اخیر از طرف دانشگاه تهران واداره اوقاف و ارتش و مؤسسه بنیاد پهلوی ایران کتابهای زیادی اهداء شده و همچنین استاد شاکر حبیب از بغداد و آقای شیخ محمّد حسن حیدر غلامی از نجف کتابهای زیادی داده‌اند .

و علامه بزرگوار جناب حجة الاسلام آقای آقا حاج سید موسی حسینی ساکن آبادان کتابخانه گرانبهای شخصی خود را که بیش از ۷۰۰ جلد کتاب دارد به کتابخانه جدبزرگوارش اهداء فرموده‌خداوند اورا پاداش‌خیرعطافرماید .



کتابهای خریداری شده

از بین مجموع کتابها قسمتی که بالغ بر ۴۰۰۰ جلد میشود در ده سال گذشته به نفقهٔ جمعی از بزرگان وتجار محترم ایران خریداری وبنام آنان در دفاتر مخصوص ثبت گردیده است . و مقدار زیادی نیز در سالهای اخیر به نفقهٔ جناب آقای حاج شهباز تهرانی و جناب آقای حاج اسماعیل سیگاری و جناب آقای حاج غلامرضا سرابچی و جناب آقای حاج مجید پرکار خریداری شده است .

و گاهی بعضی افراد نیکوکار پولی فقط بمنظور خرید کتاب پرداخت میفرمایند و از طرف کتابخانه کتابهائی بنام آنان خریداری و با مهر مخصوصی که ذیلاً بنظر خوانندگان محترم میرسد مهمور میشود .

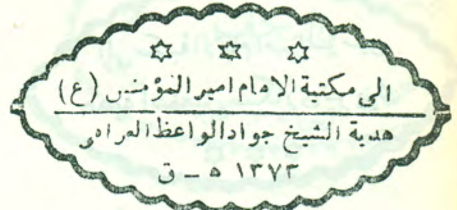


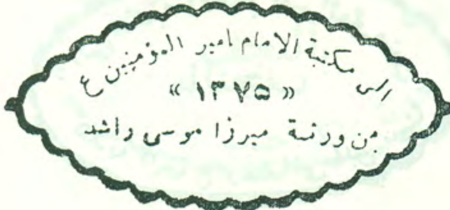
نشانه‌های جاوید

بطوریکه‌سابقاً اشاره شدبعضی شخصیتهای محترم کتابخانه های شخصی‌خود را اهداء کرده یا کتاب زیادی بکتابخانه‌داده‌اند و پیوسته‌در ازدیاد کتابهای کتابخانه میکوشند . برای قدردانی از چنین افراد ادارهٔ کتابخانه مهرهای مخصوصی بنام آنان‌تهیه کرده وجاهای‌مخصوصی از کتابهای آنانرا بامهرهای مزبور توشیح‌میکنند .

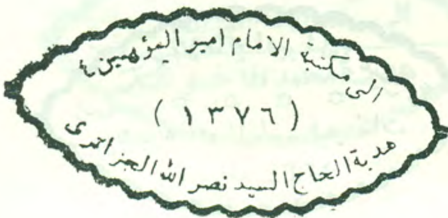


و اینك نمونه مهرها بنظر خوانندگان میرسد :



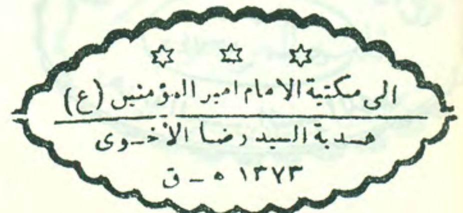














الی مکتبة الامام امیر المؤمنین
بالنجف
هدیة الحاج رمضانی ابن سینا

الی مکتبة الامام امیر المؤمنین
هدیه اسمعیل سیگاری تبریزی

الی مکتبة الامام امیر المؤمنین ع
هدیه ابو القاسم فیوضات
تیرماه ۱۳۳٤

الی مکتبة الامام امیر المؤمنین
هدیة الحقیر باقر حکمت
۱۳۷۵

الی مکتبة الامام امیر المؤمنین ع
هدیه محمد حسین مجتهدی
د تبریزی

الی مکتبة الامام امیر المؤمنین ع
هدیه قاسم رفیعی

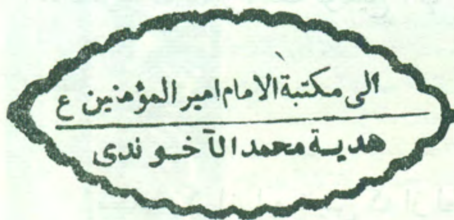
الی مکتبة الامام امیر المؤمنین
بالنجف
هدیة الحاج محمد علی بوشی

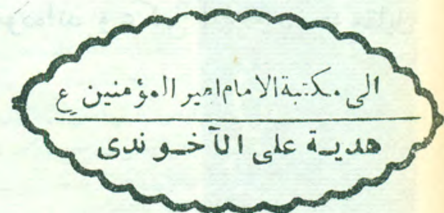
الی مکتبة الامام امیر المؤمنین (ع)
۱۳۷٤ هجری
هدیة الحسین النصر اللهی

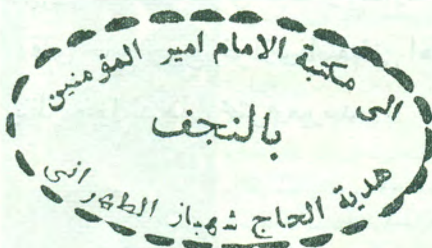

الى مكتبة الامام امير المؤمنين
بالنجف
هدية الحاج پركار التبريزى


الى مكتبة الامام امير المؤمنين
بالنجف
هدية شاكر حبيب


الى مكتبة الامام امير المؤمنين
بالنجف
هدية محمد حسن حيدر الغلامى


الى مكتبة الامام امير المؤمنين ع
هدية محمد الآخوندى


الى مكتبة الامام امير المؤمنين ع
هدية على الآخوندى


الى مكتبة الامام امير المؤمنين
بالنجف
هدية الحاج شهباز الطهرانى


الى مكتبه الامام امير المؤمنين
ثلث المرحوم
الحاج السيد رضا خادم حسينى التبريزى


الى مكتبة الامام امير المؤمنين
بالنجف
هدية الحاج الشيخ رضا الامينى

-۴-

اثاثیه های نفیس

بعضی از شخصیتهای محترم ایران و عراق بمنظور عرض ارادت و اخلاص به پیشگاه مقدس اهل بیت علیهم الصلاة و السلام آثار و اثاثیه‌های نفیسی به کتابخانه اهداء فرموده‌اند و اینك توضیح آنها :



-١-

سجادهٔ گرانبها و نفیس که از لحاظ بافت و نقشه بی‌نهایت ظریف و در نوع خود کمیاب است . سجاده مزبور در اصفهان بافته شده و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در آن منقوش است و اندازه آن ١٠٥×٧٠ س م میباشد این سجاده را آقای حاج حسن خرازی اصفهانی اهداء فرموده‌اند و عکس آن در صفحه مقابل بنظر خوانندگان محترم میرسد .

-۱-

شه لولاک محمد که زذات

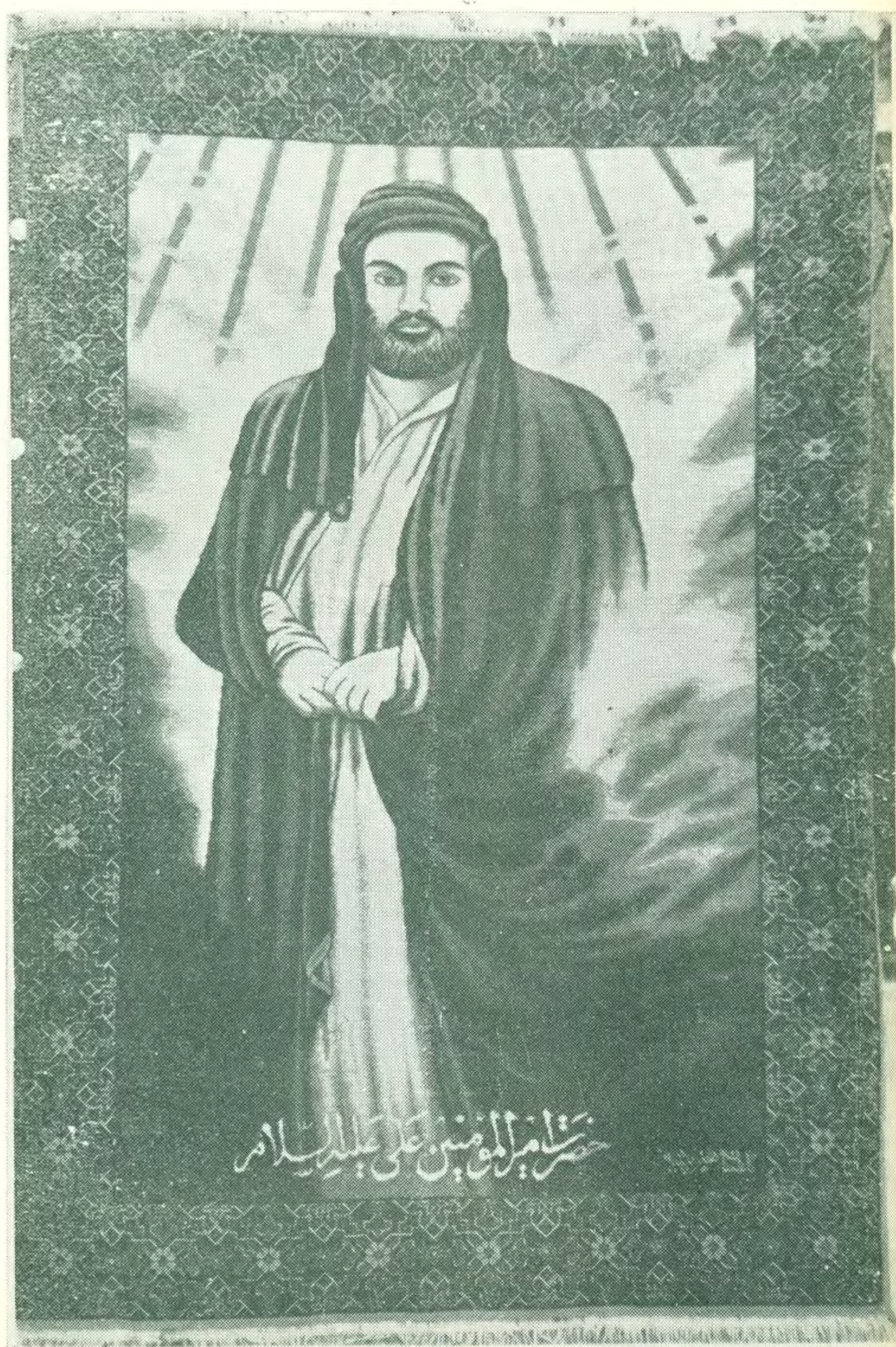
زیارت حضرت رسول ص

از حسن حرازی شد تقدیم

-۲-

سجاده ریز بافت بسیار گرانبها بافت کاشان دارای تمثال شریف امیرالمؤمنین علیه‌السلام در اندازه ۱/۱۵ × ۱/۷۵ که‌جناب آقای‌حاج‌مشکین تهرانی تقدیم کرده و در صفحه مقابل عکسش دیده می‌شود .

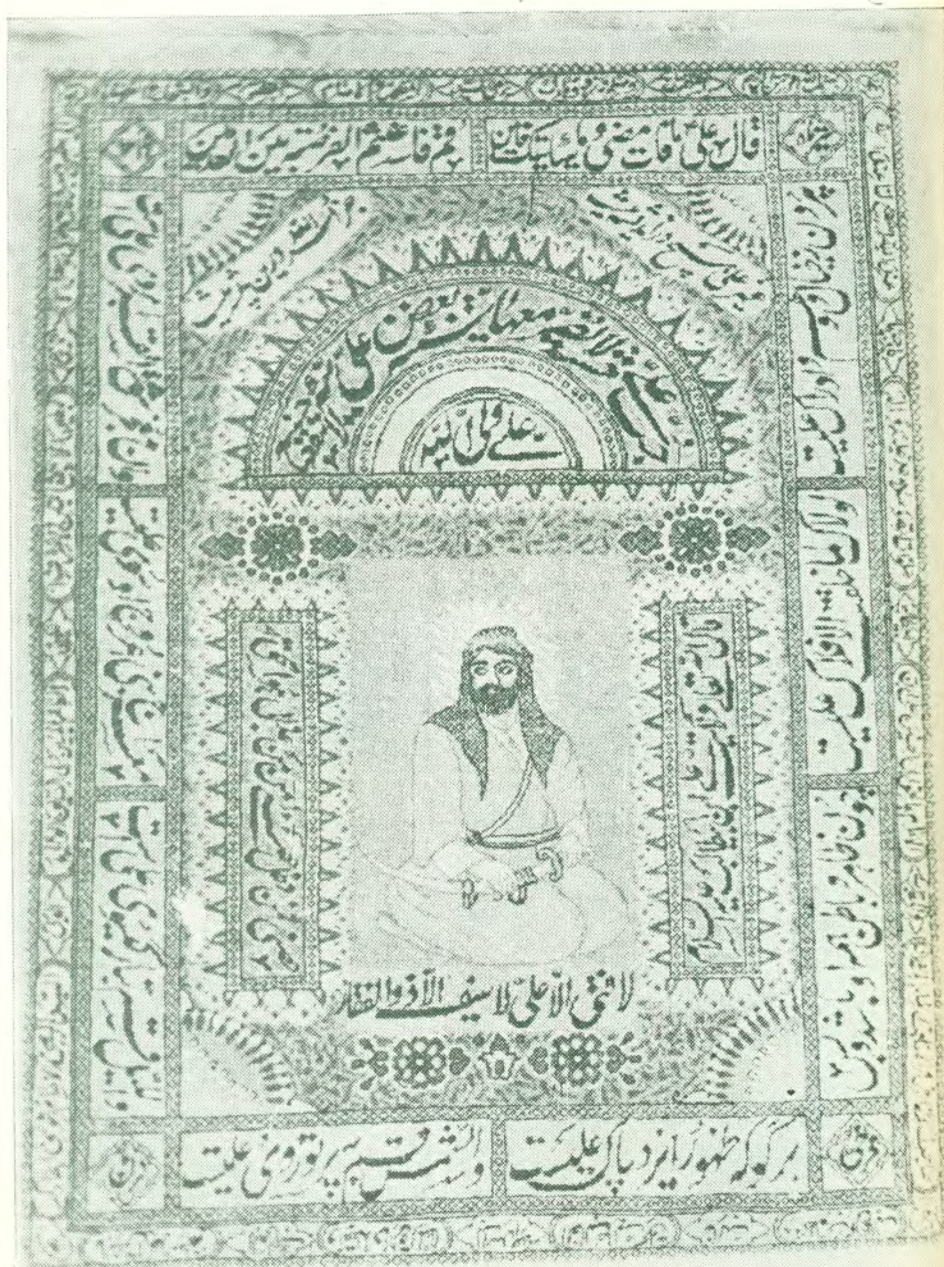
-۲-



-۳-

سجاده بی نظیر در کمال ظرافت و لطافت دارای صورت خیالی
مولای متقیان امیرمؤمنان علیه‌السلام بافت کرمان در اندازه ۶۰×۸۰ س م
جناب آقای حاج فرج موحدی تهرانی که از مؤسسین معظم و مؤثر
کتابخانه مبارکه میباشد اهداء فرموده است در صفحه ۲۹ عکس آن
بنظر می رسد .

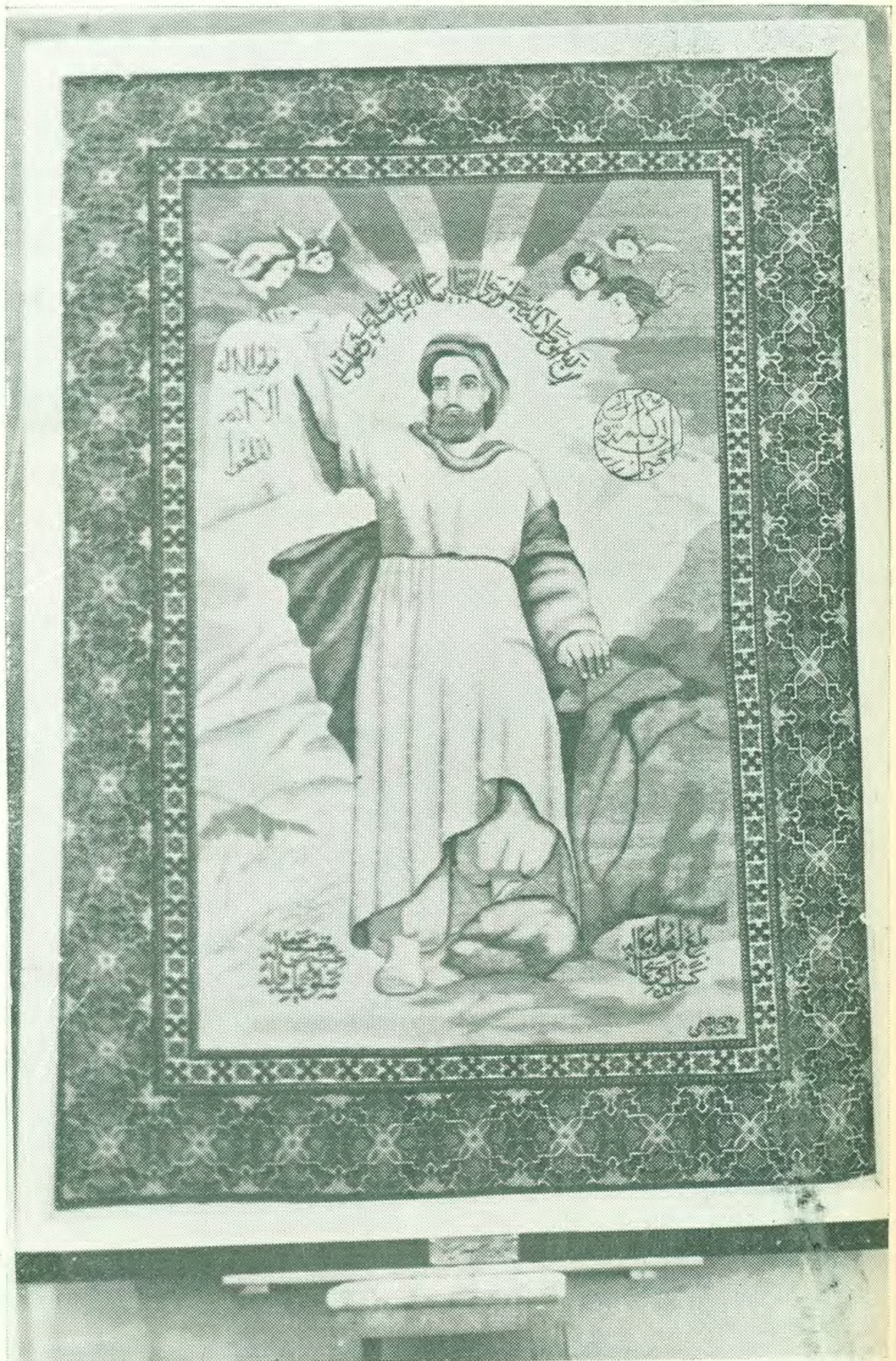
-۳-



-۴-

قالیچه نفیس بافت کاشان ، گرانبها دارای تمثال مبارك حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله وسلم در اندازه ۱/۴۵ × ۲/۱۰ جناب آقای سید اصغر مصلح مقدم طهرانی تقدیم نموده عکس آن در صفحه ۳۱ بنظر خواننده محترم می رسد .

- ۴ -

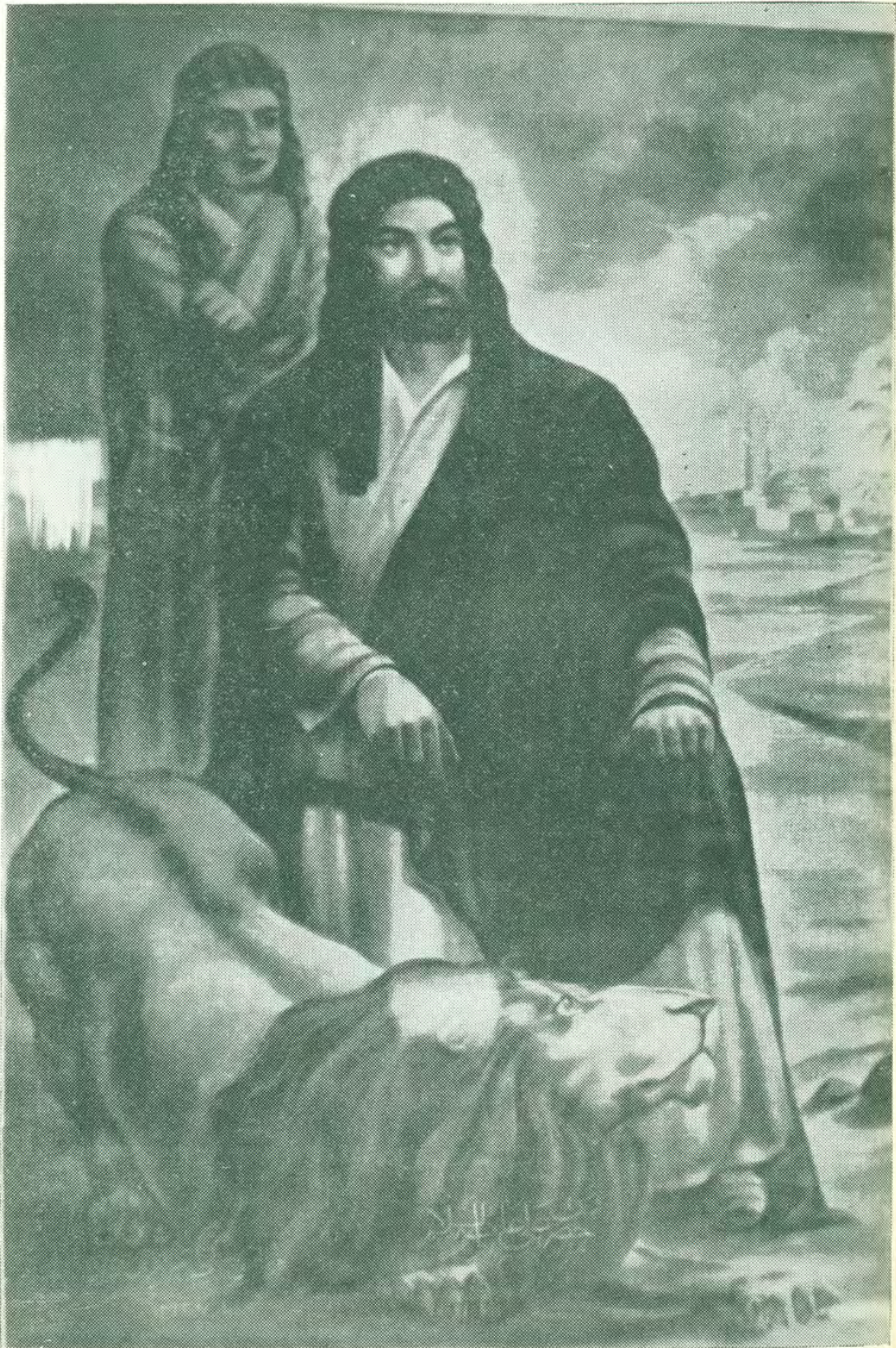


-۵-

صورت قلمی فنّی بسیار زیبا از تمثال خیالی سرور کاینات امیرمؤمنان علیه‌السلام دراندازه ۱۰۵×۱۴۰ س م جناب آقای حاج ابراهیم رمضانی تهرانی صاحب کتابفروشی ابن‌سینا هدیه نموده در صفحه **۳۳** عکس آن دیده می شود .

معظم له کتب زیاد و نسخه های خطی نفیسی نیز در کتابخانه مبارکه از خود بیادگار گذاشته است .

-۵-



-٦-

یك جفت لوستر بزرگ ۲۰ شمعی و ۱۵ شمعی ساخت طهران ویك جفت گلدان مرمر ساخت یزد و یك ساعت بزرگ روی‌پایه مرمر یزدی ، و یکدستگاه ماشین - دقلوپ - برای عکس برداری اسناد که جنابان آقایان حاج جواد ، و حاج عبد الله ، و حاج اسدالله شمیرانی اهداء نموده‌اند در صفحه ۳۵ صورت یکی از لوسترها دیده می‌شود .

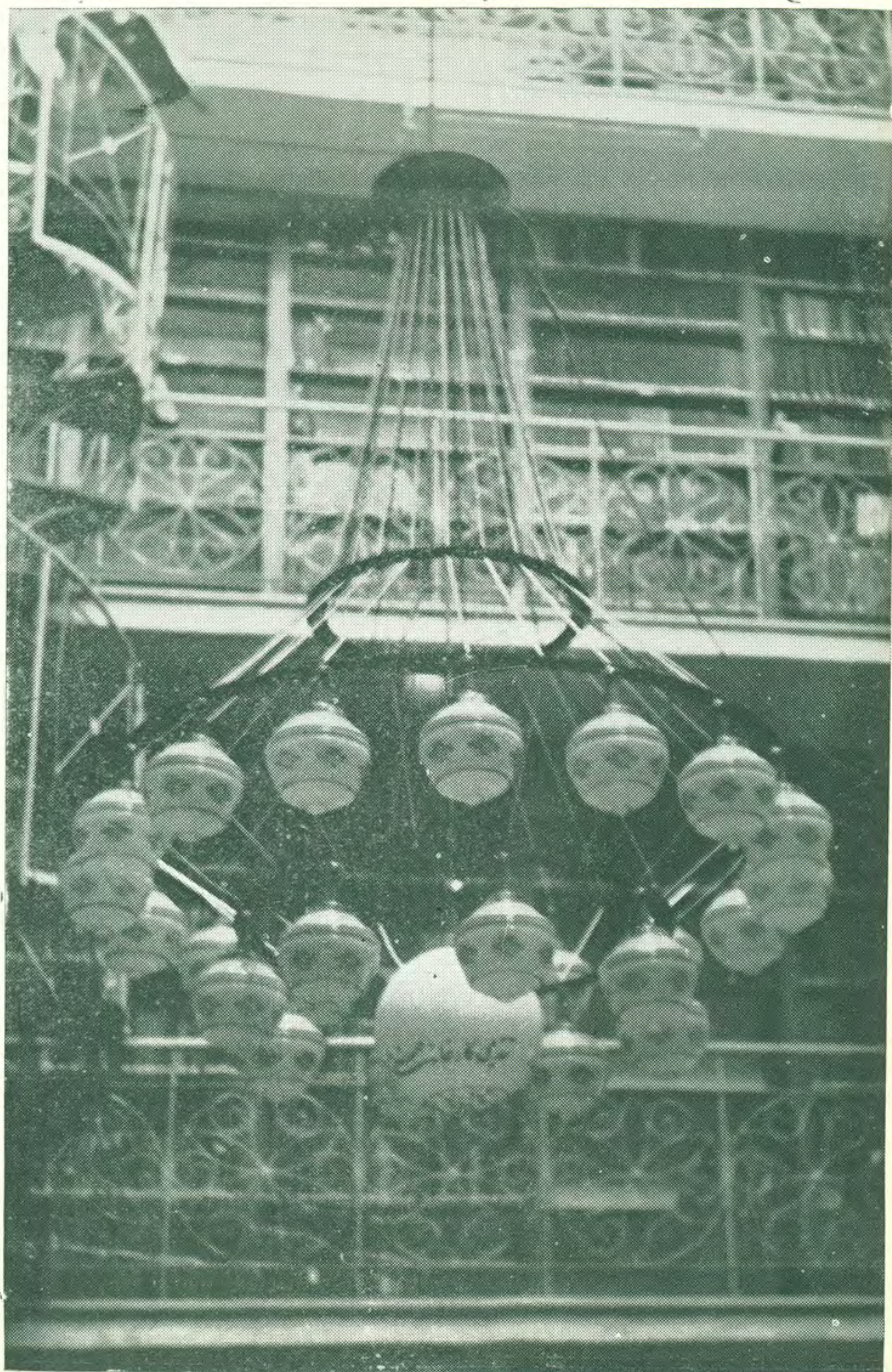
-٦-



-۷-

لوستر بزرگ ۲٤ شمعی ساخت تهران جناب آقای حاج جابر انصاری صاحب کارخانه صنعتی فرد تقدیم نموده درصفحه ۳۷ عکس آن دیده میشود .

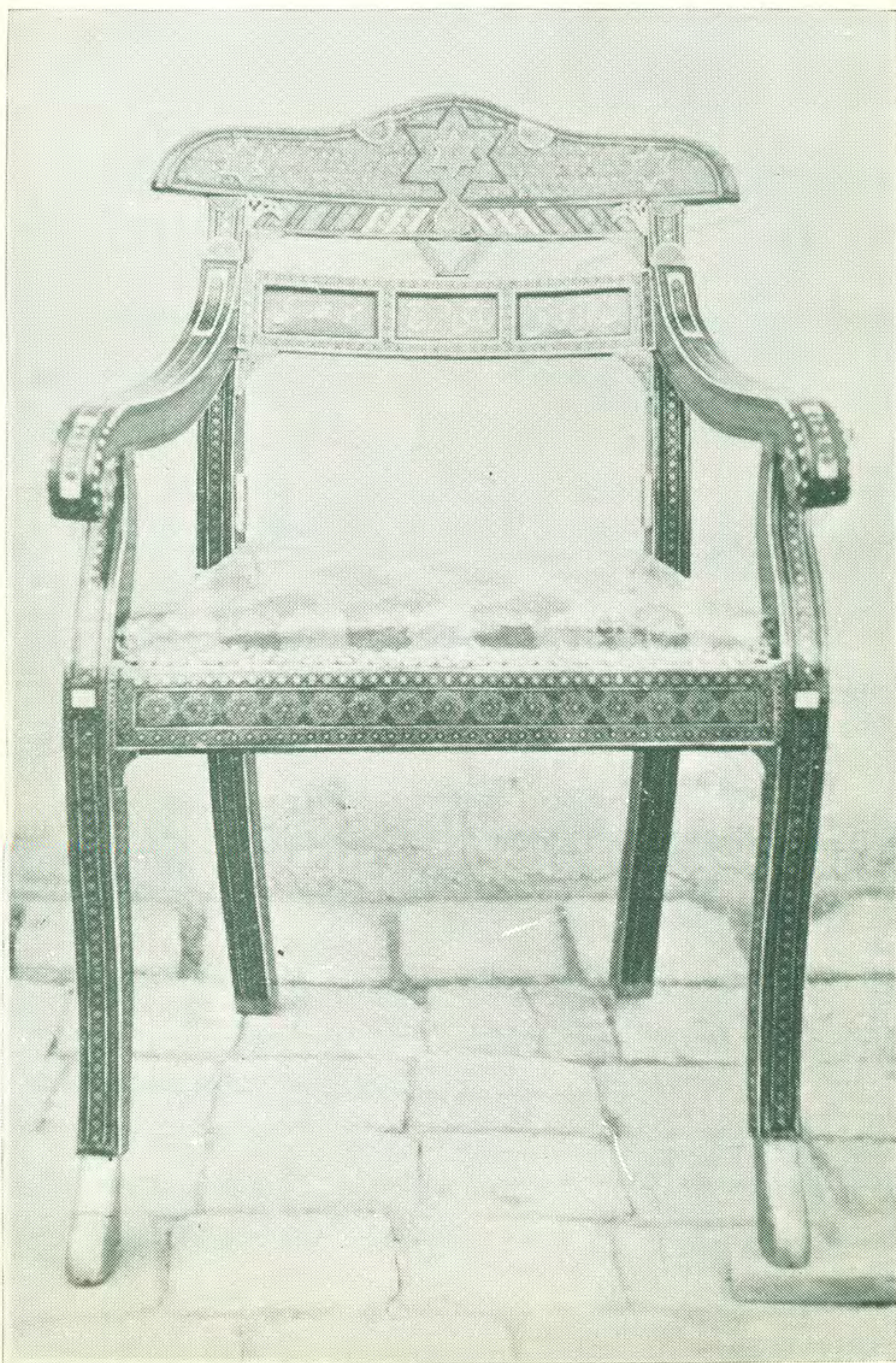
-٧-



-۸-

صندلی زیبای نقشه‌دار خاتم زینت شده با عاج به ارتفاع ۸۷ س م باندازه ۵۳×۵۰ س م جناب آقای حاج فرج موحدی عضو مؤسس ومؤثر کتابخانه اهداء نموده و در صفحه ۳۹ عکس آن دیده میشود .

-٨-



-۹-

دستگاه عکس برداری از اسناد و اوراق خطی . جناب آقای حاج غلامحسین اتفاق اهداء کرده‌اند .

-۱۰-

ماشین تحریر فارسی اریکا ١٤ سانتیمتری . جناب آقای حاج عبدالرزاق بهزادیان خراسانی هدیه کرده‌اند .

-۱۱-

يك تخته قالی کرمانی به اندازه ٥/٤٥ × ٤/٠٥ متر . جناب آقای حاج محمد رضا مسگر زاده تبریزی که در پیشرفت کتابخانه کوشش فراوان میکنند اهداء کرده‌اند .

-۱۲-

قالی تبریزی به‌اندازه ٢/٤٥ × ٤/٤٠ متر . آقای‌حاج حسن جلالی‌تبریزی هدیه کرده .

-۱۳-

لوستر نقرهٔ زیبا (شماره ٢) ٨ شاخه که خواهر محترم آقای حسان تبریزی شاعر اهل بیت اهداء کرده‌اند .

-۱۴-

١٢ قطعه فرش کنفی ایرانی که آقای حاج عباسعلی جدّی (شعله) تبریزی اهداء کرده‌اند .

-۱۵-

تمثال مولای متقیان حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام که بر روی مس به اندازهٔ ٣٥ × ٥٠ س م کنده‌شده است . صنعت بسیار جالبی است که بوسیله آقای محمد حسن علاقمندان اصفهانی ساکن تهران ساخته و اهداء شده است .



-۱٦-

سجاده کشمیری ظریف (شماره ٢) به اندازه ١٩٠ × ١٣٠ س م که آقای میرزا شیرعلی کشمیری هدیه کرده‌اند .

- ۵ -

روزنامه‌ها و مجلاتی که از کشورهای مختلف

بکتابخانه میرسد

ادارهٔ کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام از وزارت تربیت و تعلیم و همچنین از مجمع علمی کشور عراق که کتب و نشریات خود را برای کتابخانه ارسال میدارند سپاسگزاری میکند. و نیز از وزارت طرحها و بررسیها و وزارت توسعه و آبادانی و وزارت شهرداری و استانداری های عراق و ادارهٔ کل برق و ادارهٔ بنادر و کشتیرانی بصره بمناسبت ارسال نشریه‌ها و سالنامه‌های خودشان بکتابخانه تشکر میشود.

در ده سال گذشته روزنامه ها و مجلات ذیل بدفتر کتابخانه رسیده است از مدیران و ناشران آنها صیممانه سپاسگزاری میشود:

نام	لغت	محل صدور
الاخلاق و الاداب	عربي	کربلاء عراق
الاخاء ـ اطلاعات العربية	«	طهران ایران
اجوبة المسائل الدينية	«	کربلاء عراق
الاخاء ـ قار داشلق ـ	عربي وتركي	بغداد «
الاضواء	عربي	نجف «
الايمان	«	« «
افکار شیعه	فرانسوی	پاریس فرانسه
اخبار دانشگاه تبریز	فارسی	تبریز ایران
اخبار هنر و هنرمندان	«	طهران «

نام	لغت	محل صدور	
الارشاد	اردوئی	بدگام	کشمیر
بون بغداد	عربی	بغداد ــ سفارت آلمان غربی	
پیك ایران	فارسي	همدان	ایران
پیام عمل	اردوئی	لاهور	پاکستان
التربية الاسلامية	عربي	بغداد	عراق
التراث الشعبي	»	»	»
الثقافة الاسلام	»	»	»
الجامعة الاسلامية	»	حلب	سوريه
جهان پزشكي	فارسی	طهران	ایران
حضارة الاسلام	عربي	دمشق	سوريه
الحولياتالاثريةالسورية	»	»	»
الدراسات الأدبية	عربی ـ و ـ فارسی	بيروت	لبنان
الرسالة	عربی	بغداد	عراق
رسالة المعلم	»	عمان	اردن
الزراعة العراقية	»	بغداد	عراق
السياسي الجديد	»	»	»
سخن	فارسی	طهران	ایران
الشرق	عربی	بغداد	عراق
شيراز	اردوئی	حیدرآباد	هند
صدای ملیّون	فارسی	طهران	ایران
صوت المبلّغين	عربی	کربلاء	عراق
الفجر الجديد	»	بغداد	»
الكتّاب	»	»	»
کانون وکلا	فارسی	طهران	ایران

نام	لغت	محل صدور	
المنار	عربي	بصره	عراق
مجلة المجمع العلمي العراقي	«	بغداد	«
« « العربي بدمشق	«	دمشق	سوريه
منابع الثقافة الاسلامية	«	كربلاء	عراق
مجلة المكتبة العربية	«	قاهرة	مصر
« الجمعية الجغرافية العراقية	«	بغداد	عراق
مجاهد	فارسي	اصفهان	ايران
مردم شناسى	«	طهران	«
مكتب اسلام	«	قم	«
« تشيع	«	«	«
مجلة موسيقي	«	طهران	«
المنتظر	اردوئى	لاهور	پاكستان
النجف	عربي	نجف	عراق
النهج	«	صور	لبنان
نشريه كتابخانه ملي تبريز	فارسي	تبريز	ايران
نامه آستان قدس رضوي	«	خراسان	«
الوطن	عربي	بغداد	عراق
الواعظ	اردوئى	لكهنو	هند
هلال	فارسي	كراچي	پاكستان
يغما	«	طهران	ايران



-٦-
بازدید کنندگان و مطالعه کنندگان
از افتتاح کتابخانه تا پایان سال ۱۳۸۲

ازروز ۱۹ ذیحجة ۱۳۷۹ که کتابخانه رسماً افتتاح شدعدهٔ زیادی ازدانشمندان و اساتید و طلاب برای استفاده از انواع کتابها مراجعه و مطالعه کرده‌اند .

همچنین صد ها نفر از شخصیتهای علمی و فرهنگی که برای زیات از داخل و خارج عراق به نجف اشرف مشرف شده‌اند از کتابخانه بازدید کرده و بعضی از آنان در دفتر یاد بود کتابخانه مراتب تقدیر و اعجاب خود را از این خدمت بزرگ یادداشت فرموده‌اند از جمله :

هیئت فرهنگی پاکستانی بریاست پروفسور سید زوار حسین زیدی استاد تاریخ در دانشگاه لاهور .

جناب آقای عباس آرام وزیر خارجه فعلی ایران .

استاد بزرگوار جناب آقای محمود یونس رئیس دانشکده تربیت در دانشگاه اسلامیه جاکارتا .

استاد بزرگوار سفیر اندونزی در جمهوری متحده عربی .

استاد محمد اسعد سفر کمال وابسته فرهنگی اندونزی در قاهره .

اعضای بهداشت جهانی .

هیئت جمهوری متحده عربی واعضای اولین کنگره پزشگی که در ۲۹ رمضان ۱۳۸۱ بعضویت دکتر محمد ظواهری ودکترعبدالسلام بربری در بغداد تشکیل شد .

پروفسور اوتوشلن مدیر بانك ملی دانمارك .

استاد بزرگوار سید آشون نیر دبیر کل سازمان جهانگردی .

جمعیت طرفداران جوانان حلب بریاست سید محمد رومی و استاد جلال الدین ملاح مدیر کتابخانه ملی حلب .

دانشمند بزرگوار دکتر صلاح‌الدین منجّد .
استاد بزرگوار جناب آقای دکتر احمد فرهاد رئیس سابق دانشگاه تهران
جناب آقای دکتر تفضلی رئیس کتابخانه مجلس شورایملی ایران .
استاد مصباح امین قلیلات مدیر مدرسه عالیه ملی بیروت .
استاد بزرگوار سید فانی وابسته فرهنگی سفارت هند در بغداد .
دانشمند محترم دکتر آلویس واردنبرك که در علوم اسلامی از دانشگاه آمستردام هلند و دانشگاه میگل پاریس دکترا گرفته است .
و عدّه دیگری از شخصیتهای علمی که از همه آنان تشکر میشود .
و عدّه مطالعه کنندگان در سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ بقرار ذیل بوده است .

تاريخ	عدد مطالعه كنندگان		تاريخ	عدد مطالعه كنندگان	
تا پايان ذي‌الحجة ۳۸۰ هجـ	۲۲۷۹۰	نفر			
محرم	۸۱ تعطيلات تابستانى		محرم	۸۲ تعطيلات تابستانى	
صفر	«	«	صفر	«	«
ربيع الاول	۲۵۳٤	نفر	ربيع‌الاول	«	«
« الثاني	۲۲۷٤	«	« الثاني	٥۲۸٥	نفر
جمادي الاول	۳۲۳۸	«	جمادي‌الاول	٤٦٥٥	«
جمادي الثاني	۱۷۹۸	«	جمادي‌الثاني	٥۳۰٤	«
رجب	۲٤۰۹	«	رجب	۳٤۲۱	«
شعبان	۳۰۸۱	«	شعبان	٤۳٦۹	«
رمضان	۲۱٦۸	«	رمضان	۱۷۹٤	«
شوال	۲۱۲۹	«	شوال	۱٦۷۹	«
ذيقعدة	٥۹۲۹	«	ذيقعدة	۳٤۲۱	«
ذي‌الحجة	٤۲۱۲	«	ذي الحجة	۳۰۰۰	«

خلاصه

سنة	١٣٨٠	هج	٢٢٧٩٠	نفر
»	١٣٨١	»	٢٩٧٧٢	»
»	١٣٨٢	»	٣٢٩٢٨	»
	جمع		٨٥٤٩٠	»

- ٧ -

گزارش مختصری از دائرهٔ صحافی کتابخانه

اداره کتابخانه نهایت سعی و کوشش را در حفظ آثار نفیس و اموال و کتابهائی که به کتابخانه وارد میشود انجام میدهد تا این آثار برای همیشه باقی بماند و در نتیجه نام اهدا کنندگان آنها دائمی باشد الی ان یرث‌الله الارض ومن علیها . لذا هیچ کتابی‌در اختیار مطالعه کنندگان قرار نمیگیرد مگر اینکه صحافی و تجلیدآن بدست اساتید توانا که عمر خود را در این فنّ صرف کرده‌اند تکمیل گردد . و از سال ١٣٧٧ هج تا پایان سال ١٣٨٢ هج ١٠٧٩٢ جلد کتاب صحافی و تجلید شده است .

- ۸ -

هدایای کتابخانه

اداره کتابخانه بمنظور خدمت بعلم و نشر معارف اسلامی هدایای علمی به عنوان مبادله به کتابخانه‌های عمومی در نقاط مختلف گیتی ارسال میدارد و تاکنون بکتابخانهای ذیل هدایائی اهدا شده است :

کتابخانه	أمانة العاصمة	عمان
«	« القدس	قدس
«	ابو الکلام آزاد ـ دانشگاه علیگره ـ	علیگر ـ هند
«	الاصفیة	حیدر آباد ـ هند
«	عمومی بایزید	استانبول
«	شهرداری کرك	کرك ـ اردن
«	بریل «	لیدن ـ هلند
«	التوجیه «	بغداد
«	الجامعة العثمانیة	حیدر آباد ـ هند
«	دانشگاه کمبریج	لندن
«	جمعیة الاعمار و الاحسان	حلب
«	عمومی خدا بخش	پتنه ـ هند
«	« الخلیل	خلیل الرحمن ـ اردن
«	دار الکتب الوطنیة	حلب
«	عمومی رام الله	رام الله ـ اردن
«	« الرضا	رام پور ـ هند
«	« سالار جنك	حیدر آباد ـ هند



کتابخانه سلیمانیة	استانبول
« عمومی طالبیه	تبریز
« « غرب	همدان
المكتبة العامة	كرك ـ اردن
کتابخانه فاتح	استانبول
مكتبة المجمع العلمي العربي	دمشق
کتابخانه ملی	تبریز
« مدرسة الواعظين	لکهنو ـ هند
« مدرسهٔ شربیانی	نجف
« « اثنا عشری	کشمیر
« عمومی ناصریه	لکهنو ـ هند
« الوطنية الظاهرية	دمشق



تشکر و سپاسگزاری

اداره کتابخانه تشکرات صمیمانه خود را بحضور جناب اجل استاد حاج هاشم حاج عبدالباقی طیار بغدادی تقدیم میدارد معظم له در خدمت به کتابخانه و تحکیم این اساس مقدس ازتحمل هر نوعزحمت و مشقتی خودداری نفرموده است .

همچنین ازجناب آقای حاج مصطفی حیدری مدیر چاپخانه حیدری (تهران خیابان ناصرخسرو) نهایت تشکر را بعمل میآورد که در طبع کارهای چاپی کتابخانه نهایت کوشش را مبذول فرموده و بحساب خودشان مراجعات چاپی این مؤسسه را انجام داده اند.

درپایان نسبت بجمیع خدمتگزاران سپاسگزاری و از خداوند متعال توفیق همگی را در خدمت بعلم و فرهنگ و انسانیت مسئلت داریم .